در مقدمه

اما بعد پس بدرستیکه من در سن شود از برای او در انچه سوال میکند از ایشان از علم یقین
بیست سالکی تا انکه زیادت شد عمر از پنجاه سال مشتاق بودم بجمع کتابی که شامل باشد بر بابها و فصلها
که جامع زهد و موعظه و ترغیب فرمودن بطاعت و ترسانیدن از معاصی باشد از چیزها که نقل شده
از راویان نیکان تحت ورود شده بقران فوت داده شده ببرهان ضبط شده بسندها ربط داده شده
براهنمائی کشاینده دلها بردارنده غمها و من جهد میکردم بجمع این و مشتاق بودم بترتیب این ولیکن منع می
کرد مرا از این مانعها و مشغول میداشت مرا شغلها و ضعیف می شد نیت من بواسطه انکه میدانستم که
همت اهل زمان کوتاه است از رسیدن بکمترین فضلهای کذشته از بلند شدن بمرتبه عالیه ان پس از این
جهت اکر رغبت میکردم در این وقتی روی میکردانیدم از این مدتی تا انکه کذشت بر تردد خاطر من زمانها
و قرین شد بان سالها بعد از ان بحرکت امد خاطر من و یاد کرد ضمیر من که نهی از منکر از مرتبهای رفیع است
و در پند و موعظه منفعتهای بسیار چنانچه حق تعالی عز شانه فرموده و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین و
پند ده و موعظه کن پس بدرستیکه پند دادن سود میدهد مؤمنان را و فرموده عز شانه و ان لیس للانسان
الا ما سعی نیست مراد مرا مکر ثواب انچه سعی کند پس چون بیقین دانستم حقیقت این را و اراده کردم که سعی
کنم در این سعی نیکو و بروم در این راه و اکر چه باشد اندکی نظر کردم بکمی رغبت اهل زمان و ترک
خواهش ایشان در طلب دین و استخاره کردم از خدای سبحانه در جمع این پس ترتیب دادم این
کتاب را به نیکوترین ترتیبی و تمامترین زینتی و جمع کردم در این کتاب از انچه که در انست کشایش
دلها و نجات از هلاکتها راه نماینده براههای دین و کشاننده براه یقین و رفتم در این براه کوته
سخنی و اختصار و پرهیز کردم از دراز کردانیدن و کفتن بسیار و ابتداء کردم اول بذکر
یکانکی خداوند و عدل او و دوم بذکر پیغمبر و امامان علیهم الصلوة والسلام و بعد از
ان اوردم انچه که ذکر شد در فهرست کتاب زود واقف میشوی بران انشاء الله تعالی و نامیدم
این کتاب جامع الاخبار بعد از ان تضرع کردم بخدای تعالی که بکرداند این را رضا خود و بکرداند ما

پس در هر زمانی از ازمنه فرستاد رسولی تا از تغییر دین مانع

بدستیکه من درستن
باشد بر بابها و فصلها
از چیزها ئیکه نقلشده
ند ها ربط داده شده
تیب این ولیکن منع می
سطهٔ انکه میدانستم که
نهٔ عالیهٔ ان پس از این
تردد خاطر من زوما
ز مرتبهای رفیع است
ری تنفع المؤمنین و
ز شانه و ان لبس للامر
و اراده کردم کرسی
ل زمان و ترك
ترتیب دادم این
درانست کشایش
م در این براه کوته
م اول بذکر
سلام و بعد از
الله تعالی و نام مبد
شا خود و بکر اندام

هذا هو الکتاب المستطاب المسمّى بکاشف الاستار
فی ترجمة جامع الاخبار للعالم الزکی الالمعی شرف الدین
الخویدکی حشره الله مع محمّد و اله الطیّبین

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ثنا و شکر و سپاس حضرت حکیم خبیری را سزاوار است و ساحت عزت
منعم قدیری را روا است که بروفق حکمت بی انتهاء در طبق
کلمه رفع السّموات بغیر عمد ترونها اساس بنا افلاک بلند
رواق گردون با این عظمت از وهم و قیاس بیرون بعزّ اراده
کن فیکون او بی عماد و ستون برپا است و رزق راتبه
خواران در کارخانه رافت و رحمت بی چون او اماده
و مهیّا است و بمقتضای حکم کامله و قدرت شامله اقا
نوع انسان را در مقام و فضّلناهم علی کثیر ممّن خلقنا
تفضیلا بتشریف و لقد کرّمنا بنی ادم سرافراز و این صدف
پاک را بودیعت نهادن گوهر ادراک و نفس با طهر شرف
ارزانی داشت و با وجود خلقت عقل در ایشان ایشان
را بارسال رسل و انزال کتب بجهة اتمام حجّت در هر عصری
رسولی برگماشت رسلا مبشّرین و منذرین لئلّا یکون
للنّاس علی الله حجّة بعد الرسل و کان الله عزیزا حکیما
پس در هر زمانی ازاوند رهنما و رسولی تا از تغییر دین مانع

شود

شود از برای او در انچه سئوال میکند از ایشان از علم یقین **امّا بعد** پس بدرستیکه من در سن
بیست سالگی تا انکه زیادت شد عمرم از پنجاه سال مشتاق بودم بجمع کتابی که شامل باشد بر بابها و فصلها
که جامع زهد و موعظه و ترغیب فرمودن بطاعت و ترسانیدن از معاصی باشد از چیزها ئیکه نقل شده
از راویان نیکان تحیت و درود شده بر ایشان فوت داده شده بر ایشان ضبط شده بسندها ربط داده شده
براهنمائی کشاینده دلها بردارنده غمها و من جهد میکردم بجمع این و مشتاق بودم بترتیب این و لیکن منع می
کرد مرا از این مانعها و مشغول میداشت مرا شغلها و ضعیف می شد نیّت من بواسطه انکه میدانستم که
همّت اهل زمان کوتاه است از رسیدن بکمترین فضلهای ان گذشته از بلند شدن بمرتبه عالیه ان پس از این
جهت اگر رغبت میکردم در این وقتی روی میگردانیدم از این مدّتی تا انکه گذشت بر تردّد خاطر من روزها
و قرین شد بان سالها بعد از ان بحرکت امد خاطر من و یاد کرد ضمیر من که نهی از منکر از مرتبهای رفیع است
و در پند و موعظه منفعتهای بسیار چنانچه حقتعالی عزّ شانه فرموده و ذکّر فانّ الذّکری تنفع المؤمنین و
پند ده و موعظه کن پس بدرستیکه پند دادن سود میدهد مؤمنان را و فرموده عزّ شانه و ان لیس للانسان
الّا ما سعی نیست مر ادمیرا مگر ثواب انچه سعی کند پس چون بیقین دانستم حقیقت این را اراده کردم که سعی
کنم در این سعی نیکی و برو در این راه و اگرچه باشد اندکی نظر کردم بکمی رغبت اهل زمان و ترک
خواهش ایشان در طلب دین و استخاره کردم از خدای سبحانه در جمع این پس ترتیب دادم این
کتابرا بنیکوترین ترتیبی و بتمامترین زینتی و جمع کردم در این کتاب از انچه که در دانست گشایش
دلها و نجات از ملالها راه نماینده براههای دین و کشاننده براه یقین و رفتم در این براه کوته
سخنی و اختصار و پرهیز کردم از دراز گردانیدن و گفتن بسیار و ابتداء کردم اوّل بذکر
یگانگی خداوند و عدل او و دوّم بذکر پیغمبر و امامان علیهم الصّلوة و السّلام و بعد از
ان اوردم انچه که ذکر شد در فهرست کتاب زود واقف شوی بر ان انشاء الله تعالی و نامیدم
این کتاب بجامع الاخبار بعد از ان تضرّع کردم بخدای تعالی که بگرداند این را رضا خود و بگرداند ما

از انان که متقیان و خدا ترسانند بدستیکه او بهترین امید داشته شدگان و کریمترین طلب
کرده شدگانست و کافیست مرا او و نیکو وکیلی است **باب اول** در این سه فصلست
فصل اول در شناسائی خدا تعالی **فصل دوم** در یگانگی خدا **فصل سیم**
در عدل **باب دوم** و در ان پانزده فصل است فصل اول در فضائل پیغمبر صلی الله
علیه و اله فصل دوم در فضائل علی علیه السلام فصل سیم در فضائل ائمه معصومین علیهم السلام
فصل چهارم در فضائل شیعه علی ع فصل پنجم در فضائل پدران پیغمبر صلی الله علیه و اله و
علی ع و مادران ایشان فصل ششم در بزرگوار داشتن اولاد پیغمبر ص فصل هفتم در زیارت
پیغمبر ص فصل هشتم در زیارت امیر المؤمنین ع فصل نهم در زیارت حسن بن علی ع فصل
دهم در زیارت حسین بن علی علیهما السلام فصل یازدهم در زیارت امامان بقیع علی بن الحسین
و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السلام فصل دوازدهم در زیارت موسی بن جعفر علیهما السلام
فصل سیزدهم در زیارت علی بن موسی الرضا ع فصل چهاردهم در زیارت محمد بن علی التقی علیهما السلام
فصل پانزدهم در زیارت علی بن محمد النقی **باب سوم** و در ان هفت فصل است فصل
اول در دانستن ایمان فصل دوم در دانستن اسلام فصل سوم در دانستن مؤمن و نشانیهای
او فصل چهارم در بیان حق مؤمن بر مؤمن فصل پنجم در بیان حال مؤمن فصل ششم در برادران
مؤمن و دیدن ایشان فصل هفتم در دوستی کردن در راه خدا و دشمنی کردن در راه خدا
باب چهارم و در ان نه فصل است فصل اول در وضو و چگونگی ان فصل دوم در ذکر
وجوب پنج نماز در پنج وقت فصل سوم در ذکر سبب ثواب اذان گفتن و انکه جواب میدهند
مؤذن را فصل چهارم در فضل مسواک کردن فصل پنجم در ثواب ادا کردن پنج نماز فصل ششم
در عقوبت ترک کننده نماز فصل هفتم در فضیلت ثواب نماز شب فصل هشتم در فضیلت
و ثواب نماز جماعت و عقوبت ترک کننده جماعت فصل نهم در انچه سنت است گفتن ان در وقت

داخل شدن مسجد و نزد بیرون امدن از ان و ذکر عقوبت خواب کردن در مسجد و ذکر ثواب
چراغ روشن کردن در ان **باب پنجم** و در ان سه فصل است فصل اول در گفتن لا اله الا الله
و سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر و بزرگی یاد کردن خدا را فصل دوم در گفتن استغفر الله فصل
سوم در فضیلت صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و اله **باب ششم** و در ان چهار فصل است فصل
اول در ادا کردن زکوة فصل دوم در فضل روزه داشتن ماه رمضان و غیر ان فصل سوم در فضل
جهاد کردن فصل چهارم در ذکر فایدهٔ بعضی از انچه واجب کرده است خدا تعالی از ایمان اوردن
و نماز کردن و زکوة دادن و غیر ان **باب هفتم** و در ان هفت فصل است فصل اول در فضیلت
عدل فصل دوم در یاری کردن مؤمن فصل سیم در شاد کردانیدن مؤمن فصل چهارم در ازار کردن
مؤمن فصل پنجم در ظلم کردن فصل ششم در رشوه فصل هفتم در ثواب باز دادن حقوق به صاحبان
ان **باب هشتم** و در ان هشت فصل است فصل اول در فضل زن و شوهر کردن او فصل دوم
در انچه سنت است در وقت داخل شدن عروس در خانه و بیان وقتهائیکه نیکو ست و وقتهائی
که بد است از برای جماع کردن فصل سوم در ثواب خدمت کردن بعیال فصل چهارم در انچه سزاوار
است کردن ان کسی را که ارادهٔ فرزند دارد فصل پنجم در ثواب از جهت فرزندان فصل ششم در
عقوبت انکه راضی است که زینت کند زنش و بیرون رود از خانه فصل هفتم در عقوبت دشنام دادن
زنان فصل هشتم در عقوبت دیدن نامحرم **باب نهم** و در ان هشت فصلست فصل اول در
فضیلت ترک دنیا و رغبت کردن در اخرت فصل دوم در بر انگیزانیدن بترس خدا تعالی و امید داشتن
بوی فصل سوم در فضیلت اخلاص در عمل فصل چهارم در فضل بر گزیدن فرمان خدای تعالی بر فرمان نفس
فصل پنجم در توکل فصل ششم در بلا فصل هفتم در فضیلت صبر فصل هشتم در فضیلت شکر **باب
دهم** و در ان سه فصلست فصل اول در فضل دعا و دعاهائیکه ذکر شده است فصل دوم در وقتهای
دعا فصل سوم در ذکر موخر شدن اجابت دعا **باب یازدهم** و در ان پنج فصل است فصل اول

در صفت فقر و فقیران فصل دوم در چیزهائیکه سبب روزی میشود فصل سوم در فضیلت
بخشش و برگزیدن دیگران بر خود فصل چهارم در آنچه مستحق میشود سائل بطلب او فصل پنجم در آنچه
وارد شده است در باز گردانیدن سائل **باب دوازدهم** و در آن ده فصل است فصل
اول در کشتن مؤمن فصل دوم در ربا و سود فصل سوم در زنا فصل چهارم در لواط که آنرا وطی غلام
گویند فصل پنجم در غیبت فصل ششم در بهتان فصل هفتم در دروغ فصل هشتم در خمر و شراب
فصل نهم در شطرنج فصل دهم در غنا و خوشخوانی و در شنیدن آن و در طنبور **باب سیزدهم**
و در آن هفت فصل است فصل اول در عیادت و دیدن بیمار و شستن میت فصل دوم در ثواب مؤمن
بسبب مردن او در هر روزی از روزهای هفته فصل سیم در پیروی کردن جنازه و نماز کردن بر میت فصل
چهارم در عقوبت وصی بواسطه وفا نکردن بوصیت فصل پنجم در ثواب گور کندن و سؤال قبر و صفت
مرگ فصل ششم در حال میت وقت بیرون آمدن روح از وی و حال روح در حال خواب و بیداری
و در حال و بعد از جدائی بدن و نکته چند در حال خواب دیدن فصل هفتم در صفت بهشت و نعمت آن
باب چهاردهم در خبرهای متفرقه مشتمل بر سی و چهار فصل فصل اول در مدح توبه و حقیقت
آن فصل دوم در فضل سلام کردن فصل سوم در فضل روز جمعه فصل چهارم در تفصیل قول
رسول الله صلی الله علیه و آله که دشمنی مکنید با ایام که او دشمنی کند با شما فصل پنجم در حال مرد چون داخل
شود در صباح و آنچه لازم شود او را فصل ششم در فضل موی سفید و پیری فصل هفتم در مدح باز
داشتن زبان از کلام بیمعنی فصل هشتم در مذمت دشنام دادن بر زنان یا مردان فصل نهم در آنچه وارد
شده است در ترغیب تقیه فصل دهم در فرو بردن خشم فصل یازدهم در ثواب مؤمن بسبب زیاد شدن
عمر او و در فضل او و بسبب رسیدن او بچهل سال بعد از آن بپنجاه سال بعد از آن بشصت سال بعد از آن
بهفتاد سال بعد از آن بهشتاد بعد از آن بنود فصل دوازدهم در روز یکه نیکوست در آن ناخن گرفتن
و روز یکه نیکو نیست در آن ناخن گرفتن فصل سیزدهم در ذکر زینت بلا و زینت نسب و زینت کلام و زینت

اسلام و غیر آن فصل چهاردهم در ذکر آنچه سبب منزلت و رفعتست و آنچه سبب بزرگواریست و آنچه
سبب توانگریست و غیر آن فصل پانزدهم در خبرهای از خلق خدا فصل شانزدهم در آنچه در عقب کوه
قافست فصل هفدهم در ذکر زمان بدیکه ترسانیده است پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم امت خود را از زمان فصل
هجدهم در وعظ گفتن فصل نوزدهم در فضل انگشتر عقیق و غیر آن فصل بیستم در فضل کسب حلال
فصل بیست و یکم در مذمت دنیا فصل بیست و دوم در مذمت حسد فصل بیست و سیم در مذمت
غضب فصل بیست و چهارم در آنچه وارد شده است در چشم زخم و دوای آن فصل بیست و پنجم در مدح
صله رحم فصل بیست و ششم در مدح خلق نیکو فصل بیست و هفتم در آنکه روزی مقدّر است فصل بیست و
هشتم در فضل علم و عالم فصل بیست و نهم در فضل قرآن و خواندن آن فصل سیام در فضل بسم الله
الرحمن الرحیم فصل سی و یکم در مدح قرآن خوان برای خدا و در مذمت قرآن خوان برای غیر خدا و در ثواب
تعلیم فرزند قرآن را فصل سی و دوم در فضل نیکی کردن با پدر و مادر فصل سی و سوم در خبرهای متفرقه
فصل سی و چهارم در امرهای بزرگ **باب اول** و در آن سه فصل است **فصل اول** در معرفت
و شناختن خداوند فرمود خدای تعالی فاعلم انه لا اله الا الله یعنی بدان بدرستیکه نیست هیچ خدائی سزاوار پرستش
مگر الله و فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله که داناترین شما بذات خود داناترین شماست بپروردگار پرسیدند
امیر المؤمنین علیه السلام را از دانستن وجود خدا گفت شتر دلالت میکند بر شتران و سرگین خر دلالت
میکند بر خران و نشان قدم دلالت میکند بر راه روان پس آسمان بلند با این لطافت و نازکی و زمین پست
با این پری چگونه دلالت میکند بر خداوند لطیف خبیر و فرمود آنسرور که بکردار خدا دلیل آورده میشود بر وجود
او و بعقل اعتقاد میشود بشناختن او و بفکر ثابت میشود حجت او و معروفست بدلیلها و مشهور است
بحجتها پرسیدند از امام جعفر صادق علیه السلام که چیست دلیل بر آفریننده عالم گفت می‌بینی حصار نرم
هموار شده که نیست هیچ شکافی در آن و نه رخنه ظاهر آن از نقره ایست روان و در آن طلائیست روان
میشکافد و بیرون میاید طاوس و کلاغ و کرکس و گنجشک پس میدانی که این آفریدگاریست از علی بن

موسی الرضا علیهما السلام مرویست که گفت حدیث کرد مرا پدر من از پدران خود از حسین بن علی
علیهم السلام که او گفت که پرسید یهودی از امیر المؤمنین علیه السلام و گفت خبر ده مرا از آنچه نمیدانند
خدا و از آنچه از آن نیست نزد خدا و از آنچه نیست آن از برای خدا پس فرمود امیر المؤمنین ع که اما آنچه نمیداند
خدا که نمیداند او را باشد فرزندی و اما آنچه نیست نزد خدا پس نیست نزد خدا ظلم بر بندگان و اما آنچه
نیست از برای خدا پس نیست خدا را شریکی پس گفت یهودی اشهد ان لا اله الا الله و ان علیا ولی الله و فرمود
انس و در که آمد مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و گفت چیست سر علم گفت شناختن
خدای تعالی چنانچه حق شناسائی اوست گفت چیست حق شناسائی او فرمود شناختن تو او را
که بی مثل و مانند است و بدانی او را که خدائیست یگانه آفریننده با قدرت اول لیست پیش از همه چیز و آخری
است بعد از فنای همه چیز ظاهر است وجود او بدلایل و پنهانست ذات او بحقیقت نیست همتا او را و نیست
مثل او را پس اینست شناسائی خدا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که فاضل ترین شما است از
ایمان فاضلترین شما است از شناسائی خدا و پرسیدند از امیر المؤمنین علیه السلام که بچه وجه شناختی
پروردگار خود را فرمود بآنچه شناسانید بمن نفس خود مرا و تشبیه نمیشود بصورتی و قیاس نمیشود بآدمیان
نزدیک است در حالیکه دور است و دور است در حالیکه نزدیکست فوق همه چیز است در حالیکه چیزی در
تحت او نیست و در تحت همه چیز است و حال آنکه گفته نمیشود که چیزی بر فوق اوست پیش همه چیز است و گفته
نمیشود که چیزی در عقب همه چیز است و گفته نمیشود که چیزی در پیش اوست داخل در همه چیز است
نه مانند چیزی که در چیزی باشد پاک و منزه است خداوندی که چنین است و نیست چنین خدائی
غیر او **فصل دوم** در یگانگی خدا فرمود خدای تعالی در سوره بقره و الهکم اله واحد لا اله الا
هو الرحمن الرحیم یعنی خدای شما معبودیست یگانه نیست هیچ معبودی مستحق عبادت مگر خداوند یگانه
این صفت را دارد رحمن و رحیم است مرویست از علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدران خود از علی
ابن ابیطالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود یگانگی خدا نصف دین است و گفت اعرابی

قول ان مخالفا رسول الله صلعم

یهودی نزد علی بن ابیطالب علیه السلام و گفت او را که چگونه است پروردگار ما فرمود علی علیه السلام
گفته نمیشود که چگونه است مگر چیزی را که موجود نبوده باشد پس موجود شود و حال آنکه موجود نیست بی
موجود شدن موجود نیست بچونی که موجود شده باشد موجود نیست بچونی که بوده باشد هست همیشه
بیچون میباشد همیشه و موجود بیچون بود قبل از همه قبل بدون آنکه باشد قبل قبل از وی پس نیست او را
نهایتی و نه منتهای نهایتی در نهایتی که باشد در آن نهایتی بتحقیقیکه جمع شده است نهایت نزد او و او است
نهایت همه چیز و پرسیدند از حضرت صادق علیه السلام معنی قول خدای تعالی که الرحمن علی العرش استوی
گفت یعنی و مساویست علم او به همه چیز پس نیست چیزی نزدیکتر بوی از چیزی و پرسیدند محمد بن الحنفیه را از
معنی صمد گفت فرمود علی علیه السلام که معنی صمد آنستکه نیست او را اسمی و نه جسمی و نه مثلی و نه شبهی
و نه صورتی و نه مثالی و نه حدی و نه تعریفی و نه موضوعی و نه مکانی و نه چونی و نه آنکه پرسند او را
مکانی و نه جائی و نه آنکه بچه امر است و نه بر چه چیز است و نه آنکه خالیست از او چیزی و نه آنکه پنهانست
از او چیزی و نه ایستادنی و نه نشستنی و نه سکونی و نه حرکتی و نه ظلمانیست و نه نورانیست و نه روحانی
است و نه نفسانیست و نه خالی از وی موضعی و نمیگنجد او را موضعی و نیست او را رنگی و نمیگذرد او
بر دلی و پوشیده نمیشود بوی خبر است از جمیع این چیزها و داخل شد امام زین العابدین علیه السلام در مسجد
مدینه پس دید قومی را که با هم بحث و نزاع میکنند پس گفت ایشان را که در چیست نزاع شما گفتند در توحید
فرمود امام ع که عرض کنید بر من گفتار خود را پس گفتند بعضی از آن قوم که بدرستیکه خدای تعالی شناخته
میشود بآفریدن آسمانها را و زمین را و در جمیع مکانهاست پس گفت ایشان را امام زین العابدین ع
که بگوئید نور است که نیست هیچ ظلمتی در روی و حیوتیست که نیست مردنی در روی بعد از آن گفت نیست
مثل او هیچ چیز و اوست شنوا و بینا صفت او شبیه نیست هیچ صفت پس او چنین است و فرمود علی
ابن موسی الرضا علیهما السلام که هر کس که شریک گرداند خدا را بخلق او پس او مشرکست و هر که وصف
کند او را بمکانی پس او کافر است و هر که نسبت دهد بوی آنرا که نیست در وی پس او کاذبست بعد از آن

تلاوت کرد این ایه را اِنَّمَا یَفْتَرِی الْکَذِبَ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِآیَاتِ اللّٰهِ وَاُولٰئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ یعنی بر نمی‌بافند دروغ را مگر آنانکه نمی‌گروند بآیات خدا و ایشان ایشانند که دروغ گویانند و پرسیدند از امیر المؤمنین علیه السلام که چیست دلیل بر اثبات پروردگار فرمود که سه چیز گردانیدن حال وضعیف شدن عضوها و گسستن همت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بدرستی که خدای تبارک و تعالی وعده داد مرا که هر که اقرار کند از ایشان بیگانگی خدا پس او راست بهشت و گفت که نیست جزای آنکه انعام کند خدا بروی بتوحید خود را الا بهشت و میفرمود امام جعفر صادق که هر که گمان کند که خدا در چیز است یا از چیز است یا بر چیز است بتحقیق که مشرکست زیرا که اگر باشد بر چیزی هر آینه خواهد بود که برداشته شده باشد و اگر باشد از چیزی هر آینه خواهد بود که نو حادث شده باشد و اگر باشد در چیزی هر آینه خواهد بود در حصار

فصل سیم

در عدالت فرمود خدای تعالی در سورهٔ یونس اِنَّ اللّٰهَ لَا یَظْلِمُ النَّاسَ شَیْئًا وَلٰكِنَّ النَّاسَ اَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ یعنی بدرستیکه خدای تعالی ستم نمیکند بر بندگان بچیزی ولکن بندگان بنفسهای خود ستم میکنند و فرمود در سورهٔ آل عمران وَمَا اللّٰهُ یُرِیدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ یعنی خداوند اراده ستم نمیکند بر بندگان خود و در سورهٔ زمر فرمود وَلَا یَرْضٰی لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ یعنی نمی پسندد خدا از برای بندگان خود کفر را و در سورهٔ بقره فرمود یُرِیدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْیُسْرَ وَلَا یُرِیدُ بِكُمُ الْعُسْرَ میخواهد خدا بشما آسانی را و نمیخواهد بشما دشواری و فرموده است در سورهٔ نحل اِنَّ اللّٰهَ یَاْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ وَاِیتَاءِ ذِی الْقُرْبٰی وَیَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْیِ یعنی بدرستیکه خدا امر میکند و میفرماید بانصاف و نیکوئی کردن و بخشش کردن بخویشان و منع میکند از فحش و قبح و بدی و ستم و روایت کرده حریز بن عبدالله از امام جعفر صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود مردمان در قدر بر سه نوعند مردی که اعتقاد میکند که خدا جبر میکند بر بندهٔ خود را بر گناهان پس این مرد نسبت ظلم میدهد بخدا در حکم او پس او کافر است و مردیکه اعتقاد میکند که خدا امر و کار را باز میگذارد بر بندگان خود پس او ضعیف میداند قدرت خدا را پس او کافر است و مردیکه اعتقاد میکند که خدای تعالی تکلیف

میکند بندگان را بآنچه قدرت دارند بآن و تکلیف نمیکند بایشان بآنچه قدرت ندارند بآن پس چون فعل نیکو کند الحمد لله گوید و چون کار بدی کند استغفر الله گوید پس او است مسلمان در بلندترین مرتبهٔ مسلمانی و روایت کرده عباد بن صهیب که ابو حنیفه سؤال کرد از امام موسی علیه السلام در وقتیکه آنحضرت جوان نو رسیده بود و گفت از جانب کیست گناه ای جوان گفت [illegible] هر امری خالی نیست از یکی از سه حال یا آنکه از جانب خداست یا از جانب بندگان یا از جانب خدا و بندگان جمیعاً پس اگر باشد از جانب خدا پس بندگان از آن بیگناه باشند و اگر باشد از جانب خدا و بندگان باهم پس ایشان دو شریک باشند یکی از آن دو قوی‌تر از دیگری و جایز نیست شریک قوی‌تر را اگر ستم کند شریک ضعیف‌تر را با آنکه شرکت کند با وی در گناه و تنها گناه کند او را در عقوبت پس باقی نماند الا آنکه باشد گناهان از بندگان پس بر خواست ابو حنیفه و بوسید میان دو چشم وی و گفت تو پسر رسول خدائی بحق

باب دویم

در این نیز فصل است

فصل اول

در فضل پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است خدای تبارک و تعالی در سورهٔ آل عمران لَقَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ اِذْ بَعَثَ فِیهِمْ رَسُولًا مِنْ اَنْفُسِهِمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَیُزَكِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَاِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُبِینٍ یعنی هر آینه بتحقیق که منت نهاد خدای تعالی بر مؤمنان چون فرستاد در میان ایشان پیغمبری از جنس ایشان که میخواند بر ایشان آیتهای خدا و پاک می گرداند ایشان را و تعلیم میکرد ایشان را قرآن و کتاب حدیث بدرستی که بودند مردمان پیش از فرستادن پیغمبر در گمراهی ظاهر و روشن حدیث کرد ما را محمد بن علی بن ماجیلویه گفت حدیث کرد ما را عم من محمد ابن ابی القاسم از احمد بن هلال از فضل بن دکین از معمر بن راشد گفت شنیدم از امام جعفر صادق صلوات الله علیه که میفرمود آمد مردی یهودی بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم پس ایستاد پیش آنسرور و تیز نظر کرد بوی پس فرمود آنحضرت ای یهودی چیست حاجت تو گفت تو فاضل تری یا موسی بن عمران که سخن گفت با وی خدای تعالی و فرو فرستاد بروی توریة و عصا را و شکافت برای او دریا را و سایه انداخت بروی ابر پس گفت او را پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم که مکروه است بنده را که تزکیه کند نفس خود را ولیکن میگویم

که چون آدم ع رسید بگناه توبه روی آن بود که گفت خدایا بدرستیکه سؤال میکنم از تو بحق محمد وآل محمد که
بپوشی گناه مرا پس امرزید خدای تعالی او را و بدرستیکه نوح علیه السلام چون سوار کشتی شد و ترسید از
غرق شدن گفت خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو بحق محمد وآل محمد که برهانی مرا از غرق شدن پس رهانید
او را خدای تعالی از غرق و بدرستیکه ابرهیم علیه السلام چون افتاده شد در آتش گفت خداوندا بدرستی که سؤال
میکنم از تو بحق محمد وآل محمد که برهانی مرا از آتش پس گردانید آنرا خدای تعالی بر وی سرد و سلامت و بدرستیکه
موسی ع چون انداخت عصا را و انداخت در دل خود ترس و بیم را گفت خدایا بدرستیکه سؤال میکنم از تو
بحق محمد وآل محمد که ایمن گردانی مرا ازین پس فرمود خدای عز و جل مترس بدرستیکه تو غالب میگردی ای
یهودی بدرستیکه موسی ع اگر میدید مرا بعد از آن ایمان نمی آورد بمن و بپیغمبری من نفع نمیداد او را ایمان او
چیزی و نفع نمیداد او را پیغمبری او ای یهودی از فرزندان من مهدی است که چون خروج کند فرود آید عیسی بن
مریم ع بیاری او پس پیش دارد عیسی او را و نماز کند در عقب او و گفت شیخ فقیه ابو جعفر محمد بن علی بن حسین
ابن موسی بن بابویه قمی که حدیث کرد مرا حسین بن احمد بن محمد بن ادریس رحمه الله گفت حدیث کرد ما را احمد بن محمد
ابن عیسی بن محمد بن ضحاک گفت خبر کرد ما را عزیز بن عبد الحمید از اسمعیل بن طلحه از کثیر بن عمیر از جابر بن عبد الله
انصاری گفت شنیدم از رسول خدا صلعم که میفرمود بدرستیکه خدای تعالی خلق کرد مرا و خلق کرد علی و فاطمه و حسن و
حسین و امامان را از یک نور پس فشرد این نور را بیک فشردن پس بیرون آمد از آن شیعیان ما پس تسبیح گفتیم یعنی سبحان الله
گفتیم پس ایشان تسبیح گفتند و ما تقدیس گفتیم پس ایشان تقدیس گفتند و ما لا اله الا الله گفتیم پس ایشان
لا اله الا الله گفتند پس ما تمجید گفتیم پس ایشان تمجید گفتند و ما توحید گفتیم پس ایشان توحید گفتند
پس بعد از آن خلق کرد خدای تعالی آسمانها را و زمین را و خلق کرد ملئکه را پس ماندند ملائکه صد سال که نمی
دانستند تسبیحی و نه تقدیسی و نه تمجیدی پس تسبیح گفتیم ما و تسبیح گفتند شیعیان ما پس تسبیح گفتند ملئکه بواسطه
تسبیح ما و تقدیس گفتیم ما و تقدیس گفتند شیعیان ما پس تقدیس گفتند ملئکه بسبب تقدیس ما و تمجید
گفتیم ما و تمجید گفتند شیعیان ما پس تمجید گفتند ملائکه بسبب تمجید ما پس توحید گفتیم ما و توحید گفتند

شیعیان ما پس توحید گفتند ملئکه از برای توحید ما و بودند ملئکه که نمیدانستند تسبیحی و نه تقدیسی
و نه تهلیلی پیش از تسبیح ما و تسبیح شیعیان ما پس ما موحدانیم در وقتیکه نبود هیچ موحدی غیر از ما و سزاوار
است بخدای تعالی که چنانچه خاص گردانید ما را و خاص گردانید شیعیان ما را که فرود آورد ما را و شیعیان
ما را در اعلی علیین بدرستی که خدا برگزید ما را و برگزید شیعیان ما را پیش از آنکه روح ما ببدن ما قرار
گیرد پس خواند ما را و جواب دادیم پس امرزید ما را و شیعیان ما را پیش از آنکه طلب امرزش کنیم از خدای تعالی
حدیث کرد ما را محمد بن ابرهیم طالقانی گفت حدیث کرد ما را عبد العزیز بن یحیی جلودی در بصره گفت
حدیث کرد ما را عبد الواحد بن غیاث گفت حدیث کرد ما را ابو عوانه از عثمان بن مغیره از ابی صادق
از ربیعه بن ماجد از امیر المؤمنین علیه السلام گفت شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود بدرستی
که خدای تبارک و تعالی خلق کرد مرا و خلق کرد علی را و فاطمه را و حسن و حسین را از یک نور

فصل دوم

در بیان بعضی از فضایل امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام گفت خدای تبارک و تعالی در سوره مائده اِنَّما
وَلِیُّکُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا یُقِیمُونَ الصَّلوٰةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکوٰةَ وَهُمْ رَاکِعُونَ یعنی نیست ولی و حاکم
و سازنده کارهای شما مگر خدا و رسول خدا و آنکسانیکه ایمان آورده اند و این صفت دارند که برپا میدارند نماز را
و میدهند زکوة را در حال رکوع مفسران قرآن از شیعه و سنی همه متفقند که علی بن ابیطالب ع در مسجد
رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز میکرد در حال رکوع فقیری طلب و سؤال کرد آنحضرت در آن حال انگشتر خود
بوی داد خدای تعالی این آیه را در شأن او فرستاد حدیث کرد ما را حاکم رئیس امام محمد حاکم ابو منصور علی بن زیادی
ادام الله اجلاله بطریق نوشتن در خانه خود در روز یکشنبه دوم ماه رمضان المبارک در سال پانصد و هشت
حدیث کرد ما را شیخ امام ابو عبد الله جعفر بن محمد دوریستی بطریق کتابت او در این قصبه در آخر ماه
ذی الحجه در سال چهارصد و هفتاد و چهار گفت حدیث کرد مرا سعد بن عبد الله گفت حدیث کرد مرا شیخ
ابو جعفر محمد بن علی بن حسین رضی الله عنه گفت حدیث کرد مرا محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از پدر خود از محمد
ابن سنان از زراره بن اعین الشیبانی که گفت شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت چون بیرون آمد رسول خدا

بمکه در حجة الوداع پس چون بازگشت از مکه و در روایتی دیگر هست که در حالیکه مشایعت و پیروی میکردند
دوازده هزار مرد از یمن و پنج هزار مرد از مدینه امد جبرئیل ع در راه و عرض کرد یا رسول الله بدرستی که خدا
تعالی میرساند بتو سلام و خواند این ایه را یا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا اُنْزِلَ اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ یعنی ای پیغمبر برسان
بخلق انچه فرود امده است بتو یعنی در امر خلافت و امامت علی علیه السلام از جانب پروردگار تو پس گفت
رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم یا جبرئیل مردمان زمانند کیست که بعهده اسلام امده اند و میترسم که
پراکنده شود و فرمان نبرند پس جبرئیل علیه السلام باسمان بمکان خود رفت و فرود امد بروی در روز
دوم در حالیکه رسول خدا ص فرود امده بود در قریه و گفت ای محمد یا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا اُنْزِلَ اِلَیْکَ
مِنْ رَبِّکَ وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ یعنی ای رسول برحق برسان بخلق انچه فرود امده است بتو در
امر خلافت علی ع از جانب پروردگار تو و اگر نرسانیدی پس تبلیغ نکرده رسالتهای او را پس فرمود رسول
خدا ص یا جبرئیل میترسم از اصحاب خود که مخالفت کنند مرا پس جبرئیل ع باسمان بمکان خود رفت و فرود امد
بروی روز سیم در وقتیکه رسول خدا ص در موضعی بود که انرا غدیر خم گویند و گفت ای یا رسول الله بَلِّغْ مَا
اُنْزِلَ اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ یعنی ای رسول برحق برسان
بخلق انچه فرود امده است بتو در امر خلافت علی ع از جانب پروردگار تو و اگر نرسانیدی پس تبلیغ
نکردی رسالتهای او را و خدا نگاه میدارد ترا از شر مردمان پس چون شنید رسول خدا ص این
سخن را فرمود مردمان را که بخوابانید شترهارا که بخدا سوگند نمیروم ازین مکان تا انکه برسانم رسالت
پروردگار خود را فرمود که ساختند از برای وی منبری از جهاز شتران و بران منبر بالا رفت و با خود
برد علی ع را و ایستاد بران منبر و خواند خطبه بلیغه را و وعظ گفت دران و منع کرد مردمان را از بدی
بعد از ان فرمود در اخر کلام خود ای مردم ایا من نیستم سزاوارتر بشما از نفسهای شما گفتند بلی یا رسول الله
تو سزاوارتری بما از نفسهای ما بعد از ان فرمود برخیز یا علی پس برپا ایستاد علی ع پس گرفت رسول خدا
دست او را و بلند کرد انرا تا انکه دیده شد سفیدی زیر بغل او و بعد از ان گفت اگاه باشید که هر کس که من بوده مولای

او پس این علی مولای اوست بار خدایا دوستی کن با هر کس که دوستی کند با علی و دشمنی کن با هر کس
که دشمنی کند با علی و یاری کن با هر کس که یاری کند با علی و خواری کن با هر کس که خواری کند با علی بعد از
ان فرود امد از منبر و امدند اصحاب نزد امیر المؤمنین علیه السلام و مبارک باد گفتند او را بولایت و امامت
و اول کسیکه تبریک و تهنیت گفت بوی عمر بن الخطاب بود که گفت یا علی در صباح گشتی مولای من
و مولای مؤمنین و مؤمنات و فرود امد جبرئیل ع این ایه را اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی
وَرَضِیتُ لَکُمُ الْاِسْلَامَ دِینًا یعنی در این روز کامل گردانیدم از برای شما دین شما را بولایت علی بن
ابیطالب ع و تمام کردم بر شما نعمت خود را بظاهر کردن ان و اختیار کردم برای شما اسلام شما را دینی
نیکو پسندیده از حضرت صادق ع از قول خدا تعالی یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها فرمود میشناسند نعمت
روز غدیر را و انکار میکنند انرا در روز سقیفه پس رخصت طلب کرد حسان بن ثابت که بگوید چند بیت از شعر
در شان انروز پس رخصت داد او را رسول خدا ص پس انشاد کرد شعری که مضمون ان بفارسی این است ندا
کرد ایشانرا روز غدیر خم پیغمبر ایشان و بشنو رسول را که بچه ندا میکند پس مخصوص کرد خلافت را بعلی ع
غیر از جمیع مردمان و نام کرد او را بعزت برادر خود پس فرمود بمردمان کیست مولای شما و ولی شما گفتند
در حالیکه نبود در میان ایشان دشمنی که اله تو مولای ماست و تو ولی ما و نیست ترا از ما در گفتن
هیچ نافرمانی پس فرمود بعلی ع برخیز یا علی بدرستیکه من پسندیدم ترا بعد از خود بامامت و در انوقت
دعا کرد که خداوندا دوست دار دوستدار علی را و دشمن دار دشمن علی را پس فرمود بحسان رسول خدا اگر
همیشه ای حسان مؤید باشی بجبرئیل ما دامیکه یاری میکنی ما را بزبان پس چون سه روز گذشت و نشست رسول
خدا ص در جای خود امد او را مردی از بنی مخزوم که نام او عمر بن عتبه بود و در روایتی دیگر حارث بن نعمان فهری و
گفت یا محمد میپرسم تو را سه مسئله پس فرمود رسول خدا ص بپرس از هر چه میخواهی گفت خبر ده ما را از گفتن اشهد
ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله ایا از جانب تو است یا از جانب پروردگار تو پس انحضرت فرمود ان وحی است از
جانب خدا تعالی بمن و قاصد ان جبرئیل است و نرسانند ان من و نرساند مگر از جانب پروردگار خود گفت پس خبر ده مرا از

وزکوة وحج وجهاد کرا یا از تواست یا از جانب پروردگار تو پس فرمود بوی پیغمبر صلی الله علیه وآله مثل انکه اول فرمود کفت پس خبر ده مرا از اینمرد یعنی علی بن ابیطالب ع وکفتار تو در حق وی که من کنت مولاه فعلی مولاه یعنی هر که من بودم مولای او پس علی مولای اوست تا اخر ان ایا از جانب تو ست یا از پروردگار تو فرمود پیغمبر ص که وحی بسوی منست از جانب خدا تعالی وفاصدان جبرئیل است ورساننده ان منم ونرسانیدم مکر از امر پروردگار خود پس بر داشت انمرد مخزومی سر خود را باسمان وکفت بارخدایا اگر محمد راست میکوید در انچه کفت پس بفرست بر من زبانه از اتش وبازگردید غضبناک پس سوکند بخدا که نرفت دور تا انکه سایه انداخت بر سر وی ابری سیاه وصدا کرد وبرق کرد وصاعقه کرد پس رسید صاعقه وسوخت او را پس فرود امد جبرئیل ع وعرض کرد بخوان یا محمد سَئَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ خواست خواهنده عذابی را که واقع است بکافران نیست مر انرا دفع کننده از عذاب خداوند صاحب درجات وخواهنده عذاب عمر بن عتبه مخزومی است پس فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله اصحاب خود را ایا دیدید کفتند بلی فرمود ایا شنیدید کفتند بلی پس کفت خوشا حال انکسیکه دوستی کند با علی ووای بر انکه دشمنی کند با علی وکویا من نظر میکنم بعلی وشیعه او در روز قیامت که میبرند ایشانرا در حالیکه سوارند بر شتران در مرغزار بهشت بصورت جوانان که نیست ریش در بدن وروی ایشان هیچ موی تاج بر سر نهاده سر مه کشیده نیست ایشانرا هیچ ترسی ونه غمی یاد کردند بخشنودی خداوند اکر اینست رستکاری عظیم تا انکه ساکن شوند در حظیره قدس در جوار رب العالمین از برای ایشانست در ان هر چه خواهد انرا نفسها ولذت یابد از ان چشمها وایشان دران دایمند وکویند ایشانرا فرشتکان سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار وروایت کرد سعید بن جبیر بروایات صحیحه از ابن عباس که کفت فرمود رسول خدا ص ولایت ودوستی علی بن ابیطالب علیه السلام ولایت خداست ومحبت او عبادت خداست ومتابعت او فریضه خداست ودوستان او دوستان خدایند ودشمنان او دشمنان خدایند وجنگ او جنگ خداست وصلح او صلح خداست ودر روایت شده است از حضرت صادق ع از پدرش از پدران او علیهم السلام که کفت فرمود رسول خدا ص که امد مرا جبرئیل ع از جانب

پروردگار من پس کفت یا محمد بدرستیکه خدا تعالی میخواند ترا سلام ومیکوید ترا که بشارت ده برادر خود علی را بانکه من عذاب نمیکنم هر کس را که دوستی میکند با وی ورحم نمیکنم هر کس را که دشمنی میکند با وی ودر روایت شده بسند درست از جابر بن عبد الله انصاری که او کفت بتحقیقیکه شنیدم از رسول خدا ص که او فرمود در علی علیه السلام خصلتهاست که اگر میبود یکی از انها از برای جمیع مردمان کافی بود ایشانرا همان فضل قول رسول خدا صلی الله علیه وآله من کنت مولاه فعلی مولاه هر که من بودم مولای او پس علی مولای اوست وقول او صلی الله علیه وآله که علی از منست ومن از اویم وقول او ص که علی از منست همچون نفس من طاعت او طاعت منست ومعصیت او معصیت منست ونافرمان برداری او معصیت من است وقول انسرور که فرمود علی از من چون هرونست از موسی وقول او صلی الله علیه وآله که جنگ علی جنگ خدا است وصلح علی صلح خداست وقول او ص که دوست علی دوست خداست ودشمن علی دشمن خداست وقول او ص که علی حجت خداست وخلیفه اوست بر بندکان او وقول او ص که محبت علی ع ایمانست وبغض او کفر است وقول او ص که لشکر علی ع لشکر خداست ولشکر دشمنان علی لشکر شیطانست وقول انسرور که فرمود علی ع با حق است وحق با اوست جدا نمیشوند از یکدیگر تا وارد شوند بر من در حوض وقول او ص که علی قسمت کننده بهشت ودوزخست وباز فرمود هر که جدائی کند با علی ع بتحقیق که جدائی کرده است با من وهر که جدائی کند با من بتحقیق که جدائی کرده است با خدای عز وجل وفرمود انسرور شیعه علی ع ایشانند که رستکارانند در روز قیامت حدیث کرد ما را احمد بن صایغ کفت حدیث کرد ما را عیسی بن محمد علوی کفت حدیث کرد ما را ابو عوانه کفت حدیث کرد ما را محمد بن سلیمان بن بزیع الخراز کفت حدیث کرد ما را اسمعیل بن ابان از سلام بن ابی عمر خراسانی از معروف خربوذ مکی از ابی طفیل عامر بن واثله وحذیفة بن اسید غفاری کفت فرمود رسول خدا ص ای حذیفه بدرستیکه حجت خدا بر شما بعد از من علی بن ابیطالب علیه السلام است کفر بوی کفر بخداست وشرک بوی شرک بخداست وشک بوی شک در خداست وملحد شدن در وی ملحد شدن در خداست وانکار او انکار خداست وایمان بوی ایمان بخداست زیرا که او برادر رسول خداست

ووصی او و امام امت او و مولای ایشانست و اوست حبل الله المتین و عروة الوثقی لا انفصام لها و زود
باشد که هلاک کردند درو دو نوع از مردمان و او را گناهی نباشد یکی دوستی که از حد بگذرد در دوستی
و دیگری دشمنی که با وی دشمنی کند یا حذیفه جدائی مکن البته با علی که با من جدائی کرده باشی و مخالفت علی
مکن که با من مخالفت میکنی بدرستی که علی از منست و من از ویم هر که او را خشنود کرداند البته مرا خشنود
کرده است و هر که او را راضی کرداند مرا راضی کرده است حدیث کرد ما را احمد بن حسن قطانی گفت حدیث
کرد ما را عبد الرحمن بن محمد حسنی گفت حدیث کرد ما را محمد بن ابرهیم بن محمد فزاری گفت حدیث کرد
عبد الله بن یحیی اهوازی گفت حدیث کرد مرا ابو الحسن علی بن عمرو گفت حدیث کرد مرا حسن بن محمد بن
جمهور گفت حدیث کرد مرا علی بن بلال از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام از پدران خود از امیر المؤمنین
از پیغمبر ص از جبرئیل از میکائیل از اسرافیل از لوح از قلم که گفت میفرماید خدای تبارک و تعالی که ولایت
علی بن ابیطالب حصن و حصار منست پس هر که داخل حصار من گردد ایمن شود از آتش من حدیث کرد ما را
علی بن احمد بن عبد الله بن احمد بن ابیعبد الله برقی از پدر خود از جد خود احمد بن عبد الله از پدر خود از محمد بن خالد
از غیاث بن ابرهیم از ثابت بن دینار از سعید بن طریف از سعید بن جبیر از ابن عباس که گفت فرمود رسول
خدا صلی الله علیه و آله که ای علی من شهر علمم و تو در آن شهری و هیچکس داخل شهر نمیشود مگر از جانب در
دروغ میگوید هر کس که دعوی دوستی کند با من و دشمن بدارد ترا از برای آنکه تو از منی و من از توام گوشت
تو گوشت منست و خون تو از خون من است و روح تو از روح منست و باطن تو از باطن منست و ظاهر تو
از ظاهر منست و تو امام امت منی و خلیفه منی بر ایشان بعد از من نیکبخت گردید هر کس که فرمان تو
برد و بدبخت گردید هر کس که نافرمانی تو کرد فایز گردید هر که با تو دوستی کرد و زیان کرد هر کس با تو دشمنی
کرد و نیکبخت شد هر کس با تو بود و هلاک شد هر کس از تو جدا شد مثل تو مثل امامان که از فرزندان
تواند بعد از من مثل کشتی نوح است هر کس که سوار شد در آن نجات یافت و هر کس که باز گردید از آن غرق
شد و مثل شما مثل ستارگانست که هر گاه غایب شد ستاره دیگر بیرون آید ستاره تا روز قیامت فرمود حضرت

رسولخدا صلی الله علیه و آله که حق علی ع بر مسلمانان چون حق پدر است بر فرزندان و فرمود آنسرور
که هر که دوست دارد علی را او دوستی کند با وی بزرگوار کرداند او را خدا و نزدیک کرداند او را و هر که دشمن
دارد علی را و با وی دشمنی کند دشمن دارد او را خدا و خوار کرداند او را و فرمود رسولخدا صلی الله علیه و آله
هر کس دوست دارد علی علیه السلام را هست اصل او پاکیزه و هر که دشمن دارد او را پشیمان شود در روز
قیامت و فرمود حضرت رسول ص هر کس دوست دارد علی ع را هست براهی راست و صواب و هر کس دشمن دارد
او را نیابد از خیر هیچ بهره و نصیبی و فرمود رسولخدا ص یا علی هر کس که دوست دارد ترا بتحقیق که دوست دارد مرا
و هر که دوست دارد مرا بتحقیق که دوست دارد خدا را و هر کس دشمن دارد ترا بتحقیق که دشمن دارد مرا و هر کس
دشمن دارد مرا بتحقیق که دشمن دارد خدا را و هر کس که دشمن دارد خدا را بر وی است لعنت خدا و فرشتگان
و آدمیان جمیعا و فرمود رسولخدا ص هر کس ظلم کند با علی عمدا بعد از وفات من پس چنان باشد که منکر باشد
پیغمبری مرا و پیغمبری پیغمبران را قبل از من و فرمود رسولخدا ص اگر بسنجند ایمان علی علیه السلام را با ایمان اهل
زمین البته راجح میاید ایمان علی و روایت شده بسند صحیح که فرمود رسولخدا ص که مبارزت علی بن ابیطالب ع
با عمرو بن عبدود در روز خندق فاضلتر است از عبادات امت من تا روز قیامت فرمود رسولخدا ص هر کس
که دوست دارد علی علیه السلام را بتحقیق که راه راست یافته و هر کس دشمن داشت او را بتحقیق که از خدا درگذشت
حدیث کرد ما را محمد بن ابرهیم بن اسحق ره گفت حدیث کرد ما را عبد العزیز بن یحیی بصری گفت حدیث کرد ما را
محمد بن زکریای جوهری از محمد بن عماره از پدر او از حضرت صادق جعفر بن محمد از پدران او علیهم السلام که فرمود
رسولخدا ص بدرستیکه خدای تبارک و تعالی قرار داد برای برادر من علی بن ابیطالب ع فضایل بیشمار پس هر که
ذکر کند یکی از فضایل او را که مقر باشد بان بیامرزد خدا از وی آنچه پیش کرده است از گناه و آنچه کند بعد
از آن و اگر چه بیاید در قیامت با مثل گناه آدمیان و جنیان و هر کس که بنویسد یک فضل از فضایل علی بن
ابیطالب ع همیشه فرشتگان طلب آمرزش کنند از برای او ما دامیکه باقی باشد از آن کتابت نشانی و هر کس بشنود
یک فضل از فضایل او بیامرزد خدا جمیع گناهان او را که بگوش کرده است و هر کس نظر کند بیک فضل از

فضایل او بیامرزد خدا جمیع گناهان او را که بنظر کرده است بعد از آن فرمود رسول خدا صلعم نظر کردن بعلی بن
ابیطالب عبادتست و قبول نمیکند خدا ایمان بندهٔ را مگر بولایت و دوستی او و دشمنی با دشمنان او **فصل**
سیم در بعضی از فضایل دوازده امام علیهم السلام فرمود خدای تبارک و تعالی در سورهٔ بقره وَكَذَٰلِكَ
جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ ... وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا و هم چنین گردانیدیم شما را امامان معصوم
از آل محمد گروهی بهترین خلقها نید از برای آنکه باشید حجت خدا بر خلق و باشد رسول گواه شما روایت کرد محمد
ابن عبد الله کوفی از موسی بن عمران نخعی از عم او حسین بن یزید از حسن بن ابی حمزه از پدرش از یحیی بن ابی القسم
از حضرت صادق علیه السلام از پدرش از جدش تمام از رسول خدا صلعم فرمود امامان بعد از من دوازده هند اول
ایشان علی بن ابیطالب علیه السلام است و آخر ایشان قائم ایشانند خلیفهای من و وصیان من و ولیان من و حجتهای خدا
بر امت من بعد از من هر که اقرار کند بایشان مؤمن است و هر که انکار ایشان کند کافر است و روایت کرد حسن
ابن محبوب از ابی جارود از جابر بن عبد الله انصاری گفت که داخل شدم بر فاطمه علیها السلام و در پیش او لوحی
بود و در آن ثبت بود اسم وصیان از فرزندان او پس شمردم دوازده بود آخر ایشان قائم بود و چهار از ایشان
علی و گفت فرمود رسول خدا صلعم که امامان بعد از من دوازده هند بعدد نقیبان و پیشوایان بنی اسرائیل جمیع
ایشان امینانند و فرمود رسول خدا صلعم حسین بن علی علیهما السلام را که تو امامی برادر امامی پدر نه امامی
که هم ایشانست قائم ایشان پرهیزکارانند معصومانند و گفت حدیث کرد مرا ابو محمد بن خالد گفت
حدیث کرد مرا جد من ابو الفضل گفت حدیث کرد مرا ابو الحسین طاهر بن اسمعیل خثعمی گفت حدیث کرد مرا احمد
ابن کراه بغدادی گفت حدیث کرد مرا عبید بن موسی بن سفیان القمی گفت حدیث کرد مرا قطب بن خلیفه
کنانی گفت حدیث کرد مرا ابو خالد بن عبد الله والبی گفت حدیث کرد مرا جابر بن سمرة عامری گفت شنیدم
رسول الله صلعم که میفرمود ضرر نمیرساند این دین را آنانکه در عقب آیند تا آنکه بگذرد دوازده امام کل ایشان از
قریش و باین اسناد از ابی خالد از ابی طفیل عامر بن واثله گفت آمد عبد الله بن مسعود بکوفه پس جمع شدند نزد وی
مردمان و شنیدند از وی احادیث پس برخواست بسوی وی مردی و گفت یا عبد الله آیا خبر کرد شما را پیغمبر

شما که چند خواهند بود بعد از وی خلیفه پس سر بر داشت و گفت اینمسئله را نپرسید از من یکی تا
آمدم بعراق بلی پرسیدیم او را از عدد خلیفهای او بعد از وی پس فرمود آنسرور که دوازده هند بعدد
نقبای بنی اسرائیل حدیث کرد ما را پدرم مره سعد بن عبد الله از ابی الحسین صالح بن ابی حماد از بکر بن
صالح از عبد الرحمن بن سالم از ابی بصیر گفت فرمود امام جعفر صادق علیه السلام گفت پدر من جابر بن
عبد الله انصاری را مرا بتو کاریست کدام وقت تو را آسانست که با تو خلوت کنم و بپرسم تو را از آن گفت
او را جابر هر وقت که خواهی پس خلوت کرد با وی در وقتی از وقتها پس گفت او را یا جابر خبر کن مرا از لوحی
که دیدی آنرا در دست مادر من فاطمه سلام الله علیها دختر رسول خدا صلعم و آنچه خبر داد تو را بآن که در آن لوح
نوشته شده است عرض کرد جابر گواه میگیرم خدا را که من داخل شدم بر مادر تو فاطمه ع در حیوة رسول خدا صلعم
که مبارک باد دهم او را بولادت حسین ع پس دیدم در دست وی لوحی سبز گمان بردم که از زمرد است
و دیدم در آن نوشتهٔ سفید مثل نور آفتاب پس گفتم او را که پدر و مادرم فدای تو باد ای دختر رسول خدا چیست
این لوح فرمود این لوح را هدیه فرستاده است خدا رسول خود را که در آنست اسم پدر من و اسم شوهر من
و اسم دو پسران من و اسم وصیان از فرزندان من و داده است این را پدر من تا آنکه شاد گرداند مرا باین پس داده
بمن آنرا مادر تو علیها سلام الله و من نوشتم آنرا پس فرمود ای جابر میتوانی بنمائی آنرا بمن گفت بلی پس رفت با
او پدر من و بیرون آورد او بسوی پدر من صحیفهٔ از پوست و گفت پدر من ای جابر نظر کن در کتاب خود تا من بخوانم
بر تو پس نظر کرد جابر و خواند پدر من پس خلاف نداشت بحرفی بحرفی پس گفت جابر گواهی میدهم که من چنین
دیده ام این لوح را که در آن نوشته بود بسم الله الرحمن الرحیم این کتابیست از جانب خداوند توانای بسیار دانای بمحمد
پیغمبر و نور و قاصد و پرده دار و رهنمای او که فرود آورد آنرا روح الامین که جبرئیلست از پروردگار عالمیان تعظیم
کن یا محمد نامهای مرا و شکر کن نعمتهای مرا و منکر مباش نیکوئیهای مرا بدرستیکه منم الله که نیست خداوندی غیر
از من شکنندهٔ ستمکاران و یاری دهندهٔ مظلومان و جزا دهندهٔ روز جزا منم الله که نیست خداوندی غیر از من یگانه
پس هر که امید دارد غیر فضل مرا یا ترسد غیر عذاب مرا عذاب کنم او را عذابی که عذاب نکرده باشم مثل آن هیچکس را

از عالمیان پس همین مرا بندگی کن و همین بر من توکل کن بدرستیکه من نفرستادم هیچ پیغمبر که تمام کرد دروز او
و سرآمد مدت او الا انکه گردانیدم از برای او وصیی و فاضلتر گردانیدم تو را بر جمیع پیغمبران و فاضلتر گردانیدم
وصی تو را بر جمیع وصیان و اکرام کردم تو را بدو فرزند او که فرزندزادهٔ تو حسن و حسین است بعد از وی پس گردانیدم
حسن علیه السلام را معدن علم و حسین علیه السلام را خزینهٔ وحی و اکرام کردم او را بشهادت و ختم کردم از برای وی
بسعادات پس او فاضلترین شهیدانست و رفیع ترین شهیدانست در درجه و گردانیدم کلمهٔ تامهٔ خود را باوی و حجت
بنهایت رسیده نزد وی بسبب فرزندان وی ثواب میدهم و عقوبت میکنم اول ایشان سید عابدانست و زینت
اولیای گذشته و پسر او که مانند جد اوست محمود محمد باقر که دانای علم منست و معدن حکمت من زود باشد که
هلاک شوند انانکه شک کنند در جعفر منکر وی چون منکر منست و واجبست بر من که البته بزرگوار گردانم جعفر
را و البته شاد گردانم شیعیان و تابعان و یاران و دوستان او و او برگزیدم بعد از وی موسی را و البته دفع میکنم بوی
فتنهٔ سخت بسیار باریک را زیرا که رشتهٔ فرض من قطع نمیشود و حجت من پنهان نمیشود و بدرستیکه اولیای من
بدبخت نمیشوند آگاه باش هر که منکر شود یکی از ایشان را بدرستیکه منکر شده است نعمت مرا و هر کس متغیر کند آیهٔ
از کتاب مرا بتحقیق که افترا بسته است بر من وای بر افترا بندان و منکران و در وقت سرآمدن مدت بندهٔ من موسی
که دوست من و برگزیدهٔ من است بدرستیکه دروغ دارندهٔ امام هشتم دروغ دارندهٔ جمیع اولیای منست و او علی
ولی من و ناصر من است و اینچنان کسی است که بر داشتهام بر وی تعب پیغمبری را و ازمودهام او را بقوة میکشد او را دیو صفتی
بد شکلی منکری دفن میشود در شهری که بنا کرده است آن را بندهٔ صالح بپهلوی بدترین خلق من واجبست این قول بر
من که روشن گردانم چشم او را بمحمد پسر و خلیفهٔ او بعد از وی پس او وارث علم منست و معدن حلم من و موضع سر
من و حجت من بر خلق ایمان نیاورد بوی هیچ بندهٔ الا انکه بگردانم بهشت را جای وی و قبول کنم شفاعت او را
در هفتاد کس از اهلبیت او که جمیع ایشان مستوجب دوزخ باشند و ختم کنم بسعادات از برای پسر او علی که ولی
من و یاری کنندهٔ من و گواه در خلق من و امین بر وحی من بیرون اورم از وی خوانندهٔ براه من و خزینه دار علم من
حسن را بعد از آن تمام گردانم این را بپسر او محمد از برای رحمت عالمیان بر وی است کمال موسی و صفای عیسی و صبر

ایوب زود باشد که خوار شوند اولیای من در زمان او و هدیه فرستاده شود سرهای ایشان چنانچه هدیه
فرستاده میشود سرهای ترکان و دیلم پس کشته میشوند و سوزانده میشوند و میباشند خایف و ترسیده
شده و رنگین میشود زمین بخونهای ایشان و فاش میگردد واویلا و مصیبت در زنان ایشان و ایشانند
اولیای من بحق و بواسطهٔ ایشان دفع میکنم جمیع فتنهای سخت تاریک را و بواسطهٔ ایشان دفع میکنم زلزلها
و برطرف میکنم سختیها و تنگیها را ایشانند که بر ایشانست صلوات از جانب پروردگار ایشان و رحمت
و ایشانند که هدایت کرده شدگانند گفت ابوبصیر اگر نشنوی تو از دین خود مگر این حدیث را البته کافیست
ترا پس حفظ کن این را مگر از اهل این

فصل چهارم

در فضایل شیعهٔ علی علیه السلام روایت شده
از انس که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله بدرستیکه خدای تبارک و تعالی بر می انگیزاند روز قیامت
بندگانی را که بیرون میاید از روهای ایشان نوری از جانب راست عرش و از جانب چپ آن بمنزلهٔ پیغمبران و بمنزلهٔ
وصیان و نیستند از پیغمبران و نه از وصیان و بمنزلهٔ شهیدان و نیستند از شهیدان پس برخواست شخصی و گفت
یا رسول الله من از ایشانم فرمود نه بعد از آن گذاشت دست خود را بر سر علی علیه السلام و فرمود او و شیعه اوست
و روایت شده از سوید بن غفله که بیرون آمد امیر المؤمنین علی علیه السلام از در مسجد کوفه پس رسید بنزد جمعی
از مردمان و گفتند السلام علیک یا امیر المؤمنین پس علی ع فرمود من نمیشناسم شما را گفتند بوی که ما از اصحاب
تو و از شیعیان توایم پس فرمود آن سرور که از برای چه نمی بینم در شما علامت شیعیان را گفتند او را که چیست علامت
شیعیان فرمود تر و تاریکست چشمهای ایشان از گریه خالیست شکمهای ایشان از گرسنگی خشک است لبهای ایشان
از تشنگی خم شده است پشتهای ایشان از سجود خوشبو است دهنهای ایشان از ذکر ایشان از منند و من از ایشانم و
فرمود رسول الله ص یا علی بشارت ده شیعیان خود را و یاران خود را بده خصلت اول بحلال زادگی ایشان دوم
ایمان ایشان سیم دوستی خدا عز و جل چهارم فراخی قبر پنجم نور بر صراط برابر چشم ایشان ششم برداشتن درویشی
از چشمهای ایشان هفتم دشمنی خدا عز و جل با دشمنان ایشان هشتم ایمنی از خوف نهم ریختن گناهان و سیئهها از ایشان
دهم انکه ایشان با منند در بهشت و من با ایشانم از سدیر صیرفی که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

که پیغمبر فرمود شیعیان ما جمیع در بهشتند نیکان ایشان و بدان ایشان و ایشان زیادتی دارند بعد از آن بکردار فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که شیعهٔ علی ع را سبک مشمارید بدرستیکه مردی از ایشان مردی از ایشان شفاعت میکند بعدد قبیلهٔ ربیعه و مُضَر و روایت شده است باسناد درست از ابن ابی الخطاب که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله هر کس ارادهٔ توکّل دارد بر خدا باید دوست دارد اهلبیت مرا و هر کس که ارادهٔ حکمت دارد باید دوست دارد اهلبیت مرا و هر کس که ارادهٔ دخول بهشت دارد بی حساب باید که دوست دارد اهلبیت مرا بخدا سوگند که دوست نمیدارد ایشانرا هیچ کس الّا آنکه فایده میکند در دنیا و آخرت و شنیدم از زید بن علی که روایت کرد از پدر خود از جد خود علیهم السلام که گفت مؤمن بیرون رود از دنیا و بروی باشد مثل گناهان اهل زمین البته مرگ کفّارهٔ این گناهانست بعد از آن فرمود هر که بگوید لا اله الّا الله باخلاص پس او بیزار است از شرک و هر که بیرون رود از دنیا در حالیکه شرک نداشته بود بخدا داخل بهشت شود بعد از آن خواند این آیه را انّ الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء من شیعتک و محبّیک یا علی بدرستیکه خدا نیامرزد این گناه که شرک او د شود بوی و می‌آمرزد غیر این گناه از هر که خواهد از شیعیان و دوستان تو یا علی فرمود امیر المؤمنین علیه السلام گفتم یا رسول الله این از برای شیعهٔ منست فرمود بلی سوگند بخدا که این از برای شیعهٔ تواست و بدرستیکه بیرون می‌آیند ایشان از قبرهای خود در حالیکه میگویند لا اله الّا الله محمّد رسول الله علی بن ابیطالب حجّة الله پس می‌آورند جامهای سبز از بهشت و تاجها با زینت از بهشت و شتران نیکو از بهشت پس میپوشند هر یک از ایشان جامهٔ سبز و میگذارند بر سر تاج ملک و پادشاهی و تاج پوش کرامت پس سوار شتران میشوند و میبرند ایشانرا بهشت غمگین نمیگردانند ایشانرا فزع و ترس بزرگ و استقبال میکنند ایشانرا فرشتگان و میگویند اینست آن روزی که وعده داده بودند شما را بآن و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله سبک مدارید درویشانرا که شیعهٔ علی علیه السلام و اولاد وی اند بعد از وی بدرستیکه مردی از ایشان شفاعت میکند بعدد قبیلهٔ ربیعه و مُضَر و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله بسا ژولیده موی خاک آلوده صاحب دو جامهٔ کهنه رانده شده از درها اگر قسم خورد بخدا وفا کند بآن و گفت حدیث کرد مرا ابو عبد الله احمد بن عبدون بزاز در مدینة السلام در سال چهارصد و یک و من پسر

بیست و دو ساله بودم و بود این مرد معروف بابن عاشر گفت حدیث کرد مرا ابو الفضل محمّد بن عبد الله شیبانی گفت حدیث کرد مرا احمد بن عبد الله عبرانی گفت حدیث کرد مرا عبد الله بن موسی از محمّد بن سنان از محمّد بن مفضل از موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود بیرون آمد امیر المؤمنین ع روزی بصحراء کوفه تا نماز کند در آن پس بعقب او رفتند قومی پس رو کرد بایشان و فرمود ایشانرا کیستید شما گفتند ما شیعیان توایم یا امیر المؤمنین فرمود نمی‌بینم نشانهٔ شیعه در شما گفتند چیست نشان شیعه گفت زردی روها از بیخوابی و تری چشمها از گریه و خشکی لبها از تشنگی و لاغری شکم از روزه و خم شدن پشتها از نماز بر ایشانست غبار ترسندگان و فرمود امیر المؤمنین ع بیازمائید شیعهٔ مرا بدو خصلت پس اگر هست در ایشان این دو خصلت پس ایشان شیعیان منند نگاه داشتن ایشان وقتهای نماز را و برابر داشتن خود را با برادران مؤمن بمال و اگر نباشد این دو خصلت دوری پس دور شو بعد از آن دور شو

فصل پنجم

در پدران پیغمبر و علی و مادران ایشان صلوات الله علیهم اجمعین

روایتست از علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی گفت حدیث کرد مرا ابو عبد الله جعفر نجار دوریستی گفت حدیث کرد مرا پدرم محمّد بن احمد گفت حدیث کرد مرا شیخ ابو جعفر محمّد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی گفت حدیث کرد مرا یحیی بن احمد بن یحیی گفت حدیث کرد مرا عبد العزیز بن عبد الصمد گفت حدیث کرد مرا مسلم ابن خالد مکی گفت حدیث کرد مرا جابر بن عبد الله انصاری گفت پرسیدم از رسول خدا ص از ولادت امیر المؤمنین علی علیه السلام پس فرمود آنحضرت بدرستیکه پرسیدی مرا از بهترین مولودی که زائیده شد بعد از من مانند مسیح ع بدرستیکه خدای تعالی آفرید مرا و علی را از یک نور پیش از آنکه بیافریند خلق را بده هزار سال پس بودیم ما سبحان الله میکنیم پس چون آفرید خدا آدم ع را گردانید ما را در پشت وی و ما و او بپاکی یاد میکردیم پس قرار و آرام گرفتم من در پهلوی راست او و علی در پهلوی چپ او و بعد از آن نقل فرمود ما را از پشت وی در پشتهای پاکان بشکمهای پاکیزه کان و همیشه چنین بود تا آنکه بیرون آورد مرا از پشت پاک عبد الله بن عبد المطّلب و سپرد مرا بهترین شکمها که شکم آمنه بنت وهب بن عبد منافست بعد از آن بیرون آورد خدای تبارک و تعالی علی را از پشت ابو طالب و سپرد او را بهترین شکمها که آن شکم فاطمه بنت اسد است گفت ابو طالب در وقتی که گذشته بود سه ساعت شب گرفت فاطمه درد انچه

میکرد زنان نزد زائیدن پس گفتم او را که چیست حال تو ای بهترین زنان گفت ای بابا دردی پس خواندم
بروی آنچه که در آنست رستگاری پس ساکن شد بعد از آن خواندم زنان را تا یاری کنند او را در کار او پس چون
زائید او مانند آفتاب بود در وقت طلوع پس بسجده رفت و گفت اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و
اشهد ان محمدا عبده و رسوله و گفت بدو ختم میکند خدا پیغمبری را و بمن تمام میکند وصیت را بعد از آن چون
گذاشتم او را در کار بانگ برداشت که السلام علیک ای مادر من چیست خبر پدر من گفت در نعمتهای خدا باز
میگردد و در دوستی او تنعم میکند گفت کجا یا رسول الله بدرستیکه مردمان میگویند که ابو طالب کافر مرد
یا جابر پروردگار تو داناتر است بغیب بدرستیکه شبی که مرا باسمان بردند رسیدم بعرش پس دیدم چهار نور پس گفتند
مرا که این جد تو است عبد المطلب و این عم تو است ابو طالب و این پدر تو است عبد الله و این پسر عم تو است
جعفر بن ابیطالب پس گفتم الهی بچه یافتند این درجه را گفت بپوشانیدن ایمان و ظاهر کردن کفر را تا وقت مرگ

فصل ششم در بزرگوار داشتن فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود خدای تبارک و تعالی به پیغمبر خود
قُل لا اَسئَلُکُم عَلَیهِ اَجراً اِلَّا المَوَدَّةَ فِی القُربی یعنی بگو یا محمد نمیخواهم از شما مزدی مگر دوستی فرزندان و گفت
رسول الله صلعم واجبست شفاعت من از برای هر که یاری کند فرزندان مرا بدست خود و زبان خود و مال خود
گفته است ابن بابویه ره در کتاب امالی که فرمود رسول خدا صلعم که چون بایستم در مقام محمود شفاعت کنم صاحبان
گناهان کبیره را از امت خود پس قبول میکند خدا شفاعت مرا در حق ایشان و بخدا سوگند شفاعت من قبول
نشود در حق آنان که آزار کردند ذریه مرا و گفت نیز در امالی که فرمود رسول خدا صلعم هر که نیکی کند یکی را از اهل بیت
من در دنیا بمالی جزا دهم او را در روز قیامت ثواب بسیار و روایت شده از حضرت رسول صلعم که فرمود چهار کس من
شفیع ایشانم در روز قیامت اگر چه آورده باشند گناهان اهل دنیا را بزرگوار دارنده ذریه من و قضا کننده حاجتهای
ایشان و سعی کننده از برای ایشان در وقت اضطرار ایشان و دوست دارنده ایشان بدل و زبان خود و فرمود پیغمبر
صلعم بزرگوار دارید فرزندان صالح مرا از برای خدا و بدان ایشان را از برای من و روایت شده از حضرت صادق ع
که آنحضرت فرمود آمرزش مکن با یکی از اولاد علی ع از برای آنکه تو چون آمرزش میکنی با ایشان زشت میدانی جمیع را و لیکن

دوست دار ایشان را بدل و باید که باشد دوستی تو از دور **فصل هفتم** در زیارت پیغمبر صلی الله علیه
و آله روایت شده از حضرت صادق ع از پدران خود از امیر المؤمنین ع که فرمودند رسول خدا ص هر که زیارت کند مرا بعد از
مردن من چنان باشد که آمده باشد نزد من در زندگی من پس اگر قدرت نباشد شما را بفرستید بمن سلام که بدرستیکه آن
میرسد و فرمود پیغمبر ص هر کس بیاید بزیارت من شفیع او باشم در روز قیامت و هر که بیاید در مکه بحج و زیارت نکند مرا بمدینه
بتحقیق که جفا کرده است بمن و هر که جفا کند مرا جفا کنم او را در روز قیامت و فرمود آنحضرت هر که زیارت کند مرا
بعد از مردن من چنان باشد که زیارت کند مرا در زندگی من و باشد همسایه من در روز قیامت و پرسیدند حضرت
صادق ع را که چیست از برای آنکه زیارت کند رسول خدا ص را فرمود هر که زیارت کند رسول خدا ص را چنان باشد
که زیارت کرده باشد خدا عز و جل را در عرش و مؤلف گوید که معنی این تشبیه آنستکه از برای زیارت کننده پیغمبر
ص از ثواب و اجر عظیم و بزرگواری در روز قیامت مثل آنکه رفیع گردانیده است او را خدا تعالی باسمان خود و نزدیک
گردانیده است او را بعرش که برداشته اند از فرشتگان و نمانده است بسوی ملک خاص خود را آنچه باشد بواسطه تاکید
بزرگواری است و نیست این مثل آنچه گمان میبرند که مقتضی تشبیه است و قبض شد روح مطهر او در حالیکه زهر داده بودند
او را در مدینه روز دوشنبه که دو شب باقی بود از ماه صفر در سال یازدهم از هجرت و عمر شریف او شصت و سه سال
بود و قبر شریف منورش در مدینه در حجره که وفات یافت در آن و زهر داد او را زنی بعد از آنکه بازگشت از جنگ خیبر
پس این لقمه همیشه بود تا آنکه پاره کرد رگ دل او را **فصل هشتم** در زیارت علی علیه السلام که روایت است از
حضرت صادق ع بدرستیکه درهای آسمان گشاده میشود وقتی که دعا کند زیارت کننده امیر المؤمنین علیه السلام پس مباش
از خیر غافل و فرمود حضرت صادق ع هر که ترک کند زیارت امیر المؤمنین ع را نظر نکند خدا عز و جل بسوی او آیا زیارت نمیکنید
شما آنکس را که زیارت میکنند او را فرشتگان و پیغمبران بدرستیکه امیر المؤمنین ع فاضلتر است از جمیع امامان است و از برای او است
مثل ثواب عملهای ایشان و قبض شد روح مطهر او در حالیکه کشتند او را در کوفه در شب جمعه بود نوزدهم ماه رمضان
در سال چهلم از هجرت و عمر شریف او در آن روز شصت و سه سال بود و قبر شریف آن بزرگوار در غری است که از نجف
کوفه است و کشنده او عبد الرحمن بن ملجم است علیه لعنة الله و الملئکة و الناس اجمعین **فصل نهم** در ثواب

زیارت حسن بن علی علیهما السلام و روایت شده از حضرت امام جعفر صادق ع از پدران او علیهم السلام که ایشان
فرمودند رسیده است بما که روزی حسن بن علی ع در کنار حضرت رسول صلعم بود ناگاه سر برداشت و گفت ای پدر
من چیست از برای آنکه زیارت کند ترا بعد از مرگ تو فرمود ای پسر من هر که بیاید مرا بزیارت بعد از مرگ من
او راست بهشت و هر که بیاید بزیارت پدر تو بعد از مرگ او او راست بهشت و هر که بیاید بزیارت برادر
تو بعد از مرگ او او راست بهشت و هر که بیاید بزیارت تو بعد از مرگ تو او راست بهشت و قبض شد روح
مطهر آنسرور بمدینه در حالیکه زهر داده بودند او را در ماه صفر سال چهل و نهم از هجرت و سن شریف چهل و
هفت بود و قبر او در بقیع است بمدینه رسول الله صلعم زهر داد او را زن او و اسماء بنت اشعث کندی لعنة الله علیها

فصل دوم در زیارت حسین بن علی علیهما السلام پرسیدند از حضرت صادق ع از زیارت امام حسین ع
فرمود خبر داد مرا پدر من و فرمود که هر که زیارت کند قبر حسین علیه السلام را در حالیکه شناسد حق او را نوشته می
شود از برای او بهشت بعد از آن فرمود که دور قبر او چهل هزار فرشته اند ژولیده موی خاک آلود که گریه میکنند بر وی
تا روز قیامت روایت شده از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام باسناد از پیغمبر ص که آنسرور فرمود بدرستی
که موسی بن عمران ع سؤال کرد از پروردگار خود زیارت قبر حسین ع را وقتی که خبر داد او را پروردگار بکشته شدن
حسین ع و فضل وی پس اذن داد او را پروردگار پس زیارت کرد موسی حسین ع را با هفتاد هزار فرشته و بتحقیق
روایت کرده از حضرت صادق ع که چون کشته شد حسین ع گذشتند بقبر وی هفتاد هزار فرشته پس رفتند باسمان
پس وحی کرد خدا تعالی بایشان که ای فرشتگان من گذشتید بر پسر پیغمبر من کشته شد و یاری نکردید او را فرو
روید نزد قبر او پس آن فرشتگان نزد قبر ویند ژولیده موی خاک آلود گریه کنان تا روز قیامت از ربیع بن فضیل
ابن سنان گفت گفتم امام جعفر صادق ع را که کدام قبر از قبر شهیدان نزد شما فاضل تر است فرمود قبر حسین ع پس
بخدا سوگند که دور قبر او چهل هزار فرشته اند ژولیده موی خاک آلود که گریه میکنند بر وی تا روز قیامت روایت
شده از حضرت باقر ع که آنسرور فرمود امر کنید شیعه ما را بزیارت قبر حسین ع بدرستیکه آمدن او فرض است بر هر مؤمن
که مقر است حسین ع را بامامت از جانب خدای عز و جل و روایت شده از حضرت صادق ع که او فرمود هر که زیارت کند

حسین ع را نه بر بزرگی و تکبر و ریا پاک میشود جمیع گناهان او چنانچه پاک میشود جامه از آب و باقی نماند
بر وی هیچ گناه و نوشته شود از برای وی بهر گامی ثواب حجی نیکو و بهر قدمی که بردارد ثواب عمره و روایت شده از حضرت
صادق ع که آنسرور فرمود نمی‌آید قبر حسین ع را هیچ غمگین هرگز الا آنکه میگشاید خدا غم او را و قضا میکند حاجت
او را و روایت کرد محمد بن احمد بن داود از سلامه گفت حدیث کرد ما را محمد بن جعفر از محمد بن احمد از علی بن ابرهیم
جعفی از محمد بن فضل ابن بنت داود البرقی گفت فرمود حضرت صادق ع که چهار پاره زمین بالیدند بخدای عز و جل از
غرق در ایام طوفان نوح علیه السلام بیت المعمور پس رفیع گردانید آنها را خدای تعالی باسمان و زمین نجف و کربلا و طوس
از امام رضا ع فرمود هر که زیارت کند قبر جد من حسین ع را بشط فرات چنان باشد که زیارت کرده است خدا را در
بالای عرش او و از امام موسی کاظم ع مرویست که فرمود هر که زیارت کند قبر حسین ع را در حالیکه شناسد حق
او را بیامرزد خدا او را فرمود امام موسی کاظم ع کمتر چیزی که ثواب میدهند بآن زیارت کنندگان حسین ع
را بشط فرات چون شناسد حق او را و حرمت او را و ولایت او را آنست که آمرزیده میشود آنچه پیشتر کرده از
گناهان و آنچه میکند بعد از آن از حسین بن محمد قمی گفت فرمود امام موسی ع هر که بقبر امام حسین ع آید در حالیکه
شناسد حق او را بیامرزد خدا او را آنچه پیشتر کرده از گناهان و آنچه میکند بعد از آن از حسین بن جهم گفت پرسید امام
موسی ع که چه میگوئی در زیارت قبر حسین علیه السلام فرمود شما چه میگوئید عرض کردم که میگویند بعضی از ما ثواب
حجی و میگویند بعضی ثواب عمره نیکو گفت ثواب عمره نیکو دارد از ابرهیم بن هرون گفت پرسید مردی از امام جعفر
صادق ع و من نزد وی بودم و گفت چیست از برای آنکه زیارت کند قبر امام حسین ع را موکل کرده است خدا بوی چهار
هزار فرشته ژولیده موی خاک آلود که گریه میکنند بر او تا روز قیامت پس گفتم بوی فدای تو باد پدر و مادرم روایت شده
از پدر شما که در آن ثواب حج است فرمود بلی ثواب حج و عمره است تا آنکه شمرد ده بار از صالح نیلی گفت فرمود امام
جعفر صادق ع که هر که بیاید بقبر حسین ع در حالیکه شناسد حق او را بنویسد خدا تعالی از برای او ثواب آنکه آزاد
کرده است هزار بنده را و مثل آن باشد که بار کرده است هزار اسب را در راه خدای تعالی اسبان با زین و لجام و گفت فرمود
امام جعفر صادق ع بدرستیکه چهار هزار فرشته نزد قبر حسین ع ژولیده موی خاک آلوده که گریه میکنند بر وی تا روز قیامت

قیامت رئیس و سردار ایشانرا منصور گویند زیارت نمیکند او را هیچ زیارت کننده الا آنکه فرشتگان
او را استقبال کنند و وداع نکند او را هیچ وداع کننده الا آنکه او را مشایعت کنند و بیمار نشود هیچ بیماری الا
آنکه او را عیادت کنند و نمیرد الا آنکه نماز کنند بر جنازهٔ او و استغفار کنند از برای او بعد از مردن او و از ابی بصیر
از امام جعفر صادق ع علیه السلام فرمود که موکل کرده است خدا بحسین ع هفتاد هزار فرشته ژولیده موی خاک آلوده که
صلوات میفرستند بروی هر روز و دعا میکنند از برای هر که زیارت کند او را و میگویند ای پروردگار ما این
جماعت زیارت کنندگان حسین علیه السلام اند چنین کن با ایشان و چنین کن با ایشان روایت کرده بشیر الدهان
گفت فرمود امام جعفر صادق ع هر مؤمنی که زیارت کند امام حسین ع را در حالیکه شناسد حق او را در غیر روز عید
بنویسد خدا از برای او بیست حج و بیست عمره نیکوی مقبول و بیست جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل و هر که
زیارت کند او را در روز عید بنویسد خدا از برای او صد حج و صد عمره و صد جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل
گفت راوی که گفتیم بوی چگونه توانیم بود مر ثواب زیارت حسین ع مثل ایستادن عرفات گفت پس نظر کرد بمن چون
کسیکه غضبناک باشد و فرمود ای بشیر بدرستیکه مؤمن چون بیاید بقبر حضرت حسین ع در روز عرفه و غسل
کند بفرات پس رو کند بسوی او بنویسد خدا تعالی از برای وی هر گامی حجی با تمام مناسک آن و نمیدانم الا آنکه فرمود
و جهادی یا نه از ابی فاخته گفت فرمود امام جعفر صادق ع ای بشیر هر که بیرون رود از منزل خود باراده زیارت قبر امام
حسین ع اگر پیاده باشد بنویسد خدا تعالی از برای او بهر گامی حسنه و پاک کند از وی بهر گامی گناهی تا آنکه داخل
حایر شود بنویسد خدا او را از رستکاران تا آنکه تمام کند زیارترا بنویسد خدا او را از رستکاران تا آنکه اراده بازگشتن
کند بیاید او را فرشته و گوید بدرستیکه رسول خدا میخواند سلام و میگوید تو را از سر گیر عمل را بتحقیق که آمرزید
خدا از تو هر چه گذشت از امام جعفر صادق ع روایتست که مردی که بیرون رود بقبر حسین ع پس از برای اوست چون
بیرون رود از اهل خود با اولین گام آمرزیدن گناهان بعد از آن همیشه پاکیزه میشود بهر گامی تا آنکه بیاید نزد
وی پس چون بیاید ندا کند او را خدا تعالی پس گوید ای بندهٔ من سؤال کن از من حاجت تا عطا کنم ترا و دعا کن بمن
تا اجابت کنم ترا طلب کن از من تا بدهم ترا بخواه از من حاجت تا قضا کنم آنرا از برای تو و حقست بر خدا تعالی

که

که ببخشد آنچه بخشیده است از صالح از حارث بن مغیره از امام جعفر صادق ع فرمود مر خدا راست فرشتگان
که موکلند بقبر حسین ع پس چون قصد میشود زیارت مر که میدهد بایشان گناهان او را پس چون بگذارد گامی محو
کنند گناهان او را و بعد از آن چون بگذارد گامی مضاعف کنند از برای او حسنات او را و بعد از آن مضاعف کنند تا آنکه
واجب شود از برای او بهشت پس بگرد وی در آیند فرشتگان و پاکی ذکر کنند او را و ندا کنند فرشتگان آسمان
که پاکی یاد کنید زیارت کنندگان دوست خدا را پس چون غسل کنند زیارت کنندگان ندا کند ایشانرا محمد رسول
الله صلی الله علیه و آله که ای گروه خدا بشارت باد شما را برفیقی با من در بهشت بعد از آن ندا کند ایشانرا امیر المؤمنین
علیه السلام که من ضامنم حاجتهای شما را و دفع بلا را از شما در دنیا و آخرت بعد از آن فرشتگان بگرد ایشان
در آیند از راست و چپ ایشان تا آنکه باز گردند با اهل خود و روایتست از صالح نیلی که گفت فرمود امام جعفر
صادق ع که هر که بیاید بقبر حسین ع در حالیکه شناسد حق او را چون کسی باشد که صد حج کرده باشد با رسول خدا
روایت شده که خدا تعالی خلق میکند از عرق زیارت کنندگان حسین ع هفتاد هزار فرشته را که تسبیح و تهلیل
میگویند خدا را و طلب آمرزش میکنند از برای زیارت کنندگان حسین ع تا روز قیامت روایت شده از
اسحق بن عمار گفت شنیدم امام جعفر صادق ع را که میفرمود موضع قبر حسین ع دریست از درهای بهشت و
از اسحق بن عمار گفت شنیدم امام جعفر صادق ع را که میفرمود نیست در آسمانها و زمین فرشته مگر آنکه سؤال
میکنند که اذن دهند ایشانرا بزیارت قبر حسین ع پس گروهی فرود میآیند و گروهی بالا روند و روایتست
از داود رقی که گفت شنیدم امام جعفر صادق ع را که فرمود خلق نکرده است خدا خلقی بیشتر از فرشتگان بدرستیکه
فرود میآیند از آسمان هر شام هفتاد هزار فرشته طواف میکنند کعبه را تا آنکه طلوع کند صبح باز میگردند بقبر
پیغمبر ص و سلام میکنند بروی پس میآیند بقبر حسین ع و سلام میکنند بر او پس عروج میکنند باسمان قبل از
طلوع آفتاب پس از آن نازل میشوند هفتاد هزار فرشته دیگر در وقت ظهر و طواف میکنند در خانه کعبه
تا غروب آفتاب و بر میگردند بقبر پیغمبر ص و سلام میکنند بروی بعد از آن میآیند بقبر امیر المؤمنین ع و حسن و حسین ع
و سلام میکنند بر ایشان بعد از آن باسمان میروند پیش از غایب شدن آفتاب و روایت شده از حنان بن سدیر از پدر

او

او که گفت مرا امام جعفر صادق ع که ای سدیر زیارت میکنی قبر حسین ع را در هر روز گفتم نه فرمود پس زیارت میکنی
در هر ماه گفتم نه فرمود زیارت میکنی در هر سال گفتم گاهی میباشد این فرمود یا سدیر عجب جفائی میکنید
شما حسین ع را آیا نمیدانی که خدا را است هزار هزار فرشته ژولیده موی خاک آلود که گریه میکنند و زیارت
میکنند قبر حسین ع را و مانده نمیشوند و بر خود لازم کرده اند ای سدیر که زیارت کنی قبر حسین ع را در هر جمعه
پنج بار و هر روز یکبار گفتم فدای تو گردم میان ما و میان وی فرسخهای بسیار است پس فرمود مرا که بلند شو
بر بالای بام خود پس نظر بر راست و چپ کن پس بردار سر خود را باسمان بعد از آن قصد کن بجانب قبر و بگو
السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک و رحمة الله و برکاته نوشته میشود از برای تو بهر زیارتی ثواب
یک حج و یک عمره و این حدیث طویل است و کشته شد بحوالی کوفه در زمین کربلا از اصل عراق روز شنبه دهم محرم
و روایت شده که روز جمعه پیش از پیشین آن در سال شصت و یکم از هجرت و آنسرور در آن روز عمر مبارکش پنجاه
و هشت سال بود و قبر شریف او بکربلا است از نینوا و غاضریه از قری نهرین و کشنده او سنان بن انس نخعی و شمر بن ذی
الجوشن ملعون علیهما اللعنة ملأ السموات و الارضین و علی العالمین اللذین سعوا فی قتل الامام ع **فصل یازدهم**
در زیارت امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم الصلوة و السلام روایت شده از حضرت صادق ع
که آنسرور فرمودند هر که زیارت کند مرا آمرزیده شود جمیع گناهان او و نمیرد در حال فقر و روایت شده از امام
حسن عسکری ع که فرمود هر که زیارت کند حضرت صادق و پدر او علیهما السلام را در دنیا بد چشمهای وی نرسد
او را روشنی و نمیرد ببلا و روایت شده از حضرت صادق ع که هر که زیارت کند امامی مفترض الطاعه را و نماز
کند نزد وی چهار رکعت نوشته شود از برای او حج و عمره و گفتند حضرت صادق ع را چیست حکم آنکه زیارت
کند یکی از شما را فرمود چنان باشد که زیارت کرده باشد رسول خدا را و فرمود امام رضا ع که از هر امامی عهدی
در گردن شیعیان و موالیان اوست و بدرستیکه از تمام وفا بعهد و نیکی ادای این زیارت قبرهای ایشانست
پس هر که زیارت کند ایشانرا در حالیکه رغبت باشد او را در زیارت ایشان و باور باشد او را در آنچه رغبت
کرده در آن باشند امامان شفیعان او در روز قیامت امام زین العابدین علیه السلام مروان بن حکم کشته او است

چنانچه روایت شده است بزهر و در روایتی ولید بن عبد الملک بن مروان است علیهم اللعنة و قبض شد
روح مطهر او علیه السلام در مدینه در سال نود و پنج و او را در آنروز پنجاه و هفت سال بود و اما امام
محمد باقر علیه السلام کشنده او ولید بن عبد الملک و روایت شده که ابراهیم بن ولید است بزهر و قبض شد روح مطهر
او در سال صد و چهارده و او را در آنروز پنجاه و هفت سال بود و اما امام جعفر صادق علیه السلام کشنده او
منصور است لعنة الله علیه بزهر و قبض شد روح مقدس او در شوال سال صد و چهل و هشت و او را
شصت و پنج سال بود و قبرهای شریف بزرگوار ایشان در بقیع است **فصل دوازدهم** در
زیارت امام موسی علیه السلام از محمد بن احمد بن داود از سلامة بن محمد گفت خبر داد ما را احمد بن علی بن ابان
قمی از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن علی وشا گفت پرسیدم از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام
از زیارت قبر پدر او فرمود چون زیارت قبر امیر المؤمنین است الا آنکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین
علیه السلام است افضل ایشان و از حسین بن احمد بن ادریس از پدر او از سلامة بن خطاب از علی بن میسر از ابن
سنان گفت پرسیدم از حضرت امام رضا علیه السلام که چیست ثواب برای آنکه زیارت کند پدر تو را فرمود بهشت
پس زیارت کن تو او را و روایت از وی از پدرش و از احمد بن داود گفت حدیث کرد ما را احمد بن جعفر المؤدب
از محمد بن احمد بن یحیی از یعقوب بن یزید از حسین بن بشار واسطی گفت گفتم بحضرت امام رضا علیه السلام که
چیست ثواب برای آنکه زیارت کند قبر پدر بزرگوار ترا فرمود آنحضرت زیارت کن او را گفتم پس چه چیز است ثواب زائران از
فضل فرمود مثل فضل آنکه زیارت کند قبر پدر او را یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتم و اگر بترسم و ممکن نباشد
مرا که داخل شوم فرمود سلام کن از پشت قبر و روایت شده از محمد بن همام گفت حدیث کرد ما را ابو جعفر بن احمد بن بابا
از منصور بن عباس از جعفر جوهری از زکریا بن آدم قمی از امام رضا علیه السلام فرمود بدرستیکه خدا تعالی
نجات داد بغداد را بواسطه قبر امام موسی علیه السلام و امام محمد تقی علیه السلام که در آنست و قبض شد روح مطهر
او و کشته گردید در بغداد شش روز باقی بود از رجب سال صد و هشتاد و او را در آنروز پنجاه و پنج سال بود و قبر آنحضرت
در بغداد است بباب التبن از مدینة السلام در قبرستان مشهور بمقابر قریش و کشنده آنحضرت هرونست هر

بردست سندی بن شاهک لعنة الله علیهما **فصل سیزدهم** در زیارت امام علی بن موسی الرضا
حدیث کرد ما را استاد خود شیخ فقیه ابو جعفر رضی الله عنه گفت حدیث کرد ما را محمد بن علی بن ماجیلویه گفت
حدیث کرد ما را علی بن ابرهیم بن هاشم از پدر خود گفت حدیث کرد ما را عبد الرحمن بن حماد گفت حدیث کرد ما را
عبد الله بن ابرهیم از پدر خود از حسین بن زید گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که میفرمود بیرون
میاید مردی از فرزندان پسر من موسی که نام او نام امیر المؤمنین علیه السلام است پس دفن میشود در زمین طوس
وان در خراسانست کشته شود در ان زمین بزهر پس دفن میشود در حال غربت هر که زیارت کند او را در حالیکه
شناسد حق او را امید دهد او را خدا بعز وجل ثواب انکه نفقه کرده است قبل از فتح و جهاد کرده است حدیث کرد ما را
احمد بن زیاد همدانی گفت حدیث کرد ما را علی بن ابرهیم بن هاشم گفت حدیث کرد ما را محمد بن عیسی بن عبید
گفت حدیث کرد ما را محمد بن سلیمان مصری از پدر خود ابرهیم بن ابی حجر اسلمی گفت حدیث کرد ما را قبیصه
از جابر بن یزید جعفی گفت شنیدم از وصی وصیان و وارث علمهای پیغمبران ابا جعفر محمد بن علی الباقر علیهما السلام
فرمود حدیث کرد مرا پدر من سید العابدین فرمود حدیث کرد مرا پدر من حسین بن علی فرمود حدیث کرد مرا پدر
من امیر مؤمنان و سید وصیان علی بن ابیطالب علیهم السلام که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله زود باشد که
دفن شود پاره از بدن من بزمین خراسان که زیارت نکند او را هیچ غمگینی الا انکه بگشاید خدا غم او را و نه گناهکاری
الا انکه بیامرزد خدا گناهان او را حدیث کرد ما را محمد بن حسن بن احمد بن ولید گفت حدیث کرد ما را احمد بن محمد بن حسن
بزنطی گفت خواندم کتاب ابو الحسن الرضا علیه السلام را که برسان شیعیان مرا که زیارت من برابر است نزد خدا
بهزار حج و هزار عمره که مقبول باشد گفت آن راوی گفتم بامام محمد تقی علیه السلام که برابر هزار حج است فرمود بخدا
سوگند که برابر است با هزار هزار حج از برای کسی که زیارت کند او را در حالیکه شناسد حق او را حدیث کرد ما را پدر من
گفت حدیث کرد ما را سعد بن عبد الله گفت حدیث کرد ما را احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن حسین بن ابی خطاب از
احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی گفت شنیدم از امام رضا علیه السلام که میگفت زیارت نکند مرا هیچکس از دوستان من
در حالیکه شناسد حق مرا الا انکه قبول شود شفاعت من در حق وی روز قیامت حدیث کرد ما را علی بن عبد الله

وراق گفت حدیث کرد ما را سعد بن عبد الله بن ابی خلف گفت حدیث کرد ما را عمران بن ابی موسی از حسن بن علی
ابن نعمان از محمد بن فضیل از غزوان الضبی گفت خبر داد مرا عبد الرحمن بن اسحق از نعمان بن سعد گفت فرمود امیر المؤمنین
علیه السلام که زود باشد که کشته شود مردی از فرزندان من بزمین خراسان بزهر از ظلم که نام او نام من باشد و کنیه
او کنیه من است و نام پدر او نام پسر عمران باشد موسی آگاه باش که هر که زیارت کند او را در غربت او بیامرزد
خدا گناهان او را هر چه گذشته باشد از ان و هر چه آید اگر چه باشد مثل عدد ستارگان و قطره باران و برگ درختان
حدیث کرد ما را جعفر بن محمد گفت حدیث کرد ما را حسین بن محمد از عم خود عبد الله بن عامر از سلیمان بن حفص مروزی
گفت شنیدم از امام موسی علیه السلام که میگفت هر که زیارت کند قبر فرزند من علی را هست او را نزد خدا بعز وجل
هفتاد حج نیکو گفتم هفتاد حج نیکو فرمود بلی و هفتاد هزار حج پس فرمود آنحضرت که بسا باشد که قبول نشود و هر که
زیارت کند او را یا روز کند نزد او و شبی را باشد مثل انکه زیارت کرده خدا را در عرش او گفتم مثل انکه زیارت کرده
خدا را در عرش او فرمود بلی چون روز قیامت شود باشند بر عرش چهار کس از اولین نوح است و ابرهیم و موسی
و عیسی علیهم السلام و اما چهار کس از آخرین محمد است و علی و حسن و حسین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین
بعد از ان میگشایند بساطی رفیع پس می نشینند با ما زیارت کنندگان قبرهای امامان آگاه باش که بلند
ترین ایشان از درجه و مقرب ترین ایشان زیارت کنندگان قبر فرزند من علیست گفت شیخ فقیه ابو جعفر ره
که معنی قول امام علیه السلام مثل انست که زیارت کرده خدا در عرش نیست تشبیه از برای انکه فرشتگان زیارت
میکنند عرش را و پناه میبرند بان و طواف میکنند بر گرد ان و میگویند که زیارت میکنیم خدا در عرش چنانچه
میگویند ادمیان حج میکنیم خانهٔ خدا او زیارت میکنیم خدا را از برای انکه خدا تعالی موصوف نمیشود بانکه
در مکانیست تعالی الله عن ذلک علوا کبیرا حدیث کرد ما را احمد بن محمد بن یحیی عطار گفت حدیث کرد ما را سعد بن
عبد الله از ایوب بن نوح گفت شنیدم از ابا جعفر محمد بن علی بن موسی الرضا علیهما السلام که میفرمود هر که زیارت
کند قبر پدر مرا بطوس بیامرزد خدا از وی هر چه گذشته است از گناهان وی و هر چه آید پس چون روز قیامت
شود بگذارند از برای او منبری بمقابل منبر رسول الله صلی الله علیه و آله پس می نشیند بران تا انکه فارغ شود خدا

از حساب بندگان خود حدیث کرد ما را حسین بن ابراهیم بن ناتانه گفت حدیث کرد علی بن ابراهیم از پدر خود از محمد بن
ابی عمیر از حمزة بن حمران گفت فرمود امام جعفر صادق علیه السلام کشته میشود فرزند زادهٔ من بزمین خراسان
که آنرا طوس گویند هر که زیارت کند او را در حالیکه شناسد حق او را بگیرم او را بدست خود روز قیامت و
داخل کردانم او را بهشت اگر چه باشد از اهل گناهان کبیره گفتم فدای تو گردم چیست شناختن او گفت آنکه داند الله
که او امام مفترض الطاعة غریب و شهید است هر که زیارت کند او را در حالیکه شناسد حق او را عطا کند او را
خدا ثواب هفتاد شهید از آنانکه شهید شدند پیش رسول الله صلی الله علیه و آله بالحقیقة حدیث کرد ما را علی بن
احمد بن موسی گفت حدیث کرد ما را محمد بن عبد الله کوفی از احمد بن محمد صالح رازی از حمدان دیوانی گفت فرمود
امام رضا علیه السلام هر که زیارت کند مرا از دوری خانه من میآیم او را روز قیامت در سه موضع تا آنکه خلاص کردانم
او را از هولهای آن در وقتیکه پرواز کند نامها از راست و چپ و نزد پل صراط و نزد ترازو و حدیث کرد ما را
محمد بن ابراهیم بن اسحق ره گفت حدیث کرد ما را عبد العزیز بن یحیی گفت حدیث کرد ما را محمد بن زکریا گفت حدیث کرد
ما را محمد بن عمارة از پدر خود از حضرت صادق جعفر بن محمد علیهما السلام از پدر خود از پدران خود علیهم السلام گفت
فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله زود باشد که دفن شود پارهٔ از بدن من بزمین خراسان زیارت نکند او را هیچ مؤمنی الا
آنکه واجب کند خدای تعالی از برای او بهشت و حرام کرداند بدن او را بر آتش حدیث کرد ما را محمد بن ابراهیم حدیث
کرد ما را محمد همدانی گفت حدیث کرد ما را علی بن حسین بن علی بن فضال از پدر خود از ابی الحسن علی بن موسی الرضا ع
که او فرمود بدرستیکه در خراسان پارهٔ زمینی است که میآید زمانی که میگردد مکانی که آمد و شد کنند فرشتگان
پس همیشه فرود آیند گروهی از آسمان و گروهی بالا روند بان تا آنکه صور دمیده شود پس گفتند او را یا بن رسول الله
کدام پاره زمین است آن فرمود زمین طوس و بخدا سوگند که این روضه ایست از روضهای بهشت هر که زیارت
کند مرا در این زمین چنان باشد که زیارت کرده رسول خدا را و بنویسد خدای تعالی از برای او باین ثواب هزار حج مقبول
و هزار عمرهٔ نیکو و باشم من و پدران من شفیعان او در روز قیامت حدیث کرد ما را محمد بن موسی بن متوکل ره گفت
حدیث کرد ما را علی بن ابراهیم از پدر او از ابی الصلت عبد السلام بن صالح هروی گفت شنیدم از امام رضا علیه السلام

که میفرمود بخدا سوگند که نیست هیچیک از ما الا کشته و شهید شده پس گفتند که میکشد ترا یا بن رسول الله فرمود
بدترین خلق خدا در زمان من میکشد مرا بزهر بعد از آن دفن میکند مرا در خانهٔ تنگ در شهر غربت هر که زیارت کند
مرا در غربت بنویسد خدای عز و جل از برای او ثواب صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج کننده
و عمره کننده و صد هزار جهاد کننده و برانگیخته شود در گروه ما و گردانیده شود در درجهای رفیع تر از بهشت با ما
حدیث کرد ما را محمد بن الحسن رحمه الله گفت حدیث کرد ما را محمد بن الحسن صفار از احمد بن محمد بن عیسی از احمد بن
محمد بن ابی نصر بزنطی گفت خواندم در کتاب امام رضا علیه السلام که برسان بشیعهٔ من که زیارت من نزد خدای تعالی برابر است
هزار حج گفت پرسیدم امام محمد تقی علیه السلام را که هزار حج است فرمود بلی بخدا سوگند که هزار هزار حج است از
برای آنکه زیارت کند او را در حالیکه شناسد حق او را حدیث کرد ما را محمد بن ابراهیم گفت خبر کرد ما را احمد بن
محمد همدانی از علی بن حسین بن علی بن فضال از پدر او از ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام که گفت او را مردی
از اهل خراسان یا بن رسول الله دیدم رسول الله صلی الله علیه و آله را در خواب که گویا میگفت مرا که چگونه است حال
شما وقتیکه دفن شود در زمین شما پارهٔ از بدن من و بسپارند بشما امانت من و پنهان شود در خاک شما ستارهٔ من پس
گفت او را امام رضا علیه السلام آن منم که دفن میشود در زمین شما و منم پارهٔ از بدن پیغمبر شما و منم آن امانت
و ستاره آگاه باش هر که زیارت کند مرا و او داند آنچه واجب کردانیده است خدای تعالی از حق من و طاعت من پس
من و پدران من شفیعان او باشیم در روز قیامت و هر که ما باشیم شفیعان او در روز قیامت رستکار شود و اگر چه
باشد بروی مثل گناهان جنیان و آدمیان حدیث کرد ما را احمد بن اسحق نیشابوری گفت پرسیدم از امام محمد تقی
علیه السلام که چیست از برای آنکه زیارت کند قبر پدر تو را در طوس گفت هر که زیارت کند قبر پدر مرا در طوس
بیامرزد خدا او را هر گناهی که از پیش کرده است و هر چه کند بعد از آن و قبض شد روح مطهر او در طوس از
زمین خراسان بقریهٔ سناباد در ماه صفر در سال دویست و سه و او را در آن روز پنجاه و پنج سال بود و قبر او در طوس
است بقریهٔ سناباد و کشندهٔ او مامون است علیه اللعنة بزهر **فصل چهاردهم** در زیارت امام محمد تقی
علیه السلام روایت کرده ابراهیم بن عقبه گفت نوشتم بامام علی نقی علیه السلام و سؤال کردم از وی از زیارت امام حسین ع

وامام موسی و امام محمد تقی علیهم السلام که در بغداد پس نوشت آنحضرت بمن که ران مقدم فاضلتر است و ابن جمیع آن کرد
است از اجر و قبض شد روح مطهر او در بغداد آخر ذی القعده سال دویست و بیست و او را در آن روز بیست و پنج
سال بود و قبر او در بغداد است بقبرستان قریش در پشت جد او موسی بن جعفر علیهم السلام کشنده او مامون است
و بعضی گفته اند معتصم است و بعضی گفته اند ام الفضل است لعنت خدا بر کشنده او باد **فصل یازدهم**
در زیارت امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود هر که
زیارت کند ما را بعد از وفات ما چنان باشد که زیارت کرده است ما را در حیوة ما و هر که جهاد کند دشمنان ما را
چنان باشد که جهاد کرده باشد با ما و هر که دوستی کند دوستان ما را چنان باشد که دوستی کرده است با ما و
هر که شاد گرداند مؤمن ما را شاد گردانیده است ما را و هر که یاری کند فقیر ما را هست جزای او بر جد من رسول الله
صلی الله علیه و آله و فرمود آنحضرت هر که زیارت کند امامی مفترض الطاعه را بعد از وفات او و نماز کند نزد او چهار رکعت
بنویسد خدا از برای او حج و عمره و فرمود حضرت امام رضا علیه السلام بدرستیکه از برای هر امامی عهدیست در
گردن دوستان او و شیعیان او و بدرستیکه از تمامی وفاء عهد و نیکی ادای آن زیارت قبرهای ایشانست پس هر که
زیارت کند ایشان را در حال رغبت بزیارت ایشان و تصدیق در آنچه رغبت کرده اند ایشان باشند امامان او شفیعان
او در روز قیامت و قبض شد روح مطهر امام علی النقی علیه السلام در سر من رای در ماه رجب سال دویست و
پنجاه و چهار و آنحضرت را در آن روز چهل و یکسال بود و اما امام حسن عسکری علیه السلام قبض شد روح پاک او
در سر من رای هشتم ربیع الاول سال دویست و شصت و او را در آن روز بیست و هشت سال بود و قبر او بجانب
قبر پدر او ست در آنجا که دفن شده است پدر او و خانه ایشان بسر من رای و کشنده امام علی نقی علیه السلام متوکل
است لعنه الله و کشنده امام حسن عسکری علیه السلام معتمد است و بعضی گفته اند که کشنده هر دو یکیست **باب
سیم** در آن هفت فصل است **فصل اول** در معرفت ایمان فرمود خدا تعالی در سوره انعام الذین آمنوا و لم
یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون یعنی آنکسانیکه ایمان آوردند و نیامیختند ایمان خود را بظلم آنگروه
ایشانراست ایمنی و ایشان راه یافتگانند و فرموده است در سوره جن انا سمعنا قرآنا عجبا یهدی الی الرشد فآمنا به

ولن نشرک بربنا احدا یعنی گفتند قوم جنیان بدرستیکه ما شنیدیم قرآنی عجب که خلاف سخن خلقست در
او دلایل اعجازست راه مینماید برشد و صلاح پس ما ایمان آوردیم بآن و هرگز شریک نگردانیم بعبادت پروردگار
خود احدی را و فرمود که فمن یؤمن بربه فلا یخاف بخسا و لا رهقا پس هر که ایمان بیاورد بخدای خود پس او نترسد از
هیچ نقصانی و نه ظلم و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایمان دو نصف است نصفی صبر و نصفی شکر و فرمود
پیغمبر صلی الله علیه و آله که ایمان شناختن است بدل و اقرار بزبان و عمل کردن بعضوها و از حضرت صادق علیه السلام
از پدران خود از پیغمبر صلی الله علیه و آله که ایمان گفتار است بزبان و شناختن است بعقل و پیروی رسول الله
و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله در ذکر خصلتهای ایمان که بالاترین آن شهادت لا اله الا الله و پست ترین آن دور
گردانیدن آزار است از راه و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود حدیث کرد مرا پدرم از پدر خود از پدران
خود از امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیهم السلام گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که ایمان شناختن
است بدل و اقرار است بزبان و عمل کردن بعضوها و آمد جبرئیل نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله بصورت اعرابی در
حالیکه پیغمبر صلی الله علیه و آله نمیشناخت او را پس گفت چیست یا محمد ایمان فرمود آنحضرت که گرویدن بخدا و روز
قیامت و فرشتگان و کتاب و پیغمبران و بر انگیختن بعد از مرگ گفت راست فرمودی یا محمد چیست اسلام فرمود
رسول خدا صلی الله علیه و آله شهادت لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله و بپای داشتن نماز و دادن زکوة و روزه
داشتن ماه رمضان و حج کردن خانه خدا گفت راست گفتی یا محمد روایتست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از
پدر خود که فرمود ایمان را چهار رکنست توکل و اعتماد بر خدا و تفویض و باز داشتن کار بخدا و تسلیم و فرمان
امر خدا و راضی شدن بقضا و حکم خدا و از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که فاضلترین ایمان مردانست که بدانند
آنکه خدا با او ست هر جا که او ست گفت پسر عبد الرحمن که آمد مردی نزد امیر المؤمنین علیه السلام پس پرسید او را
از ایمان فرمود آنحضرت که ایمان بر چهار رکنست صبر و یقین و عدل و جهاد و قول خدا عز و جل انک لعلی خلق
عظیم بدرستیکه تو بر خلق عظیم و بزرگی گفت این ایمانست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت فرمود رسول خدا
صلی الله علیه و آله که ایمان اقرار بزبانست و کار کردن بجمیع بدن و اسلام اقرار است بی عمل و از امام محمد باقر علیه السلام

در قول خدا تعالی وألزمهم کلمة التقوی یعنی لازم گردانیده است خدا بر ایشان کلمهٔ تقوی را فرمود کلمهٔ تقوی ایمانست و در قول خدا تعالی هو الذی انزل السکینة فی قلوب المؤمنین یعنی اوست آنخداوندیکه فرود فرستاد سکینه را در دلهای مؤمنین فرمود آن سکینه ایمانست و فرمود امام محمد باقر علیه السلام که هر که ایمان او بخدا خوار نگردد و هر که بنا بخدا برد مغلوب نمیشود و هر که فرمان خدا برد نیست نشود و هر که نافرمانی خدا کند سلامتی نه بیند و فرمود امیر المؤمنین پسر خود حسن علیه السلام را که چیست ایمان و چیست یقین فرمود امام حسن ع که ایمان آنستکه می شنویم بگوش خود و باور میکنیم و یقین آنستکه می بینیم بچشمهای خود

فصل دوم در شناختن اسلام گفت خدا تعالی در سورهٔ آل عمران ومن یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه وهو فی الآخرة من الخاسرین یعنی هر که طلب کند بغیر از اسلام دینی پس هرگز قبول نکرده شود از وی و او در آخرت از جملهٔ زیانکارانست و از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که فرمودند فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که اسلام گفتار بی کردار است و ایمان گفتار و کردار است و دو برادرند با یکدیگر شریک و فرمود خدا تعالی در سورهٔ حجرات قالت الاعراب آمنا قل لم تؤمنوا ولکن قولوا اسلمنا ولما یدخل الایمان فی قلوبکم یعنی گفتند عربان بیابان که ایمان آوردیم بگو یا محمد که شما ایمان نیاوردید ولیکن بگوئید که اسلام آوردیم یعنی بزبان میگوئید که ایمان داریم و در دل اعتقاد ندارید ایمان اعتقاد دلست و هنوز داخل نشده است ایمان در دلهای شما و فرمود در سورهٔ جن وانا منا المسلمون ومنا القاسطون فمن اسلم فاولئک تحروا رشدا گفتند قوم جن بدرستیکه بعضی از ما مسلمانان و فرمان بردارانند و بعضی ظالمانند پس هر که مسلمان شد ایشانند که برگزیدند راه راست و صلاح را و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که بنا نهاده شده است اسلام بر چهار رکن صبر و یقین و جهاد و عدل و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمان آنکسی استکه سالم و ایمن باشند از زبان او و دست او

فصل سیم در شناختن مؤمن و نشانهای وی فرمود خدا تعالی در سورهٔ مؤمنون بسم الله الرحمن الرحیم قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلوتهم خاشعون والذین هم عن اللغو معرضون والذین هم للزکوة فاعلون والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون والذین هم علی صلوتهم یحافظون اولئک هم الوارثون

الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون یعنی بتحقیق که رستگاری یافتند مؤمنان آنانکه این صفت دارند که در نماز خود ترسنده و تواضع کننده اند و آنانکه از سخنان لغو و عبث و بیهوده اعراض کننده اند و ترک آن کرده اند و آنانکه زکوة را بفعل آورنده اند و آنانکه فرجهای خود را حفظ کننده و نگاه دارنده اند مگر بر زنان خود و کنیزان که ملک ایشان باشند که ایشان را هیچ ملامتی و سرزنشی نیست در آن پس هر که طلب کند از برای فرجهای خود غیر این پس ایشان از حد درگذرندگانند و آن مؤمنان که بر جمیع نمازهای خود محافظت کنندگانند و در وقتهای ادای آنرا بپای دارند ایشانند آنان که وارثانند آن وارثانی که بمیراث میبرند فردوس را و ایشان در آن مخلد و دائمند و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که نشانهای مؤمن چهار است خوردن او مثل خوردن بیمارانست و خواب او مانند خواب کسی استکه در غرقاب باشد و گریه او مثل گریهٔ زنیستکه فرزند او مرده باشد و نشستن او مانند نشستن آنستکه از درد بی آرام باشد و روایتشده از امیر المؤمنین علیه السلام که او فرمود مؤمن میباشد اسنکوی در دنیا دل او نگاه دارنده است حفظ کنندهٔ حدها است ظرف علم است عقل او کاملست مکان کرمست دل او سلیم است حلم و بردباری او ثابتست بدست خود مهربانست بخشنده است گشاده است دست او در احسان زبان او لطیف است تبسم او بسیار است حزن او دایمست تفکر او کثیر است خواب او قلیلست خندهٔ وی کم است طبیعت او پاکیزه است طمع او مرده است کشندهٔ هوای نفس است سوی گرداننده است از دنیا رغبت کننده است در آخرت و دوست میدارد مهمان را و نوازش میکند یتیم را و لطف میکند طفل را و بزرگ میدارد پیر را و عطا میکند سائل را و دیدن میکند بیمار را و پیروی میکند جنازهها را و میشناسد حرمت قرآن را و راز میگوید خدا را و گریه میکند بر گناهان امر میکند بمعروف و نهی میکند از منکر خوردن او بگرسنگی است و آشامیدن او بتشنگی و حرکات او بادب و گفتار او باندازه و موعظهٔ او بنرمی نمی ترسد مگر خدا را و امید ندارد الا بخدا و مشغول نیست مگر بثنا و حمد خدا و نمیدارد و بزرگی نمیکند و کبر نمیکند بمال دنیا مشغولست بعیب خود و فارغست از عیب غیر خود نماز روشنی چشم او و روزه پیشه و خواهش اوست و راستی عادت اوست و شکر مرکب اوست و عقل پیشوای اوست و پرهیزکاری توشهٔ اوست و دنیا دکان اوست و قبر منزل اوست و روز و شب سرمایهٔ اوست و بهشت منزل و جای

اوست و قرآن حدیث اوست و محمد صلی الله علیه و آله شفیع اوست و خدا جل ذکره مونس اوست و فرمود رسول
خدا صلی الله علیه و آله مثل مؤمن نزد خدای تعالی مثل فرشته مقرب است و بدرستیکه مؤمن نزد خدا بزرگتر است از
از فرشته و نیست چیزی دوست‌تر نزد خدای تعالی از مرد مؤمن توبه‌کار و از زن مؤمنه توبه‌کار و فرمود رسول الله صلی الله
علیه و آله آمد جبرئیل از نزد پروردگار عز و جل و میگفت پروردگار من سلام میخواند ترا و میگوید یا محمد بشارت ده مژده
ده آن مؤمنان را که میکنند عملهای صالح و ایمان میآورند بتو و بپیغمبران قبل از تو و به اهل بیت تو به بهشت که
از برای ایشان است نزد من جزای نیکوتر زود باشد که داخل شوند بهشت را و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله
مؤمن آینه مؤمنست مؤمن برادر مؤمن است مؤمن اندک مؤنت است مؤمن عاقل زیرک است مؤمن مهربان
با الفت است مؤمن آنست که ایمن دانند او را مردمان بر نفسهای خود و مالهای خود مؤمن عزیز بزرگوار است و فاجر فریب
دهنده نابکار است مؤمن از برای مؤمن مثل بنا هائیست که محکم است بعضی از آن ببعضی مؤمن نزد اهل ایمان
بمنزله سر است ببدن مؤمن روز قیامت در سایه صدقه خویش است مؤمن میخورد بیک روده و کافر میخورد بهفت
روده مؤمنان سهل انگاران نرم طبعانند زمستان بهار مؤمنست دعا سلاح مؤمنست نماز نور مؤمن است دنیا
زندان مؤمنست و بهشت کافر است حکمت گم شده مؤمنست نیت مؤمن بهتر است از کردار او هدیه خدا از مؤمن
سئوال است از در او تحفه مؤمن مرگست شرف و بزرگی مؤمن نماز اوست در شب و عزت او آنست که بی نیاز باشد از
مردمان **فصل چهارم** در حق مؤمن بر مؤمن فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله از برای مؤمن بر مؤمن
هفت حق واجبست از جانب خدای تعالی بزرگ داشتن او را در چشم خود و دوست داشتن او را در دل خود و برابر
داشتن او را با خود در مال خود و آنکه حرام داند غیبت او را و عیادت و دیدن کند او را در بیماری او و مشایعت کند جنازه
او را و نگوید ذکر او بعد از مرگ او مگر بنیکی **فصل پنجم** در حال مؤمن گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله که دنیا
زندان مؤمن و بهشت کافر است و از امام جعفر صادق ع آنکه خدای تعالی گردانیده است دوستان خود را در دنیا نشانه
تیر بلا و نیز از انس مرویست که خالی نیست مؤمن یکی از سه چیز جمع آنکه باشد با وی در سرای خود شخصی که بند
در روی در وا آزار کند او را یا کنار رکند در راه خود بجا بخود بشخصی که آزار کند او را و اگر مؤمن بر سر کوهی باشد

بر انگیزاند خدا بروی شیطانی را که آزار کند او را و بگرداند از برای وی از ایمان مونسی که وحشت نگیرد با آن از
هیچکس و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر مؤمن بر تخته باشد در دریا هر آینه بگمارد خدا بروی شیطانرا
که آزار کند او را و فرمود آنحضرت اگر باشد مؤمن در سوراخ موشی هر آینه بگمارد خدا بروی شخصی را که آزار کند
او را و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله نمیباشد در دنیا هیچ مؤمن الا آنکه او را همسایه ایست که آزار میکند
او را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله نبوده است و نمیباشد و نخواهد بود هیچ پیغمبری و نه وصیی الا آنکه او را
خویشی است که آزار میکند او را و همسایه ایست که آزار میکند او را و فرمود آنحضرت که جدا نمیشود مؤمن از چهار
خصلت از همسایه که آزار کند او را و شیطانیکه گمراه کند او را و منافقیکه در عقب او باشد و مؤمنی که حسد
برد او را و از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که فرمود بدرستیکه مؤمن مبتلا میشود با هل خانه خود و پس
پس اگر نباشد او را اهل خانه پس همسایه دیگر **فصل ششم** در برادران مؤمن و زیارت کردن ایشان
فرمود خدای تعالی در سوره حجرات انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم واتقوا الله لعلکم ترحمون یعنی نیستند
مؤمنان مگر برادر پس اصلاح دهید میان دو برادر خود و بترسید از خدا تا آنکه خدا شما را رحم کند و فرمود
رسول خدا صلی الله علیه و آله مؤمن برادر مؤمنست و فرمود علی بن موسی الرضا علیهما السلام از پیغمبر
صلی الله علیه و آله که زیارت میکنند اهل بهشت خدای تبارک و تعالی را در هر جمعه و آنانکه دوستی میکنند
با یکدیگر در راه خدا زیارت میکنند یکدیگر را در هر روز پنجاه و دو بار و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام هر
از دو شخص که برادر باشند با هم در راه خدا هیئت و لباسی است که مانند هیئت آن مصاحبان باشد و
ایشان شناخته میشوند باین تا آنکه داخل شوند در سرای خدا عز و جل که آن بهشت است فرماید خدای تبارک
و تعالی خوش آمدید بندگان من و خلفان من و زیارت کنندگان من و دوستی کنندگان با یکدیگر در محل و مکان
اکرام و بخشش من و فرماید که طعام دهید ایشانرا و آب دهید ایشانرا و بپوشید ایشانرا پیراهن و لباس کنید پس نمی
میشوند از ایشان هفتاد کس تا صد هزار میپوشند ایشانرا جامه‌ها که نماند هیچ یک بدیگری بعد از آن میفرماید
خدای تبارک و تعالی خوش آمدید ای بندگان و زیارت کنندگان من و همسایگان من در جای کرامت من ای

دوستی کنند کان با یکدیگر در راه من و گوید طعام دهید ایشان را و خوشبوی گردانید ایشان را پس میبارد بر ایشان
بوی خوش و عطری که مثل آن ندیده اند قبل از آن و بعد از آن میفرماید خدای تعالی ایشان را خوش آمدید خوش آمدید با
تا آنکه فرود میاورند ایشان را در سرایها که در پیش ایشانست خوانی از طلا و نقره حدیث کرد مرا ابو جعفر
محمد بن بابویه از پدر خود گفت حدیث کرد مرا سعد بن عبد الله از احمد بن محمد از حسین بن محبوب از ابی جمیله از جابر
از امام محمد باقر علیه السلام فرمود فرشته از فرشتگان گذر کرد بمردی ایستاده بر در خانه پس گفت او را آن فرشته بنده
خدا چرا ایستاده بر در خانه گفت برادری از من در این خانه است میخواهم سلام کنم بر وی گفت آن فرشته آیا میان تو و میان
او خویشی و قرابتی هست یا آنکه آورده است ترا بوی حاجتی گفت نه در میان من و میان او هیچ خویشی نیست
و نیست مرا بوی حاجتی مگر برادری در اسلام و حرمت آن و من باز دید میکنم او را و سلام میکنم بر وی از برای خداوندی
که پروردگار عالمیانست پس گفت آن فرشته بدرستیکه من رسول خدایم بتو و او میخواند ترا سلام و میگوید
زیارت نکردی تو مگر مرا و باز دید نکردی الا مرا و بتحقیق که واجب کردانیدم از برای تو بهشت را و عافیت دادم
ترا از غضب خود و زینهار دادم ترا از آتش روایت کرد ابو القاسم جعفر بن محمد از پدر خود سعد بن عبد الله
از محمد بن حسین از محمد بن مهران از علی بن عثمان رازی گفت شنیدم از امام موسی کاظم علیه السلام فرمود هر که قدرت
نیابد بر زیارت ما باید زیارت کند صالحان برادران خود را تا آنکه نوشته شود از برای وی ثواب زیارت ما و هر که قدرت
نیابد او را صله و پیوند کند با ما باید صله و پیوند کند با صالحان برادران خود را تا آنکه نوشته شود از برای او ثواب
صله ما از محمد بن ازدی گفت شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام که میفرمود زیارت نکند هیچ مسلمان برادر خود را
در راه خدا الا آنکه ندا کند او را خدای تعالی ای زیارت کننده نیکو کردیدی و نیکوست از برای تو بهشت **فصل
هفتم** در دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا فرمود خدای تعالی در سوره بقره وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ
یعنی آنانکه ایمان آوردند قوی ترند ایشان در محبت خدا و فرمود در سوره مائده يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ یعنی
ای گروه گروندگان فرا مگیرید جهودان و ترسایان را بدوستی بعضی از ایشان دوستان بعضی اند و هر که از شما دوست

دارد ایشان را پس او نیز از جمله ایشان باشد بدرستیکه خدا راه نمینماید گروه ستمکاران را از ابی هریره از پیغمبر صلی
الله علیه و آله فرمود بدرستیکه در حوالی عرش منبرها است از نور و بر آن گروهی مردمانند که جامهای ایشان از
نور است و رویهای ایشان از نور است نیستند ایشان از پیغمبران و رشک میبرند بر ایشان پیغمبران و شهیدان گفتند
یا رسول الله بفرما مارا که کیستند ایشان فرمود ایشان آنانند که دوستی کرده اند با یکدیگر در راه خدا و با یکدیگر نشسته
اند در راه خدا و زیارت کرده اند یکدیگر را در راه خدا و وحی کرد خدای تعالی بموسی علیه السلام که آیا کردی از برای
من کرداری هرگز عرض کرد خداوندا نماز کردم و روزه داشتم و صدقه کردم و زکوة دادم از برای تو فرمود بدرستی
که نماز از برای تو دلیل و حجتیست و روزه سپریست و صدقه سایه ایست و زکوة نوریست پس کدام عمل کردی
از برای من عرض کرد موسی علیه السلام که خداوندا دلالت کن مرا بر عملی که آن از برای تو باشد فرمود یا موسی آیا دوستی
کردی از برای من دوستی را و آیا دشمنی کردی از برای من دشمنی را پس دانست موسی علیه السلام که دوسترین
عملها نزد خدای تعالی دوستی است در راه خدا و دشمنی در راه خدا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر دو بنده
دوستی کنند باهم در راه خدا یکی در مشرق و دیگری در مغرب جمع میکند خدا میان ایشان در روز قیامت و
فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله فاضلترین عملها دوستی است در راه خدا و دشمنی در راه خدا و دشمنی در راه
خدا و فرمود آنحضرت علامت دوستی خدا دوستی ذکر خداست از انس گفت فرمود رسول خدا صلعم دوستی در راه
خدا فرض است و دشمنی در راه خدا فرض است **باب چهارم** در آن نه فصل است **فصل
اول** در چگونگی وضو و زکوة آن فرمود خدای تعالی در سوره مائده يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا
وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ یعنی ای گروه گروندگان چون خواهید که بایستید
بنماز پس بشوئید رویهای خود را یعنی از موضع بیرون موی سر تا ذقن در درازی و مقدار آنچه فرا گیرد آنرا
انگشت بزرگ و میانین در پهنی و بشوئید دستهای خود را با مرفق یعنی بشوئید از مرفقها تا سر انگشتان و مسح
کنید سرهای خود را تا دو کعبان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله یا علی چون وضو سازی بگو بسم الله اللهم انی
أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ وَتَمَامَ الصَّلَاةِ وَتَمَامَ رِضْوَانِكَ وَتَمَامَ مَغْفِرَتِكَ که این زکوة وضو است و فرمود امیر المؤمنین

علیه السلام جایز نیست نماز کردن تا آنکه پاکیزه کند پنج عضو خود را که آن روی و دست و سر و دو پای است
و باب و پاکیزه کند دل خود را بتوبه و بود امیر المؤمنین علیه السلام چون حاضر میشد وقت نماز مضطرب میشد و
متغیر میشد رنگ مبارک او پس پرسیدند از سر و در آن فرمود آمده امانتی را که موخر دارم از او و بود امام حسین ع
چون وضو میگرفت متغیر میشد رنگ او و میلرزید مفصل عضوهای او پس پرسیدند او را از آن فرمود که چیست
از اکرم باید بایستد پیش پادشاه بزرگوار زرد شود رنگ او و بلرزد اعضای او **فصل دوم** در ذکر واجب شدن
پنج نماز در این پنج وقت فرمود خدای تعالی در سوره بنی اسرائیل اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوکِ الشَّمْسِ اِلٰی غَسَقِ اللَّیْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ
اِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ کَانَ مَشْهُوداً یعنی برپای دار نماز را در وقت زوال آفتاب تا نصف شب یعنی نماز پیشین و پسین
و شام و خفتن را و قرآن فجر را که آن نماز صبح است و فرمود در سوره طه وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ
وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّیْلِ فَسَبِّحْ وَاَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّکَ تَرْضٰی یعنی نماز کن با حمد پروردگار خود پیش از بیرون
آمدن آفتاب نماز صبح را و پیش از غروب آن نماز پیشین و پسین را و در وقتهای شب بگذار نماز شام و خفتن
را در طرفهای روز از برای آنکه راضی شوی فرمود امیر المؤمنین علیه السلام پرسید یهودی پیغمبر صلی الله علیه و آله را
و گفت یا محمد از برای چه معین شده است این پنج نماز در پنج وقت بر امت تو در ساعتهای شب و روز پس فرمود
پیغمبر صلی الله علیه و آله بدرستیکه آفتاب چون طلوع کند و برسد نزد زوال او را حلقه ایست که داخل میشود در آن
پس چون داخل شود در آن زوال کند پس تسبیح گوید خدا را هر چیز که در زیر عرش است از برای پروردگار من و
این ساعتیست که صلوات میفرستد بر من در آن پروردگار من پس فرض کرده خدای تعالی بر من و بر امت من در
این نماز و فرمود اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوکِ الشَّمْسِ و این ساعتی است که میاورند جهنم را در روز قیامت پس نیست
هیچ مؤمن که موافقت کند در این ساعتها بسجود یا رکوع یا قیام الا آنکه حرام کند خدا بدن او را بر آتش و اما
نماز پسین پس این ساعتیست که خورد آدم علیه السلام در آن از درخت پس بیرون کرد او را خدا از بهشت پس امر کرد
فرزندان او را باین نماز و اختیار کرد از برای امت من فرض از او این دوست‌ترین نمازها است بسوی خدای عز و جل
و وصیت کرده است مرا بنگاه داشتن آن از میان نمازها و فرمود حَافِظُوا عَلَی الصَّلَوَاتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰی یعنی

محافظت کنید بر جمیع نمازها خصوصا بر نماز پسین و اما نماز شام پس این ساعتیست که خدای تعالی قبول کرد توبه
آدم را و بود میان خوردن او از آن درخت و میان قبول کردن خدا توبه آدم را سیصد سال از روزهای دنیا
و در آخرت یکروز مثل هزار سال دنیا میشود و از زمان از پسین بود تا شام پس نماز کرد آدم سه رکعت یک رکعت
از برای گناه خود و یک رکعت از برای گناه حوا و یک رکعت از برای آنکه قبول کرد خدا توبه او را پس فرض کرده خدای
عز و جل این سه رکعت را بر امت من و این ساعتیست که مستجاب میشود در آن دعا و این آن نمازیست که امر کرده است
مرا پروردگار من و فرمود فَسُبْحَانَ اللهِ حِیْنَ تُمْسُوْنَ وَحِیْنَ تُصْبِحُوْنَ پس نماز کنید و تسبیح خدا در وقتیکه داخل شام
میشوید و در وقتیکه داخل صبح میشوند و اما نماز خفتن از برای آنکه در قبر تاریکیست و در روز قیامت تاریکیست
است پس امر کرده مرا پروردگار من باین نماز در اینوقت تا آنکه روشن کند باین قبرها را و تا آنکه بدهد مرا و امت
مرا نوری بر صراط و نیست هیچ قدم که برود بنماز خفتن الا آنکه حرام کرده خدا بدن او را از آتش و این نمازیست
که برگزیده است آنرا خدای از برای پیغمبران مرسل قبل از من و اما نماز صبح از برای آنکه آفتاب چون بر میاید
برود و شاخ شیطان پس امر کرده پروردگار من عز و جل که بگذارم پیش از برآمدن آفتاب نماز صبح را و پیش از آنکه
سجده کنند او را کافران سجده کنند امت من خدا را عز و جل و تعجیل کردن این نماز دوست‌تر است نزد خدای
عز و جل و این نمازیست که گواه میشوند از فرشتگان شب و فرشتگان روز گفت آن یهودی که راست گفتی یا محمد ص
حدیث کرده مارا محمد بن موسی المتوکل گفت حدیث کرده مارا علی بن حسین بغدادی از احمد از امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود چون فرود آمد آدم علیه السلام از بهشت ظاهر شد بر او نشانی سیاه از سر تا قدم او پس بسیار شد غم او و گریه او
بواسطه آنچه ظاهر شد بر او پس آمد او را جبرئیل ع و گفت او را که چیست که بگریه در آوردست ترا یا آدم
فرمود که گریه میکنم از این سیاهی که ظاهر شده است بمن گفت برخیز یا آدم و نماز کن که اینوقت نماز اولیست
پس برخواست آدم ع و نماز کرد پس فرود آمد آن سیاهی تا گردن او پس آمد جبرئیل ع او را در وقت نماز دوم و گفت
یا آدم برخیز و نماز کن که اینوقت نماز دوم است پس برخواست و نماز کرد پس فرود آمد آن سیاهی تا سینه او
پس آمد او را جبرئیل در وقت نماز سیم و گفت یا آدم برخیز و نماز کن که اینوقت نماز سیم است پس برخواست

و نماز کرد پس فرود آمد انسیاهی تا ناف او پس آمد او را جبرئیل در وقت نماز چهارم و گفت یا آدم برخیز و نماز کن
که این وقت نماز چهارم است پس برخواست و نماز کرد پس فرود آمد انسیاهی تا بدو پای وی پس آمد او را جبرئیل
در وقت نماز پنجم و گفت یا آدم برخیز و نماز کن که اینوقت نماز پنجم است پس برخواست و نماز کرد پس بیرون
آمد انسیاهی جمیعا پس حمد گفت خدا را و ثنا کرد بر وی پس گفت او را جبرئیل یا آدم فرزندان تو در این نماز مثل
حال تو است در این سیاهیها هر که نماز کند از فرزندان تو در هر روز و شب پنج نماز بیرون میاید از جمیع گناهان
خود چنانچه بیرون آمدی تو از این سیاهی **فصل سیم** در ثواب اذان گفتن و آنکه جواب دهد مؤذن را فرمود خدا تعالی
در سوره مائده وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلٰوةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ یعنی چون شما اذان می
گوئید و ندا میکنید و میخوانید بسوی نماز میگیرند این نماز را و اذان را بسخریت و بازی این استهزاء از ایشان
بسبب آنستکه ایشان گروهی اند که تعقل نمیکنند و فرمود خدا تعالی در سوره حم سجده وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا
إِلَى اللّٰهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ یعنی نیست کسی نیکوتر از روی گفتار از آنکه میخواند بسوی خدا یعنی باذان
گفتن میخواند مردمان را بنماز و میکند کرداری نیکو و میگوید بدرستیکه من از مسلمانانم و پرسید امیر المؤمنین علیه السلام
پیغمبر صلی الله علیه و آله را از تفسیر اذان پس فرمود یا علی اذان حجتی است بر امت من و تفسیر آن اینست که چون گوید
مؤذن الله اکبر معنی آن اینستکه خداوندا تو گواهی بر آنکه من میگویم که ای امت احمد بتحقیق که حاضر شد نماز پس
آماده باشید و بگذارید از خود شغل دنیا و چون گوید اشهد ان لا اله الا الله معنی آن اینستکه میدانند خدا و
فرشتگان خدا و آنچه در آسمانها و زمین است که من خبر کردم شما را بوقت نماز پنجم مرتبه و چون گوید اشهد ان محمدا رسول
الله معنی آن اینست که میدانند خدا و محمد شهادت میدهند در روز قیامت که من خبر کردم شما را بنماز امروز و پیغمبر
و حجت من نزد خدا قائمست بر شما پس بپردازید بنماز که آن بهتر است از برای شما و چون کسی گوید حی علی الصلوة میگوید
ای امت احمد دینی است که ظاهر گردانید خدا و رسول خدا از برای شما پس ضایع مگردانید آنرا و لیکن بازرسید آن تا
آنکه بیامرزد خدا شما را ادا کنید نماز خود را که آن ستون دین شما است و چون گوید حی علی الفلاح میگوید ای امت احمد
بتحقیق که گشاد خدا بر شما درهای رحمت را پس برخیزید فرا گیرید نصیب خود را از رحمت تا آنکه سود کنید در دنیا و آخرت

و چون گوید حی علی خیر العمل میگوید که رحم کنید بر نفسهای خود که من نمیدانم از برای شما کرداری فاضلتر
از این نماز پس بپردازید بنماز خود پیش از آنکه پشیمان شوید پس چون گوید لا اله الا الله میگوید ای امت محمد
بدانید بدرستیکه من گردانیدم امانت هفت آسمان و هفت زمین در گردن شما پس اگر خواهید رو بیاورید
و اگر خواهید روی بگردانید پس هر که جواب داد مرا سود کرد و هر که جواب نداد ضرری ندارد مرا بعد از آن
فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله اذان نور است پس هر که جواب اذان داد رستگار شد و هر که عاجز شد بزمین فرود
و من او را دشمنم در روز قیامت پیش خدا تعالی و هر که من باشم او را دشمن پس او در بدترین حالیست و فرمود
پیغمبر صلی الله علیه و آله که مؤذنان بلندتر است گردنهای ایشان در روز قیامت و فرمود پیغمبر صلی الله علیه
و آله که آنانکه جواب دهند مؤذنان را پس ایشان با شهیدان در یک درجه باشند و نترسند در وقتیکه بترسند
مردمان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که جواب دادن مؤذن کفاره گناهانست و رفتن بمسجد طاعت خداست
و رسول خدا و هر که طاعت خدا کند و رسول او داخل گرداند او را خدا در بهشت با صدیقان و شهیدان و با
در بهشت نبی داود و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله جواب دادن مؤذن رحمتست و ثواب آن بهشت و هر که
جواب ندهد دشمنی کنم او را روز قیامت پس خوشا حال آنکه جواب دهد خواننده خدا را و برود بمسجد و
جواب نمیدهد و نمیرود مگر مؤمنی از اهل بهشت و فرمود آنحضرت هر که اجابت کند مؤذن را و اجابت کند
عالمان را باشد روز قیامت در رستاء علم من و باشد در بهشت همسایه من و او را است نزد خدا ثواب شصت
شهید و فرمود آنحضرت هر که اجابت کند مؤذنان را و توبه کند گناهان را پس ایشان و شهیدان در یک سوی زمین
باشند و نترسند در وقتیکه بترسند مردمان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله هر که اجابت کند مؤذنان را او را
گرداند خدا از برای او شفاعت من و باشم من او را شفیع نزد خدا عز و جل و بیامرزد خدا جمیع گناهان
پنهانی و آشکارای او را و بنویسد از برای او بهر یک رکعت نماز بجماعت فضل ششصد رکعت و از برای او است
بهر رکعتی شهری در بهشت و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله هر که بشنود اذان پس اجابت کند باشد نزد
خدا از نیک بختان و هر که اجابت نکند خواننده خدا را پس نیست او را در اسلام هیچ نصیب و بهره و هر که

اجابت کند مشتاق شود بوی بهشت و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله هر که اجابت کند خوانندهٔ خدا را
طلب آمرزش کنند از برای او فرشتگان و داخل بهشت شود بی حساب **فصل چهارم** در فضیلت
مسواک روایت شده از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله هر که مسواک کند روزی
یکبار راضی شود خدا از وی و هر که مسواک کند روزی دو بار بتحقیق که دوام نموده است سنت پیغمبران را
و بنویسد خدا از برای وی بهر نمازی که کرده ثواب صد نماز و توانگر کرداند او را از درویشی و خوش کرداند
بوی دهان او را و زیاد کرداند حفظ او را و سخت کرداند گوشت دندان او را و گوارا کند طعام او را و ببرد درد
دندان او را و دفع کند از وی بیماری را و مصافحه کنند او را فرشتگان از آنچه ببینند بر وی از نور و پاک کرداند
دندانهای او را و متابعت کنند او را فرشتگان وقت بیرون آمدن او از خانه و استغفار و طلب آمرزش
کنند از برای او حاملان عرش و کروبیون و بنویسد خدا از برای وی بهر مرد مؤمن و زن مؤمنه ثواب هزار
ساله و رفیع کرداند خدا از برای هزار درجه و بگشاید از برای او درهای بهشت را اگر در آید از هر در که خواهد
و بدهد خدا بوی کتاب او را بدست راست وی و حساب کند با وی حساب آسان و بگشاید خدا بروی درهای
رحمت و بیرون نرود از دنیا تا آنکه ببیند جای خود را در بهشت و بتحقیق که پیروی کرده است پیغمبران را و در آید
با ایشان در بهشت و هر که مسواک کند هر روز بیرون نرود از دنیا تا آنکه ببیند ابرهیم علیه السلام را در
خواب و باشد در روز قیامت در شمارهٔ پیغمبران و قضا کند خدا از برای او هر حاجت که هست او را از امر
دنیا و آخرت و باشد در روز قیامت در سایهٔ عرش روزی که نیست هیچ سایه الا سایهٔ او و باشد در بهشت
رفیق ابرهیم علیه السلام و رفیق پیغمبران و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که دو رکعت نماز با مسواک دوست‌تر است
بخدا تعالی از هفتاد رکعت بغیر مسواک **فصل پنجم** در ثواب ادای پنج نماز روایت شده از پیغمبر صلی الله
علیه و آله هر که بپای دارد پنج نماز را و دوری کند هفت گناه کبیره را ندا کند او را روز قیامت که داخل بهشت
شو از هر در که خواهد گفت مردی او را که هفت گناه کبیره را شنیدی از رسولخدا صلی الله علیه و آله که چیست آن
گفت بلی شرک آوردن بخدا تعالی و آزار کردن پدر و مادر و دشنام دادن زنان پرهیزکار و کشتن بغیر حق و خوردن

در جنگ کافران و خوردن مال یتیم و ربا و سود و فرمود خدا تعالی قد افلح المؤمنون الذینهم فی صلوتهم خاشعون
یعنی بتحقیق که رستگار کردیده مؤمنان آنانکه در نماز خود بترسند کانند حدیث کرد ما را محمد بن احمد بن صالح
ابن سعد تمیمی از پدر خود گفت حدیث کرد ما را احمد بن هشام گفت حدیث کرد ما را منصور بن مجاهد از ربیع بن
بدر از سوار بن حبیب از ابن عباس که گفت فرمود رسولخدا صلی الله علیه و آله بدرستیکه مر خدا راست تبارک
و تعالی فرشته که او را سخائیل گویند که میگیرد براتها از برای نماز کنندگان نزد هر نماز از رب العالمین جل
جلاله پس چون صباح کنند مؤمنان و برخیزند و وضو کنند و بگذارند نماز صبح را بگیرد از خدا براتی از
برای ایشان که نوشته است در آن که منم خداوند باقی ای غلامان و کنیزان من هستید در مکان نگاهداشت
من کردانیدم شما را در حفظ و پناه خود قسم بعزت من که بخت آرم و نصرت نگذارم شما را و آمرزیده است گناهان
شما تا پیشین چون وقت ظهر شود پس برخیزند و وضو کنند و نماز کنند بگیرد از برای ایشان از خدا برات
دوم نوشته است در آن که منم خداوند قادر ای غلامان و کنیزان من بدل کردم بدیهای شما را بنیکی و آمرزیدم
گناهان شما را و داخل کردانم شما را در حالیکه راضی باشم از شما در خانهٔ بزرگواری پس چون وقت پسین
شود برخیزند و وضو کنند و نماز کنند بگیرد از برای ایشان از خدا برات سیم نوشته است در آن که منم
خداوند جلیل که بزرگست ذکر من و عظیم است پادشاهی من ای غلامان و کنیزان من حرام کردانیدم بدنهای
شما را بر آتش و ساکن کردانیدم شما را در منزلهای نیکوکاران و دفع کردم از شما برحمت خود شر بدکاران را پس وقت
شام شود و برخیزند و وضو کنند و نماز کنند فرا گیرد از برای ایشان از خدا برات چهارم نوشته است در آن
که منم خداوند جبار بزرگ رفیع الشان ای غلامان و کنیزان من بالا آمدند فرشتگان من از جانب شما خشنود
و واجبست بر من که خشنود کردانم شما را و بدهم شما را در روز قیامت آنچه آرزوی شما است پس چون وقت
خفتن شود و برخیزند و وضو کنند و نماز کنند فرا گیرد از ایشان از خدا برات پنجم نوشته است در آن بدرستی که
منم الله نیست هیچ خدائی غیر از من و نیست پروردگاری جز از من ای غلامان و کنیزان من در خانهای خود وضو کردید
و بخانهای من رفتید و در ذکر من شروع کردید و حق مرا شناختید و قرضهای مرا ادا کردید گواه کردم ترا ای سخائیل

بسر بالش در هر شب بعد از نماز خفتن با اینکه املائکه خدا بدرستیکه خدای تبارک و تعالی امر نمیکند نماز کنندگان
که خدا را بیگانگی شناسند و باقی نماند هیچ فرشته در هفت اسمان الا انکه طلب امرزش کنند از برای نماز کنندگان
و دعا کنند از برای ایشان بدوام نمودن بر این پس هر که را روزی شود نماز شب خواه مرد و خواه زن برخیزد از
برای خدا عز و جل باخلاص پس وضو کند وضوئی تمام و نماز کند از برای خدا عز و جل بنیت درست
و دل سلامت و بدن ترسان و چشم گریان بدارد خدای تعالی در عقب وی نه صف از فرشتگان در هر صف
انقدر که نداند عدد ایشانرا الا خدا تعالی یکطرف هر صف بمشرق و یکطرف بمغرب پس چون فارغ شود او از
نماز نوشته شود از برای او بعدد ان فرشتگان درجات گفت منصور که بود ربیع بن بدر چون بیان میکرد این حدیث را
میگفت کجائی تو ای غافل از این کرم و کجائی تو از برپای داشتن شب و از این ثواب و از این بخشش و کرامت و فرمود
پیغمبر صلی الله علیه و اله که نماز ستون دین است و فرمود انحضرت که نماز قربان هر پرهیزکار است و انس و ذکر
که هر چیزیرا زینتی است و زینت اسلام پنج نماز است و هر چیزیرا رکنیست و رکن مؤمن پنج نماز است و هر چیزیرا
چراغیست و چراغ دل مؤمن پنج نماز است و هر چیزیرا بهائیست و بهای بهشت پنج نماز است و هر چیزیرا براتیست
و برات مؤمن از اتش جهنم پنج نماز است و هر چیزیرا امانیست و امان مؤمن از قطع رحم و مفارقت نیکان پنج
نماز است و خیر دنیا و اخرت در نماز است و باین ظاهر میشود مؤمن از کافر و مخلص از منافق و این ستون دین
است و پناه بدن و زینت اسلام و مناجات حبیب است برای حبیب و قضای حاجت و توبه توبه کار و یاد کردن
نعمت و برکت مال و فراخی روزی و نور روی و عزت مؤمن و فرود اوردن رحمت و قبول دعا و استغفار فرشتگان
و خواری ملحدان و غلبه بر شیاطین و شادی مؤمن و کفاره گناهان و حصول امال و قبول گواهی و ابادانی
و زینت شهر و تواضع از برای خدا و نیستی کبر و بزرگی و بسیاری قصرهای بهشت و کابین حور العین و نشاندن
درختهای بهشت و هیبت بدکاران و فرا گرفتن رحمت از خدا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله هر که ادا کند
یکنماز فرض پس از برای اوست نزد خدا یک دعای قبول و روایتست از پیغمبر صلی الله علیه و اله که نشان
ایمان نماز است و فرمود انحضرت اول چیزیکه حساب کرده میشود بران نماز است و فرمود که اول چیزیکه واجب

کرده است خدا تعالی بر بندگان خود نماز است و اخرین چیزیکه باقیست نزد مرگ نماز است و اول چیزیکه
حساب کرده میشود بان در روز قیامت نماز است پس هر که جواب داد اسان میشود او را ما بعد ان و هر که
جواب نداد سخت میگردد بروی ما بعد ان و از سلمان فارسی رضی الله روایتست از پیغمبر صلی الله علیه و اله
بدرستیکه نماز میکند مرد در حالیکه گناهان او گذاشته شده است بر سر او پس هر گاه سجده کند فرو ریزد
گناهان پس چون فارغ شود از نماز فارغ شود و حال انکه جمیع گناهان او فرو ریخته باشد و از ابو هریره از پیغمبر
صلی الله علیه و اله که فرمود چون نماز کند بنده در اشکارا و نیکو نماز کند و نماز پنهانی و نیکو نماز کند فرماید
خدای تعالی که اینست بنده من حقیقة

فصل ششم

در عقوبت ترک کننده نماز فرمود خدا تعالی در
سوره طه وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَعْمٰى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمٰى
وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذٰلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسٰى و هر که روی بگرداند از یاد من پس
بتحقیق که مر او راست زیستنی تنگ در دنیا و برانگیزانیم او را در روز قیامت کور و نابینا گوید ای پروردگار
چرا حشر کردی مرا کور و بدرستیکه بودم من بینا گوید خدا که این چنین است از برای انکه امد بتو ایتهای کتاب من
پس ترک کردی انرا و مثل ان در این روز نیز در مانده و فرمود در سوره مریم أَضَاعُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ
فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا یعنی ضایع گردانیدند نماز را یعنی ترک کردند و پیروی نمودند ارزوها را پس زود باشد که
بیفتند بجزای ان در گمراهی یا در چاه دوزخ و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله نماز ستون دینست پس
هر که ترک کند نماز خود را عمدا بتحقیق که خراب کرده است دین خود را و هر که ترک کند وقتهای انرا در اید او را
ویل و ویل وادیست در جهنم چنانکه فرمود خدا تعالی در سوره ارایت فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلٰوتِهِمْ
سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ یعنی این ویل که موضعیست در جهنم اماده است از برای نماز
کننده که غافل باشد از نماز خود و فراموش کنند انرا انانکه کردار ایشان از برای دیدن مردم باشد و منع کنند نیکی
را بفقیران و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله هر که ترک کند نماز را تا انکه فوت شود از وی بغیر عذری بدرستیکه
که باطل شود کردار وی و فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و اله میان بنده و میان کفر ترک نماز است و فرمود ان

انس روی که نگاه داشت کنید پنج نماز را که بدرستیکه خدای تبارک و تعالی امر کند در روز قیامت که بیاورند بندهٔ را اول چیزی که حساب میکند او را نماز است پس اگر آورده او را تمام رستگار میشود و اگر نه می اندازند او را در دوزخ و فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله که ضایع مکنید نماز خود را که بدرستیکه هر که ضایع کند نماز خود را بر میانگیزاند او را خدا با فرعون و هامان و قارون و واجبست بر خدای تعالی که داخل کرداند او را در دوزخ با منافقان پس وای از آنکه نگاه داشت نکند نماز خود را و فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله که همیشه شیطان ترسانست از فرزندان آدم مادام که نگاه داشت پنج نماز را پس چون ضایع کند از او دلیر کردد بروی و بیندازد او را در هلاکت فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که التفات بسیار باطل میکرداند نماز را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله هر که ترک کند نماز را در حالیکه امید ثواب نباشد او را از کردن آن و ترس عقوبت نباشد او را از ترک آن پس باکی ندارم که بمیرد او بدین نصاری یا یهود یا گبر و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله هر که عاری کند ترک کننده نماز را به یک لقمه یا جامه پس چنانست که کشته است هفتاد پیغمبر را که اول ایشان آدم است و آخر ایشان محمد صلی الله علیه و آله و فرمود ایضا که نیست ایمان از آنکه نیست او را امانت و دین از آنکه نیست او را عهد و نیست نماز از آنکه تمام نمیکند رکوع از او و سجود از او و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که پلیدترین مردم از دزدی آنست که میدزدد بعضی از نماز خود را پس عرض کرد علی علیه السلام که چگونه است این یا رسول الله فرمود آنست که تمام نمیکرداند رکوع از او و سجود از او پس او میدزدد نماز خود را و نیست میکردد در نزد خدا دین او

فصل هفتم در فضیلت نماز شب فرمود خدا تعالی در سورهٔ بنی اسرائیل وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا یعنی بعضی از شب پس بیدار شو بقرائت یعنی نماز نافله از برای تو تا آنکه برانگیزاند ترا خدا در مقامی پسندیده و فرمود در سورهٔ مزمل يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ای جامه در سر کشیده برخیز در شب و نماز کن مگر اندکی از شب که آن نصف شب باشد یا کم کن از نصف آن اندکی یا زیاد کن بر آن اختیار تراست و قرائت قرآن نما با تأمل حدیث کرد ما را سعد بن عبد الله از سلمة بن خطاب و او سنانی از محمد بن لیث از جابر بن اسمعیل

از حضرت صادق علیه السلام گفت آمد مردی و پرسید امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را از قیام شب بقرآن خواندن فرمود او را که بشارت باد که هر که نماز کند در شب ده یک شب از برای خدا با خلاص و طلب خشنودی خدا فرماید خدای تبارک و تعالی فرشتکان خود را که بنویسید از برای این بندهٔ من حسنه و ثواب عدد آنچه روئیده در این شب از دانه و برگ و درخت هر نی و خار و گیاه و هر که نماز کند نه یک شب بدهد او را خدا کتاب او را بدست راست او در روز قیامت او را و هر که نماز کند هشت یک شب را بدهد او را خدا ثواب شهید صبر کننده صادق النیة و قبول شود شفاعت او در اهلبیت او و هر که نماز کند هفت یک شب بیرون آید از قبر خود روز یکه برانگیخته شود در حالیکه روی او چون ماه شب چهارده باشد تا آنکه بگذرد از صراط با ایمنی و هر که نماز کند شش یک شب از نویسندکان شود از بازگشت کنندکان و آمرزیده شود هر گناه که کرده است و هر که نماز کند پنج یک شب را همنشین باشد با ابرهیم خلیل الرحمن در قبر او و هر که نماز کند چهار یک شب را باشد او از اول رستکاران تا آنکه بگذرد بر صراط چون باد سخت و داخل بهشت شود بغیر حساب و هر که نماز کند سه یک شب را باقی نماند هیچ فرشته الا آنکه رشک برد او را بواسطهٔ منزلت او نزد خدای عز و جل و گویند او را که داخل شو هر یک از هشت در بهشت که خواهی و هر که نماز کند نصف شب را پس اگر بدهند او را زمین پر از طلا هفتاد هزار بار برابر جزاء او نباشد و باشد این از برای او نزد خدا فاضل تر از هفتاد بندهٔ که آزاد کرده باشد او را از فرزندان اسمعیل و هر که نماز کند دو سه یک شب باشد او را از حسنات قدر یک عالج که کمترین حسنات سنگین تر از کوه احد باشد ده بار و هر که نماز کند یک شب تمام در حالیکه خوانندهٔ کتاب خدا بعز و جل باشد و رکوع کننده و سجود کنندهٔ و ذکر گوینده باشد داده شود از ثواب آنقدر که کمترین آن بیرون رفتن او است از گناهان چنانچه زائیده است او را مادر او و نوشته شود از برای او عدد آنچه خلق کرده است خدا از حسنات و مثل آن درجات و ثابت شود نوری در قبر او و بر کنده شود گناه و حسد از دل او و خلاصی یابد از عذاب قبر و داده شود برات خلاصی از آتش و برانگیخته شود از ایمنان و فرماید پروردگار تبارک و تعالی فرشتکان را که نظر کنید به بندهٔ من که احیا کرد شبی بطلب رضای من ساکن

ساکن گرداند او را در فردوس و از برای اوست در ان صد هزار شهر در هر شهری باشد هرچه خواهد نفسها و لذت یابد چشمها و انچه نگذشته باشد بر هیچ دل سوای انچه اماده کرده‌ام برای وی از کرامت و زیادتی و قربت و روایت شده از امام محمد باقر از پدرش از جدش علیهم السلام که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله که هرکه بخواند ده ایه در شبی نوشته نشود از غافلان و هرکه بخواند پنجاه ایه نوشته شود از ذکر کنندگان و هرکه بخواند صد ایه نوشته شود از ترس کاران و هرکه بخواند سیصد ایه نوشته شود از رستکاران و هرکه بخواند پانصد ایه نوشته شود از مجتهدان و هرکه بخواند هزار ایه نوشته شود از برای او ثواب قنطاری که ان قنطار پنجاه هزار مثقال طلا باشد و هر مثقال بیست و چهار قیراط باشد کوچکترین ان مثل کوه احد باشد و بزرگتران از اسمان تا زمین و روایت شده از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود هرکه در نماز وتر بخواند معوذتین و قل هو الله احد گویند او را که ای بندهٔ خدا بشارت باد ترا که قبول شد وتر تو **فصل هشتم** در فضیلت نماز جماعت و در عقوبت ترک کنندهٔ جماعت فرمود خدای تبارک و تعالی وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ یعنی نماز کنید با نماز کنندگان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که صفهای امتان من در زمین چون صفهای فرشتگان است در اسمان و یک رکعت در جماعت مثل بیست و چهار رکعتست هر رکعت بهتر است نزد خدا از عبادت چهل ساله و از ابی سلمه از ابی سعید خدری گفت فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که امد جبرئیل با هفتاد هزار فرشته بعد از نماز پیشین و عرض نمود یا محمد بدرستیکه خدا تعالی میخواند ترا سلام و هدیه فرستاده است بتو دو هدیه که هدیه نفرستاده است انرا بهیچ پیغمبری قبل از تو فرمود که گفتم یا جبرئیل چیست ان دو هدیه عرض کرد نماز پنج وقت در جماعت گفتم یا جبرئیل چیست از برای امت من در جماعت گفت یا محمد چون دو شخص باشند بنویسد خدای تعالی از برای هر یک بهر رکعتی صد و پنجاه نماز و چون باشند سه شخص بنویسد خدای تعالی از برای هر یک بهر رکعتی دویست و پنجاه نماز و چون چهار شخص باشند بنویسد خدای تعالی از برای هر رکعتی هزار و دویست نماز و چون پنج باشند بنویسد خدا از برای هر یک بهر رکعتی هزار و سیصد نماز و چون شش باشند بنویسد خدا از برای هر یک بهر رکعتی دو هزار و چهارصد نماز و چون هفت باشند بنویسد خدا از برای هر یک بهر رکعتی

چهار هزار و هشتصد نماز و چون هشت باشند بنویسد خدا از برای هر یک بهر رکعتی نه هزار و ششصد نماز و چون نه باشند بنویسد خدا از برای هر یک بهر رکعتی نوزده هزار و دویست رکعت و چون زیاده شوند بر ده اگر بگردد جمیع دریاهای اسمان و زمین مداد و درختان قلم و ادمیان و جنیان با فرشتگان نویسنده قادر نباشند نوشتن ثواب یک رکعت یا محمد تکبیری که الله اکبر گفتن که دریابد انرا مؤمن بهتر است از برای او از شصت حج و هزار عمره غیر فرض یا محمد یک رکعت نماز که بگذارد انرا مؤمن با امام بهتر است او را از تصدق کردن صد هزار دینار طلا بر درویشان و یک سجده که بگذارد انرا بهتر است او را از عبادت سالی و رکوعی که بکند انرا مؤمن با امام بهتر است او را از صد بنده که ازاد کرده باشد او را در راه خدا و نیست بر انکه بمیرد بر سنت و جماعت عذاب قبر و نه سختی روز قیامت یا محمد هرکه دوست دارد جماعت را دوست دارد او را خدا و فرشتگان و ادمیان جمیعا و روایت شده از ابن عباس که گفت اگر فوت شود ترا نماز صبح در جماعت پس روزه دار انروز را و اگر فوت شود ترا نماز پیشین در جماعت پس نماز کن پیشین تا پسین و اگر فوت شود ترا نماز پسین در جماعت پس ذکر نما خدا را تا شام و اگر فوت شود ترا نماز شام در جماعت پس نماز کن میان شام و خفتن و اگر فوت شود ترا نماز خفتن بجماعت پس احیا دار شب خود را که شاید که دریابی فضل انکه در یافته است فضل جماعت را و گفت پیغمبر صم که تکبیر اول امام پیش از نماز بهتر است از دنیا با هر چه در انست و روایت شده از عبد الله بن مسعود رض که او را فوت شد تکبیرة الاحرام روزی پس ازاد کرد بنده و امد نزد پیغمبر صم پس گفت یا رسول الله فوت شد مرا تکبیرة الاحرام پس ازاد کردم بندهٔ ایا دریافتم فضل انرا فرمودند بعد از ان فرمود یا ابن مسعود اگر نفقه کنی هر چیز را که در زمین است جمیعا نیست که دریابی فضل انرا و روایت است از انس بن مالک از رسول خدا صم که نماز مرد در جماعت بهتر است از نماز او در خانه خود چهل سال گفتند یا رسول الله نماز روزی فرمود انحضرت که یک نماز بعد از ان فرمود رسول خدا صم چون بنده در عقب پیش نماز باشد بنویسد خدا از برای وی صد هزار هزار و بیست درجه و فرمود پیغمبر صم که هرکه نماز کند دو رکعت با عمامه او راست فضل بر انکه عمامه ندارد مثل فضل من بر امت من و هرکه نماز کند با عمامه او راست فضل بر انکه

نماز کند بغیر عمامه مثل فضل انکه جهاد کند در دو برابر اینکه جهاد کند در بیابان در راه خدا و اگر مردی با عمامه
پیش نمازی کند کل امت مرا بغیر عمامه البته قبول کند خدا نمازهای ایشانرا جمیعا از بزرگواری و هرکه نماز
کند با عمامه موکل شود بروی هفتصد هزار فرشته که مینویسند از برای وی حسنات و بر میدارند از وی گناهانرا
و بلند میکردانند از برای وی درجاترا و فرمود پیغمبر ص عثمان بن مظعون را که هرکه بگذارد نماز صبح را
در جماعت بعد از ان بنشیند بذکر خدا عز و جل تا انکه طلوع کند افتاب باشد از برای او در فردوس هفتاد
درجه مسافت ما بین هر دو درجه مثل سیر اسب نیکوی باریک میان باشد هفتاد سال و هرکه بگذارد نماز
پیشین را در جماعت باشد از برای او در جنات عدن پنجاه درجه میان هر دو درجه مثل سیر اسب نیکوی
باریک میان پنجاه سال و هرکه بگذارد نماز پسین را در جماعت باشد او را ثواب مثل انکه هشت کس را
از فرزندان اسمعیل که کل ایشان صاحب خانه باشند ازاد کرده باشد و هرکه بگذارد نماز شام را بجماعت
باشد مثل انکه حجی نیکو و عمرهٔ مقبوله کرده باشد و هرکه بگذارد نماز خفتن را در جماعت باشد مثل انکه لیلة
القدر را احیا داشته است و بود امام محمد باقر علیه السلام میگفت که سه چیز کفاره گناهانست تمام کردانیدن وضو
در وقتهای سرما و رفتن در شب و روز بنمازها و حفظ کردن جماعتها و فرمود رسول خدا ص باشد مرد یکه
نماز کند در جماعت و نباشد او را ثواب نماز و باشد مردی که نماز کند در جماعت و او را ثواب یک نماز باشد
و نباشد او را ثواب جماعت و باشد مردی که نماز کند در جماعت و باشد او را ثواب بیست و چهار نماز و باشد
مردی که نماز کند در جماعت و باشد او را ثواب هفتاد نماز و مردی نماز کند در جماعت و باشد او را ثواب دویست
نماز و مردی نماز کند در جماعت و باشد او را ثواب پانصد نماز پس برخواست جابر بن عبدالله انصاری
و گفت یا رسول الله تفسیر کن از برای ما این را پس فرمود رسول خدا ص که مردی که بردارد سر خود را پیش از پیش
نماز نیست از برای او نمازی و مرد یکه بردارد سر خود را با پیشنماز و بگذارد پیش از او پس از برای او یک
نماز است و بهرهٔ نیست او را در جماعت و مرد یکه بگذارد سر خود را بعد از پیشنماز و بردارد بعد از وی
پس او را بیست و چهار نماز است و مرد یکه داخل مسجد شود پس ببیند که صفها تنگ است پس بایستد تنها

و بیرون رود مردی دیگر از صف بعقب بایستد با وی پس او را با انکه با او ست پنجاه نماز است و مرد یکه
نماز کند با مسواک او را هفتاد نماز است و مردی باشد موذن که اذان گوید در وقتهای نماز باشد او را ثواب
دویست نماز و مرد یکه باشد پیشنماز بایستد و ادا کند حق پیشنمازی را پس او راست ثواب پانصد نماز
و پرسیدند که چیست حکمت در انکه کردانیده شده است از برای نماز اذان و کردانیده نشده است از برای
عبادتهای دیگر اذان و نه خوانده فرمود از برای انکه نماز مانند احوال روز قیامتست از برای انکه اذان
مانند صور دمیدن اولست از برای مردن خلایق و اقامت مانند دمیدن صور دوم است چنانچه فرمود
خدا تعالی وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ یعنی گوش دار روز را که ندا کند ندا کننده که
ان اسرافیل علیه السلام است از جای نزدیک و ایستادن بنماز مانند ایستادنست بحساب پروردگار چنانچه
فرمود خدا تعالی يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ یعنی روز قیامت روزیست که می ایستند مردمان از برای
حساب پروردگار عالمیان و برداشتن دستها بگفتن الله اکبر اول مانند برداشتن دستها است از برای گرفتن
کتاب در روز قیامت و خواندن قران در نماز مثل خواندن کتابست نزد رب العالمین چنانچه فرمود
اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا یعنی بخوان کتاب خود را که کافیست همین نفس تو بر تو حساب
کند و رکوع مانند خلقانست از برای رب العالمین چنانچه فرمود عز شانه وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ
یعنی ذلیل و خوار است رویها نزد خداوند زندهٔ قایم بامر بندگان و سجود شبیه است بسجود رب العالمین
در روز قیامت چنانچه فرمود يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ یعنی ذکر کن روزیرا که بردارند
حجاب او بخوانند مردمانرا بسجود و تشهد مانند نشستن است نزد پروردگار عالمیان چنانچه فرمود عز شانه
وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا یعنی می بینی تو ای بنده هر گروهی را که بزانو در امده اند هر گروهی
خوانده میشود بکتاب خود و سلام دادن مانند جدا شدن دو گروه است چنانچه فرمود خدا فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ
وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ روز قیامت گروهی ببهشت روان شوند و گروهی در اتش سوزان و فرمود رسول خدا ص
هرکه همسایه مسجد باشد و حاضر نشود بجماعت سه روز متوالی پس بروی باد لعنت خدا و فرشتگان و ادمیان

جمیعا و اگر خواستگاری زن کند تو نکاح مکنید و اگر بیمار باشد او را دیدنی مکنید و اگر بردارند جنازهٔ
او را پیروی مکنید آگاه باش که نیست نماز او را آگاه باش که نیست روزه او را آگاه باش که نیست زکوة او را آگاه باش
که نیست حج او را آگاه باش که نیست جهاد او را و اگر بمیرد چنان بمیرد مانند کافران جاهلیت و مرویست از عبد الله
ابن مسعود که گفت فرمود پیغمبر صلعم که آمدند بمن جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل با هر یکی از ایشان هشتاد
هزار فرشته پس عرض کردند یا محمد خداوند جبار میخواند ترا سلام و میفرماید برسان امت خود را اگر هر که بمیرد
در حالیکه دوری کند از جماعت نیابد بوی بهشت را و اگر چه باشد عمل او بیشتر از اهل زمین که قبول نمیکنم از وی
نافله و نه فریضه را یا محمد ترک کنندهٔ نماز جماعت نزد من ملعونست و نزد فرشتگان ملعونست و بتحقیق که لعنت
کرده ام ایشان را در توریة و انجیل و زبور و قرآن و ترک کنندهٔ جماعت صبح و شام داخل میشود در لعنت خدا یا محمد
ترک کنندهٔ جماعت را قبول نمیکنم دعائی و فرو نمیفرستم بروی رحمت را ایشان جهودان امت تو اند اگر بیمار شوند
دیدنی مکن ایشان را و اگر بمیرند حاضر مشو بر جنازهٔ ایشان و راه نمیرود بروی زمین دشمن تر نزد من از ترک
کنندهٔ جماعت یا محمد ترک کنندهٔ جماعت را امر کرده ام هر صاحب نفسی را و روحی را که بروی لعنت کنند و ترک کنندهٔ
جماعت بدتر است از شارب الخمر و از آنکه منع میکند طعام را از مردمان و از آنکه میکشد مردمان را بغیر حق و از خورندهٔ
سود و ترک کنندهٔ جماعت را نیست در بهشت هیچ نصیبی و او بدتر است از کور و شکافنده و مخنث و بدتر است از زنا کننده
و بدتر است از گواه دهندهٔ دروغ یا محمد هر که بمیرد در حالیکه دوری کند از جماعت داخل کردانم او را در دوزخ

فصل هم در آنچه سنت است گفتن آن وقت داخل شدن مسجد و وقت بیرون آمدن از آن و در ذکر
عقوبت خواب کردن در مسجد و در ثواب روشن کردن چراغ در آن در شب فرمود خدا تعالی در سورهٔ توبه إِنَّمَا
يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا
مِنَ الْمُهْتَدِينَ عمارت نمیکند مسجدهای خدا را مگر آنکه گرویده باشد بخدا و روز قیامت و بپای دارد نماز
را و بدهد زکوة را و نترسد مگر از خدای پس شاید که آنگروه باشند از راه یافتگان و بود پیغمبر صلعم که چون داخل
مسجد میشد پیش میگذارد پای راست خود را و میفرمود بسم الله و علی الله توکلت و لا حول و لا قوة الا بالله

العلی العظیم و چون بیرون میآمد پیش میگذارد پای چپ خود را و میفرمود بسم الله اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بعد از آن فرمود آنحضرت که یا علی هر که داخل مسجد شود و بگوید چنانچه من گفتم قبول کند خدا نماز او را و بنویسد
از برای او بهر رکعتی که نماز کرده است فضل صد رکعت پس چون بیرون آید و بگوید مثل آنچه گفتم بیامرزد گناهان
او را و رفیع گرداند از برای وی بهر قدمی درجه و بنویسد از برای وی بهر قدمی صد حسنه و فرمود پیغمبر صلعم که چون
داخل شود بندهٔ در مسجد و بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید شیطان که آه شکست پشت من و بنویسد خدا
از برای وی باین کلمه عبادت یکساله و چون بیرون آید از مسجد و بگوید مثل این بنویسد خدا از برای او بهر موئی
که در بدن اوست صد حسنه و رفیع کند از برای او صد درجه و فرمود پیغمبر صلعم که چون داخل شود مؤمن در مسجد
و پیش گذارد پای راست را گویند فرشتگان که بیامرزد خدا ترا و چون بیرون آید و پیش گذارد پای چپ را گویند
فرشتگان که حفظ کند خدا ترا و قضا کند از برای تو حاجتها را و بگرداند مکافات تو بهشت را و فرمود پیغمبر صلعم
که سخن گفتن بیهوده در مسجد میخورد حسنات را چنانچه میخورد چهارپای گیاه را و فرمود انس که هر که خواب کند
بمسجد مبتلا گرداند او را خدا بدردی که دوا نباشد او را و فرمود پیغمبر صلعم که خواهند آمد در آخر الزمان مردمانی
از امت من در مسجدها و بنشینند در آن حلقها ذکر ایشان دنیا و حب دنیا است با ایشان منشینید که نیست
خدا را با ایشان حاجتی و فرمود پیغمبر صلعم که هر که مرمت کند و باصلاح آورد مسجد را بنویسد خدا از برای وی
آزاد کردن بندهٔ و هر که بیرون آورد خاک و خاشاک را از آن بقدر آنکه بچشم کشند از آن بنویسد خدا از برای او دو
نصیب از رحمت خود و فرمود پیغمبر صلعم که سه چیز شکوه میکنند بخدا تعالی مسجد خراب که نماز نگذارند در آن اهل
آن و عالمی که در میان جاهلان باشد و از وی چیزی فرا نگیرند و مصحفی که در خانه باشد و نخوانند و فرمود
امام رضا علیه السلام که خانهائی که نماز میکنند در آن در شب روشنی میدهد نور آن اهل آسمان را چنانچه
روشنی میدهد نور ستارگان اهل زمین را و از انس بن مالک روایتست که هر که روشن کند در مسجدی
چراغی همیشه فرشتگان و حاملان عرش طلب آمرزش کنند از برای او مادام که در آن مسجد روشنی باشد و فرمود
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که هر که داخل کرداند در یکشب چراغی در مسجدی بیامرزد خدا گناه

هفتاد سال و در ابنویسد از برای او عبادت یکساله و از برای او است نزد خدا شهری پس اگر زیاد کند یکشب پس او را است بهر شبی که زیاد کند ثواب پیغمبری پس چون تمام شود ده شب نتوانند که صفت کنند و وصف کنند کان انچه او را است نزد خدا از ثواب پس چون تمام شود بیکماه حرام کرداند خدا بدن او را بر اتش و بگشاید از برای او درهای بهشت که داخل شود از هر در که خواهد بیحساب و او را است بهر رکعت نماز که کرده میشود روشنی چراغ او و سپری از اتش و بیرون نرود از دنیا تا انکه ببیند جای خود را در بهشت و باشد در بهشت رفیق حضرت ابراهیم علیه السلام

باب پنجم در ان سه فصل است فصل اول در فضیلت گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و گفتن تمجید

روایت شده از ابن مالک که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله که هر که بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له اللهم صل علی محمد و ال محمد بیرون اید از دهان وی مرغی سبز که او را دو بال باشد از ستبرجد و یاقوت پس چون پهن کند ان دو بال را فرا گیرد مشرق و مغرب را تا انکه برسد بعرش و او را اوازی باشد مثل اواز مگس عسل ذکر کند صاحب خود را پس گوید او را خدای تعالی که مدح کردی مرا و مدح کردی پیغمبر مرا ساکن شو پس گوید چگونه ساکن شوم و حال انکه هنوز نیامرزیده گوینده لا اله الا الله را پس فرماید خدای تعالی که ساکن شو که امرزیدم او را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم که سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر سپرند تسبیحات پس هر که گوید در هر روز ده بار بهتر باشد از برای وی از ازاد کردن بنده و بهتر باشد از برای وی از ده هزار اسب که بفرستد انرا در راه خدا و بیرون نرود از مکان خود الا امرزیده و بدهد خدا بوی بهر حرفی شهری و فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و اله که هر که بگوید صد بار سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بنویسد او را خدا در دیوان صدیقان و باشد او را بهر حرفی نوری بر صراط و باشد در بهشت رفیق خضر علیه السلام و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که هر کس بگوید سبحان الله بهتر است از برای وی از مقدار کوهی از طلا که نفقه کند در راه خدا و الحمد لله بهتر است از کوهی نقره که صرف شود در راه خدا و لا اله الا الله بهتر است

از دنیا و هر چیز که در دنیا است که پیش فرستد انرا مردی نزد خدا و الله اکبر بهتر است از ازاد کردن هزار بنده پس هر که بگوید در هر روز سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر صد بار حرام گرداند خدا بدن او بر اتش و گفت ابن عباس که گذشتم بر پیغمبر صلی الله علیه و اله و میفرمود لا حول و لا قوة الا بالله عرض کردم یا رسول الله چیست ثواب این فرمود انس ورد که این تسبیح حمله عرش است هر کس بگوید یکبار لا حول و لا قوة الا بالله بیامرزد خدا گناه صد ساله او را و بنویسد از برای او بهر حرفی صد حسنه و رفیع گرداند از برای او صد درجه پس اگر زیاد کند بر یکبار او را است بهر حرفی گنجی و نوری بر صراط

فصل دویم در فضیلت استغفر الله گفتن

فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که هر چیزی را دوائیست بدرستیکه دواء گناهان استغفار است و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که نیست گناه کبیره با استغفار و نیست صغیره با معصیت بسیار و فرمود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از پدر خود از جد خود از پیغمبر صلی الله علیه و اله که هر کس بگوید بعد از عصر استغفر الله هفتاد بار بیامرزد خدا گناهان هفتاد ساله او را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که هر که بسیار استغفر الله بگوید بگرداند خدا از برای او از هر غم گشایشی و از هر تنگی راه خلاصی و روزی دهد او را از جائی که گمان ندارد و فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و اله که کفاره غیبت انستکه استغفر الله گوئی از برای انکس که غیبت کردی او را و فرمود حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام که هر که استغفار کند از گناه و وی گناه کند پس گویا استهزاء میکند بپروردگار خود فرمود انحضرت علیه السلام که بهترین گفتار لا اله الا الله و بهترین عبادات استغفار است از برای انکه خدای تعالی فرموده است فاعلم انه لا اله الا الله و استغفر لذنبک و فرمود انس ورد که ایا خبر نکنم شما و دواء شما گفتیم بلی یا رسول الله خبر کن فرمود درد شما گناهان است و دواء شما استغفار است و فرمود علیه السلام که توبه کنید بخدای تعالی که بدرستیکه من توبه میکنم در روزی صد بار

فصل سیم در فضیلت صلوات بر نبی صلی الله علیه و اله

فرمود خدای تبارک و تعالی در سوره احزاب ان الله و ملئکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما یعنی بدرستیکه خدا و جمیع فرشتگان درود میدهند بر این پیغمبر رفیع القدر ای گروه گرویدگان درود فرستید بر وی و تحیت و سلام کنید بر وی سلام کردنی و فرمود رسول خدا

صلی الله علیه و آله که هر که صلوات فرستد بر من یکبار صلوات فرستد بر وی خدا ده بار و هر که صلوات دهد
بر من ده بار صلوات دهد بروی خدا صد بار و هر که صلوات دهد بر من صد بار صلوات دهد بروی
خدا هزار بار و خدا عذاب نکند او را در دوزخ هرگز و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که صلوات دهد
بر من یکبار بگشاید بروی خدای دری از عافیت و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که صلوات دهد بر من یکبار
باقی نماند از گناهان او بقدر ذره و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله در وصیت که یا علی هر که صلوات دهد بر من
در هر روز یا در هر شب واجب شود از برای او شفاعت من و اگر چه باشد او از اهل گناهان کبیره و فرمود
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که بدرستیکه نزدیکترین شما بمن در روز قیامت در همه جا انکسی است که بیشتر
باشد صلوات او بر من در دار دنیا و هر که صلوات دهد بر من در روز جمعه یا در شب جمعه صد بار
قضا کند خدا از برای او صد حاجت هفتاد از حاجتهای آخرت و سی از حاجتهای دنیا و موکل کرداند
خدا از برای او بهر صلواتی فرشته را که داخل کرداند در من در قبر من چنانچه داخل میکرداند یکی از شما
هدایا را بخانه خود که خبر دهد مرا که کیست انکه صلوات داده است بر من **باب ششم** و در آن
چهار فصل است **فصل اوّل** در فضل ادا کردن زکوة فرمود خدای تبارک و تعالی در سورهٔ
بقره که مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً یعنی کیست که نفقه کند مال خود را
در راه خدا نفقهٔ نیکو تا انکه زیاد کرداند خدا از برای او زیادتی بسیار و فرمود خدا تعالی در سورهٔ توبه که
خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا یعنی فراگیر بعضی از مالهای ایشان زکوة فریضه را تا پاک کردانی
ایشانرا از گناهان و زیاد کردانی مال ایشانرا بان و فرمود خدای تبارک و تعالی وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ
بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ البته مپندارند انانکه بخیلی
میکنند بمالی که داده است ایشانرا خدا از فضل خود که ان خیر است مر ایشانرا بلکه ان شر است از برای
ایشان زود باشد که طوقی شود اینمال در کردن ایشان در روز قیامت و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که
استوار کردانید مالهای خود را بزکوة و دوا کنید بیماران خود را بصدقه و فرمود امیر المؤمنین که بدرستیکه

خدای تعالی فرض کرده است در مالهای مالداران قوت فقیرانرا و گفت خدای تبارک و تعالی که مال مال من است
و مالداران وکیلان من و فقیران عیالان من پس هر که بخیلی کند بمال من بعیالان من او را داخل کردانم او را در
دوزخ و باک ندارم و فرمود حضرت صادق ع که هر که منع کند قیراطی از زکوة پس کو بمیرد او و اگر بمیرد اگر خواهی
بدین یهود و اگر خواهی بدین نصاری و گفت علیه السلام که ضایع نمیشود هیچ مالی در بیابان و در دریا مگر بمنع
از زکوة **فصل دوم** در فضل روزهٔ ماه رمضان و غیران فرمود خدای تعالی در سورهٔ بقره كُتِبَ
عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ یعنی فرض شده است بر شما
روزه داشتن چنانچه فرض شده است بر انانکه قبل از شما بودند از برای انکه شما بپرهیزید و این فرض در روزی
چند شمرده است و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که روزه دارد ماه رمضانرا در کوش داشتن و خاموشی و
باز داشتن کوش و چشم و زبان و دست و عضوهای خود را از حرام و دروغ و غیبت و از اذیت قربت یابد
از خدای تعالی جل ثناؤه در روز قیامت تا انکه زانو بزانوی ابراهیم علیه السلام زند و نباشد میان او و میان
عرش مگر فرسخی یا میلی یاد نیست راوی را که فرسخ فرمود یا میل و در روایتیست از پیغمبر صلی الله علیه و آله که او
فرمود چون روزه شوی باید که باشد کوش تو و چشم تو و نباشد البته روز روزهٔ تو مثل روز افطار تو و روایت
کرد جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام گفت فرمود رسول خدا ص جابر بن عبد الله انصاری را که ای جابر این
ماه رمضان هر که روزه دارد روزانرا و قیام نماید در بعضی از شبان و نگاه دارد شکم و فرج خود را و باز
دارد زبان خود را بیرون رود از گناهان خود چنانچه بیرون میرود از ماه عرض کرد جابر یا رسول الله چه نیکوست
این حدیث فرمود رسول الله ص که چه سخت است این شرطها و روایت شده است از پیغمبر ص که او گفت مر خدا راست جل و عز
در هر روز از ماه رمضان نزد افطار هزار هزار ازاد شده از اتش پس چون روز جمعه و شب جمعه شود ازاد کرداند
خدای تعالی در هر ساعتی هزار هزار بنده که کل ایشان سزاوار دوزخ باشند و سنت است در ماه شوال و در جمیع ماهها (هر ساعتی ازان)
روزهٔ سه روز پنجشنبه اول در دههٔ اول و چهارشنبه اول دههٔ دوم و پنجشنبه آخر در دههٔ آخر در هر ماه
که بدرستیکه روایت از امامان علیهم السلام است که این برابر روزهٔ دائمست و روز بیست و پنجم ذی القعده که گسترده

شده دراز زمین از زیر کعبه وسنت است روزهٔ این روز و مرویست که هر که روزه دارد ان برابر روزهٔ شصت
ماه است ذی الحجه سنت است روزهٔ نه روز اول ده اول اگر نتواند روزه شود روز اول ان و ان روز ولادت
ابراهیم خلیل علیه السلام است و روایت شده از امام موسی علیه السلام که انحضرت فرمود هر که روزه دارد روز اول
دههٔ ذی الحجه بنویسد خدا از برای او روزهٔ هشتاد ماه هجدهم ذی الحجه که روز غدیر است فرمود حضرت
صادق علیه السلام که روزه روز غدیر خم برابر روزهٔ داشتن عمر دنیا باشد اگر زندگانی کند ادمی و نماز ان
نزد خدای تعالی سبحانه برابر صد حج و صد عمرهٔ نیکوی مقبول باشد و ان روز عید اکبر و بزرگترین عیدها است
محرم فرمود پیغمبر صلی الله علیه واله که هر که روزه دارد دهم محرم نوشته شود از برای او عبادت شصت ساله
بروزه وقیام ان و هر که روزه دارد دهم از روز نوشته شود از برای او ثواب ساکنان هفت اسمان و هر که افطار کند
نزد او یک مؤمن در روز عاشورا چنان باشد که افطار کرده است نزد او جمیع امت محمد صلی الله علیه واله
و هر که بمالد دست خود را بر سر یتیمی بلند شود از برای او بهر موئی که بر سر او است درجه ربیع الاول روز هفدهم
ان متولد شد پیغمبر صلی الله علیه واله نزد طلوع صبح روز جمعه در عام الفیل و ان روز بسیار شریف عظیم
البرکه و در روزهٔ ان فضل بسیار است و ثواب بیشمار و ان یکی از روزهای چهار که ان از هر سال است دوم
ان روز غدیر است و سیم روز مبعث که بیست و هفتم رجب است و چهارم دحو الارض است که بیست و
پنجم ذی القعده است و روایت شده از ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین که هر که روزه روز هفدهم
ربیع الاول دارد بنویسد خدا از برای او ثواب روزهٔ شصت سال و سنت است در این روز صدقه و زیارت
قبرهای مشرفه ماه جمادی الاولی در پانزدهم ان در سال سی و ششم ولادت امام زین العابدین علیه السلام
بوده و سنت است روزه در ان روز ماه رجب سنت است روزهٔ کل ان روز و مرویست که از امیر المؤمنین علیه السلام
که انحضرت روزه میداشت در این ماه و میفرمود که رجب ماه من است و شعبان ماه رسول خدا است و ماه
رمضان ماه خدا است و روایت کرده سماعة بن مهران از حضرت امام جعفر صادق ع که گفت فرمود رسول خدا
هر که روزه دارد سه روز از ماه رجب بنویسد خدا از برای او هر روزی روزهٔ سالی و هر که روزه دارد هفت

روز

روز از ماه رجب بسته شود بر روی او درهای هفت دوزخ و هر که روزه دارد هشت روز از ماه رجب گشاده شود
از برای او درهای بهشت و هر که روزه دارد پانزده روز حساب کند خدا با وی حسابی اسان و هر که روزه
دارد کل رجب را بنویسد خدا از برای او خشنودی خود را و هر که بنویسد خدا از برای او خشنودی خود
را عذاب نکند او را و در کتاب امالی شیخ ابو جعفر محمد بن بابویه رحمة الله علیه است که حدیث کرده ما را احمد بن ابراهیم
بن اسحق از احمد بن محمد کوفی از علی بن حسین از علی بن فضال از پدرش و از ابو الحسن علی بن موسی الرضا ع که انحضرت
فرمود هر که روزه دارد روز اول رجب از جهت ثواب خدا واجب شود از برای او بهشت و هر که روزه دارد یک
روز میان ان ماه قبول شود شفاعت او بعدد قبیلهٔ ربیعه و مضر و هر که روزه دارد روزی در اخر ان گرداند
او را خدا تعالی از پادشاهان بهشت و قبول کند شفاعت او در پدر او و پسر او و مادر او و برادر او
و خواهر او و عم او و عمهٔ او و خال او و خالهٔ او و اشنایان او و همسایگان او و اگر چه باشد در ایشان مستوجب
دوزخ روز بیست و هفتم ان مبعث رسول خدا صلی الله علیه و اله است و سنت است روزهٔ ان و ان روزی
است از چهار روز متبرک در هر سال ماه شعبان مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که ان
سرور فرمود هر که روزه دارد روز اول ماه شعبان واجب شود از برای او بهشت البته و هر که روزه دارد
دو روز از ان نظر کند خدا بوی در هر روز و هر شب در دار دنیا و دائم دارد نظر خود را بوی در بهشت
و هر که روزه دارد روز سیم این ماه زیارت کند خدا او را عز و جل در عرش وی در بهشت در هر روز و متولد
شد در این روز حضرت امام حسین علیه السلام و بعضی گفته اند که متولد شد در روز پنجم ایضا فصل
سیم در فضل جهاد فرمود خدای تعالی در سورهٔ توبه الَّذِینَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللهِ
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ اللهِ وَأُولَئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ یُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ
وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِیهَا نَعِیمٌ مُّقِیمٌ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا إِنَّ اللهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِیمٌ یعنی انانکه گرویدند
بخدا و هجرت کردند از دیار خود و جهاد کردند با مشرکان در راه خدا ببذل کردن مالهای خود و در باختن نفسهای
خود بلندمرتبه ترند نزد خدای تعالی و ایشان رستگارانند مژده میدهد ایشان را پروردگار ایشان برحمت و خشنودی

وبهشتها

وبهشتها از برای ایشانست در آن نعمتی دایم در حالیکه جاوید باشند در آن همیشه بدرستیکه خدا نزد اوست
مزدی بزرگ و فرموده خدا تعالی در همین سوره توبه إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ
لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ
وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُم بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ بدرستیکه خدای
خرید از مؤمنان نفسهای ایشان و مالهای ایشانرا بهای آنکه باشد ایشانرا بهشت کارزار میکنند این
مؤمنان در راه خدا پس میکشند و کشته میشوند وعده داده است خدا بر این بیع وعده ثابت در کتاب توریه
وانجیل و قران و کیست وفا کننده تر بعهد خود از خدای پس شاد باشید بخرید و فروخت خود آنکه مبایعه کردید
بان و این بیع رستگاریست بزرگ و روایت شده از حضرت امام رضا باسناد خود که گفت حدیث کرد مرا ابو عبدالله
حسین بن علی ع فرمود روزی امیر المؤمنین علی بن ابیطالب ع خطبه میگفت مردمانرا و تحریص میفرمود ایشانرا بجهاد
کردن ناگاه برخواست نزد وی جوانی و عرضکرد یا امیر المؤمنین خبر ده مرا از ثواب جهاد در راه خدا
پس فرمود امیر المؤمنین ع که ردیف رسول الله ص بودم بر ناقه عضبا و ما رو داشتیم بر جهاد ذات السلاسل پس پرسیدم
از انجناب انچه پرسیدی از من پس فرمود بدرستیکه جهاد کنندگان چون قصد جهاد کنند بنویسد خدا از برای
ایشان برات بیزاری از دوزخ پس چون کار سازی جهاد کنند مباهات کند خدا بایشان با فرشتگان پس
چون وداع کنند اهل خود را گریه کنند برایشان دیوارها و خانها و بیرون میروند از گناهان خود چنانچه بیرون
میرود مار از پوست خود و موکل میگرداند خدای تع بهر مردی از ایشان چهل ملک که نگاهبانی میکنند از پیش او
او و عقب او و از راست او و نمیکند هیچ حسنه الا آنکه مضاعف میشود ثواب او و نوشته میشود از برای او هر روزی چپ او ع
ثواب هزار مرد که عبادت کنند خدا را هزار سال که هر سالی سیصد و شصت روز باشد و هر روزی مثل عمر دنیا باشد
و چون حاضر شوند برابر دشمنان زایل شود علم اهل دنیا از ثوابی که میدهد خدا ایشانرا پس چون مبارزت
کنند دشمنانرا و سد میکنند تیرها را و بزه گذارند تیرها را و قصد کنند مرد بمرد را حاطه کنند بدور ایشان فرشتگان
ببالهای خود و دعا کنند بخدای تع از برای ایشان نصرت و یاری ایشانرا ندا کند ندا کننده که بهشت در زیر سایه

شمشیرهاست پس باشد شمشیر و نیزه بر شهید آسانتر از آشامیدن آب سرد در روز بسیار گرم پس چون بیفتد
شهید از اسب خود بشمشیری یا ضربتی نرسد بزمین تا آنکه بفرستد خدا تعالی زنی از حور العین که مژده دهد او را
بانچه اماده ساخته است خدا عز و جل از برای وی از کرامت پس چون برسد بزمین گوید او را اگر خوش
باد بروح پاکیزه که بیرون امد از بدن پاک بشارت باد ترا که از برای تو است انچه ندیده هیچ چشم و نشنیده
است هیچ گوش و نگذشته است بر خاطر هیچ آدمی و گوید خدا تعالی که منم عوض وی در اهل وی هر که راضی
کردانند ایشانرا بتحقیق که مرا راضی کردانیده است و هر که ایشانرا بخشم آورد بتحقیق که مرا بخشم آورده است
و بگردانند روح او را خدا تعالی در سینه مرغان سبز که سیر کنند در بهشت هر جا که خواهند بخورد از میوهای
ان و جای گیرد بقندیلهای طلا که آویخته است بعرش و بدهند هر مردی را از ایشان هفتاد غرفه از غرفهای
فردوس که راه هر غرفه مسافت صنعا باشد تا شام پر کند نور ان میان مشرق و مغرب را در هر غرفه هفتاد
درگاه باشد بر هر درگاهی هفتاد در باشد در هر دری هفتاد پنجره باشد مشبک از طلا و در هر غرفه هفتاد
خیمه باشد در هر خیمه هفتاد تخت از طلا که پایهای ان از مروارید و زمرد و چوبهای از زمردین و بر هر تختی چهل
فرش استبرق که هر فرشی هفتاد ذرع باشد و بر هر فرشی زنی باشد از حور العین که عربه و همسنان باشند پس
عرض نمود آن جوان که خبر ده مرا یا امیر المؤمنین از عربه که چیست فرمود آن زنیست نکو پسندیده نزاست که
او راست هفتاد هزار غلام و هفتاد هزار کنیز که زینت کرده اند بطلا سفید و پایند بر سر ایشان است
تاجها از مروارید بر گرد ایشانست مندیلها بر دست دارند کوزها و آفتابها پس چون روز قیامت
شود بیرون آید از قبر خود شمشیر کشیده و ریزان باشد از رگهای گردن او خون رنگ ان چون یاقوت باشد
و بوی ان مشک کام میگذارد بصحرای قیامت بخداوندی که نفس من بدست اوست که اگر پیغمبران بطریق ایشان
باشند البته مردمان مشغول شوند بایشان بانچه ببینند از نور و صفای ایشان تا آنکه بیایند بمنبرهائیکه از
جواهر است می نشینند بران و شفاعت میکند هر مردی از ایشان هفتاد هزار کس از اهلبیت خود را و همسایگان
خود را حتی آنکه نزاع کنند دو همسایه او با یکدیگر که کدام نزدیکتر بوده اند بوی در دنیا پس می نشینند با من و با ابراهیم

علیه السلام بر مائده و خوان دوام پس نظر میکنند برحمت خدا در صبح و شام و در روایتی در هر صبح و شام

فصل چهارم در ذکر فایدهٔ بعضی از آنچه فرض کرده است خدای تعالی از ایمان و نماز و زکوة و غیر آن

فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرض کرده خدا ایمان را از برای پاکی از شرک و نماز را بواسطهٔ پاکی از کبر و زکوة را بسبب روزی و روزه را بجهت آزمودن اخلاص خلق و حج را از برای قوت دین و جهاد را از برای عزت اسلام و امر معروف را از برای مصلحت عموم مردمان و نهی منکر را از برای منع نادانان و صلهٔ رحم را از برای زیادتی عدد و قصاص را از برای حفظ جانها و اقامت حدود را از برای بزرگ داشتن حرامها و ترک شرب خمر را از برای نگاهداشتن عقل و دوری از دزدی را از برای واجب ساختن پرهیزکاری و ترک زنا را از برای درست ساختن نسب و ترک لواطه را از برای بسیار شدن اولاد و گواهی را از برای غالب شدن در وقت انکارها و ترک دروغ را از برای بزرگواری صدق و اسلام را از برای ایمنی از ترسها و امامت را از برای نسق امت و طاعت را از برای بزرگواری امامت و فرمود حضرت حسن بن علی بن ابیطالب علیهما السلام که از خلقهای مؤمن قوت است در دین داری و کرم است در نرمی و دوراندیشی است در علم و علم است در بردباری و فراخی است در نفقه و میانه روی است در عبادت و دوری است در طمع و نیکی است در راستی ظلم نمیکند بر دشمن و گناه نمیکند بواسطهٔ دوستی کسی و دعوت نمیکند چیزی را که نیست او را و منکر نمیشود حقی را که بر اوست عیب نمیکند نه بظاهر و نه در غیبت و ستم نمیکند ترسانست در نماز فراخ دست است در زکوة شکر کننده است در نعمت صبر کننده است در بلا قانع است بآنچه هست او را جمع نمیشود در وی خشم و جمع نمیشود با وی بخل با مردمان میآمیزد از برای آنکه علم فرا گیرد و خاموش میباشد تا آنکه بسلامت باشد صبر میکند اگر ستم کنند بر وی تا آنکه باشد خدای او آنکه جزا دهد او را و انتقام کشد از برای او

باب هفتم در آن هفت فصل است

فصل اول در فضیلت عدل فرمود خدای تعالی در سورهٔ نحل إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ یعنی بدرستیکه خدا امر میکند براستی و نیکوئی و عطا دادن خویشان و باز میدارد از عمل زشت و آنچه انکار کند و از ستمکاری پند میدهد خدای تعالی شما را که شاید شما پند گیرید و فرمود خدای تعالی إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ یعنی

امر میکند خدا شما را که هرگاه حکم کنید شما در میان مردمان حکم کنید براستی و عدل و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که عدل یکساعت بهتر است از عبادت هفتاد ساله و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که نیکی کنید با رعیت خود که ایشان اسیران شمااند و گفته که ملک باقی میماند بعدل با کفر و باقی نمیماند بظلم با ایمان

فصل دوم در یاری مؤمن فرمود خدای تعالی وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ یعنی برمیگزینند دیگران را بر خود و اگرچه خود محتاج باشند و هر کس نگاهداشته شود او از بخل خود پس آنان ایشانند که رستگاران اند و فرمود حضرت صادق علیه السلام از پدر خود از پدران خود علیهم السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله که میفرمود هر که قضا کند از برای برادر مؤمن خود یک حاجت قضا کند خدا از برای او حاجتهای بسیار یکی از آنها است بهشت و هر که بپوشد برادر خود را از برهنگی بپوشد او را خدا از سندس و استبرق و حریر از جامهای بهشت و هر که بپوشد برادر خود را از غیر برهنگی در راه دوستی خدای تعالی مادامی که بر آن پوشیده یکتار باقی باشد و هر که طعام دهد مؤمنی را از گرسنگی طعام دهد او را خدا از میوهای بهشت و هر که آب دهد برادر مؤمن خود را آب دهد او را خدا از رحیق مختوم و هر که خدمت کند برادر مؤمن خود را با تواضع و خواری و قوت دهد او را خدمتکار او گرداند خدای تعالی ولدان مخلدون را یعنی غلامان بهشت را و ساکن گرداند او را با اولیای خود که طاهرانند و هر که سوار گرداند برادر مؤمن خود را بر مرکب خود سوار گرداند خدا او را بر شتری از شتران بهشت و فخر کند بوی با فرشتگان و خلایق در روز قیامت و هر که زن دهد برادر مؤمن خود را زنی که انس گیرد بوی راحت یابد از وی زن دهد او را خدا از حور العین و مونس او گرداند در قبر وی دوستان اهل بیت او را با برادران او و انس گیرد او با ایشان و هر که یاری کند برادر خود را بر پادشاهی ستمکار یاری کند او را خدا بر گذشتن صراط نزد لغزیدن قدمها و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که طعام دهد برادر خود را تا آنکه سیر شود و آب دهد او را تا آنکه سیراب شود دور گرداند او را خدا از آتش بهفت خندق که میانه هر دو خندق هفتصد ساله راه باشد

فصل سیم در داخل گردانیدن شادی بر مؤمن فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که هر که داخل گرداند شادی بر دل برادر مؤمن بدرستیکه داخل گردانیده است شادی بر ما که اهل بیتیم و هر که داخل گرداند

شادی بر ما اهلبیت پس بتحقیق که داخل کردانیده است شادی بر رسول الله و هر که داخل کرداند شادی بر
رسول الله بتحقیق که شاد کرده است خدا را و هر که شاد کند خدا را حق است بر خدا که شاد کند او را و ساکن کرداند
او را در بهشت خود و هر که زیارت کند برادر مؤمن خود را بمنزلهٔ نباشد او را بوی حاجتی مکر در راه خدا
نوشته شود او از زیارت کنندکان خدا و باشد حق بر خدا که بزرکوار کرداند او را و فرمود رسول خدا صلعم که تبسم
کردن بروی مؤمن غریب از کفارهٔ کناهانست و فرمود پیغمبر صلعم هر که اکرام کند غریبی را در غربت وی تا انکه ببرد
غم او را یا طعام دهد او را یا اب دهد او را یا شربت یا بخندد بروی او پس او راست بهشت **فصل**
چهارم در ازار مؤمن فرمود خدا تعالی در سورهٔ احزاب وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا
فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا یعنی انانکه ازار میکنند مردان مؤمن را و زنان مؤمنه را بغیر انکه ازار کنند ایشان
را پس بتحقیق که کرده اند بزرکتر کناهی و معصیتی ظاهر و فرمود رسول خدا صلعم که هر که ازار کند مؤمنی بتحقیق که
ازار کرده است مرا و هر که ازار کند مرا بتحقیق که ازار کرده است خدا را و هر که ازار کند خدا را پس او ملعونست در
توریة و انجیل و قران و در خبر دیکر بتحقیق که لعنت کرده است او را خدا و فرشتکان و ادمیان جمیعا و فرمود
انحضرت هر که نظر کند بمؤمنی نظری که بترساند او را بان نظر بترساند او را خدای تعالی در روزی که نیست سایهٔ الا
سایهٔ او و بر انکیزاند او را خدا در صورت مورچه بکوشت او و چشم او و جمیع اجزاء او و روح او تا انکه بیاورد او را
بموضع او و مرویست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از پیغمبر صلعم که فرمود هر که بکوید در مؤمنی انچه دیده باشد
دو چشم او و شنیده باشد دو کوش او از انچه زشت باشد او را و نقص کند مروت او را پس او از ان مردمانیست
که کفته است در شان ایشان که إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بدرستی
که انان که دوست میدارند که ظاهر کردد ناشایسته و زشتی در مؤمنان از برای ایشانست عذابی دردناک
اکاه باش که ایشانراست واویلا ی بی پایان و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود پیغمبر صلی الله علیه واله هر که
روایت کند از برادر مؤمن روایتی که اراده کند بان عیب او را و هتک و نقصان و مروت او را ابدا رد او را خدا
تعالی در جرکهٔ ویم در درک الاسفل از دوزخ و فرمود پیغمبر صلی الله علیه واله هر که غمکین کرداند مؤمنی را

بعد از ان بدهد او را کل دنیا نباشد این کفارهٔ ان و مزد داده نشود بران **فصل پنجم** در ظلم فرمود خدا
تعالی در سورهٔ ابرهیم وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ
مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ یعنی مپندار خدا را بیخبر از انچه میکنند ستمکاران
تاخیر نمیکند عذاب ایشانرا مکر تا روزی که خیره شود دران چشمها در حالتیکه ایشان شتابان باشند بر داشته
باشند سرهای خود را باز نمیکردد بایشان چشمهای ایشان خالی بود دلهای ایشان از فهم و فرمود در سورهٔ
شعراء وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ و زود باشد که بدانند انان که ستم کردند که بکدام مکان باز
خواهند کشت و روایت شده از امام محمد باقر علیه السلام که انسرور فرمود ظلم سه تاست ظلمی که میامرزد انرا
خدا تعالی و ظلمیکه نمیامرزد انرا خدا تعالی و ظلمیکه نمیکذارد انرا خدا تعالی اما ظلمیکه نمیامرزد انرا خدا شرک
بخدا تعالی است و اما ظلمیکه میامرزد انرا خدا ظلم مرد است بنفس خود در میان او و میان خدا و اما ظلمی
که نمیکذارد انرا خدا تعالی ظلمیست که میکند کسی در میان خود و میان بندکان خدا و فرمود پیغمبر صلی الله
علیه واله انچه فرا میکیرد مظلوم از دین ظالم بیشتر است از انچه میکیرد ظالم از دنیای مظلوم و فرمود پیغمبر
صلی الله علیه واله بپرهیزید از ظلم بدرستیکه ظلم ظلمات و تاریکیهای روز قیامتست و کفت یکی از شعراء
نور الله مضجعه الم تعلم بان الظلم عار جزاء الظلم عند الله نار وللمظلوم دار فی جنان وللظلام
فی النیران دار مضمون این بفارسی اینست که ایا نمیدانی تو انکه ظلم عار است و جزاء ظلم نزد خدا تعالی
اتش است و از برای مظلوم خانه ایست در بهشت و از برای ظالم در دوزخ خانه ایست و روایت شده با سناد
صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه واله که انحضرت فرمود چهار کس رد نمیشود دعای ایشان و کشاده میشود
از برای انها درهای اسمان و میرسد بعرش دعای پدر از برای فرزند و مظلوم بر ظالم و انکه عمره اورد تا انکه
باز کردد و روزه دار تا انکه افطار کند فرمود پیغمبر صلی الله علیه واله هر که برود با ظالمی که یاری کند او را و او در
حالیکه داند که او ظالمست بتحقیق که بیرون رفته است از اسلام و از امام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام
از پدر خود از پدران او علیهم السلام کفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم چون روز قیامت شود

ندا کند نداکننده که کجا است ظالمان و یاران ظالمان و انان که اماده ساختند از برای ایشان دواتی یا بستند
از برای ایشان کیسه را یا مدد کردند ایشانرا بمد قلمی پس برانگیزانند ایشانرا با ظالمان **فصل ششم** در رشوه
فرمود خدا تعالی در سورهٔ مائده وَتَرَیٰ کَثِیرًا مِنْهُمْ یُسَارِعُونَ فِی الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَکْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا کَانُوا
یَعْمَلُونَ یعنی میبینی بسیاری از ایشانرا که شتاب میکنند در گناه و ظلم و خوردن ایشان حرام را بتحقیق که بد چیزی
استکه عمل میکنند ایشان انرا و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله در وصیت بعلی علیه السلام که از سحت و حرام
بهای مرده است و بهای سگ و بهای خمر و مزد زن زناکار و رشوه در حکم و مزد فالگوئی از جن و روایتست از
حضرت رضا علیه السلام فرمود حدیث کرد مرا پدر من از علی بن ابیطالب علیه السلام در قول خدا تعالی اَکّالُونَ
لِلسُّحْتِ خورندگان حرام را فرمود ان مردیستکه قضا میکند از برای برادر خود حاجتی بعد از ان قبول می
کند هدیه او را و فرمود هر که رشوه میدهد یا رشوه میگیرد یا راه میرود بمیان این ملعونست و فرمود
پیغمبر صلی الله علیه و اله که بپرهیزید از رشوه که این محض کفر است و نمیشنود صاحب رشوه بوی بهشت و بپرهیزید
از انکه تواضع کنید از برای مالدار که تواضع نمیکند کسی از برای مالدار الا انکه میرود نصیب او از بهشت

فصل هفتم در ثواب باز دادن حق مردم بصاحبان فرمود خدا تعالی در سورهٔ نساء إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ
أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا یَعِظُکُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ کَانَ
سَمِیعًا بَصِیرًا بدرستیکه خدا امر میکند شما را که ادا کنید امانتها را باهل ان و چون حکم کنید حکم کنید
بعدل بدرستیکه خدا نیک چیزیست که پند میدهد شما را بان بدرستیکه خدا شنوا است بگفتار شما و بینا
است بکردار شما و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله که یکدرهم که باز دهد بنده از انچه خواهندگان بهتر است
او را از عبادت خدا هزار سال و بهتر است او را از ازاد کردن هزار بنده و بهتر است او را از هزار حج و عمره و فرمود
رسول خدا صلی الله علیه و اله که هر که رد کند یکدرهم بخواهندگان ازاد کند خدا رقبه او را از اتش و بدهد او را
هر دانکی ثواب پیغمبری و بهر درهمی شهری از مروارید و فرمود انحضرت صلی الله علیه و اله که هر که راضی کردانند
خواهندگان را از خود واجب شود از برای او بهشت بی حساب و باشد در بهشت رفیق اسمعیل بن ابراهیم

علیهما السلام و فرمود انسرور که در بهشت شهرها است از نور بر ان شهرهای نور چهار در است از طلا
و مزین بمروارید و یاقوت در میان ان شهرها قبهها است از مشک و زعفران هر که نظر کند بان شهرها ارزو
کند که باشد او را شهری از ان عرض کردند یا نبی الله از کیست این شهرها فرمود از توبه کاران پشیمان از گناه
که خوشنود کنند خواهندگان را از خود بدرستیکه بنده چون باز دهد یکدرهم بخواهندگان بزرگوار کرداند
او را خدا بزرگواری هفتاد شهید و بدرستیکه یکدرهم که باز دهد انرا بنده بخواهندگان بهتر است او را از
روزه داشتن روز و قیام بعبادت نمودن شب و هر که رد کند درهمی ندا کند او را ملکی از زیر عرش که ای بنده
خدا از سر گیر عمل را که امرزید خدا ترا انچه در پیش کردی از گناه و فرمود انسرور که هر که بمیرد بی توبه بانک کند
در روی او جهنم سه بانک پس اول ان باقی نماند هیچ اب چشم او الا که روان شود از دو چشم او و از بانک دوم
باقی نماند هیچ خون الا انکه بیرون اید از دو سوراخ بینی او و از بانک سیم باقی نماند هیچ ریم الا انکه بیرون
اید از دهان او پس رحمت کند خدا کسی را که توبه کند و خوشنود کرداند خواهندگان را پس هر که چنین
کند من ضامنم او را ببهشت

باب هفتم و در ان هشت فصل است **فصل اول** در
نکاح کردن فرمود خدای تعالی وَأَنْکِحُوا الْأَیَامَىٰ مِنْکُمْ وَالصَّالِحِینَ مِنْ عِبَادِکُمْ وَإِمَائِکُمْ إِنْ یَکُونُوا فُقَرَاءَ
یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِیمٌ یعنی نکاح دهید مردان بی زن و زنان بی شوهر را از خود و از
صالحان نحو را از غلامان و کنیزان خود اکر هستند ایشان فقیران بی نیاز میکرداند ایشانرا خدا از فضل
خود و خدا فراخست روزی او و دانا است بحال بندگان خود و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله که هر که
نکاح کند بتحقیق که حفظ کرده نصفهٔ دین خود را پس باید که از خدا بترسد از نصفهٔ دیگر و فرمود رسول خدا
صلی الله علیه و اله که نکاح سنت من است پس هر که بکرداند روی از سنت من پس نیست از من و فرمود
رسول خدا صلی الله علیه و اله که زن کنید زن زاینده مهربان را و فرمود انحضرت نکاح کنید تا بسیار شوید
بدرستیکه من فخر میکنم بشما امتها را در روز قیامت و اگر چه از شکم ساقط شود و فرمود رسول خدا صلی الله
علیه و اله که زن سیاه زاینده بهتر است از زن صاحب جمال نازاینده و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله

که گشاده میشود درهای آسمان برحمت در چهار موضع نزد آمدن باران و نزد نظر کردن فرزند بر
روی پدر و مادر و نزد گشادن در کعبه و نزد نکاح و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله بمردی عکاف نام که
آیا ترا زنی هست عرض کرد نه یا رسول الله فرمود آیا ترا کنیزی هست گفت نه یا رسول الله فرمود آیا تو مالداری
گفت بلی یا رسول الله فرمود آنحضرت که زن کن و اگر نه تو از گناه کارانی و در خبر دیگر زن کن و اگر نه تو از رهبانان
نصارانی و در روایت دیگر زن کن و اگر نه تو از برادران شیطانی و فرمود آنحضرت که نکاح کرده میشود زن
از برای چهار چیز از برای مال او و جمال او و نسب او و دین او پس ملازم باش صاحب دین را تا آنکه فایده
یابی و در روایت شده که حسن بن علی علیهما السلام زن کرد زیاد از دویست زن و گاه بود که زن میکرد چهار
زن را در یک عقد و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله بیکی از اصحاب خود را که او زید بن ثابت است که زن کن
که بدرستیکه در زن کردن برکت است و پرهیزکاری و زن مکن دوازده زن را عرض کرد یا رسول الله کدامند
آن دوازده فرمود زن مکن زن سلیطه را و نه زن بدخلق را و نه پیر را و نه زن پیر را و نه زنی که حیضش زود آید
و نه زنی که پیر و هوو باشد و نه زنی که دفع کند شوهر را و نه زنی که شکایت کننده و منت نهنده باشد و نه
زن فحش گوینده را و نه زنی که فرج بسته باشد که نتوان باوی دخل کرد و نه زن خورد و نه زن خود اندام و نه
زنیکه فرزند از شوهر دیگر دارد و در روایت دیگر نه زن بلند بالا و نه زن بلند آواز و فرمود صلی الله علیه
و آله که هر که سعی کند در نکاح تا آنکه جمع کند میان ایشان زن دهد او را خدا از حور العین و باشد او را
بهر گام که رفته است و هر کلمه که گفته است ثواب عبادت یکسال

فصل دوم

در آنچه سنت است نزد
داخلشدن عروس در خانه و در بیان وقتهای خوب و وقتهای بد از برای جماع و فرمود پیغمبر صلی الله
علیه و آله بعلی علیه السلام که یا علی چون داخل شود عروس در خانه تو پس بیرون کن موزه او را تا بنشیند و بشوی
پاهای او را و بریز آن آب را در خانه خود تا نهایت خانه خود از برای آنکه چون میکنی اینرا بیرون میبرد خدای
تعالی از خانه تو هفتاد نوع درویشی و فقر و میفرستد بتو هفتاد رحمت که سایه میاندازد بر عروس و میگرداند
برکت در هر طرفی از خانه و ایمن میشود عروس از دیوانگی و خوره و پیسی و نمیرسد بتو تا در آن خانه است و منع

کن عروس را در هفته اول از شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش عرض کرد علی علیه السلام که چرا منع میکنی از این
چیزها فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله از برای آنکه رحم سرد میگردد از شیر و منع از سرکه برای آنستکه چون حایض
شود در حالیکه سرکه خورده پاک نمیشود هرگز و گشنیز بر میانگیزاند حیض را در شکم او و سخت میشود بروی
زائیدن و سیب ترش بند میکند حیض او را پس او بیمار میشود بعد از آن فرمود یا علی جماع مکن زن خود را در
اول ماه و میان ماه و آخر ماه از برای آنکه جنون و خوره و کم عقلی سرعت میکند بآن زن و بفرزندان و یا علی جماع مکن
زن خود را بعد از ظهر که اگر فرزندی بشود میان شما دیوانه میباشد یا علی در حال جنابت پس نخوانید قرآن که
میترسم که فرود آید بر شما آتشی از آسمان و بسوزاند شما را یا علی جماع مکن مگر آنکه با تو باشد خرقه و با زن تو
خرقه که اگر نه داخل میشود شهوت بر شهوت پس واقع میشود میان شما دشمنی و طلاق یا علی جماع مکن زن
خود را ایستاده از برای آنکه اگر فرزندی شود میان شما خر است که بول کننده باشد در جامه خواب یا علی
جماع مکن زن خود را شب عید ماه رمضان از برای آنکه اگر فرزندی شود تنک روزی باشد و نمیرسد او به پیری
یا علی جماع مکن زن خود را شب عید قربان از برای آنکه اگر فرزندی شود ترا شش انگشت باشد یا چهار انگشت
یا علی جماع مکن زن خود را زیر درخت میوه دار که اگر فرزندی شود میان شما جلاد یا کشنده باشد یا علی
جماع مکن زن خود را در روی آفتاب از برای آنکه اگر فرزندی شود همیشه در سختی و فقر باشد یا علی جماع مکن
زن خود را در میان اذان و اقامت از برای آنکه اگر فرزندی شود میان شما حریص باشد بر ریختن خونها یا علی
چون آبستن شود زن تو دخول مکن با وی مگر با وضو که اگر نمیکنی و فرزندی میشود کوردل باشد و بخیل
یا علی جماع مکن زن خود را در نصف ماه شعبان از برای آنکه اگر فرزندی شود صاحب آهوی و شوم روی باشد
یا علی جماع مکن زن خود را در شهوت زن دیگر که اگر فرزندی شود میان شما مخنث و شر انگیز باشد یا علی
ملازم باش بجماع کردن شب دوشنبه از برای آنکه اگر فرزندی شود حافظ قرآن باشد راضی است بآنچه قسمت
شده است از برای او یا علی جماع مکن در آخر رجب یعنی یک روز یا دو روز از برای آنکه اگر فرزندی شود ناقص
عقل میباشد یا علی چون جماع کنی در شب سه شنبه اگر فرزندی شود شهید شود و روزی کند او را خدا شهادت

وباشد دهان او خوشبوی و دل او رحیم و دست او بخشنده و زبان او پاکیزه یا علی اگر جماع در شب پنجشنبه اگر
فرزند شود حاکمی باشد یا عالمی و اگر جماع کنی با زن در روز پنجشنبه وقت ظهر اگر فرزندی شود نزدیک نرود
او را شیطان و روزی او شود سلامت دنیا و آخرت و اگر جماع کنی در شب جمعه اگر قضا شود فرزندی فقیر باشد و اگر جماع
کنی در روز جمعه بعد از عصر اگر فرزندی شود معروف و مشهور عالم باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از خفتن
اگر فرزندی شود امید هست که از ابدالان باشد انشاء الله یا علی جماع مکن در ساعت اول از شب اگر فرزندی شود ساحر
میباشد که اختیار دنیا کند بر آخرت یا علی حفظ کن وصیت مرا چنانچه حفظ کردم من از جبرئیل **فصل سیم**
در ثواب خدمت بعیال روایتست از امیر المؤمنین ع که فرمود داخل شد بر ما رسول خدا صلعم در حالیکه فاطمه ع نشسته بود
نزد دیگ و من عدس در دیگ میبرچیدم فرمود انس رود یا ابا الحسن عرض کردم لبیک یا رسول الله فرمود بشنو از من انچه می
گویم و نمیگویم مگر از امر پروردگار خود نیست مردی که یاری کند زن خود را در خانه الا آنکه باشد او را بهر مویی که در بدن
او است عبادت یکساله که روزان بروزه باشد و شبان بقیام و بدهد او را خدا تعالی از ثواب مثل انچه داده است صابران
را داود پیغمبر و یعقوب و عیسی علیهم السلام را یا علی هر که در خدمت عیال باشد در خانه و ننگ ندارد از آن بنویسد نام او را
خدا تعالی در دیوان شهیدان و بنویسد خدا از برای وی بهر روزی و شبی ثواب هزار شهید و بنویسد از برای او
بهر قدمی ثواب حجی و عمره و بدهد او را بهر رگی که در بدن او است شهری در بهشت یا علی یکساعت در خدمت خانه بهتر
است از عبادت هزار ساله و هزار حج و هزار عمره و بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و هزار جهاد و عیادت هزار بیمار
و هزار جمعه و هزار جنازه و هزار گرسنه را سیر کردن و هزار برهنه را پوشیدن و هزار اسپ را وردن در راه خدا و بهتر است
او را از هزار دینار صدقه کردن بر درویشان و بهتر است او را از خواندن توریة و انجیل و زبور و قران و از هزار اسیر
که بخرد و آزاد کرده باشد انرا و بهتر است او را از هزار شتر که بدهد بدرویشان و بیرون نرود از دنیا تا آنکه ببیند جای خود را
در بهشت یا علی هر که ننگ ندارد از خدمت عیال داخل گرداند او را خدا در بهشت بیحساب یا علی خدمت عیال کفاره
گناهان کبیره است و باز مینشاند غضب پروردگار را و مهر حور العین است و زیاد میگرداند حسنات و درجات را یا علی خدمت
نمیکند عیال را مگر صدیق یا شهید یا مردیکه خواهد خدا خیر دنیا و آخرت را **فصل چهارم** در انچه سزاوار است که

بفعل آورد آنکه اراده فرزند دارد روایتست از حضرت صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود هر که اراده کند که او را فرزند
شود و پسر باشد پس باید که بگذارد دست راست خود را بر جانب چپ ناف وقت جماع و بخواند انا انزلناه
هفت مرتبه بعد از آن جماع کند بدرستیکه می بیند انچه میخواهد و بگوید هر روز وقت صبح و شام هفتاد بار سبحان الله
و ده بار استغفر الله و نه مرتبه سبحان الله العظیم و بگوید در دهم کرت استغفر الله ان الله کان غفارا یرسل السماء علیکم
بجعل مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و نخیل و لکم انهارا **فصل پنجم** در ثواب از جهت فرزند فرمود
خدا تعالی در سوره تغابن یا ایها الذین امنوا ان من ازواجکم و اولادکم عدوا لکم فاحذروهم و ان تعفوا و تصفحوا
و تغفروا فان الله غفور رحیم انما اموالکم و اولادکم فتنة والله عنده اجر عظیم یعنی ای گروه گرویدگان بدرستیکه
بعضی از زنان شما و فرزندان شما دشمنند شما را پس حذر کنید از ایشان و اگر ترک کنید عقوبت ایشان را و درگذرید
و بپوشید پس بدرستیکه خدا پوشنده گناهست رحم کننده است نیست مالهای شما و فرزند شما مگر آزمایش شما
و خدا نزد او است ثواب بزرگ و فرمود پیغمبر صلعم که فرزندان ما جگرهای ما اند طفلان ایشان امیر کنندگان ما اند و بزرگان
ایشان دشمنان ما اند اگر میزیند بفتنه میاندازند ما را و اگر میمیرند غمگین میکنند ما را و فرمود آنحضرت که
پنج کسند که در قبرها اند و ثواب ایشان جاری میشود بر دیوان ایشان انکه بنشاند درخت خرمائی و انکه بکند چاهی
و انکه بنا کند از برای خدا مسجدی و انکه بنویسد مصحفی و انکه بگذارد فرزند صالحی و فرمود آنحضرت که چون بمیرد
فرزند آدم منقطع شود عمل او مگر از سه چیز فرزند صالح که دعا کند از برای او و علمی که نفع یابند از آن و صدقه جاریه و فرمود
انس رود که فرزند برای پدر سبب خوف و سبب بخل و حزن است و فرمود پیغمبر صلعم که رحمت کند خدا پدری را که
یاری کند فرزند را بر نیکی او و فرمود پیغمبر صلعم که دختران حسنات اند و پسران نعمتند و خدا میدهد بهشت بنابر حسنات نه
بنعمت شاعر گفته است شعری که مضمون این است از نعمت خدا که شکی نیست در ان بقاء پسران و مرگ دختران است
از برای قول پیغمبر صلعم که دفن دختران از بزرگواریست روایتست از ابی هریره که گفت فرمود رسول خدا صلعم که نیست هیچ
خانه که در ان دختران باشند الا آنکه فرود اید هر روز دوازده برکت و رحمت از آسمان و باز نمی ایستند فرشتگان
از زیارت ایشان و مینویسند از برای پدر ایشان هر روز و شب عبادت سالی و از انس گفت که فرمود رسول خدا صلعم که هر مرد

کر عیال باری کنند و دختران انکه بالغ شوند من و او در بهشت باشیم مثل این دو و اشاره کرد بانکشت سبابه و
انکشت میانین و وا بسته کرد رسولخدا ص نظر فرمود ببعضی از طفلان پس فرمود وای بر فرزندان اخر الزمان از
پدران ایشان عرض کردند یا رسول الله از پدران ایشان که مشرکان باشند فرمود نه بلکه از پدران ایشان که مؤمنان
باشند که تعلیم نکنند ایشانرا چیزی از واجبات و چون فرزندان خواهند که یاد کیرند منع کنند پدران ایشان ازان
و راضی باشند از ایشان باندک چیزی از دنیا پس من از ایشان بیزارم و ایشان از من بیزارند و فرمود انحضرت چهار
چیز از سعادت مرد است زن صالحه و فرزندان نیکو و مصاحبان صالح و معیشت در شهر خود **فصل ششم** در
عقوبت انکه راضی باشد که زن او زینت کند و بیرون رود از خانه فرمود خدای تبارک و تعالی در سوره نسا واللاتی یاتین
الفاحشة من نسائکم فاستشهدوا علیهن اربعة منکم فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفیهن الموت
او یجعل الله لهن سبیلا انانکه میکنند فاحشه از زنان شما پس کواه طلب کنید بر ایشان چهار مرد از شما که مسلمان
پس کواه دهند پس نکاه دارید ایشان زنا را در خانها تا انکه بمیراند ایشانرا مرک یا انکه بکرداند خدا از برای ایشان راهی
و فرمود پیغمبر ص که تعجب دارم از زدن شما زنانرا بجهت انکه دران قصاص است لیکن بزنید ایشانرا بکرسنکی و برهنکی تا انکه
بیابید فایده دنیا و اخرت و هر مردی که زینت کند زن او و بیرون اید از در خانه او پس انمرد دیوث است و کناه ندارد هر که
بخواند او را دیوث و زن چون بیرون اید از در خانه خود زینت کرده و بوی خوش بخود زده و شوهر باین راضی باشد
بنا شود از برای شوهر وی بهر قدمی خانه در دوزخ پس کوتاه کنید دست زنان خود را و دراز
مکذارید که بدرستی که دراز کردانیدن دست او پشیمانیست و جزاء ان دوزخست و در کوتاه کردانیدن
ان رضا و شادیست و داخلشدن بهشت است بی حساب حفظ کنید وصیت مرا در امر زنان
خود که خلاص شوید از سختی عذاب و هر که حفظ نکند وصیت مرا پس چه باشد حال او پیش
خدای تعالی **فصل هفتم** در عقوبت دشنام دادن زنان فرمود خدای تعالی در سوره نور ان الذین یرمون
المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا فی الدنیا والاخرة ولهم عذاب عظیم یعنی بدرستی که
انانکه دشنام میدهند زنان پرهیزکار بیخبر از فجور مؤمنات را ملعون میباشند در دنیا و اخرت

دنیا و اخرت و ایشانرا است عذابی بزرک و نیز فرمود در سوره نور والذین یرمون المحصنات ثم لم یاتوا باربعة
شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدة ولا تقبلوا لهم شهادة ابدا واولئک هم الفاسقون و انانکه دشنام میدهند زنان پرهیز
کار را و نمیاورند چهار کواه پس بزنید ایشانرا هشتاد تازیانه و قبول مکنید ایشانرا کواهی هرکز و اینان ایشانند که
بیرون رونده کانند از طاعت خدا و فرمود رسولخدا صلی الله علیه و اله که هر که دشنام دهد زن خود را بزنا بیرون رود از
جمیع ثوابهای خود چنانچه بیرون میاید مار از پوست خود و نوشته شود از برای او بهر موئی که بر بدن او است هزار کناه
و فرمود انحضرت علیه السلام که دشنام میدهید زنان خود را بزنا کران مثل طلاق است و پرهیز کنید از غیبت که ان
مانند کفر است و بدانید که بدرستیکه دشنام و غیبت ضایع میکنند عمل صد ساله را و فرمود انسرور که هر که دشنام
دهد زن خود را بزنا فرود اید بر وی لعنت و قبول نشود از وی فرضی و نه سنتی و فرمود صلی الله علیه و اله که دشنام
دهد زن خود را مکر انکه ملعون است یا انکه منافق است زیرا که دشنام از کفر است و کفر در دوزخ است و دشنام
مدهید زنان خود را که در دشنام دادن ایشان پشیمانی بسیار است و عقوبت سخت **فصل هشتم** در نظر کردن بنا
محرم بنیست فرمود خدای تعالی در سوره النور که قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم ویحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما
یصنعون وقل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن ویحفظن فروجهن بکو یا محمد مردان مؤمن را که فرو خوابانند از چشمهای
خود و بپوشند عورتهای خود را که این پاکیزه تر است برای ایشان بدرستیکه خدا خبر دارد بانچه ایشان میکنند و بکو زنان
مؤمنه را که فرو خوابانند چشمهای خود را و بپوشند عورتهای خود را و فرمود رسولخدا صلی الله علیه و اله که هر که سیر
کرداند چشمهای خود را از دیدن حرام برانکیزاند او را خدای تعالی در روز قیامت در چشم او میخهای اتشین باشد پر چشم
او پر از اتش باشد تا انکه حکم کند خدا میان مردمان بعد از ان امر کنند او را بدوزخ و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله
که هر که نظر کند در خانه همسایه خود پس ببیند عورت مردی یا موی زنی یا بدن او را واجبست بر خدا که داخل کرداند
او را در دوزخ با منافقان انانکه طلب میکردند عورتهای مسلمانان را در دنیا تا انکه رسوا کند او را خدا و ظاهر کرداند
عورتهای او را از برای نظر کنندکان در اخرت و فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام که هر که بکشاید چشم خود را در تعب اندازد
خواطر خود را و هر که پی در پی نظر کند دایم باشد حسرتهای او و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که نظر کردن تیریست از

تیرهای بزهرآب دادهٔ شیطان **باب هفتم** و در آن هشت فصل است **فصل اول** در فضیلت ترک دنیا و
رغبت در آخرت فرمود خدا تعالی در سورهٔ یونس که إنّما مثل الحیوة الدنیا کماءٍ أنزلناه من السماء فاختلط به نبات
الأرض ممّا یأکل النّاس والأنعام حتّی إذا أخذت الأرض زخرفها وازّیّنت وظنّ أهلها أنّهم قادرون
علیها أتیها أمرنا لیلاً أو نهاراً فجعلناها حصیداً کأن لم تغن بالأمس کذلک نفصّل الآیات لقوم یتفکّرون
نیست مثل زندگانی دنیا مگر مانند آبی که فرو فرستیم آنرا از آسمان پس بیامیزد بآن گیاه زمین از آنچه میخورند آنرا آدمیان
و چهارپایان تا وقتیکه فرا گرفت زمین زینت خود را و آراسته شد و گمان بردند اهل زمین که ایشان قادرند بر درویدن
گیاه و میوهٔ آن ناگاه آمد بآن زمین عذاب در شب یا روز پس گردانیدیم آن زرع را از اصل برکنده گویا هیچ نبوده
بروز چنین بیان میکنیم دلایل قدرت خود را از برای گروهی که تفکر کنند و فرمود امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام
از امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود آمد مرا جبرئیل علیه السلام و گفت یا محمد
بدرستیکه میخواند خدا ترا سلام و میفرماید که اگر خواهی بگردانم از برای تو رودخانهٔ مکه را طلا پس سر برداشت بآسمان
و عرض کرد ای پروردگار من سیر میباشم روزی و گرسنه میباشم روزی پس چون سیر باشم حمد گویم ترا و چون گرسنه
باشم بخوانم ترا و از جابر بن عبد الله انصاری از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود امیر المؤمنین علیه السلام را که یا علی هر که
عارض شود او را دنیا و آخرت پس او بر گزیند آخرت را و ترک کند دنیا را پس او راست دوزخ و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام
که هر که جمع کند شش خصلت را فوت نشود او را از بهشت هیچ مطلب و نراند دوزخ هیچ راه گریز بشناسد خدا را پس
فرمان برد او را پس بشناسد شیطان را پس نافرمانی کند او را و بشناسد دنیا را پس ترک کند آنرا و بشناسد آخرت را
پس طلب کند آنرا و بشناسد باطل را پس پرهیز کند از آن و بشناسد حق را پس پیروی کند آنرا و آمد جبرئیل علیه السلام
بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و عرض کرد میفرماید خدای تبارک و تعالی که یا محمد زندگی کن هر چند خواهی که بدرستیکه
تو میمیری و دوست دار هر چه خواهی که بدرستیکه تو از آن جدا میگردی و جمع کن هر چه خواهی که بدرستیکه تو آنرا میگذاری
و عمل کن هر چه خواهی که بدرستیکه تو بآن جزا میبینی و بدانکه شرف مرد قیام او است در شب و عزت او بی نیازی او است
از مردمان عرض کردند محمد بن علی علیهما السلام را که کیست بزرگترین مردمان از قدر فرمود آنکه باکی ندارد از دنیا

در دست هر که باشد پس هر که بزرگوار است بروی نفس وی حقیر است دنیا در چشم وی و هر که خوار است بروی
نفس وی بزرگ است دنیا در چشم وی و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که مشتاق
بهشت است سرعت کند بکارهای خیر و هر که ترسد از دوزخ باز ایستد از شهوات و هوا و هر که منتظر مرگ باشد
ترک کند لذتها را و هر که ترک کند میل دنیا را آسان شود بروی مصیبتها و فرمود امام زین العابدین علیه السلام
که عجبست تمام عجب از آنکه عمل کند از برای خانهٔ فنا و ترک کند خانهٔ بقا را و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که زهد
در دنیا سه حرف است زا و ها و دال اما زا ترک زینت است و اما ها ترک هوا است و اما دال ترک دنیا است **فصل
دوم** در بیان گریانیدن بترس خدای تعالی و امیدواری فرمود خدا تعالی در سورهٔ آل عمران که فلا تخافوهم وخافون
إن کنتم مؤمنین مترسید از مردمان و بترسید از من اگر هستید از مؤمنان و فرمود در سورهٔ مائده فلا تخشوهم
واخشون مترسید از مردمان و بترسید از من و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که یا ابن مسعود بترس از خدا بغیب
چنانچه گویا که می بینی او را که اگر نمی بینی تو او را بدرستیکه او می بیند ترا میفرماید خدا تعالی که من خشی الرحمن
بالغیب وجاء بقلب منیب ادخلوها بسلام ذلک یوم الخلود هر که ترسد از خدای رحم کننده در حال غیب و بیاید
بروز قیامت با دل بازگردنده بخدا گویند ایشان را که داخل شوید بهشت را با ایمنی و سلامتی که آن روز زیست که نعمت
آن باقیست و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود خدا تعالی که قسم بعزت و بزرگی من که جمع نمیکنم بر بندهٔ
خود دو ترس و جمع نمیکنم از برای او دو ایمنی پس چون ایمن است از من در دنیا و نمیترسد میترسانم او را در روز قیامت
و چون میترسد از من در دنیا ایمن میگردانم او را در روز قیامت و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام بیکی از فرزندان خود را
که ای پسرک من بترس از خدا تعالی ترسیدنی که اگر آورده باشی حسنات اهل زمین را قبول نمیکند آنرا از تو و امیدوار باش
از خدا امیدی که اگر آورده باشی گناهان اهل زمین را میبخشد آنرا بتو و فرمود لقمان پسر خود را که بترس از خدا تعالی
ترسیدنی که اگر آورده باشی نیکی آدمیان و پریان را عذاب میکند ترا و امیدوار باش خدا را امیدی که اگر آورده باشی نیکی
آدمیان و پریان را عذاب میکند ترا و امیدوار باش خدا را امیدی که اگر آورده باشی گناه آدمیان و پریان رحم میکند ترا
و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که امیدوار باش خدا را امیدی که دلیر نگرداند ترا بر نافرمان برداری او و بترس خدا را

ترسی که نا امید نکرداند ترا از رحمت او و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که همیشه چشم در روز قیامت مگر سه چشم
چشمی که گریه کند از ترس خدا و چشمی که بر هم گذاشته باشد از حرام خدا و چشمی که شب بروز کند بیدار در راه خدا
و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که بگرید بگناهان خود تا انکه روان شود آب چشم او بر رخسارهای او حرام کرداند
خدا صفحهٔ روی او را از دوزخ و فرمود صلی الله علیه و آله که هر که بیرون اید از چشم او مثل پر مگسی از آب از
ترس خدا ایمن کرداند او را خدا از فزع اکبر و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که چون بلرزد دل مؤمن از ترس خدا
فرو ریزد از وی گناهان او چنانچه فرو میریزد از درخت برگ ان و گذشت حضرت امام حسین علیه السلام بجوانی
که وی خنده میکرد فرمود او را که ایا گذشتی از صراط عرض کرد نه فرمود که ایا میدانی که به بهشت میروی یا بدوزخ
عرض کرد نه پس فرمود چیست این خنده گفت راوی که ندید کسی ان جوان را که خنده کند هرگز از ان پس از پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود نیست هیچ مؤمن که گریه کند از ترس خدا الا انکه بیامرزد خدا گناهان او را اگر باشد بیشتر از ستارهای
اسمان و عدد قطرههای دریا بعد ازان خواند که فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیرا جزاء بما کانوا یکسبون باید که بخندند
اندکی و بگریند بسیار بجزای انکه کردند **فصل سیم** در فضیلت اخلاص در عمل فرمود خدا تعالی در سورهٔ
بینه که وما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین حنفاء ویقیموا الصلوة ویؤتوا الزکوة وذلک دین القیمة و نفرمود
ادمیان را مگر انکه بندگی کنند خدا را در حالیکه پاک کنندگان باشند از برای او دین را و از باطل میل بحق کنندگان و
بپای دارند نماز را و بدهند زکوة را اینست دین درست و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که بدرستیکه خدا تعالی
نظر نمیکند بصورتها و عملهای شما نظر نمیکند مگر بدلها و نیتهای شما و فرمود صلی الله علیه و آله که راستگوئی
را مینماید به نیکوکاری و نیکوکاری راه مینماید به بهشت و فرمود صلی الله علیه و آله که نیست دروغگوئی انکه اصلاح
او در میان دو کس و بگوید خیری یا یاد کند خیری و فرمود حضرت صادق علیه السلام که نظر مکنید به بسیاری نماز و روزه
ایشان ولیکن نظر کنید براستگفتن سخن و اداکردن امانت **فصل چهارم** در فضل اختیار کردن فرمان خدا
بر فرمان نفس فرمود خدا تعالی که والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین و انان که کوشش
نمایند در کار ما هر اینه راه نمائیم ایشان را براههای خود و بدرستیکه خدا با نیکوکارانست و فرمود رسول خدا ص که در

وقتیکه از جهادها کافران باز کردید فرمود باز کردیدم از جهاد کوچک بجهاد بزرگ و فرمود صلی الله علیه و آله که هر که غالب
شود علم وی بر هوا و خواهش وی پس ان علم نفع دهنده است و هر که بگرداند شهوت و خواهش خود را در زیر دو
قدم خود بگریزد شیطان از سایهٔ او و فرمود خدا تعالی که هر بندهٔ که فرمان برد مرا انگذارم او را بغیر خود و هر بندهٔ که
نافرمان برداری کند مرا بگذارم او را بنفس او و بعد از ان باکی ندارم بوی بهر وادی که هلاک شود و فرمود امام
محمد باقر علیه السلام که میفرماید خدا تعالی که قسم بعزت و رفعت من که بر نمیگزیند هیچ بندهٔ ارادهٔ مرا بر ارادهٔ خود
مگر انکه میگردانم توانگری او را در نفس او و قصد او را در اخرت او و ضامن شوم از برای او مال او را و ضامن
کردانم اسمانها و زمین را بروزی او و باشم من از برای او بعد از نفع تجارت جمیع تاجران **فصل پنجم**
در توکل فرمود خدا تعالی در سورهٔ طلاق و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل
شیء قدرا هر که توکل کند بر خدا پس خدا کافیست او را و بدرستیکه خدا میرساند کار او را و بتحقیق که گرداینده
است خدا از برای هر چیزی قدری و فرمود خدا تعالی در سورهٔ مائده و علی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین و بر
خدا پس توکل کنید اگر هستید شما مؤمنان و فرمود خدا تعالی در سورهٔ ال عمران ان الله یحب المتوکلین
بدرستیکه خدا دوست میدارد توکل کنندگان را و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که اگر انکه شما توکل کنید بر خدا
چنانچه حق توکل است البته روزی دهد شما را چنانچه خدا روزی میدهد مرغان را صباح میکنند و شکم ایشان خالی
است و شب میکنند و شکم ایشان پر است و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که میخواهد که باشد قوی ترین یا
غنی ترین مردمان پس باید که توکل کند بر خدا و فرمود حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام که هر که اعتماد کند بر
خدا بدهد او را خدا شادی و هر که توکل کند بر خدا کفایت کند او را خدا در هر کار و مرویست از امام محمد باقر علیه السلام
که هر که توکل کند بر خدا مغلوب نگردد هرگز و هر که چنگ بر خدا زند نگریزد **فصل ششم** در بلا فرمود خدا تعالی
در سورهٔ الملک الذی خلق الموت والحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملا خلق کرد و افرید خدا مرگ و زندگی را تا انکه
بیازماید شما را و ابتلا کند که کدام از شما نیکوتر است از کردار و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که بدرستیکه بزرگی
جزا با بزرگی بلا است و بدرستیکه خدا تعالی چون دوست دارد قومی را مبتلا کرداند ایشان را ببلا پس هر که راضی شود

او راست رضا و هر که ناخشنود باشد او راست ناخشنودی و فرمود امیر المؤمنین علیه السلم که جزع کردن نزد بلا تمام
محنت است و فرمود علیه السلام که بدرستیکه بلا از برای ظالم ادبست و از برای مؤمن ازمودن و از برای پیغمبران
درجه و از برای اولیا کرامت و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که هر که مبتلا شود پس صبر کند و عطا کرده شود پس
شکر کند و ظلم کرده شود پس بپوشد و ظلم کند پس توبه کند عرض کردند چیست یا رسول الله جزای او فرمود ایشان راست
ایمنی و ایشان راه یافته شده گانند و فرمود صلی الله علیه و اله که بدرستیکه خدا باز میرسد دوست خود را ببلا چنانچه
باز میرسد بیمار را اهل او بطعام و بدرستیکه خدا تعالی منع میکند بندهٔ خود را از دنیا چنانچه پرهیز میکند بیمار از
طعام و از انس بن مالک از پیغمبر صلی الله علیه و اله که گفت چون خدا اراده کند بقومی نیکی مبتلا کرداند ایشان را و از ابی هریره
گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله که همیشه بلا در مرد مؤمن و زن مؤمنه است در بدن او و مال او و فرزندان او
تا انکه برسد بخدا تعالی و نباشد بروی هیچ گناه و گفت صلی الله علیه و اله که آرزو کنند اهل عافیت در روز قیامت که
پوستهای ایشان چیده میشد بمقراضها چون ببینند اهل بلا از فرمود خدا تعالی داود علیه السلام را که بگوی بندگان
مرا که هر که راضی نباشد بقضای من و شکر نکند نعمتهای مرا و صبر نکند بر بلاء من پس باید که طلب کند پروردگاری غیر از
من و باید که بیرون رود از زمین من و اسمان من و فرمود صلی الله علیه و اله که سخت ترین مردمان از بلا پیغمبرانند بعد از ان
امامان بعد از ان نیکوتران پس نیکوتران و مبتلا نمیشود مؤمن مگر بقدر عملهای نیک او پس هر که درست است دین او و
نیکو است عمل او سخت است بلای او و این از برای انستکه خدا تعالی نگردانیده است دنیا را ثواب مؤمن و نه عقوبت کافر
و هر که بد است دین او و ضعیف است عمل او کم است بلاء او و بلاء سریعتر است بمؤمن پاکیزه از باران بقرار زمین فرمود
حضرت باقر علیه السلام بپسر خود که ای پسر من هر که بپوشد بلائی که مبتلا شود بان از مردمان و شکوه کند انرا بجا احقست
بر خدا که عافیت دهد او را از ان بلا و فرمود علیه السلام که مبتلا میشود مرد بقدر محبت خود و فرمود رسول خدا صلی الله
علیه و اله که فرمود خدا تعالی که نیست هیچ بنده که اراده کنم که داخل کردانم او را به بهشت الا انکه مبتلا کردانم او را در بدن
او که باشد این کفارهٔ گناهان او و الا انکه تنگ کردانم بروی روزی او که باشد این کفارهٔ گناهان او و الا انکه سخت کردانم
بروی مرگ را تا انکه بیاید بمن و نباشد او را هیچ گناه پس داخل کردانم او را به بهشت و نیست هیچ بنده که اراده کنم که داخل کردانم

او را بدوزخ الا انکه درست کردانم بدن او را پس اگر تمام باشد بان مطلب و الا اسان کردانم بروی مرگ را تا انکه بیاید
نزد من و نباشد او را هیچ ثواب بعد از ان داخل کردانم او را بدوزخ

فصل هفتم در فضیلت صبر

فرمود خدای
تعالی در سورهٔ ال عمران وَاللهُ یُحِبُّ الصَّابِرِینَ خدا دوست میدارد صبر کنندگان را و در سورهٔ انفال وَاصْبِرُوا اِنَّ
اللهَ مَعَ الصَّابِرِینَ صبر کنید بدرستیکه خدا با صبر کنندگان است و در سورهٔ تنزیل اِنَّمَا یُوَفَّی الصَّابِرُونَ اَجْرَهُمْ بِغَیْرِ
حِسَابٍ فرا نمیگیرند صبر کنندگان مزد خود را مگر بیحساب روایت شده از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام از پدرش
از پدران او از امام علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام که فرمود پنج چیز است که اگر داخل شوید دران ببینید
انرا انکه نترسد بندهٔ مگر گناه خود را و امید ندارد مگر خدای خود را و شرم ندارد چون پرسند او را از انچه ندانند که بگوید
نمیدانم و صبر از ایمان بمنزلهٔ سر است ببدن و ایمان نیست انکه را که صبر نیست او را و فرمود حضرت امیر المؤمنین علی بن
ابیطالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و اله که فرمود صبر سه است صبر از گناه و صبر بر طاعت و صبر در
مصیبت پس هر که صبر کند از گناه بدهد او را خدا تعالی سیصد درجه که از درجه تا درجه مقدار اسمان باشد تا زمین و
هر که صبر کند بر طاعت بدهد او را ششصد درجه که از درجه تا درجه مقدار زمین باشد تا عرش و هر که صبر کند در
مصیبت بدهد او را خدا هفتصد درجه که از درجه تا درجه مقدار نهایت عرش تا کرسی دو باره باشد و فرمود امیر المؤمنین
علیه السلام ای مردمان لازم باشید صبر را که بدرستیکه نیست دین انکه صبر نیست او را و فرمود علیه السلام در وقتیکه
تعزیه میداد اشعث بن قیس را از مرگ پسر وی که ای اشعث اگر تو غم داری از پسر خود بتحقیق که او مستحق اینست از تو
بجهت خویشی و اگر صبر کنی پس بر خدا است از هر مصیبت عوضی ای اشعث اگر صبر کنی میگذرد بر تو انچه مقدر شده است
و تو اجر داری و اگر جزع کنی میگذرد بر تو انچه مقدر است و تو وبال داری ای اشعث شاد میکرداند ترا انچه بلا و فتنه است
و غمناک میکرداند ترا انچه ثواب و راحت است و پرسیدند محمد بن علی علیهما السلام را از صبر فرمود چیزیست که شکوه
نباشد در ان بعد از ان فرمود و چیست در شکوه از شادی نیست مگر انکه غمگین میکنی دوست خود را و شاد میکنی
دشمن خود را و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که بدرستیکه صبر و نیکی خلق و نیکوکاری و بردباری از صفتهای
پیغمبرانست و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که زود باشد زمانیکه راست نیاید از برای ایشان پادشاهی مگر بکشتن

وستم وراست نباید از برای ایشان توانگری مگر ببخل و راست نباشد از برای ایشان مصاحبت با مردمان مگر با
پیروی هوای ایشان و بیرون رفتن از دین پس هر که دریابد این زمان را و صبر کند بر درویشی و او قادر باشد بر
توانگری و صبر کند بر خواری و او قادر باشد بر عزت و صبر کند بر دشمنی مردمان و او قادر باشد بر دوستی ایشان
بدهد او را خدای تعالی ثواب پنجاه صدیق و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که مبتلا شود از مؤمنان ببلائی
و او صبر کند بر آن هست او را ثواب هزار شهید **فصل هشتم** در فضیلت شکر کردن فرمود خدای تعالی لئن
شکرتم لأزیدنکم ولئن کفرتم ان عذابی لشدید اگر شکر کنید بر نعمتهای من هر آینه افزون کنم بر شما نعمت را و اگر
ناسپاسی کنید بدرستیکه عذاب من سخت است و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل از خدای عز و جل
که اهل ذکر من در نعمت منند و اهل شکر من در زیادتی منند و اهل طاعت من در بزرگواری من و اهل معصیت من
ناامید نمیگردانم ایشان را از رحمت خود پس اگر بیمار شوند من طبیب ایشانم و اگر توبه کنند من حبیب ایشانم و اگر توبه نکنند
از مصیبتها و بلاها پاک میگردانم ایشان را و فرمود امام زین العابدین علیه السلام که هر که بگوید الحمد لله بتحقیق که
شکر کرده است همه نعمتهای خدای عز و جل را و فرمود امام جعفر صادق علیه السلام که بدرستیکه خدای تعالی نعمت داد
قومی را ببخششها پس شکر نکردند پس گردید آن نعمت بر ایشان وبال و مبتلا کرد قومی را بمصیبتها پس صبر کردند پس گردید
آن مصیبتها بر ایشان نعمت و عرض کرد موسی که بار خدایا چگونه قدرت داشت آدم که ادا کند شکر آنکه جاری کردی
بر وی از نعمت خود و خلق کردی او را بدست خود و امر بسجده فرمودی از برای او فرشتگان خود را و ساکن گردانیدی
او را در بهشت خود پس وحی فرمود خدای تعالی بوی که بدرستیکه آدم دانست که این همه از منست پس این شکر بود او را
و فرمود خدای تعالی واشکروا لی ولا تکفرون شکر کنید مرا و ناسپاسی مکنید و گفته‌اند که شکر بنده نعمت موجود است و صید
نعمت نایاب و گفته‌اند که شکر قید نعمت حاضر است و صید نعمت غایب **باب دهم** و در آن سه فصل است **فصل
اول** در فضل دعا و ذکر دعا چند مختصر فرمود خدای تعالی ادعونی أستجب لکم دعا کنید مرا اجابت کنم شما را
و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که بدرستیکه خدا دوست میدارد مبالغه کنندگان را در دعا و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام
که دوسترین عملها بخدا در روی زمین دعا است و فاضل ترین عبادت پرهیزکاری بعد از آن خواند این آیه را که قل ما

یعبؤ بکم ربی لولا دعاؤکم بگو چه قدر دهد شما را خدای من اگر نباشد دعای شما این دعائیست اللهم اجعل خیر
اعمارنا اواخرها و خیر اعمالنا خواتیمها و خیر ایامنا یوم نلقاک فیه و بگوید بعد از نماز فریضه پیشین هفت بار و بگیرد بدست
راست محاسن خود را و بر دارد دست چپ خود را که یا رب محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و عجل فرج آل محمد یا رب
محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و اعتق رقبتی من النار دعائی مروی از پیغمبر صلی الله علیه و آله اللهم انی اعوذ
بک من سوء القضاء و سوء القدر و سوء المنظر فی الأهل والمال والولد و از دعای پیغمبر صلی الله علیه و آله است اللهم
انی اعوذ بک من غنی یطغینی و فقر ینسینی و هوی یردینی و عمل یخزینی و جار یؤذینی و از دعای ابی ذر است
اللهم اجعلنا مشغولین بذکرک آمنین بوعدک آنسین بک من خلقک آنسین بک مستوحشین من غیرک راضین
بقضائک صابرین علی بلائک شاکرین علی نعمائک متلذذین بذکرک فرحین بکتابک مناجین ایاک آناء
اللیل و اطراف النهار مستعدین للموت مشتاقین الی لقائک مبغضین للدنیا محبین للآخرة ربنا و آتنا ما
وعدتنا علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد دعاء ابی ذر رحمه الله علیه اللهم انی اسئلک الایمان
بک والتصدیق بنبیک والعافیة من جمیع البلاء والشکر علی العافیة والغنی من شرار الناس و فرمود
امیر المؤمنین علیه السلام که مقدم دارید دعا را پیش از فرود آمدن بلا **فصل دوم** در وقتهای دعا فرمود امیر
المؤمنین علیه السلام که گشاده میشود درهای آسمان در پنج وقت نزد آمدن باران و وقت کارزار با کافران و وقت
اذان و وقت خواندن قرآن و وقت پیشین یا وقت بیرون آمدن آفتاب و همچنین فرمود علیه السلام که هر که باشد
او را بخدا حاجتی پس باید که طلب کند آن را در سه ساعت در روز جمعه یکساعت وقت پیشین و یکساعت وقت غروب
آفتاب و ساعتی در آخر شب وقت طلوع صبح و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که خداوند تبارک کرد آن از برای امت
من صبحهای ایشان را و باید که بخواند وقت بیرون رفتن از خانه ان فی خلق السموات والارض تا آخر و آیة الکرسی و انا
انزلناه و فاتحة الکتاب که بدرستیکه در این قضای حاجتهای دنیا و آخرت است و این خبر در صحیفه امام رضا علیه السلام باسناد
او از جد او امیر المؤمنین علیه السلام است فرمود چون اراده کند یکی از شما حاجتی باید که صبح برود در طلب آن در
روز پنجشنبه و بخواند چون بیرون رود از منزل خود آنچه ذکر کردم تا آخر خبر **فصل سیم** در ذکر موخر شدن اجابت

دعا فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که نیست هیچ مسلمان که طلب کند دعائی الا آنکه اجابت شود از برای او پس یا
تعجیل میشود در دنیا یا ذخیره میشود در آخرت یا آنکه کفاره میشود از گناهان او و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود بدرستیکه مؤمن دعا میکند در حاجت خود پس میفرماید خدای تعالی که مؤخر دارید حاجت او را بجهت شوق
دعاء او پس چون روز قیامت شود فرماید خدای تعالی که دعا کردی در این امر پس مؤخر کردم اجابت تو را و ثواب
تو این است و دعا کردی مرا این پس مؤخر کردم اجابت تو را در ثواب تو گفت که پس آرزو میکند که مستجاب نمی
شد او را در دنیا هیچ دعا بجهت آنچه میبیند از ثواب نیکو **باب یازدهم** و در آن پنج فصل است **فصل
اول** در صفت فقر و فقیران فرمود خدای تعالی در سورهٔ بقره لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ
ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا صدقه و نفقهٔ
شما از برای درویشان است آنانکه باز داشته شده‌اند در طاعت خدا نمیتوانند سیر کردن در زمین می پندارد ایشان
نادان از حال ایشان که ایشان توانگرانند بسبب باز ایستادن از سؤال خلق تو میشناسی ایشانرا بنشان و علامت در
درویشان است که سؤال نکنند مردمان را از روی الحاح و ابرام و فرمود خدای تعالی در سورهٔ انعام که وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ
يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ و مران از مجلس خودان درویشانرا که میخوانند پروردگار خود
را در صباح و شب میخواهند بدان رضای خدای خود را و پرسیدند از پیغمبر صلی الله علیه و آله که چیست فقر
فرمود آنحضرت خزانه است از خزانهای خدای تعالی عرض کردند مرتبهٔ دوم که چیست فقر یا رسول الله فرمود کرامتی است
از جانب خدا عرض کردند مرتبهٔ سیم که چیست فقر فرمود آن چیزی که خبر نیست که نمیدهد آنرا خدا مگر بپیغمبری مرسل یا
مؤمنی بزرگوار بر خدای تعالی و فرمود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که فقر سخت تر از کشتن است و فرمود آنحضرت
صلی الله علیه و آله که وحی کرد خدای تعالی یا ابراهیم ع و فرمود یا ابراهیم آفریدم ترا و مبتلا کردم ترا باتش نمرود پس
اگر مبتلا میکردم ترا بفقر و بر میداشتم از تو صبر چه میکردی پس عرض کرد ابراهیم علیه السلام که ای پروردگار من
آیا فقر سخت تر است از آتش نمرود فرمود خدای تعالی که بعزت و جلال من قسم که نیافریدم در آسمان و زمین سخت تر از فقر
عرض کرد ای پروردگار من هر که طعام دهد گرسنه را پس چیست جزای او فرمود جزاء او آمرزش است و اگرچه باشد

گناهان او بمقدار آنکه پر کرده‌اند میان آسمان و زمین را و اگر نمی‌بود رحمت پروردگار من بر فقیران امت من نزدیک
بود که فقر کفر باشد پس برخاست مردی از صحابه که نام او ابو هریره بود و عرض کرد یا رسول الله پس چیست جزای
مؤمن فقیری که صبر کند بر فقر خود فرمود بدرستیکه در بهشت غرفه‌ایست از یاقوت سرخ که نظر میکنند بآن اهل بهشت
چنانچه نظر میکنند اهل زمین بستارهای آسمان داخل نمیشود در آن الا پیغمبری فقیر یا شهیدی فقیر یا مؤمنی فقیر
و از انس بن مالک از پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود میایستند فقیران امت من روز قیامت و جامهای ایشان سبز است و مویهای
ایشان بافته است بمروارید و یاقوت و بدستهای ایشان است عصاها از نور خطبه میگویند بر منبرها پس میگذرند
بر ایشان پیغمبران و میگویند اینان فرشتگانند و میگویند فرشتگان که ایشان از پیغمبرانند پس گویند ایشان که ما نه
فرشتگانیم و نه پیغمبرانیم بلکه نفری چند از درویشان امت محمدیم ص پس گویند فرشتگان که بچه یافتید این بزرگی را گویند
نبود عمل ما سخت و روزه نداشتیم همیشه و قیام ننمودیم در شب و لیکن درست بپای داشتیم پنج نماز را و چون شنیدیم
ذکر محمد صلی الله علیه و آله را روان شد آب چشمهای ما بر رخسارهای ما از ابو هریره گفت رسول الله صلی الله علیه و آله
سخن گفت با من پروردگار من پس فرمود یا محمد چون دوست دارم بنده را بگردانم باوی سه چیز دل غمگین و بدن بیمار
و دست خالی از مال دنیا و چون دشمن دارم بنده را بگردانم باوی سه چیز دل شاد و بدن صحیح و دست پر از مال دنیا
و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که گرسنه یا محتاج شود پس بپوشد آنرا از مردمان و فاش کند آنرا بخدا حق است بر
خدا که روزی کند او را روزی یکساله از حلال و فرمود آنحضرت اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مِسْكِينًا وَأَمِتْنِي مِسْكِينًا وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَةِ
الْمَسَاكِينِ یعنی بار خدایا زنده دار مرا درویش و بمیران مرا درویش و برانگیز مرا در گروه درویشان و فرمود صلی الله
علیه و آله که فقیران پادشاهان اهل بهشتند و مردمان همه مشتاقند ببهشت و بهشت مشتاق است بدرویشان و فرمود
صلی الله علیه و آله که فقر فخر و بزرگی منست و بآن فخر میکنم بر باقی پیغمبران و رسولان و فرمود صلی الله علیه و آله که فقر زشت
است نزد مردمان و زینت است نزد خدا در روز قیامت **فصل دویم** در خصلتهائی که سبب درویشی میشود فرمود
پیغمبر صلی الله علیه و آله که بیست خصلت است که موجب درویشی است اول آن برخواستن از جامهٔ خواب از برای بول
برهنه و خوردن در حال جنابت و ترک شستن دست در وقت طعام خوردن و خوار داشتن خوردهٔ ریزهٔ نان و سوزانیدن

سیر و پیاز و نشستن در آستانهٔ خانه و جاروب کردن خانه در شب و بجامه روشستن اعضاء در جائیکه استنجا میکنند و
مالیدن عضوی که شسته اند بمندیل و آستین و گذاشتن کاسه‌ها و ظرفهای نشسته در شب و گذاشتن ظرف آب سر ناپوشیده
و گذاشتن خانهٔ عنکبوت در خانه و سبک داشتن نماز از برای دنیا و تعجیل بیرون رفتن از مسجد و صبح رفتن در بازار
و دیر باز گشتن از آن تا شام و خریدن نان از درویشان و نفرین کردن بر فرزندان و دروغ و دوختن جامه در بدن
و فرو نشاندن چراغ بنفس و در خبری دیگر بول کردن در حمام و خوردن در حال سیری که باد از گلو بیرون آید و
خلال کردن بچوب گز و خواب کردن میان شام و خفتن و خواب کردن وقت صبح پیش از برآمدن آفتاب و باز گردانیدن
سائل مرد را در شب و بسیار گوش دادن بغنا و خوانندگی و عادت کردن دروغ و ترک اندازه در معیشت و موی شانه
کردن ایستاده و سوگند دروغ و بریدن از خویشان **فصل سیم** در فضل بخشیدن و برگزیدن کسی را در چیزی بر
خود فرمود خدا تعالی که وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ بر
میگزینند بر نفسهای خود و اگرچه باشد ایشان را حاجت و هر که نگاه داشته شود بخل او پس ایشان رستگارانند و
فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که بهشت خانهٔ بخشندگان پرهیزکار است و فرمود حضرت صادق ع که سخی آنست که
بکرم نفقه کند مال خود را بحق روایتست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که البته جاهل بخشنده فاضلتر است از
دانای بخیل و در حدیث دیگر از امام جعفر صادق ع گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که جوان بگناه آلوده که بخشنده
باشد دوستتر است بخدا تعالی از پیر عابد بخیل و گفت حسن بن علی وشا که شنیدم از حضرت امام رضا علیه السلام که میفرمود
که بخشنده نزدیکست بخدا و بهشت نزدیکست بآدمیان دور است از دوزخ بخیل دور است از خدا دور است از بهشت
دور است از آدمیان نزدیکست بدوزخ و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که مردان چهارند سخی و کریم و بخیل و لئیم پس
سخی آنست که میخورد و می‌بخشد و کریم آنست که نمیخورد و میبخشد و بخیل آنست که میخورد و نمی‌بخشد و لئیم آنست که نمیخورد
و نه میبخشد و فرمود حضرت صادق علیه السلام از پدران خود از پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنحضرت فرمود سخاوت و بخشش
درختیست در بهشت و شاخهای آن آویخته است در زمین هر که بگیرد بعضی از شاخهای آنرا بکشاند او را این شاخها ببهشت
فصل چهارم در آنچه مستحق میشود آنرا خواهنده فرمود خدا تعالی که وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

و در مالهای ایشان حقیست از برای درویشان که طلب میکنند و از برای درویشان که طلب نمیکنند و در اسانید
خطیب خوارزم آورده است در کتاب خود در ذکر کشته شدن آل رسول علیهم السلام که اعرابی آمد نزد امام ابی عبدالله
الحسین علیه السلام و عرض کرد که یا ابن رسول الله ضامن شدم دیه را تمام و عاجزم از ادای آن پس گفتم با خود که
سؤال کنم کریمترین مردمان را و ندیدم کریمتر از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله پس فرمود حضرت امام حسین
علیه السلام که ای برادر عرب میپرسم ترا از سه مسئله پس اگر جواب دادی از یکی میدهم تو را سه یک از آنچه ضامنی از
آن مال و اگر جواب دهی از دو میدهم ترا دو ثلث آن مال و اگر جواب دهی از کل میدهم ترا کل آن مال پس عرض کرد
که یا ابن رسول الله آیا میپرسد مثل تو از مثل من و حال آنکه تو از اهل بیت علم و شرفی پس فرمود امام حسین علیه السلام
که بلی شنیدم از جد خود رسول خدا صلی الله علیه و آله که نیکی بقدر علمست پس گفت اعرابی که بپرس اگر جواب دادم
خوب و اگر نه یاد گیرم از تو و لا قوة الا بالله پس فرمود امام حسین علیه السلام کدام از عملها فاضلتر است گفت اعرابی
ایمان بخدا پس فرمود حضرت امام حسین علیه السلام چیست رستگاری از هلاک گفت اعرابی اعتماد بخدا پس
فرمود امام حسین علیه السلام که از چیست زینت مرد پس گفت اعرابی علمی که باشد با آن حلم پس فرمود حضرت امام
حسین علیه السلام که اگر خطا شود او را این پس گفت مالی که باشد با آن مروتی پس فرمود علیه السلام که اگر خطا شود
او را این گفت فقری که باشد با آن صبری پس فرمود علیه السلام که اگر خطا شود او را این گفت اعرابی که صاعقه که
فرود آید از آسمان که بسوزاند او را که او سزاوار اینست پس خندید حضرت امام حسین علیه السلام و داد بدره بوی که
در آن هزار دینار بود و داد بوی انگشتر خود را و در آن نگینی بود که قیمت آن دویست درهم بود و فرمود ای اعرابی
بده طلا را بقرض خواهان خود و صرف کن انگشتر را در نفقهٔ خود پس گرفت اعرابی آنرا و گفت اَللّٰهُ أَعْلَمُ حَيْثُ
يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ الی آخر و آمد مردی نزد امیر المؤمنین صلوات الله علیه پس گفت آمدم ترا که بپرسم از چهار مسئله
فرمود بپرس و اگرچه چهل مسئله باشد پس عرض کرد خبر ده مرا که چیست صعب و چیست صعب تر و چیست نزدیک
و چیست نزدیکتر و چیست عجیب و چیست عجیب تر و چیست واجب و چیست واجب تر پس فرمود علیه السلام
که صعب معصیت است و صعب تر فوت ثواب آن است و نزدیک هر چیزیست که آینده است و نزدیکتر از آن

مرکست و عجب دنیا است و عجب تر غفلت مردان و واجب ان توبه است و ترک گناهان ان واجب تر است و چون مرد
عثمان بن عفان و نشست امیر المؤمنین علیه السلام در جای او امد اعرابی و عرض کرد یا امیر المؤمنین من گرفتارم بسه
علت علت نفس و علت فقر و علت جهل پس جواب ادا امیر المؤمنین علیه السلام و فرمود ای برادر عرب علت نفس را
عرض کن بر طبیب و علت جهل را عرض کن بر عالم و علت فقر را عرض کن بر کریم پس عرض کرد اعرابی که یا امیر المؤمنین
توئی کریم و توئی عالم و توئی طبیب پس فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که دادند اورا از بیت المال سه هزار درهم و گفت
نفقه کن هزار درهم بعلت نفس و هزار درهم بعلت جهل و هزار درهم بعلت فقر **فصل پنجم** در انچه وارد
شده در رد سائل فرمود خدا یتعالی که وَاَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ و اما خواهنده را پس بانگ مزن و فرمود رسول خدا
صلی الله علیه و اله که باز مگردانید سائل را و اگر چه بر سمی باشد سوخته که بدهید بوی و فرمود علیه السلام که باز
مگردانید خواهنده را و اگر چه بنصف خرما باشد و فرمود علیه السلام که اگر نه سائلان دروغ میگفتند فالح نمی شد
انکه رد میکرد ایشانرا **باب دوازدهم** و در ان دو فصل است **فصل اول** در کشتن مؤمن فرمود
خدا یتعالی در سورهٔ نساء وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَاَعَدَّ لَهُ عَذَابًا
عَظِيمًا و هر که بکشد مؤمنی را بقصد و عمد و حلال داند پس جزاء او دوزخست در حالتیکه جاوید بماند در ان و خشم گرفت
خدا بر وی و لعنت کرد او را و اماده ساخت از برای او عذابی بزرگ و فرمود خدا یتعالی که مِنْ اَجْلِ ذٰلِكَ كَتَبْنَا عَلٰى بَنِي
اِسْرَائِيلَ اَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ اَوْ فَسَادٍ فِي الْاَرْضِ فَكَاَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا بسبب این نوشتیم و حکم کردیم بر بنی اسرائیل
انکه هر که بکشد کسیرا بی انکه کسی را کشته باشد پس چنان باشد که همه مردمانرا کشته باشد از عبد الله بن عمر از حضرت
رسول صلی الله علیه و اله که فرمود البته کشتن مؤمن نزد خدا یتعالی بزرگتر است از زوال دنیا و فرمود حضرت صادق
علیه السلام که همیشه مؤمن در فراخیست از دین خود تا نریخته است خون حرام و فرمود علیه السلام که توفیق نمیابد
کشندهٔ مؤمن تو به را هرگز و فرمود خدا یتعالی که وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ و مکشید کسیرا که حرام
کرده است خدا کشتن او را مگر بقصاص و حق و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که ناله نکند زمین بخدا یتعالی مثل ناله کردنی
از خونی حرام که ریخته شود بران و فرمود انحضرت صلی الله علیه و اله که اگر اهل هفت اسمان و هفت زمین شریک شوند

در خون یک مؤمن بر روی در اندازد ایشانرا خدای عز و جل جمیعا در دوزخ **فصل دوم** در ربا یعنی سود
خوردن فرمود خدا یتعالی در سورهٔ بقره که اَلَّذِينَ يَاْكُلُونَ الرِّبٰوا لَا يَقُومُونَ اِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ
مِنَ الْمَسِّ انانکه میخورند مال ربا را یعنی معامله میکنند در یک جنس و زیاد میستانند بر نمیخیزند از گورهای خود مگر
مثل انکه بر میخیزد انکسیکه زده است او را شیطان و دیوانه ساخته یعنی مصروع و دیوانه این عذاب بسبب اینست
که ایشان گفتند که نیست بیع مگر مثل ربا و حال انکه حلال کرده است خدا بیع را و حرام کرده است ربا را و فرمود
خدا یتعالی که یَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبٰوا اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَاِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَاْذَنُوا
بِحَرْبٍ مِنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَاِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ اَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ای مؤمنان بترسید از خدا و بگذارید
انچه باقی مانده است از ربا اگر هستید شما مؤمنان پس اگر بقیهٔ ربا را ترک نکنید پس اگاه باشید و بدانید بحرب و جنگ
خدا و رسول او و اگر تو به کنید از گرفتن ربا پس شمار است سرمایهای شما نه شما ظلم کنید که زیاده بگیرید و نه ظلم کنند
شما را که کم کنند سرمایهٔ شما را و فرمود خدا یتعالی اَحَلَّ اللّٰهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبٰوا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که معصیت
ربا هفتاد جزء است اسان تر ان مثل انستکه مردی زنا کند با مادر خودش در خانهٔ کعبه و فرمود پیغمبر که خدا لعنت
فرموده خورندهٔ ربا و خورانندهٔ ان و نویسندهٔ ان و دو گواه ان و حلال کنندهٔ ان و واسطهٔ ان و انکه نقش کند بدن کسیرا بسوزن
و انکه نقش کند بدن او را و منع کنندهٔ زکوة را و فرمود انحضرت صلی الله علیه و اله که هر که بخورد ربا را پر کرداند خدا یتعالی
شکم او را از اتش دوزخ بقدر انچه خورده است از ان و اگر کسب کند از ان مالی قبول نکند خدا از وی هیچ عمل او را و دایم در
لعنت خدا و ملائکهٔ او باشد مادامیکه با او باشد یک قیراط و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که بدترین کسبها کسب ربا
است **فصل سیم** در زنا فرمود خدا یتعالی در سورهٔ سبحان الذی اسری که وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا اِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ
سَبِيلًا و نزدیک مشوید بزنا که بدرستیکه ان هست عملی زشت و بد راهیست و روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه
و اله که ان سرور فرمود حذر کنید از زنا که در ان شش خصلت است سه در دنیا و سه در اخرت اما ان سه که در دنیا است
میبرد ابروی را و قطع میکند روزی را از اسمان و تعجیل میکند مرگ را و اما ان سه که در اخرتست یعنی عذابست و غضب خدا
و دوام در دوزخ و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که در هر عضوی از فرزند ادم حصه ایست از زنا چشم زنای او نظر

کردن است و زبان زنای او گفتن است و گوش زنای آن شنیدن است و دو دست زنای آن گرفتن است و دو پای
زنای آن رفتن است و فرج قبول میکند این یا رد میکند **فصل چهارم** در لواطه فرمود خدا تعالی در سورهٔ
نمل وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ
تَجْهَلُونَ و یاد کن لوط را که گفت قوم خود را آیا میآیید بعمل زشت یعنی لواطه و حال آنکه شما میدانید و می بینید از
یکدیگر یعنی آنرا آشکارا میکنید آیا شما میآیید بمردان از روی شهوت بجز زنان که برای شهوت مخلوق شد بلکه شما گروهی
مردمید که نمیدانید و فرمود خدا تعالی در سورهٔ اعراف وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ
أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ و فرمود رسول خدا صلی الله
علیه و آله که هر که داخل کند زنی را در دبر او یا پسر یا در دبر او یا مردی را در دبر انگیزاند او را خدا تعالی در روز قیامت
و بوی او بدتر باشد از بوی مردار متأذی باشند از وی مردمان تا آنکه او داخل دوزخ شود و فرمود رسول خدا
صلی الله علیه و آله که هر که الحاح در داخل کردن بمردان کند نمیرد تا آنکه بخواند مردان را بخود و فرمود امام جعفر صادق
علیه السلام که فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که لواطه در غیر دبر ان لواطه است اما در دبر پس آن کفر است **فصل
پنجم** در غیبت فرمود خدا تعالی در سورهٔ حجرات که يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ
الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ ای
گروه گرویدگان دوری کنید بسیاری از گمانرا که بدرستیکه بعضی از گمان گناه است و مجوئید و باید که غیبت نکند
بعضی از شما بعضی را آیا دوست میدارد یکی از شما که بخورد گوشت برادر خود را در حالی که او مرده باشد پس زشت
میدارید آنرا و از خدا بترسید و فرمود خدا تعالی که لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظُلِمَ دوست نمیدارد
خدا آشکارا کردن بسخنی بد مگر آشکارا کردن کسی که بر او ستم کرده اند و فرمود خدا تعالی که إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ
الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بدرستیکه آنانکه دوست میدارند که فاش شود عمل
زشت در میان مؤمنان ایشانراست عذابی دردناک در دنیا و آخرت و فرمود خدا تعالی که وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ
مَهِينٍ هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ و فرمان مبر هر قسم خورندهٔ خوار عیب گوی راه روندهٔ بسخن چینی منع کنندهٔ
از خوبی مر

خیر از حد خود در گذرندهٔ گناه کار را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که غیبت کنند نزد او برادر او را که مسلمان باشد
و قادر باشد که یاری کند او را پس یاری کند یاری او کند خدا در دنیا و آخرت و هر که یاری نکند او را یاری نکند
او را خدا در دنیا و آخرت و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که غیبت کند مرد مسلمانی را یا زن مسلمانی را قبول نکند
خدا تعالی نماز او را و روزهٔ او را چهل روز و شب مگر آنکه حلال کند او را صاحب آن غیبت و فرمود پیغمبر
که هر که غیبت کند مسلمانی را در ماه رمضان مزد داده نشود بروزهٔ خود و از سعید بن جبیر از پیغمبر صلی الله علیه
و آله که گفت بیاورند یکی را روز قیامت و بدارند او را پیش خدا تعالی و بدهند او را کتاب او و پس نه بیند هیچ
حسنهٔ خود را پس گوید خداوندا نیست این کتاب من نمی بینم در این طاعت خود را پس گویند که پروردگار تو
غلط نمیکند و فراموش نمیکند رفت عمل تو بسبب غیبت مردمان بعد از آن بیاورند دیگری را و بدهند بوی کتاب
او را پس ببیند در آن طاعتهای بسیار پس عرض کند خداوندا نیست این کتاب من از برای آنکه نکردم من این طاعتها را
پس گویند او را که فلان غیبت کرد تو را پس داده شد حسنات او بتو و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که دروغ میگوید
آنکه دعوی میکند که او زاییده است از حلال و او میخورد گوشت مردمان بغیبت پرهیز از غیبت که بدرستیکه آن نان
خورش سگان دوزخ است و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله که معمور نمیشود هیچ مجلس از غیبت مگر آنکه خراب می
شود از دین پس دور دارید گوشهای خود را از شنیدن غیبت از برای آنکه گوینده و شنوندهٔ آن هر دو شریکند در گناه
و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که حذر کنید از غیبت که آن سخت تر است از زنا عرض کردند چرا غیبت سخت تر است از
زنا فرمود از برای آنکه مردی که زنا کند بعد از آن توبه کند قبول میکند خدا توبهٔ او را و صاحب غیبت آمرزیده نمیشود
تا آنکه در گذرد از وی صاحب آن و فرمود صلی الله علیه و آله که عذاب قبر از بدگوئی و غیبت است **فصل ششم**
در بهتان فرمود خدا تعالی در سورهٔ نساء که وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا
و هر که بکند گناهی صغیره یا بخطا یا گناهی کبیره بعمد پس تهمت کند بآن گناه بیگناهی را پس بدرستیکه برداشته دروغی
را و گناهی که ظاهر است و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که بهتان بندد بمردی مؤمن یا زنی مؤمنه یا بگوید در
وی آنچه نیست در وی بدارد او را خدای عز و جل بر تلی از آتش تا آنکه بیرون آید از آنچه گفته است در وی **فصل هفتم**

در دروغ فرمود خدا یتعالی در سورهٔ فرقان در صفت مؤمن که وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ
مَرُّوا كِرَامًا یعنی آنانند بندگان خدا که گواهی نمیدهند بدروغ یا حاضر نشوند بان و چون بگذرند بچیزی نا پسند بگذرند
بزرگوارانه و فرمود در سورهٔ برائت که يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ای مؤمنان بترسید از
خدا و باشید با راست گویان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که پرهیز کنید از دروغ که دروغ راه مینماید بنا فرمان
برداری خدا و نافرمان برداری خدا میرساند بدوزخ از عبد الرزاق از نعمان از قتاده از انس گفت فرمود
رسول خدا صلی الله علیه و آله که مؤمن چون دروغ گوید بغیر ضرورتی لعنت کند او را هفتاد هزار ملک و بیرون آید
از دل او بوی گندیدهٔ تا آنکه برسد بعرش حملهٔ عرش لعنت کنند او را و بنویسد خدا بر وی باین دروغ هفتاد زنا
که کمتر از آن چنان باشد که زنا کرده است با مادر خود و عرض کرد موسی ع که ای پروردگار من کدام بندگان
تو بهتر است عمل او فرمود آنکه دروغ نگوید زبان او و نافرمان برداری خدا نکند دل او و زنا نکند فرج او

فصل هشتم در خمر فرمود خدا یتعالی در سورهٔ مائده که يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَ
الْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ای گروه گرویدگان نیست خمر و قمار و بتان
و تیر قمار مگر پلید از عمل شیطان پس دوری کنید از آن شاید که رستگار شوید و فرمود خدا یتعالی که إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ
أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ
نمیخواهد شیطان مگر آنکه بیندازد میان شما دشمنی و خصومت در خمر و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا و از نماز
پس آیا هستید شما از باز ایستندگان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که قسم بانکه برانگیخته است مرا بحق که هر که
بیاشامد یک آشامیدن از مست کننده قبول نمیشود نماز او چهل روز و شب پس اگر توبه کند قبول کند توبهٔ
او را خدا بر وی و هر که بیاشامد دو آشامیدن قبول نکند خدا نماز او را هشتاد روز و شب و هر که بیاشامد سه
آشامیدن از آن قبول نکند خدا نماز او را صد و بیست روز و شب و واجبست بر خدا یتعالی که بیاشاماند او را از
ردغة الخبال گفتند که چیست این یا رسول الله فرمود چرک اهل دوزخ و ریم ایشان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه
و آله که سوگند بانکه برانگیخته مرا بحق که آشامندهٔ خمر میاید روز قیامت و سیاه است روی او و ازرقست دو چشم او

بهم کشیده است دو لب او و فرو میریزد آب از دهان او و بر دو قدم او و پلید میدانند او را هر که میبیند او را و فرمود
صلی الله علیه و آله که بحق آنکه برانگیخته است مرا بحق که شارب الخمر میمیرد تشنه و در قبر است تشنه و برانگیخته
میشود روز قیامت تشنه و فریاد میکند وا عطشاه وای از تشنگی هزار سال پس میدهند او را آبی مانند
مس گداخته که بریان میکند رویها را بلا شامید نیست و بدمکانی است پس پخته میشود روی او و میریزد
دندانهای او و چشمهای او در آن ظرف پس او را نیست چاره از آشامیدن آن پس گداخته میشود آنچه در شکم
او است و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله اهل شام را که قسم بخداوندیکه برانگیخته مرا بحق که هر که بیاشامد در
دل او یک آیه از قران پس بریزد بر آن خمر میاید هر حرف روز قیامت و دشمنی میکند با وی پیش خدای عز و جل
و هر که باشد او را قران دشمن هست خدا او را دشمن و هر که خدا او را دشمن است هست او در دوزخ از علی بن
عبد الله بن موسی از اسمعیل بن سلیمان از انس بن مالک گفت فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که در جهنم وادی
ایست که فریاد میکنند از آن اهل دوزخ و در این وادی خانه ایست از آتش و در آن خانه چاهیست از آتش و در
این چاه تابوتیست از آتش و در این تابوت ماریست که او را هزار سر و در هر سری هزار دهان و در هر دهانی ده
هزار نیش و هر نیشی هزار ذرع گفت انس که گفتم یا رسول الله از برای کیست این عذاب فرمود از برای شراب خوار
قران دان و فرمود صلی الله علیه و آله که شارب الخمر چون پرستندهٔ بت است و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله
که هر که شب بروز کند مست او عروس باشد شیطان را و فرمود صلی الله علیه و آله که هر که باشد در دل او یک آیه
از قران یا یک حرف و بریزد بر وی خمر را روز قیامت دشمنی کند او را قران و فرمود آنحضرت که خمر ام الخبائث است
یعنی شراب اصل همهٔ پلیدیها است و فرمود صلی الله علیه و آله که جمع شده است همهٔ بدی در خانهٔ و گردانیده شده
است کلید آن شرب خمر و فرمود صلی الله علیه و آله که هر که بمیرد مست بر بیند ملک الموت را مست و داخل قبر شود
مست و داشته شود در پیش خدا مست پس گوید او را خدا یتعالی که چیست ترا پس گوید که من مستم پس فرماید
خدا یتعالی که آیا امر کردم باین ترا ببرید او را بسوی کران پس ببرند او را بسوی گوهی در میان دوزخ که در آن چشمهٔ باشد که
روان باشد از آن چرک و خون نباشد طعام و آب او الا از آن و فرمود صلی الله علیه و آله که نزدیک مروید بنماز در

حالیکه شما مستان باشید و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که گردانیده شده است از برای من زمین کل آن مسجد و خاک
آن پاک کننده و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که قسم خورده است پروردگار من بعزت خود که ننیاشامد هیچ بنده
از بندگان من یک جرعه از خمر الا آنکه بیاشامانم او را مثل آن از چرک و ریم خواه آمرزیده شود و خواه عذاب کرده
شود و ترک نکند او را هیچ بنده از ترس من الا آنکه بچشانم او را مثل آن از حوضهای قدس و فرمود پیغمبر صلی الله
علیه و آله که همنشینی مکنید با شارب الخمر و عیادت مکنید بیماران ایشان را و پیروی مکنید جنازه‌های ایشان را و نماز
مکنید بر مرده‌های ایشان بدرستیکه ایشان سگان دوزخند چنانچه فرمود خدا تعالی که اخسئوا فیها و لا تکلمون
دور شوید در آتش و سخن مگوئید با من و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که طعام دهد شارب الخمر را یک لقمه از
طعام یا یک شربت از آب مسلط سازد خدا تعالی در گور او مارها و عقربها که درازی دندانهای آنها صد و
ذرع باشد و طعام دهد او را خدا تعالی از چرک دوزخ روز قیامت و هر که قضا کند حاجت او را چنان باشد
که کشته است هزار مؤمن را یا خراب کرده است کعبه را هزار بار و هر که سلام کند بر وی لعنت کند او را هفتاد هزار
ملک لعنت کند خدا شارب الخمر را و فشارنده او و ساقی آن را و آنکه آن را بار میکند و آنکه آن را بر میدارد و فرمود پیغمبر ع
که بنده چون بیاشامد یک شربت از خمر در اول سخت شود دل او و در دوم بیزار شود از او جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
و جمیع فرشتگان و در سیم بیزار شوند از او جمیع پیغمبران و امامان و در چهارم بیزار شود از او خداوند جبار جل
جلاله و در پنجم فرمود خدا تعالی که و اما الذین فسقوا فمأویهم النار کلما ارادوا ان یخرجوا منها اعیدوا فیها و
قیل لهم ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذبون و اما آنانکه بیرون میروند از طاعت خدا پس جای ایشان آتش است
هر چند که اراده کنند که بیرون آیند از آن باز گردانند زبانیه ایشان را در آن و گویند ایشان را که بچشید عذاب آتشی
که بودید در دنیا بآن دروغ میدانستید و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که چون روز قیامت شود بیرون آید
از جهنم جنسی از عقرب که سر او در زیر آسمان هفتم و دم او زیر هفتم طبقه زمین باشد و دهان او از مشرق تا مغرب
پس گوید کجایند آنانکه خلاف و نزاع کرده‌اند خدا و رسول او را پس فرود آید جبرئیل علیه السلام و گوید ای عقرب
که را میخواهی گوید میخواهم پنج نفر را ترک کننده نماز و منع کننده زکوة و خورنده ربا و آشامنده خمر و قومی را که حدیث

کفنند

کفنند در مسجد سخن دنیا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که خمر جمع کننده همه گناهان است و اصل جمیع پلیدیها است و کلید
کل بدیها است و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که یا علی هر که ترک کند خمر را از برای غیر خدا بدهد او را خدا از رحیق
مختوم پس فرمود علی علیه السلام آیا از برای غیر خدا ترک کند فرمود بلی بخدا سوگند که از برای حفظ نفس خود ترک کند و
خدا شکر کند او را از برای این و فرمود صلی الله علیه و آله یا علی شارب الخمر قبول نمیکند خدا نماز او را چهل روز و
اگر بمیرد در این چهل روز کافر مرده است گفته مصنف اینکتاب یعنی هرگاه حلال داند آن را و فرمود پیغمبر صلی
الله علیه و آله که یا علی میآید بر شارب الخمر ساعتی که نمیشناسد در آن پروردگار خود را عز و جل یا علی آفرید
خدای عز و جل بهشت را از دو خشت خشتی از طلا و خشتی از نقره و گردانید دیوارهای آن را از یاقوت و سقف
آن را از زبرجد و سنگ ریزه آن را از مروارید و خاک آن را از زعفران و مشک خوش بوی بعد از آن گفت او را که
سخن گوی پس گفت لا اله الا الله الحی القیوم بتحقیق که نیک بخت گردید هر که داخل من شد فرمود خدا تعالی
بعزت و جلال من قسم که داخل نمیشود در بهشت آنکه مدام خمر خورد و نه سخن چین و نه دیوث و نه آنکه ملازم حاکمان
ظالم باشد و مردمان را پیش او برد و نه مخنث و نه گور شکاف و نه آنکه در راهها داده یک مال و مثل آن از مردمان گیرد
و نه آنکه قطع رحم کند و از خویشان برّد و نه قدری یعنی آنکه گوید که خیر و شر همه در دست خدا است و دیگر برادران
اختیاری نیست و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که بیاشامد خمر بیاشاماند او را روز قیامت از زهر مارها و
عقربها آشامیدنی که بیفتد روی آن در آن ظرف پیش از آنکه بیاشامد آن را پس چون بیاشامد آماس کند گوشت او
و پوست او مثل جیفه آزار یابند از او اهل محشر بعد از آن امر کنند او را بدوزخ آگاه باش که آشامنده خمر و ساقی آن و
فشارنده آن و شیره گیرنده آن و فروشنده آن و خریدار آن و بردارنده آن و آنکه میبرند آن را بنزد وی و خورنده بهای آن
برابرند در ننگ آن و عار آن و گناه آن آگاه باش هر که بیاشاماند آن را بغیر خود خواه یهودی یا نصرانی یا زنی یا طفلی یا
هر که باشد از آدمیان پس بر وی است مثل گناه آنکه آشامیده است آن را آگاه باش که هر که بفروشد آن را و هر که بخرد آن را از
برای غیر خود و هر که بفشارد آن را و هر که شیره بگیرد آن را قبول نمیکند خدا از وی نماز و حج و عمره تا آنکه توبه کند از آن
پس اگر بمیرد پیش از توبه کردن از آن واجبست بر خدا تعالی که بیاشاماند او را بهر جرعه که آشامیده آن را در دنیا

جرعه

جوعه از دیم جهنم بعد از آن فرمود صلی الله علیه و آله که آگاه باش که بدرستیکه خدای عزوجل حرام گردانیده است خمر را
عین آن و مست کننده از هر آشامیدنی آگاه باش که هرچه مست کننده است حرام است و فرمود پیغمبر صلی الله علیه
و آله که مثل شارب الخمر مثل کبریت است پس حذر کنید از آن که بدبوی نگرداند شما را چنانچه بدبو است کبریت و
بدرستیکه آشامنده شراب صباح میکند و شب میکند در غضب خدایتعالی و نیست یکی که شب بروز کند در
مستی الا که عروس شیطان باشد تا صباح کند و واجبست بروی غسل کند از جنابت پس اگر غسل نکند قبول نمی
شود از وی نافله و نه فریضه و راه نمیرود بر روی زمین دشمن تر بخدایتعالی از شارب الخمر و روایت شده از پیغمبر
صلی الله علیه و آله که او فرمود هر که بیاشامد خمر را در شام و صباح کند او مشرک باشد و هر که بیاشامد در صباح
او را و شام کند با او مشرک باشد و هرچه مست میگرداند بسیار از آن پس اندکی از آن حرام است و فرمود پیغمبر صلی الله
علیه و آله هر که سلام کند بر شارب الخمر یا با وی دست در گردن کند یا مصافحه کند باطل کند خدا طاعت چهل سال او را
و روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه و آله که او فرمود هر که طعام دهد شارب الخمر را لقمه مسلط سازد خدایتعالی
بر بدن او ماری و عقربی را و هر که قضا کند حاجت او را البته یاری کرده است بر خراب کردن اسلام و هر که قرض دهد
او را مثل آنستکه یاری کرده است بر کشتن مؤمنی و هر که همنشینی کند با وی برانگیزاند او را خدایتعالی در روز قیامت
کور حجتی نباشد از برای او و هر که بیاشامد خمر را پس زن مدهید او را و اگر بیمار شود پرسش مکنید او را قسم بانکه بر
انگیزانید مرا بحق به پیغمبری که نیاشامد خمر را مگر ملعون در توریة و انجیل و زبور و فرقان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه
و آله که ای پسر مسعود قسم بانکه برانگیزانید مرا بحق که میاید بر مردمان زمانی که حلال میشمارند خمر را و نام میکنند آنرا
نبیذ علیهم لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین من از ایشان بیزارم و ایشان از من بیزارند ای پسر مسعود زنا کردن با مادر
خود گناهان کمتر است از خوردن مقدار یک دانه خردل از ربا و هر که بیاشامد مست کننده را خواه اندک باشد و خواه بسیار
آن سخت تر است نزد خدایتعالی از خوردن ربا از برای آنکه این کلید همه بدیها است اینان ستم میکنند با نیکان و
راستگوی میدانند فاجران و نابکاران و فاسقان را حق نزد ایشان باطل است و باطل پیش ایشان حق این همه از برای
دنیا است و ایشان نمیدانند که ایشان بغیر حقند لکن زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطَانُ اَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِیلِ فَهُمْ لَا یَهْتَدُونَ

آراسته است از برای ایشان شیطان کردارهای ایشان را پس منع کرد ایشان را از راه حق پس ایشان راه نمییابند و
رَضُوا بِالْحَیٰوةِ الدُّنْیَا وَاطْمَاَنُّوا بِهَا وَالَّذِینَهُمْ عَنْ آیَاتِنَا غَافِلُونَ اُولٰئِکَ مَاْوٰیهُمُ النَّارُ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ و آنانکه
خشنود گردیدند بزندگی دنیا و آرام گرفتند بآن و آنانکه از آیات و دلیلهای ما غافلانند جای ایشان دوزخ است
بسبب آنچه بوده اند که کسب کرده اند و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که سلام کنید بر یهود و نصاری و سلام مکنید بر
شارب الخمر و اگر سلام کند بر شما باز مدهید جواب او را و فرمود صلی الله علیه و آله که مجاورت و مصاحبت با یهود
و نصاری بهتر است از مصاحبت شارب الخمر و راستگو مدانید شارب الخمر را اگر باور کردن سخن او پشیمانیست و نیز
فرمود صلی الله علیه و آله که شارب الخمر را عذاب میکند خدا بسیصد و شصت نوع از عذاب و فرمود پیغمبر صلی الله علیه
و آله که جمع نمیشود خمر با ایمان در درون یا دل مردی هرگز **فصل نهم** در شطرنج و نرد فرمود خدایتعالی در سوره
حج که فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْاَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ حُنَفَاءَ لِلّٰهِ غَیْرَ مُشْرِکِینَ بِهِ دوری کنید از بازی کردن
بشطرنج و نرد و باقی قمارها و دوری کنید از قول دروغ و خوانندگی و غنا و روایت کرده عبدالله بن مسعود که
گذشت پیغمبر صلی الله علیه و آله بقومیکه بازی میکردند بشطرنج فرمود مَا هٰذِهِ التَّمَاثِیلُ الَّتِی اَنْتُمْ لَهَا عَاکِفُونَ
چیست این بتان که شما از برای ایشان نشسته اید و فرمود صلی الله علیه و آله که هر که بازی کند بنرد بتحقیق
که عصیان کرده است خدا را و فرمود ملعون است هر که بازی کند با سه ریق یعنی بشطرنج و نظر کننده بآن مثل خورنده
گوشت خوک است و در خبر دیگر نظر کننده بآن مثل نظر کننده است بفرج مادر خود و فرمود حذر کنید از این دو
کعبتین نشان داد که این از قمار گبرانست و فرمود حضرت صادق علیه السلام که نرد و شطرنج هر دو قمار است و
روایت کرده ما را عبدالواحد بن عبدالوبه نیسابوری گفت حدیث کرد ما را علی بن محمد بن قتیبه از فضل بن شاذان
گفت شنیدم از حضرت امام رضا علیه السلام که چون بردند سر حضرت امام حسین علیه السلام را بشام امر کرد یزید علیه
اللعنة والعذاب که گذاشتند آنرا و گسترد خوانی پس روی آوردند او و اصحاب او علیهم اللعنة میخوردند و میآشامیدند
فقاع را پس فارغ شدند گفت که آنرا بگذاشتند بر طشتی در زیر تخت او و انداختند بر آن رقعه شطرنج را و نشست
یزید علیه اللعنة و بازی میکرد بشطرنج و ذکر میکرد حسین علیه السلام را و پدر او و جد او را صلوات الله علیهم

واستهزاء میکرد با ایشان و هرگاه قمار میکرد با مصاحب خود فرا میگرفت فقاع را و میآشامید از اسبار پس مرحمت
زیادهٔ ان از نزد یك ان طشت بر زمین پس هر که از ما و شیعهٔ ما است باید که بپرهیزد از آشامیدن فقاع و بازی
کردن شطرنج و هر که نظر کند بفقاع و شطرنج پس باید که یاد کند حسین صلوات الله علیه را و لعنت کند یزید و آل
زیاد را پاك کند خدای عزوجل باین گناهان او را و اگرچه باشد بعدد ستارگان **فصل دهم** در غنا و خوانندگی
و در شنیدن ان فرمود خدا یتعالی که وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا
هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ و بعضی از مردمان کسی هست که میخرد غنا و خوانندگی را تا گمراه سازد مردمان را
از راه خدا بی دانائی و فرا میگیرد راه خدا را بسخریت انگروه ایشانرا است عذابی خوار کننده و فرمود پیغمبر صلی
الله علیه و آله که بر انگیخته میشود صاحب طنبور روز قیامت و او سیاه رو است و بدست او طنبوری است از
آتش و بر بالای سر او هفتاد هزار فرشته اند بدست هر یك گرزیست که میزنند سر او را و روی او را و بر انگیخته
میشود صاحب غنا و خوانندگی از گور خود کور و کر و گنگ و بر انگیخته میشود زنا کننده مثل این و صاحب نی
مثل این و صاحب دف مثل این و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که غنا افسون دروغ است و روایت کرد ابو امامه
از پیغمبر صلی الله علیه و آله که بر نمیدارد یکی صدای خود را بخواندگی مگر انکه بر انگیزاند خدا دو شیطان را بر دوش
او که میزنند پاهای خود را بر سینهٔ او تا انکه او باز ایستد صدق رسول الله **باب سیزدهم** و در ان هفت فصل
است **فصل اول** در دیدن و پرسش بیمار و شستن میت فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که هر که
بر بیند بیماری را پس او را است بهر گامی که میگذارد تا انکه باز گردد بمنزل خود هفتاد هزار هزار حسنه و ثواب پاك
شود از وی هفتاد هزار هزار سیئه و گناه و رفیع و بلند شود از برای او هفتاد هزار هزار درجه و موکل شوند
بوی هفتاد هزار هزار ملك که میشانند او را در قبر او و طلب امرزش میکنند از برای او تا روز قیامت و هر که
بشوید میتی را پس ادا کند در وی امانتها را هست او را بعدد هر موی از وی ازاد کردن بنده و رفیع شود از
برای او بان عدد درجه پس گفت عمر که یا رسول الله چگونه ادا کند در ان امانتها را فرمود صلی الله علیه و آله که میپوشد
عورت او را و میپوشد بدی او را و اگر چنین نکند ضایع میشود اجر او و ظاهر میشود عورت او در دنیا و اخرت

فصل دویم در ثواب مؤمن بسبب مردن او در هر روز از روزها هفته فرمود خدا یتعالی در سورهٔ آل
عمران که وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا و نباشد هیچ نفسی را انکه بمیرد مگر باراده خدا نوشته است
کتابی که زمان ان معین است و فرمود خدا یتعالی که كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ هر نفس چشندهٔ مرگست و فرمود در سورهٔ
انعام که ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ پس حکم کرد خدا مدتی را که چون سر اید که برسد و مدت نام برده
و معین شده نزد او است که کس نداند پس شما شك میاورید و فرمود در سورهٔ نمل که وَلَٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى
فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ولیکن مؤخر میدارد مرگ ایشانرا تا وقتی معین پس چون
بیاید مرگ ایشان نه مؤخر میدارد ساعتی و نه مقدم و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که مرگ کفارهٔ گناهان مؤمنان
است و روایت شده از جابر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که هر که بمیرد روز جمعه و شناسد حق اهل بیت علیهم
السلام را نوشته میشود از برای او براتی ازادی از دوزخ و براتی از عذاب و هر که بمیرد شب جمعه ازاد شود
از آتش و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله در حدیثی طویل در فضل روز جمعه که دعا نکند در ان هیچ بندهٔ ازاد مردمان
که داند حق و حرمت انرا الا که حق باشد بر خدا که بگرداند او را از ازادان و خلاصان از آتش پس اگر بمیرد در روز
یا در شب مرده است شهید و بر انگیخته میشود ایمن و فرمود امیر المؤمنین علی علیه السلام که هر که بمیرد در روز پنجشنبه
بعد از پیشین و او مؤمن باشد نه بنهاره دهد او را خدا یتعالی از فشار قبر و قبول شود شفاعت او بعدد قبیلهٔ
ربیعه و مضر و هر که بمیرد روز شنبه از مؤمنان جمع نکند خدای عزوجل میان او و میان یهود در آتش هرگز و هر که
بمیرد در روز یکشنبه از مؤمنان جمع نکند خدا میان او و میان دشمنان ما از بنی امیه در دوزخ هرگز و هر که بمیرد روز
سه شنبه از مؤمنان بر انگیزاند او را خدا یتعالی با ما در رفیق اعلی و هر که بمیرد در روز چهارشنبه از مؤمنان
نگاه دارد او را خدا از عذاب حشر روز قیامت و نیك بخت گرداند او را بمجاورت شدن بهشت و فرود آورد او را
در سرای دوام از فضل خود نرسد او را در ان هیچ تعبی و نرسد او را در ان هیچ ماندگی و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام
که مؤمن در هر حال که بمیرد و در هر ساعت که قبض شود پس او صدیق و شهید است و بتحقیق که شنیدم از حبیب
خود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که میفرمود که اگر مؤمن بیرون رود از دنیا و بری باشد مثل گناه اهل زمین

نصاری که در آتش هرگز و هر که بمیرد روز چهارشنبه از مؤمنان جمع نکند خدا میان ما و میان او

باشد مردن او کفارهٔ این گناهان بعد از آن فرمود صلی الله علیه و آله که هر که بگوید لا اله الا الله باخلاص
پس او بیزار است از شرک و هر که بیرون رود از دنیا و شرک نیاورد بخدا چیزی داخل شود بهشت را بعد از آن
خواند این آیه را إِنَّ اللهَ لا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ بدرستیکه خدا نمیآمرزد آنکه شرک
آورده شود بوی و میآمرزد غیر این را از هر که خواهد و ایشان شیعیان تواند و محبان تو یا علی پس عرض کردم یا رسول
الله این از برای شیعهٔ منست فرمود صلی الله علیه و آله که بلی پروردگار من قسم که این از برای شیعهٔ تو و محبان تو است
خاصةً و ایشان بیرون میآیند از قبرهای خود در حالیکه میگویند لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله
پس میآورند حلّههای سبز از بهشت و تاجها و افسرها از بهشت پس میپوشند هر یک از ایشان جامهٔ سبز و تاج ملک
و افسر کرامت پس سوار میشوند شتران نیکو که میبرند ایشان را به بهشت غمگین نمیکند ایشان را فزع اکبر و استقبال میکنند
ایشان را فرشتگان و میگویند اینست روز شما اگر بودید وعده داده شده بآن و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که بمیرد
بر حب آل محمد مرده است شهید آگاه باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد مرده است آمرزیده آگاه باش که هر که بمیرد بر حب
آل محمد مرده است توبه کار آگاه باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد مرده است مؤمن کامل الایمان آگاه باش که هر که بمیرد
بر حب آل محمد مژده دهد او را ملک الموت به بهشت بعد از آن منکر و نکیر آگاه باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد بگردانند
قبر او را مزار ملائکه رحمت آگاه باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد گشاده شود از برای او در قبر او دو در به بهشت آگاه
باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد مرده است بر سنت و جماعت آگاه باش که هر که بمیرد بر بغض آل محمد یعنی بر دشمنی
آل محمد یعنی بر دشمنی آل محمد بیاید روز قیامت و نوشته باشد بر میان دو چشم او که ناامید است از رحمت خدا
آگاه باش که هر که بمیرد بر بغض آل محمد مرده است کافر آگاه باش که هر که بمیرد بر بغض آل محمد نشنود بوی بهشت را

فصل سیم در ثواب پیروی کردن جنازه و نماز کردن بر میت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که پیروی
کند جنازه را پس او راست بهر قدمی که برمیدارد صد هزار حسنه و بلند شود از برای او صد هزار درجه و پاک
شود از وی صد هزار گناه و اگر نماز کند بر جنازهٔ وی صد هزار فرشته جمیع ایشان طلب آمرزش کنند از برای او تا
آنکه دفن کنند او را پس اگر حاضر شود دفن او را موکل گرداند بوی آن صد هزار فرشته را که طلب آمرزش کنند از برای

او تا آنکه برانگیزانند او را از قبر او و هر که نماز کند بر جنازهٔ نماز کند بروی جبرئیل علیه السلام در میان هفتاد هزار
ملک و آمرزیده شود از وی هر چه پیش کرده است از گناه و هر چه کند بعد از آن پس اگر بایستد بر آن جنازه تا آنکه
دفن کنند او را و بریزند بر آن خاک باز گردد از آن جنازه و باشد او را بهر قدمی از آن مکان که پیروی کرده است
اثر تا آنکه باز گردد بمنزل خود قیراطی از اجر

فصل چهارم در عقوبت وصی از برای آنکه وفا نکند
بوصیت از برای میت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که ضامن شود وصیت میت را در امر حج پس تقصیر
کند در این بغیر عذری قبول نکند خدا نماز او را و قبول نکند دعای او را و بنویسد بروی هر روزی و شبی صد
گناه که کوچکترین آن چنان باشد که زنا کرده است با مادر خود یا با دختر خود و اگر قیام نماید بآن حج در همان سال
نوشته شود از برای او بهر درهمی ثواب حجی و عمرهٔ پس اگر بمیرد در میان آن سال و سال آینده شهید مرده باشد
و نوشته شود از برای او در میان آن و میان سال آینده بهر روزی و شبی ثواب شهیدی و قضا شود از برای
او حاجتهای دنیا و آخرت و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که هر که ضامن شود وصیت میت را بعد از
آن تقصیر کند از آن بغیر عذری قبول نشود از وی نافله و نه فریضه و لعنت کند او را هر ملکی که در میان آسمان و زمین
است و صباح و شام در غضب خدا باشد و هر گاه گوید یا رب فرود آید بروی لعنت و بنویسد خدا ثواب جمیع
حسنات او را از برای آن میت پس اگر بمیرد در آن حال داخل دوزخ شود و اگر قیام نماید بآن نوشته شود
از برای او بهر روزی و شبی آزاد کردن بندهٔ و باشد از برای او نزد خدا تعالی بهر درهمی شهری شصت حور و شب
و صباح در رضاء خدا باشد و از برای او گشاده شود دو در بهشت پس اگر بمیرد در میان آن سال و سال آینده
مرده باشد آمرزیده و بدهد او را خدا تعالی روز قیامت مثل ثواب آنکه حج و عمره کرده باشد و باشد در بهشت
رفیق یحیی و زکریا علیهما السلام و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که ضامن شود وصیت میت را از امر حج پس البته
باید که تقصیر نکند از آن که بدرستیکه عقوبت آن سخت است و پشیمانی آن بسیار تقصیر نمیکند از وصیت میت
مگر بدبخت و قیام نمینماید در آن مگر نیکبخت پس هر که قیام نماید بآن بسرعت حرام گرداند خدا تعالی بدن
او را بر دوزخ و داخل گرداند او را در بهشت با صدیقان و شهیدان و بدهد او را کرامت هفتاد شهید و نوشته

شود از برای او مادام که زنده است هر روز هزار حسنه و دفع شود از برای او هزار درجه و بل اگر تقصیر کند
از وصیت و نوشته شود بروی هر روز هزار گناه و بنا شود از برای او بهر قدمی خانه در دوزخ و نظر نکند خدای
تعالی نه در حال زندگی او و نه در مرگ او و پس اگر بمیرد بر آنحال برخیزد از قبر خود نوشته باشد در میان دو چشم او نا امید
است از رحمت خدای تعالی **فصل پنجم** در ثواب کندن قبر و در سؤال قبر و صفت مرگ فرمود رسول خدا صلی
الله علیه و آله هر که بکند از برای مؤمنی قبر او را حرام گرداند خدای تعالی آتش را بر بدن او و آماده سازد از برای او خانه در
بهشت و روایت شده باسناد صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود چون بمیرد مؤمن پیروی
کند او را هفتاد هزار فرشته تا قبر او پس چون او را داخل قبر کنند بیایند او را منکر و نکیر و بنشانند او را در قبر او و گویند
او را که کیست خدای تو و چیست دین تو و کیست پیغمبر و امام تو پس گوید که الله رب منست و محمد صلی الله علیه و
آله و سلم پیغمبر منست و اسلام دین منست و علی علیه السلام امام منست پس فراخ گردانند از برای او قبر او را چندانکه
چشم او بآن رسد و بیاورند از برای او طعام از بهشت و داخل گردانند بر وی راحت و رحمت و روح و ریحان و اینست
قول خدای تعالی که فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ یعنی در آخرت باشد مؤمن را این بعد از آن فرمود
چون بمیرد کافر بیرون کند او را هفتاد هزار زبانیه دوزخ تا قبر او و او ندا کند بر دارندگان خود بآوازی که شنوند آنرا
همه چیز غیر از آدمیان و جنیان و گوید ای کاشکی مرا باز گشتی بود در دنیا پس میبودم از مؤمنان و گوید باز گردانید
مرا شاید که بکنم کرداری نیکو در آنچه گذاشتم پس جواب دهند او را زبانیه که نه چنین است این کلمه ایست که توئی
گوینده آن و ندا کند ایشانرا فرشته که اگر باز گردانند ایشانرا بدنیا البته عود کنند بآنچه نهی کرده اند ایشانرا از آن
پس چون داخل قبر کنند او را باز گردند مردمان بیایند او را منکر و نکیر در هولناکترین صورتی پس بدارند او را بر پای
و بعد از آن گویند او را که کیست رب تو و چیست دین تو و کیست پیغمبر تو پس آشفته شود و زبان او قادر نباشد بر
جواب پس بزنند او را یک ضربت از عذاب خدا که بترسند از آن همه چیز بعد از آن گویند او را که کیست رب تو و چیست
دین تو و کیست پیغمبر تو گوید که نمیدانم پس گویند او را که ندانستی و راه نیافتی و رستگار نگشتی بعد از آن بگشایند از
برای او دری بدوزخ و بیاورند بوی آب بسیار گرم از جهنم و اینست قول خدای تعالی که وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ

الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ یعنی در آخرت باشد کافر را این و گفت مردی ابوذر رحمة الله علیه را که
چیست ما را که زشت میداریم مرگ را فرمود برای آنکه عمارت کردید شما دنیا را و خراب کردید آخرت را پس زشت
میدارید نقل از عمارت آباد را بخراب گفتند او را که چگونه می بینی آمدن ما را نزد خدا فرمود اما نیکوکار چون
غایب است که بیاید بر اهل خود و اما بدکردار مثل بنده گریخته است که بیارند او را بصاحب او گفتند چگونه می بینی
حال ما را نزد خدا فرمود عرض کنید کردار خود را بر کتاب خدا که خدای تعالی میفرماید إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ
لَفِي جَحِيمٍ بدرستیکه نیکوکاران در بهشت نعیم اند و بدرستیکه بدکرداران در دوزخ و جهنم اند گفت مردی که پس
کجاست رحمت خدا فرمود إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ بدرستیکه رحمت خدا نزدیکست بنیکوکاران و عرض
کردند خدمت حضرت صادق علیه السلام که صفت کن از برای ما مرگ را پس فرمود آنحضرت از برای مؤمن چون
بوی خوش است که ببوید آنرا پس عطسه کند از بوی خوش آن و منقطع شود تعب و الم او جمیعا و از برای کافر چون
گزیدن افعیها و گزیدن عقربها است یا سخت تر گفتند آنحضرت را که بدرستیکه قومی میگویند که آن سخت تر است
از آنکه بریده شود پاره ها و چیده شود بمقراضها و کوبیده شود بسنگ و گردیده شود میل آسیا در چشم فرمود آنحضرت
صلوات الله علیه که این چنین است از برای فاجران و کافران آیا نمی بینید بعضی از ایشانرا که رنج میکشد و مرتکب
میشود سختیها را پس این سخت ترین از عذاب دنیا است گفتند آنحضرت را که چونست که می بینیم ما کافر را که سهلست
بروی نزع و جان کندن در وقت سکرات مرگ فرمود آنچه باشد از راحت مؤمن در اینوقت پس آن تعجیل ثواب او است
و آنچه باشد از سختی پس آن پاک شدن او است از گناهان او تا آنکه وارد آخرت شود و پاکیزه مستحق ثواب باشد هیچ مانعی
نباشد او را از آن و آنچه باشد از راحت کافر در این پس آن از برای اینست که فرا گیرد مزد نیکوئی خود را در دنیا تا وارد
آخرت شود و نباشد او را الا آنچه واجب شود بروی عذاب و آنچه باشد از سختی در این بر کافر پس ابتدای عقوبتهای
خدا است او را بعد از تباه شدن ثوابهای او و این از برای آنستکه خدا عادلست ستم نمیکند و داخل شد حضرت
امام موسی علیه السلام بر مردی که افتاده بود در سکرات موت و جواب نمیداد خوانندگان او را گفتند او را که یا ابن
رسول الله دوست میداریم که بدانیم که چگونه است و چیست حال این مصاحب ما پس فرمود امام علیه السلام که مرگ

صفا دهنده است صفا میدهد مؤمنانرا از گناهان ایشان پس هست آن آخرین المی که میرسد ایشانرا کفارهٔ آخرین
گناهی که باقی است بر ایشان و صاف میکند کافرانرا از ثواب ایشان پس این آخرین لذتی یا نعمتی است یا راحتی که میرسد
ایشانرا که آن آخر ثواب نیکیست که بوده است ایشانرا و اما این مصاحب شما بدرستیکه بیخته میشود از گناهان بیخته
شدنی و صاف میشود از بدیها صاف شدنی و خالص میشود تا آنکه پاک شود چنانچه پاک میشود جامه از چرک
و صلاحیت باید که معاشرت کند با ما که اهل بیتیم در خانهٔ ما که خانهٔ دائم است **فصل ششم** در حال میت و وقت
رفتن روح از وی و حال روح در حال خواب و بیداری و در حال وی بعد از مفارقت وی از بدن تنها و نکتهٔ
چند در خواب دیدن فرمود خدای تعالی در سورهٔ بقره که وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ
وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ و نگوئید آنکس که کشته شد در راه خدا که ایشان مرده‌اند بلکه ایشان زندگانند ولیکن شما
نمیدانید و فرمود در سورهٔ آل عمران که وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ
فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ و
مپندار آنانکه کشته شدند در راه خدا که ایشان مرده‌اند بلکه ایشان زندگانند نزد پروردگار خود روزی داده میشوند
از میوه‌های بهشت در حالتیکه شادمانند بآنچه داده است ایشانرا خدا از فضل خود و شاد میشوند بآنانکه هنوز نرسیده
اند بایشان از پس ایشان بآنکه نیست هیچ خوفی بر ایشان و نباشند که اندوهناک شوند و فرمود رسول خدا صلی الله
علیه و آله که قسم بآنکه نفس محمد بدست اوست که اگر ببینند اهل میت جای او را و بشنوند سخن او را البته غافل شوند
از مردهٔ خود و گریه کنند بر نفسهای خود در وقتیکه بگذارند میت را بر تابوت و بایستد روح او در بالای تابوت و ندا
کند که ای اهل من و ای فرزندان من بازی ندهد شما را دنیا چنانچه بازی داد بمن جمع کردم مال از حلال و غیر حلال
پس گذاشتم از برای غیر خود پس حلالست از برای او و وبال او بر منست پس حذر کنید از مثل آنچه آمده است بر من
و گفته‌اند که نیست هیچ میت که بمیرد الا آنکه بنظر او در آیند دو فرشته که نویسندهٔ عمل ویند پس اگر او فرمانبردار خدا
بوده است گویند او را که جزا دهد خدا ترا خیر از ما که بسا مجلس صدق نشاندی ما را و عمل نیکو حاضر گردانیدی
ما را و اگر نافرمانبردار خدا بوده است گویند جزا دهد ترا خدا از ما بدترین جزائی بسا مجلس بد که نشاندی ما را

و عمل بد که حاضر گردانیدی ما را و سخن قبیح که شنوانیدی ما را و گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله که چون راضی شود خدا از
بنده گوید که ای ملک الموت برو بفلان و بیاور روح او را که بس است مرا از عمل او بتحقیق که آزمودم او را پس یافتم او را
هر جا که میخواستم پس فرود آید ملک الموت و با وی پانصد فرشته باشند که با ایشان باشد شاخهای ریحان و بیخهای
زعفران که هر یک از ایشان بشارتی دهند او را غیر از بشارت دیگری و بایستند ملائکه بدو صف از برای بیرون
آمدن روح او و با ایشان باشد ریحان پس چون نظر کند شیطان بایشان بزند دست خود بر سر خود پس فریاد کند
گویند او را لشکر او که چیست ترا ای سید ما پس گوید آیا نمی‌بینید آنچه داده شده است از کرامت کجا بودید شما
که غافل بودید از وی گویند که ما جهد کردیم پس فرمان نبرد ما را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که روحها لشکرهای
جمع شده‌اند آنچه آشنا بوده‌اند از آن با هم الفت میگیرند و آنچه بیگانه بوده‌اند از آن با هم اختلاف میکنند و پرسید
ابو بصیر از حضرت امام جعفر علیه السلام که از مرد خوابید و زن خوابید که می‌بینند در خواب که ایشان بمکه یا در مصر
یا شهری از شهرها اند یا روحهای ایشان بیرون میاید از بدنهای ایشان فرمود امام علیه السلام که نه یا ابا بصیر
بدرستیکه روح چون بیرون آید از بدن باز نمیگردد بآن این روح بمنزلهٔ قرص آفتابست که جای دارد در آسمان و
شعاع آن در دنیا است از امام محمد باقر علیه السلام فرمود بندگان چون خواب روند بیرون آید روحهای ایشان
تا آسمان دنیا پس هر چه بیند از روح در آسمان دنیا پس آن حق است و آنچه ببیند در هوا از خوابهای شوریده بی تعبیر است
روایت شده از ابی الحسن موسی علیه السلام که میفرمود مرد چون خواب رود بیرون آید روح او پس بدرستیکه روح
حیوة باقیست در بدن پس آنچه بیرون آید از وی روح عقل است و همچنین است در خواب دیدن نیز گفت عبد
الغفار اسلمی که میفرماید خدای تعالی که اللّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي
قَضَى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى خدا قبض میکند نفسها را در وقت مرگ ایشان و فرا میگیرد
نفسها که مرده‌اند در وقت خواب ایشان پس نگاه میدارد آن نفس را که حکم کرده است بر وی مرگ را و میفرستد آن
نفس را که قضا است بر وی زندگی تا وقت نام برده شده که اجل برسد پس بدرستیکه این باشد که روحها هم
میرسد بخدا از خواب نفس پس نگاه دارد آنچه خواهد و بفرستد آنچه خواهد پس فرمود او را امام موسی علیه السلام

که نمیرسد بوی مگر روح عقلها اما روحها زنده کی ان در بدنها است بیرون نمیرود مگر بمرگ ولیکن خدا چون حکم
کند بر نفسی مرگ را پس قبض کند روحی که در انست روح عقل و اگر روح حیوة بیرون رود البته بدن میافتد
که حرکت نکند و بتحقیق که زده است خدا این مثل را در کتاب خود در قصه اصحاب کهف انجا که فرمود نُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ
الْیَمِینِ وَذَاتَ الشِّمَالِ میگردانیم ایشانرا بجانب راست و جانب چپ ایشان پس نمی بینی که روحها در ایشانست بحرکتهای
ایشان و روایت شده از یونس بن ظبیان که او گفت خدمت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته بودم پس فرمود
امام علیه السلام که چه میگویند مردمان در روحهای مؤمنان عرض کردم که میگویند که در حوصله یعنی در دانه
دان مرغان سبز اند در قندیلها زیر عرش پس فرمود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که سبحان الله مؤمن
بزرگوارتر است بر خدا از انکه بگرداند روح او را در دانه دان مرغ سبز ای یونس مؤمن را چون بمیراند خدا یتعالی
بگرداند روح او را در قالبی مثل قالب او در دنیا پس میخورند و میآشامند پس چون بیاید بر ایشان اینده بشناسد
او را بان صورتی که بوده است در دنیا و در روایتی روایت شده از ابو بصیر که او گفت پرسیدم حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام را از ارواح مؤمنان پس فرمود انحضرت که در بهشتند بر بدنهای ایشان که اگر ببینی ایشانرا
گوئی که فلانست در کتاب تعبیر از امامان علیهم السلام انکه خواب مؤمن صحیح است زبرای انکه نفس او پاکیزه است و
یقین او صحیح است و بیرون اید روح او پس میرسد بفرشتگان پس این وحی است از خداوند عزیز جبار و فرمود
امام علیه السلام که منقطع شد وحی و باقی نماند بشارت دهنده اگاه باش که این خواب مردان صالح و زنان صالحه
است و بتحقیق که حدیث کرد مرا پدرم من از جدم من از پدران خود که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله که هر که
بر بیند مرا در خواب بتحقیق که مرا دیده است زبرای انکه شیطان مثل من نمیشود در صورت و نه در صورت یکی از وصیان
من و نه در صورت یکی از شیعیان ایشان و بدرستیکه خواب راست یک جزو است از هفتاد جزو پیغمبری از محمد بن
قاسم نوفلی گفت که گفتم امام جعفر صادق علیه السلام را که مرد خواب می بیند و میباشد چنانچه دیده و گاه می بیند
خواب و نمیباشد چیزی فرمود انحضرت که مؤمن چون خوابد و بیرون اید از روح او حرکتی کشیده و گاه باشد
که بلند شود تا اسمان پس هر چه ببیند انرا روح مؤمن در موضع تقدیر و تدبیر پس ان حقست و انچه ببیند انرا در

زمین پس ان خواب پریشانست پس گفتم او را که فدایت گردم میرود روح او تا اسمان فرمود انرود که بلی پس
عرض کردم فدای تو گردم بیرون رود روح او تا انکه باقی نماند ازان چیزی در بدن مؤمن فرمود نه اگر بیرون
رود کل ان تا انکه باقی نماند ازان چیزی در بدن مؤمن هر اینه بمیرد عرض کردم پس چگونه بیرون میرود فرمود ایا
نمی بینی افتاب را در اسمان در موضع خود و شعاع ان در زمین است پس همچنین است روح اصل او در بدن است
و حرکت او کشیده شده است **فصل هفتم** در صفت بهشت و نعمتهای ان فرمود خدا یتعالی در سوره بقره
که وَبَشِّرِ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا
قَالُوا هَذَا الَّذِی رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِیهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِیهَا خَالِدُونَ و بشارت
ده یا محمد انکسانرا که گرویده اند و بجای اورده اند کردارهای نیکو انکه ایشانرا است بوستانها که در ان باشد
از زیر درختان ان جویها هر گاه که روزی داده شوند بهشتیان روزی از میوه گویند که این میوه است که داده بودند
مارا قبل ازین و بیاورند پیش مؤمنان از میوه بهشت مانند میوه دنیا برنگ و صورت و اما در طعم بنهایت بهتر
از میوه دنیا باشد و باشد از برای ایشان در ان زنان پاکیزه و ایشان در ان جاوید باشند و در سوره ال عمران وَسَارِعُوا
إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِینَ و بشتابید بانچه سبب امرزش باشد و
بهشتی که از فراخی پهنای ان مانند اسمانها و زمین است که اماده شده است این بهشت از برای پرهیزکاران پرسیدند
پیغمبر صلی الله علیه و اله که از چیست بنای ان فرمود خشتی از طلا و خشتی از نقره و گل ان از مشک خوش بو و خاک
ان از زعفران و سنگ ریزه ان از زمرد و یاقوت هر که داخل ان گردد متنعم گردد و سختی نبیند هر گز دایم در ان
بماند و نمیرد هرگز کهنه نشود جامه او و زایل نگردد جوانی او و از زید بن علی علیه السلام گفت فرمود پیغمبر صلی الله
علیه و اله که در بهشت درختیست که از بالای ان بیرون میاید حلّه یعنی جامهها و از زیر ان اسبهای ابلق که صاحبان بال اند
که میپرند زین و لجام شده بمروارید و یاقوت سرگین و بول نمیکنند سوار میشوند بر ان اولیاء الله پس میپرند با ایشان
بهر جا که خواهند ایشان فرمود میگویند اهل دوزخ ایشانرا که ایا انصاف نمیکنید با ما پس جواب دهد او را انکه رفیع ترین
ایشان است که بجز اهید از خدا پس گو بندای پروردگار بچه رسانیده بندگان خود را باین درجه پس گوید خدا ایشانرا

که بودند روزه میداشتند و شما افطار میکردید و بودند نفقه میکردند و شما بخل میکردید و بودند جهاد میکردند
و شما میترسیدید و بودند نماز میکردند و شما میخوابیدید فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که یک وجب از بهشت
بهتر است از دنیا و هر چه در انست **باب چهاردهم** در ان خبرهای متفرقه است مشتمل بر سی و چهار فصل

فصل اول در مدح توبه و حقیقت ان فرمود خدای تعالی در سورهٔ ال عمران که وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً
أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ
متقیان انانند که چون بکنند کار ناشایست یا ستم کنند بر نفسهای خود یاد کنند خدا را پس امرزش خواهند برای گناهان
خود و کیست که بیامرزد گناهان را مگر خدا و دیگر نکنند گناه بسیار بعد از استغفار بر انچه از ایشان صادر شده و ایشان
میدانند که عقوبت گناه دوام بسیار است و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که مؤمن چون توبه کند و پشیمان
شود بگشاید خدا بروی در دنیا و اخرت هزار در از رحمت و صباح کند و شام کند بر رضای خدا و بنویسد
خدا از برای او بهر رکعت نماز نافله که میکند عبادت یکساله و بدهد او را خدا بهر ایهٔ که میخواند نوری بر صراط
و بنویسد از برای او هر روز و شب ثواب پیغمبری و او را است بهر حرفی از استغفار و تسبیح ثواب حج و عمرهٔ و بهر
ایهٔ از قران شهری و نورانی کرداند خدا قبر او را و سفید کرداند روی او را و او را است بهر موی که بر بدن او است
نوری و چنان باشد که تصدق کرده است بوزن خود طلا و ازاد کرده بعدد هر ستارهٔ بندهٔ و نرسد او را سختی وقت میت
و مونسی باشد او را در قبر او و یافت شود در قبر او روضهٔ از روضهای بهشت و زیارت کنند قبر او را هر روز هزار
فرشته که مونس باشند او را در قبر او و محشور شود در قبر خود و بر روی باشد هفتاد حله و بر سر او باشد تاجی از
رحمت و باشد زیر سایهٔ عرش با پیغمبران و شهیدان و بخورد و بیاشامد تا انکه فارغ شود خدا از حساب خلایق پس
میفرستد او را بهشت در اخر خطبة الوداع روی اورده رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرمود هر که توبه کند بخدای
تعالی قبل از مرگ خود بیکسال قبول کند خدا توبهٔ او را اگاه باش که سال بسیار است هر که توبه کند قبل از مرگ خود
بیکماه قبول کند خدا توبهٔ او را پس فرمود ماه بسیار است هر که توبه کند بخدا قبل از مرگ خود بیک جمعه قبول کند خدا
توبهٔ او را پس فرمود جمعه بسیار است هر که توبه کند بخدا قبل از مرگ خود بیکروز قبول کند خدا توبهٔ او را پس فرمود

روز بسیار است هر که توبه کند بخدا قبل از مرگ خود بیکساعت قبول کند خدا توبهٔ او را پس فرمود ساعت بسیار است
هر که توبه کند بخدا قبل از انکه جان بگلو اید قبول کند خدا توبهٔ او را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که توبه کار چون ظاهر
نشود اثر توبهٔ او پس نیست توبه کار باید راضی کرداند خواهندکان را و اعاده کند نماز را و تواضع کند میان خلایق
و بپرهیزد نفس خود را از شهوتها و باریک سازد گردن خود را بروزه روز و زرد کرداند رنگ خود را ببیداری
شب و تهی سازد شکم خود را بکم خوردن و کمان کرداند پشت خود را از ترس دوزخ و بگدازد استخوان خود را
بشوق بهشت و نرم کرداند دل خود را از هول ملک الموت و خشک کرداند پوست خود را بر بدن خود بفکر
اخرت پس اینست نشان توبه و چون ببیند بنده را بر این صفت پس او توبه کنندهٔ خالص است از برای خود
از جابر بن عبد الله انصاری که امد زنی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و عرض کرد یا رسول الله زنی کشته
فرزند خود را ایا هست او را توبه پس فرمود انحضرت او را که قسم بخداوندی که جان محمد بدست او است که اگر او
کشته باشد هفتاد پیغمبر را بعد از ان توبه کند و پشیمان شود و داند خدا او را که او باز نمیکردد بان گناه هرگز قبول
میکند خدا توبهٔ او را و عفو کند از وی بدرستیکه در توبه کشاده است در میان مشرق و مغرب و بدرستیکه توبه کار
از گناه چون کسی است که نیست او را هیچ گناه و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که ایا میدانید چیست توبه عرض
کردند فرمود انحضرت که هر که چون توبه کند و خشنود نکرداند خواهندکان را پس نیست او توبه کار و هر که توبه
کند و زیاد نکند عبادت را پس نیست او توبه کار و هر که توبه کند و تغییر ندهد رفیقان خود را پس نیست او توبه کار
و هر که توبه کند و تغییر ندهد جای نشستن خود را و طعام خود را پس نیست او توبه کار و هر که توبه کند و تغییر ندهد جای
خود را و بستر خود را پس نیست او توبه کار و هر که توبه کند و تغییر ندهد جای خواب خود را و بالش خود را پس نیست
او توبه کار و هر که توبه کند و نگشاید دل خود را و فراخ نکرداند دست خود را پس نیست او توبه کار و هر که توبه کند
پس کوتاه نکند امید خود را و فراخ نکرداند دست خود را پس نیست او توبه کار و هر که توبه کند و پیش نفرستد زیادتی
قوت خود را پس نیست او توبه کار و چون درست شود این خصلتها پس اینست توبه کار **فصل دویم** در
فضل سلام کردن فرمود خدای تعالی وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا و چون تحیت و سلام کنند شما را

در سوره نساء

بتحیتی پس شما نیز تحیت کننده را تحیت کنید بنیکوتر از آن تحیت یا رد کنید بروی همان تحیت را و فرمود در سورهٔ
انعام که وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ و چون بیایند بتو آنانکه ایمان
آورده‌اند بآیتهای ما پس بگوی سلام علیکم سلام بر شما باد نوشته است پروردگار شما بر نفس خود رحمت را و
در سورهٔ نور فرمود فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً پس چون داخل شوید
خانها را پس سلام دهید بر هم دینان خود و اهلهای خود سلام دادنی مشروع از جانب خدا با برکت و پاکیزه
و در سورهٔ مجادله فرمود وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ و چون آیند بتو تحیت و سلام کنند ترا بآنچه تحیت نکرده
است ترا بآن خدا و در سورهٔ نور یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا
ای گروه گرویدگان داخل مشوید در خانهائی که غیر از خانهای شما است تا آنکه طلب انس و آرام کنید و سلام
دهید بر اهل آن خانها و فرمود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که ابتدا کنندهٔ بسلام نزدیکتر است بخدا
و برسول او و از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود سلام هفتاد حسنه است شصت و نه از برای ابتدا کننده است
و یکی از برای آنکه باز میدهد و فرمود امام جعفر صادق علیه السلام که از تواضع آنستکه سلام دهی بر هر که بر خوری
بوی و فرمود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هر که بگوید سلام علیکم و رحمة الله و برکاته پس ثواب این
بیست حسنه است و فرمود امام جعفر صادق علیه السلام که چون برخیزد یکی از شما از مجلس خود پس باید که وداع
کند اهل مجلس را بسلام و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که از موجبات مغفرت سلام کردن است و نیکو گفتن و
از امام جعفر صادق علیه السلام فرمود چون داخل منزل خود شوی بگو بسم الله و بالله و سلام کن بر اهل خود
پس اگر نباشد در آن کسی پس بگو بسم الله و بالله والسلام علی رسول الله و علی اهل بیته والسلام علینا و علی
عباد الله الصالحین که چون بگوئی این را بگریزد شیطان از منزل تو و از انس رود علیه السلام روایتست که سلام
میکند مرد چون داخل شود بر اهل خود و باید چون داخل میشود بزند پا بر زمین و بتراشد گلو را از برای این
چنین کند تا ایشان خبردار گردند از آمدن او و تا نه بینند چیزی را که بد آید او را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که سلام
تحیت ملت ما و امان ذمت ما است و فرمود صلی الله علیه و آله که سلام پیش از سخن است **فضیلت سیم** در

فضیلت روز جمعه فرمود خدای تعالی که یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ
وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ای گروه گرویدگان چون ندا کرده شود از برای نماز از روز جمعه یعنی
چون بشنوید بانک نماز جمعه را پس سعی و شتاب کنید بذکر خدا که آن نماز جمعه است و ترک کنید خرید و فروختن را
و هر چه باز میدارد شما را از نماز که این بهتر است از برای شما اگر شما میدانید چیزی و فرمود رسول الله صلی الله
علیه و آله که روز جمعه سید روزها است زیاد میگردد در آن حسنات و ثوابها و رفیع میگردد در آن درجات و مرتبها
و قبول میشود در آن دعاها و زایل میگردد در آن غمها و قضا میشود در آن حاجتهای بزرگ و این روزیست که
زیاده شده است از برای خدا در آن آزاد شدگان و خلاصان از دوزخ و دعا نمیکند در آن یکی از آدمیان
که شناسد حق آنرا و حرمت آنرا مگر آنکه واجبست بر خدا که بگرداند او را از آزادان و خلاصان از دوزخ پس اگر بمیرد
در آن روز یا در آن شب شهید مرده باشد و برانگیخته شود روز قیامت ایمن و سبک نشمارد حرمت آنرا و ضایع
نگرداند حق آنرا مگر آنکه واجبست بر خدا در اندازد او را خدا در آتش دوزخ مگر آنکه توبه کند و فرمود امیر المؤمنین
علیه السلام که نیست روزی که بگذرد بر فرزند آدم الا آنکه گوید آن روز که منم روزی نو و من گواهم بر شما پس بگوی
در من خیری و بکن در من خیری تا گواهی دهم برای تو بآن در روز قیامت که بدرستیکه تو نمی بینی مرا بعد از این هرگز
و گفته اند که بدرستیکه مر خدایرا است در هر جمعه ساعتی که آبستن میشود در آن ساعت ششصد هزار زن و
میزاید ششصد هزار آبستن و میمیرد ششصد هزار زاینده شده و خوار میگردد ششصد هزار عزیز و عزیز میگردد
ششصد هزار ذلیل و ششصد هزار آزاد کرده است خدا را از آتش و روایت کرده سلیمان تمیمی از پیغمبر صلی الله
علیه و آله که آنحضرت فرمود که بدرستیکه خدایرا است تعالی شانه در هر جمعه ششصد هزار آزاد کرده از آتش که
جمیع ایشان مستوجب آتش باشند **فصل چهارم** در تفسیر قول پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم لَا تُعَادُوا
الْأَيَّامَ فَتُعَادِيَكُمْ دشمنی مکنید با روزها که دشمنی کنند با شما روایت کرده قصیر بن ابی دلف در خبری طویل
گفت که گفتم ابو الحسن امام علی نقی علیه السلام را که چیست معنی قول پیغمبر صلی الله علیه و آله که دشمنی مکنید با
روزها که دشمنی کنند با شما فرمود امام علیه السلام که سبت که شنبه است اسم رسول الله صلی الله علیه و آله است

واحد که یکشنبه است کنایه از امیرالمؤمنین علیه السلام است و اثنین که دوشنبه است حسن و حسین علیهما السلام
است و ثلثا که سه شنبه است علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السلام
است و اربعا که چهارشنبه است موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی و من علیهم السلام و خمیس که
پنجشنبه است پسر من حسن است و جمعه پسر پسر منست و بوی جمع میشوند گروه حق و اوست که پر میکرداند
زمین را از راستی و عدل چنانچه پر است از ظلم و جور پس اگر شما دشمنی کنید ایشان را در دنیا دشمنی کنند
ایشان شما را در اخرت و فرمود امام جعفر علیه السلام که شنبه روز ما است و یکشنبه از شیعه ما و دوشنبه
از دشمنان ما و سه شنبه از بنی امیه و چهارشنبه روز نحست که اشامیده میشود در ان دوا و پنجشنبه روزیست
که قضا میشود در ان حاجتها و جمعه از برای پاکیزه گی و خوش بوئیست و ان عید مسلمانانست و گفته اند که
روز چهارشنبه از شیعه بنی عباس است و روز جمعه روز عبادتست و این روز خواهد بود روز قیامت
فصل پنجم در حال هر چون داخل شود در صباح و چون لازم اید او را باین داخل شد سلمان بامیرالمؤمنین
علیه السلام پس عرض کرد چگونه صباح کردی یا امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود صباح کردم و بخدا سوگند که
مشغول است دل به هشت خصلت عرض کرد سلمان که چیست این هشت یا امیرالمؤمنین فرمود بدرستیکه خدا
طلب میکند از من فرض را و پیغمبر صلی الله علیه و اله سنت را و فرشته راستی در زبان و نفس شهوترا و عیال
قوت را و ملک الموت روح را و قبر بدن را و منکر و نکیر اقامت حجت را پس وای هم وای یا سلمان از اگر نباشد در
وی این خصلتها گفتند امام زین العابدین علیه السلام را که چگونه صباح کردی یا ابن رسول الله فرمود انحضرت
که صباح کردم و طلب کرده اند مرا هشت چیز خدا تعالی طلب کرده است از من فرض را و پیغمبر صلی الله علیه و
اله سنت را و عیال قوت و روزی را و نفس شهوترا و شیطان نافرمانی خدا را و دو فرشته که نگاه بانانند راستی
کردار را و ملک الموت روح را و قبر بدن را پس من در میان این خصلتها مظلومم و گفتند امام ابو عبدالله حسین بن
علی علیهما السلام فرزند رسول شهید را که چگونه صباح کردی یا ابن رسول الله فرمود صباح کردم و مرا پروردگار است
بر من غالب دوزخ در پیش دارم و مرگ طلب کار منست و حساب گردن من در امده است و من گروم بعمل خود

نمییابم انچه خواهم و دفع نمیتوانم کرد از خود انچه نخواهم و امرها بدست غیر منست پس اگر خواهد عذاب کند مرا و اگر
خواهد عفو کند از من پس کدام فقیر فقیرتر است از من گفتند امیرالمؤمنین علی علیه السلام را که چگونه صباح کردی
فرمود چگونه صباح کند انکه باشد برای خدا بر وی دو گواه و داند که کناهان او نوشته شده است در دیوان اگر نه
رحم کند او را پروردگار او پس بازگشت او اتش سوزان است و گفتند بحضرت فاطمه علیها السلام که چگونه صباح
کردی ای دختر مصطفی فرمود صباح کردم ناخوش دارنده دنیای شما را و دشمن دارنده مردان شما ترک کردید بعد
از انکه ازموده اید پس من در میان سختی و اندوهم در میان این دو تا یافتن پیغمبر صلی الله علیه و اله و ظلم کردن بر وصی
انحضرت و روایت کرده منهال گفت داخل شدم بر امام زین العابدین علیه السلام پس گفتم السلام علیک چگونه صباح
کردی رحمت کند خدا شما را فرمود تو دعوی میکنی شیعه مائی و نمیدانی صباح ما و شام ما را صباح کردیم در
قوم خود بمنزله بنی اسرائیل در اهل فرعون که میکشتند پسران ایشان را و زنده میگذاردند زنان او صباح میکند
بهترین افریده خدا بعد از پیغمبر صلی الله علیه و اله که لعنت میکنند او را بر منبرها و میدهند ایشان را بخشش و مالها
واسطه دشنام دادن بوی و صباح میکند انکه دوست میدارد ما را نقصان کرده بحق وی بواسطه دوستی او
ما را و صباح میکند قریش و زیادتی طلب می کند از جمیع عرب بانکه محمد صلی الله علیه و اله و سلم از ایشان است
طلب میکند حق ما را و نمیدانند از برای ما حقی داخل شو اینست صباح ما و شام ما و گفت جابر بن عبدالله
انصاری که داخل شدم روزی بر امیرالمؤمنین علیه السلام پس عرض کردم چگونه صباح کردی یا امیرالمؤمنین فرمود
میخوردم روزی خود را عرض کرد جابر که چه میگوئی در این دار دنیا فرمود چگوئیم در داری که اول ان غم است و اخر ان
مرگ گفت پس کیست که رشک برده ترین مردمانست فرمود بدنی که در زیر خاک است ایمنست از عقوبت و امید
دارد ثواب را و گفت مردی سلمان فارسی رضی الله عنه را که چگونه صباح کردی فرمود چگونه صباح کند انکه مرگ
اخر کار او است و گور منزل او و کرمان همسایگان او و اگر امرزیده نشود پس اتش منزل او است گفتند حذیفه یمانی را
که چگونه صباح کردی گفت چگونه صباح کند انکه باشد اسم او بنده و دفن میشود فردا در گور تنها و برانگیخته میشود
پیش خدا تنها از مسبب گفت بیرون امد امیرالمؤمنین علیه السلام روزی از خانه پس استقبال کرد او را سلمان پس فرمود

آنحضرت بسلمان که چگونه صباح کردی یا عبد الله عرض کرد صباح کردم در چهار غم فرمود او را که چیست آنها گفت
غم عیال که طلب میکنند نان و خواهشها و خدای تعالی طلب میکند طاعت و شیطان امر میکند بمعصیت و ملک الموت
طلب میکند روح را پس فرمود امام علیه السلام او را که بشارت باد ترا یا ابا عبد الله بدرستیکه از برای تو است
هر خصلتی درجه‌ها و بدرستیکه بودم داخل شدم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی پس فرمود چگونه صباح
کردی یا علی پس عرض کردم صباح کردم و نیست در دست من غیر از آب و من غمناکم بحال دو فرزند خود حسن و حسین
پس فرمود مرا که یا علی غم عیال سپر است از آتش و طاعت خدا امان است از عذاب و صبر بر درویشی جهاد است و
فاضلتر از عبادت شصت سال و غم مرگ کفاره گناهان است و بدان یا علی بدرستیکه روزی بندگان بر خدا است
سبحانه و تعالی و غم تو با ایشان نه ضرری میدهد و نه نفعی الا آنکه تو اجر مییابی بر آن و غمناکترین غمی غم عیال است

فصل ششم در فضل موی سفید و پیری فرمود خدای تعالی در سوره روم اَللّٰهُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ
بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَیْبَةً یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ خدا آنستکه آفرید شما را از چیزی سست که آن
نطفه است پس داد شما را بعد از سستی قوة پس داده بعد از قوة جوانی پیری و سستی را میآفریند آنچه میخواهد و
فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که بدرستیکه خدای تعالی نظر میکند بروی پیر مؤمن در صباح و شام پس
میفرماید ای بنده من بپیا شد سن تو و باریک شد استخوان تو و نرم گردید پوست تو و نزدیک شد اجل تو و
وقت آمدن تو شد بر من پس تو شرم دار از من که من شرم میدارم از موی سفید تو که عذاب کنم ترا باتش و فرمود
صلی الله علیه و آله بحکایت از خدای عز و جل که موی سفید نور منست پس نمیسوزانم نور خود را باتش خود و فرمود
رسول خدا صلی الله علیه و آله که پیر در اهل خود مثل پیغمبر است در امت خود از جابر گفت فرمود رسول خدا صلی الله
علیه و آله از بزرگواری بزرگ داشتن خدای عز و جل بزرگ داشتن سفید موی مؤمن است از آن گفت وصیت کرد
مرا رسول خدا صلی الله علیه و آله به پنج خصلت و فرمود در آن که بزرگوار دار پیر را تا از رفیقان من باشی در قیامت
و فرمود صلی الله علیه و آله که نیست از من آنکه رحم نکند بر خوردان ما و بزرگ ندارد پیران ما را **فصل هفتم** در
مدح بازداشتن زبان از سخنان بیهوده فرمود خدای تعالی در سوره ق اِذْ یَتَلَقَّی الْمُتَلَقِّیَانِ عَنِ الْیَمِینِ وَعَنِ الشِّمَالِ

قَعِیدٌ

قَعِیدٌ مَا یَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ اِلَّا لَدَیْهِ رَقِیبٌ عَتِیدٌ ما میدانیم حال آدمی را در وقتیکه روی میآورند او را دو فرشته
از جانب راست و جانب چپ نمیگوید هیچ کلمه الا آنکه نزد او است نگاه دارنده حاضر و فرمود رسول خدا صلی الله
علیه و آله که راحت آدمی در منع زبانست و فرمود صلی الله علیه و آله که بلاء آدمی از زبان است و گفت صلی الله علیه
و آله که خاموشی زبان سلامتی آدمیست و گفت صلی الله علیه و آله که سلامتی از حفظ زبان است و فرمود صلی الله
علیه و آله که خوب گوئی اصل مالست و فرمود صلی الله علیه و آله که بلاء موکلست بر سخن گوی و فرمود صلی الله
علیه و آله که فتنه زبان سختتر است از فتنه شمشیر و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام زدن زبان سختتر است از زدن
نیزه و فرمود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که رستگاری مرد در حفظ زبان او است و روایت شده که نوح
علیه السلام گذشت بر سگی زشت منظر پس فرمود چه قبیح است این سگ پس بزبان در آمد سگ و گفت بزبان
فصیح نیکو که اگر تو راضی نیستی بآفریدن خدا پس مرا بگردان از اینحال ای پیغمبر خدا پس حیران شد نوح و روی
آورد بنفس خود و ملامت میکرد نفس خود را باین و نوحه کرد بر خود چهل سال تا آنکه ندا کرد او را خدای تعالی که
تا کی نوحه میکنی یا نوح بدرستیکه قبول کردم توبه ترا پس پیغمبری که گریه میکند بر یک خلاف ادب که امر زده شده
است بر نفس معصوم و تو ای غافل گریه نمیکنی بواسطه گناه کبیره بر نفس عاصی خود و فرمود صلی الله علیه و آله که هر که
حفظ کند زبان خود را و شکم خود را و فرج خود را داخل شود بهشت را و فرمود صلی الله علیه و آله که طوبی آنکسیرا
است که نفقه کند زیادتی مال خود را و نگاه دارد زیادتی گفتار خود را و فرمود صلی الله علیه و آله که از بدترین
مردمان کسیستکه پرهیز کنند از زبان او و فرمود صلی الله علیه و آله که بدرستیکه خدا نزد زبان هر سخن گوئیست
و فرمود صلی الله علیه و آله که هر که باشد او را دو زبان در دنیا باشد او را روز قیامت دو زبان از آتش و فرمود صلی
الله علیه و آله که هر که مخلص باشد خدا را چهل صباح ظاهر شود چشمهای حکمت از دل او بر زبان او و فرمود صلی الله
علیه و آله که درست نیست ایمان بنده تا آنکه درست باشد دل او و درست نیست دل تا آنکه درست باشد زبان

فصل هشتم در مذمت دشنام دادن بر زنده و بر مرده فرمود خدای تعالی در سوره انعام که وَلَا تَسُبُّوا الَّذِینَ
یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَیَسُبُّوا اللّٰهَ عَدْوًا بِغَیْرِ عِلْمٍ و دشنام مدهید آنان را که میخوانند و می‌پرستند غیر خدا را که آنان

در

در مقابل آن ناسزا گویند خدا را از روی ظلم و تجاوز از حق بی دانائی و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که دشنام مدهید به هر روزگار را که بدرستیکه دهر آن خدا است و دشنام مدهید پادشاهان را که او امین خدا است در زمین و دشنام مدهید مرده کان را که ایشان رسیده اند بانچه پیش فرستاده اند و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که دشنام دهد مرا پس بکشید او را و هر که دشنام دهد اصحاب مرا پس بتحقیق که کافر است و در خبر دیگر هر که دشنام دهد اصحاب مرا پس بزنید او را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که حرام است بهشت بر هر که ظلم کند اهل بیت مرا و آنکه قتال کند با اهل بیت من و آنکه یاری ایشان کند و هر که دشنام دهد اهل بیت مرا آنان را نیست نصیبی از برای ایشان در آخرت و سخن نمیکند ایشان را خدا در روز قیامت و پاکیزه نمیکرداند ایشان را و از برای ایشانست عذابی دردناک و فرمود صلی الله علیه و آله که دشنام دادن مؤمن فسق است و قتال او کفر است و خوردن گوشت او یعنی غیبت او معصیت خدا است و حرمت مال او چون حرمت خون او است و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله هر که دشنام دهد علی را دشنام داده است مرا و هر که دشنام دهد مرا بتحقیق که دشنام داده است خدای عز و جل را

فصل نهم در آنچه وارد شده است در ترغیب بر تقیه فرمود خدا تعالی در سوره آل عمران که لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء الا ان تتقوا منهم تقیة و یحذرکم الله نفسه و الی الله المصیر یعنی باید که فرا نگیرند مؤمنان کافران را بدوستی دون از مؤمنان و هر که بکند دوستی با کافران پس نیست آنکس از دین خدا در چیزی مگر آنکه تقیه کند از ایشان تقیه کردنی و میترساند شما را خدا از عذاب خود و بسوی جزای خدا است بازگشت همه و فرمود خدا تعالی در سوره نحل من کفر بالله من بعد ایمانه الا من اکره و قلبه مطمئن بالایمان و لکن من شرح بالکفر صدرا فعلیهم غضب من الله هر که کافر شود بخدا بعد از ایمان پس بر وی است غضب خدا مگر آنکه او را اکراه و جبر کنند بکلمه کفر و دل او آرمیده باشد بایمان و لیکن هر که بگشاید بکفر سینه خود را پس بر ایشانست غضب خدا و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که مثل مؤمنی که تقیه نیست او را مثل بدنیست که سر نیست او را و مثل مؤمنی که رعایت نکند حقوق برادران خود را که مؤمنانند مثل کسیست که حواس او همه صحیح است پس او تأمل نمیکند بعقل خود و نمی بیند بچشم خود و نمیشنود

بگوش خود و سخن نمیگوید بزبان خود و دفع نمیکند بدیها را از خود بدلیلها و حجتهای خود و نمیگیرد چیزی را بدو دست خود و بر نمیخیزد بکاری بدو پای خود پس این پارچه گوشتیست بی نفع و گردیده است نشانه تیر همه بلاها و همچنین است مؤمن چون نداند حقوق برادران خود را پس او فوت کننده حقهای ایشان است پس بمنزله تشنه است که حاضر است باب سرد و نیاشامد که فرو نشیند حرارت او و بمنزله صاحب حواس است که کار نفرماید چیزی از آنرا از برای دفع بدی یا نفع نیکی پس او دور است از همه نعمت مبتلا است بهمه آفت و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که تقیه فاضلترین عملهای مؤمن است نگاه میدارد بان نفس خود را و برادران خود را از نابکاران و قضای حقوق برادران بزرگوارترین عملهای متقیان است میکشد دوستی فرشتگان مقرب و شوق حور العین را و فرمود حسن بن علی علیهما السلام که بدرستیکه تقیه با صلاح میاورد خدا بان گروهی را و صاحب تقیه را مثل ثواب عملهای آنانست که تقیه میکنند از ایشان و ترک تقیه هلاک میکند گروهی را و آنکه ترک میکند شریکست آنرا که هلاک میکردند ایشانرا و بدرستیکه دانستن حقوق برادران دوست میکرداند بخداوند رحم کننده و بزرگ میکرداند نزدیکی نزد پادشاه جزا دهنده بدرستیکه ترک قضای حقوق برادران دشمن میکرداند بخداوند رحم کننده و کوچک میکرداند رتبه را نزد صاحب کرم نعمت دهنده و فرمود حسین بن علی علیهما السلام که اگر نبود تقیه شناخته نمیشد دوستان ما از دشمن ما و اگر نبود شناختن حقوق برادران عقاب کرده نمیشد از گناهان چیزی الا آنکه عقاب کرده میشد بر جمیع آن لیکن خدای عز و جل میفرماید که ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر آنچه میرسد بشما از مصیبت و بلا پس آن بسبب آنست که میکنند آنرا دستهای شما و در میکند خدا از بسیاری از آن و فرمود امام زین العابدین علیه السلام که میپوشد خدا از مؤمنان همه گناه را و پاک میکرداند او را از آن مگر از دو گناه ترک تقیه و ضایع کردن حقوق برادران و فرمود امام محمد باقر علیه السلام که شریفترین صفتهای امامان و فاضلان از شیعیان ما کار داشتن تقیه است و کار فرمودن نفس بحقوق برادران و فرمود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که کار داشتن تقیه از برای حفظ برادران از شریفترین خصلتهای کریمانست و شناختن حقوق برادران فاضلترین صدقهها از زکوة و حج و جهاد است و گفت علیه السلام که هر که ترک کند تقیه را پیش از خروج قائم ما پس نیست از ما

وفرمود علیه السلام که تقیه دین من ودین پدران منست وفرمود پیغمبر صلی الله علیه واله که نیست دین انکه تقیه
نیست او را وفرمود پیغمبر صلی الله علیه واله که ترک کننده تقیه چون ترک کننده نماز است وفرمود پیغمبر صلی الله علیه و
اله که هر که نماز کند در عقب منافقان از برای تقیه هست چون کسی که نماز کرده است در عقب امامان علیهم السلام

فصل دهم در فرو بردن خشم فرمود خدا تعالی در سوره ال عمران که وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ
وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ بهشت مهیا است از برای خشم فرو برندگان از جرم مردمان و خدا دوست میدارد نیکوکاران را
وفرمود خدا تعالی که فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ پس هر که درگذرد از جرم و باصلاح اورد فسادی پس مزد
او بر خدا است وفرمود پیغمبر صلی الله علیه واله که هر که فرو خورد خشمی در حالی که قادر باشد بر جاری کردن ان
بخواند او را خدا در روز قیامت در حضور خلقان تا انکه اختیار کند از حوری که خواهد وفرمود امیر المؤمنین
علیه السلام که بدرستیکه اول عوض انکه حلم و بردباری میکند از خصلت انستکه مردمان یاری میکنند او را بر
جاهلان در حدیث است که چون روز قیامت شود ندا کند ندا کننده که هر که هست مزد او بر خدا پس باید که
داخل بهشت شود پس گویند که کیست انکه مزد او بر خدا است پس گویند انانکه درگذشته اند از جرم مردمان داخل
بهشت میشوند بیحساب و از پیغمبر صلی الله علیه واله انکه هر که فرو برد خشمی و او قادر باشد بر جاری کردن ان پر کند
او را خدا از امن و ایمنی و هر که ترک کند پوشیدن جامه نیکو و او قادر باشد بران از برای تواضع بپوشد او را خدا
حله کرامت

فصل یازدهم در ثواب مؤمن بسبب زیادتی عمر او و در فضیلت او بسبب رسیدن بچهل سال
بعد از ان به پنجاه پس بشصت پس بهفتاد بعد از ان بهشتاد پس بنود فرمود خدا تعالی در سوره حج که يَا أَيُّهَا النَّاسُ
إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ
لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَمِنْكُمْ مَنْ
يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا ای مردمان اگر هستید شما در شک از برانگیختن پس بدرستیکه
ما افریدیم شما را از خاک پس از اب منی پس از مقداری خون بسته پس از پاره گوشت تمام خلقت و غیر تمام خلقت
تا بیان کنیم از برای شما و قرار میدهیم در رحمها انچه خواهیم تا وقتی نام برده گران وقت وضع حملست بعد از ان

بیرون اوریم شما را طفل پس تربیت کنیم شما را تا برسید بکمال قوت و از شما کسی باشد که متوفی گردد و بعضی باشد
از شما که باز کردد به پست ترین زندکی که سن خرافت است تا انکه نداند بعد از دانائی چیزی و روایت شده از
ابو بصیر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که انحضرت فرمود که بنده در فراخیست از کار خود از اول عمر
تا چهل سال پس چون برسد بچهل سال وحی کند خدای تعالی بفرشته که بدرستیکه من عمر دادم بنده خود را
عمری پس شما ای دو فرشته غلیظ کنید و سخت کیرید و حفظ کنید و بنویسید بروی عمل کم او را و بسیار او را و کوچک
او را و بزرک او را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم حضرت علی علیه السلام را در وصیت خود که یا علی بنده
مسلمان چون بیاید بروی چهل سال ببرد خدا از وی بلا و دیوانکی و خوره و پیسی را و چون بیاید بروی پنجاه
سال دوست دارند او را اهل هفت اسمان و چون بیاید بروی شصت سال بنویسد خدا حسنات او را و پاک
کند از او کناهان او را و چون بیاید بروی هفتاد سال امرزیده شود از وی انچه کذشته است از کناهان او و چون
بیاید او را هشتاد سال قبول کند خدا شفاعت او را روز قیامت در جمیع اهل بیت او و چون بیاید بروی
نود سال بنویسد خدا نام او را نزد اهل اسمان اسیر خدا در زمین یا علی تو با حق و حق با تو است از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود بدرستیکه خدای تبارک و تعالی بزرکوار میدارد مردان هفتاد ساله را و شرم میدارد
از مردان هشتاد ساله که عذاب کند ایشان را و فرمود امام جعفر صادق علیه السلام که میاورند پیری را روز قیامت
پس میدهند بوی کتاب او را که پشت ان کتاب جانب مردمانست پس نمی بیند الا بدیها پس میپیچد این را بروی پس
کوید ای پروردکار من ایا عذاب میکنی مرا باتش فرماید جبار تعالی شانه که ای پیر شرم دارم که عذاب کنم ترا
و تو بودی نماز میکردی از برای من در دنیا ببرید این بنده مرا ببهشت

فصل دوازدهم در روزی که
نیکو است دران ناخن کرفتن و در روزی که مکروه داشته اند دران ناخن کرفتن را فرمود خدا تعالی در سوره
المص که يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ ای پسران ادم فرا کیرید زینت خود را نزد هر مسجد کفته اند که مراد
از فرا کرفتن زینت کرفتن موی و ناخنست و روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه واله که هر که بکیرد ناخنهای
خود را روز شنبه واقع شود خوره در انکشتان وی و هر که بکیرد ناخنهای خود را روز یکشنبه برود برکت

از وی و هر که بگیرد ناخنهای خود در روز دوشنبه حافظ شود و کاتب و قاری و هر که بگیرد ناخنهای خود را روز سه شنبه میترسم بر وی هلاک او و هر که بگیرد ناخنهای خود را روز چهارشنبه بدخلق گردد و هر که بگیرد ناخنهای خود را روز پنجشنبه بیرون رود از بدن او درد و بیماری و داخل شود در وی شفا و هر که بگیرد ناخنهای خود را روز جمعه زیاد شود عمر او و مال او و فرمود حضرت صادق علیه السلام که گرفتن ناخنها روز جمعه ایمن میگرداند از خوره و پیسی و کوری و اگر محتاج نباشد بگرفتن بخراشد بیک خراشیدنی و در خبر دیگر اگر محتاج نباشد بگذراند بران کارد یا مقراض را و روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که آنجناب فرمود که گرفتن ناخنها و گرفتن شارب از جمعه تا جمعه امانست از خوره و از انس بن مالک از پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که بگیرد ناخنهای خود را روز جمعه و بگیرد از شارب و مسواک کند و بریزد بر سر خود از آب وقتیکه میرود بنماز جمعه پیروی کند او را هفتاد هزار فرشته کل ایشان طلب آمرزش کنند از برای او و شفاعت کنند از امام جعفر صادق علیه السلام از پدر خود از پدران خود علیهم السلام گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که بگیرد ناخنهای خود را روز جمعه بیرون آید از سر انگشتان او درد و داخل شود در ان دوا و باین اسنا گفت که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که بگیرد ناخنهای خود روز پنجشنبه و بگیرد از شارب خود عافیت یابد از درد دندان و درد چشم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام هر که بگیرد ناخنهای خود را روز پنجشنبه و بگذارد یکی را از برای روز جمعه برطرف کند خدا از وی درویشی را **فصل سیزدهم** در ذکر زینت بلا و زینت ایمان و زینت نسب و زینت سخن و غیر این فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که پرهیزکاری زینت بلا است و تواضع زینت نسب و فصاحت زینت کلام و علم زینت ایمان و سکون زینت عبادت و حفظ زینت روایت و حفظ حجتها زینت علم و نیکی ادب زینت عقل و گشاده روئی زینت بخشش و برگزیدن کسیرا بر خود زینت زهد و بخشش آنچه موجود است زینت یقین و کم چیز بودن زینت قناعت و ترک منت زینت نیکی و ترس و خشوع زینت نماز و ترک آنچه معنی ندارد زینت پرهیزکاری **فصل چهاردهم** در ذکر آنچه موجب منزلت و رفعت است و آنچه موجب بزرگواریست و آنچه موجب مالداری است و غیر این فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که طلب کردم قدر و منزلت را پس نیافتم مگر بعلم فرا گیرید علم را تا انکه

بزرک شود قدر شما در دنیا و آخرت و طلب کردم بزرگواری را پس نیافتم مگر بپرهیزکاری بپرهیزید تا انکه بزرگوار شوید و طلب کردم توانگری را پس نیافتم مگر بقناعت ملازم باشید قناعت را تا انکه توانگر شوید و طلب کردم راحت را پس نیافتم مگر بترک مصاحبت مردمان از برای ساختن کار دنیا ترک کنید دنیا را و مصاحبت مردمان را تا راحت در دنیا و آخرت باشید از عذاب و طلب کردم سلامت را پس نیافتم مگر بطاعت خدا طاعت کنید خدا را تا سلامت باشید و طلب کردم خضوع و زاری را نیافتم مگر بقبول حق قبول کنید حق را که بدرستیکه قبول حق دور میکرداند از کبر و طلب کردم زندگانی خوش را پس نیافتم مگر بترک هوی ترک کنید هوی را تا خوش باشد زندگی شما و طلب کردم مدح را و نیافتم مگر ببخشش بخشنده باشید تا مدح کنند شما را و طلب کردم نعمت دنیا و آخرت را پس نیافتم مگر باین خصلتها که ذکر کردم ازا **فصل پانزدهم** در خبر از ابتداء خلق دنیا فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که موسی علیه السلام خواست از پروردگار خود عز و جل که بشناساند او را ابتداء دنیا از انوقت که آفریده شده است پس وحی کرد خدای تعالی بموسی علیه السلام که پرسیدی از علمهای پوشیده من پس عرض کرد ای پروردگار من میخواهم که بدانم این را پس فرمود یا موسی آفریدم دنیا را از مدت صد هزار هزار سال ده بار و بود آن خراب در پنجاه هزار سال بعد از ان عمارت کردم انرا و معمور ساختم پنجاه هزار سال پس آفریدم در ان خلقی مثال گاو میخوردند روزی مرا و عبادت میکردند غیر مرا در پنجاه هزار سال پس میرانیدم ایشانرا جمیعاً در یکساعت پس خراب کردم دنیا را پنجاه هزار سال بعد از ان ابتداء کردم در عمارت ان پس معمور ماند پنجاه هزار سال پس آفریدم در ان دریائی پس ماند آن دریا در پنجاه هزار سال که نبود چیزی آب زد دهان انداز نده که بیاشامد پس خلق کردم حیوانی و گماشتم او را بران دریا پس آشامید کل آنرا بیک نفس بعد از ان آفریدم خلقی کوچکتر از زنبور و بزرگتر از پشه پس گماشتم انرا بران حیوان پس گزید او را و کشت او را پس ماند دنیا خراب پنجاه هزار سال پس ابتداء کردم در عمارت ان پس ماند پنجاه هزار سال پس آفریدم در کل دنیا نیستان و نی و آفریدم سنگ پشتها و گماشتم ایشانرا بر نی پس خوردند تا انکه باقی نماند از ان چیزی پس هلاک کردم انرا در یکساعت پس دنیا خراب ماند پنجاه هزار سال پس ابتدا کردم در عمارت ان پس ماند معمور پنجاه هزار سال پس خلق کردم سی هزار آدم در سی هزار سال

از ادمی تا ادمی هزار سال پس نیست کردانیدم کل ایشانرا بقضا و قدر خود پس خلق کردم دران پنجاه هزار هزار شهر از نقرهٔ سفید وافریدم در هر شهری صد هزار هزار قصر از طلاء سرخ پس پر کردانیدم انشهرهارا از خردل تا هوا که لذیذ تر از شهد و شیرین تر از عسل بود و سفید تر از برف پس افریدم یکمرغ کور براو کردانیدم طعام او را در هزار سال دانه در هر سال دانه از ان خردل خوردانرا تا اخر شد پس خراب کردم دنیارا و ماند خراب پنجاه هزار سال پس ابتدا کردم بعمارت ان و معمور ماند هزار سال پس افریدم پدر تو ادم علیه السلام را بدست قدرت روز جمعه وقت پیشین و بنافریدم از کل غیر او را و بیرون اوردم از پشت و محمد رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم را **فصل شانزدهم** فرمود خدایتعالی که ق والقرآن المجید پرسیدند از پیغمبر صلی الله علیه و اله از ق و انچه در پشت او است فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که در پشت ان هفتاد زمین است از طلا و هفتاد زمین از نقره و هفتاد زمین از مشک و در پشت ان هفتاد زمین است که ساکنان ان فرشتگانند نمیباشد دران کرما و نه سرما و درازی هر زمینی هزار سال راهست کفتند چیست در عقب ان فرشتگان فرمود حجابیست از ظلمت کفتند چیست در عقب ان فرمود حجابیست از باد کفتند چیست در عقب ان فرمود حجابیست از نار کفتند در عقب ان فرمود ماریست که حلقه زده است بدنیا تسبیح میکوید خدارا تا روز قیامت و این پادشاه مارانست هم کفتند چیست در عقب ان فرمود حجابی از نور کفتند چیست در عقب ان فرمود حجابی از اتش کفتند چیست در عقب ان فرمود علم خدای تعالی و قضاء او و پرسیدند از پهنی و درازی ان و دوران فرمود انحضرت صلی الله علیه و اله که پهنی ان هزار سال راه از یاقوت سرخ است قطعه ان از نقرهٔ سفید طرف ان از زمرد سبز اسرا کبود است یکی در مشرق و یکی در مغرب و یکی در میان اسمان بران نوشته است سه سطر اول بسم الله الرحمن الرحیم دوم الحمد لله رب العالمین سیم لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و پرسیدند انسرور را صلی الله علیه و اله از نهرهای بهشت که چنداست پهنی هر نهری از ان فرمود صلی الله علیه و اله که پهنای هر نهری راه پانصد سال است میکردد در زیر قصرها و پردها غنا و خوشخوانی میکند موجهای او و تسبیح می کند و طرب میاورد در بهشت چنانچه طرب میاورند مردمان در دنیا و فرمود صلی الله علیه و اله که بزرکترین نهرهای بهشت کوثر است پیچ و در شن

میابند

میابند زنان ناردپستان هم ستان زیارت میکنند انرا اولیاءالله روز قیامت و فرمود صلی الله علیه و اله که خطیب اهل بهشت منم محمد رسول الله صلی الله علیه و اله و کفته اند در وصف زنان ناردپستان هم ستان کرد در کنار کوثر پرورش می یابند که ان حورانند و فرا میکیرند ایشانرا که زیارت میکنند کوثررا از اولیاءالله تعالی از پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمود از برای مردی تنها از اهل بهشت هفتصد برابر است از دنیا و او راست هفتاد هزار قبه و هفتاد هزار قصر و هفتاد هزار حجله و هفتاد هزار تاج و هفتاد هزار حلهٔ حور العین و هفتاد هزار غلام و هفتاد هزار کنیز و بر هر کنیزی هفتاد هزار کیسواست و چهل هزار تاج و هفتاد هزار تاج و هفتاد هزار حله در کف او بر بقیست زبان او از رحمت است کوش او از مروارید پائین او از طلا بر کردن و منزلی است که درازی ان پانصد ساله راهست و پهنی ان دویست سال راه است علمهای ان از نور است مشتمل بطلا و باقتن ان از جانب خدایتعالی است **فصل هفدهم** در ذکر زمان بدکه ترسانیده است پیغمبر صلی الله علیه و اله که میاید بر مردمان زمانیکه رویهای ایشان رویهای ادمیانست و دلهای ایشان دلهای شیاطین مثل کرکان درنده ریزندهٔ خونها با زنا پسندارند بدی و اکر پیروی کنی ایشانرا در شک اندازند ترا و اکر سخن کوئی با ایشان دروغ کویند ترا و اکر غایب شوی از ایشان غیبت کنند ترا سنت در میان ایشان بدعتست و بدعت در میان ایشان سنت برد بار در میان ایشان بیوفاست و بیوفا میان ایشان برد بار و مؤمن در میان ایشان ضعیف است و فاسق در میان ایشان بزرکوار کودکان ایشان شوخانند و بدخویان و زنان ایشان مخالفان و دوران پیران ایشان امر نکنند بمعروف و نهی نکنند از منکر پناه بردن با ایشان رسوائیست و عزت خواستن از ایشان خواری و طلب انچه در دست ایشانست محتاجی پس منع می کند خدا در انوقت باران از اسمان در وقت خود و میفرستد انرا در غیر وقت خود و بکمارد بر ایشان بدتران ایشانرا که میرساند بر ایشان سختی عذاب میکشند پسران ایشانرا و باقی میکذارند زنان ایشانرا پس دعا میکنند نیکان ایشان و قبول نمیشود از برای ایشان فرمود رسول خدا صلعم که میاید بر مردمان زمانیکه شکمهای ایشان خدایان ایشانست و زنان ایشان قبلهٔ ایشان و دینارهای ایشان دین ایشان و شرف ایشان متاع ایشان باقی نیست از ایمان مکر اثران و نیز از قرآن مکر درس ان مسجدهای ایشان معمور است از بنا و دلهای ایشان خراب است از هدایت عالمان

ایشان بدترین خلق خدا اند بر روی زمین در این وقت مبتلا میگرداند ایشان را خدا تعالی به پنج خصلت جور از پادشاه
و قحط از زمان و ظلم از سرداران و حاکمان و پرستیدن بتها پس تعجب کردند صحابه و عرض کردند یا رسول الله آیا می
پرستند بتها را فرمود هر درهم پیش ایشان بتی است و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که میایند در آخر الزمان مردمانی
از امت من که میایند در مسجدها می نشینند در آن حلقه ذکر ایشان دنیا و حب دنیا است همنشینی مکن با ایشان
که نیست خدا را با ایشان هیچ حاجت و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که میاید زمانی بر امت من که میگریزند
از عالمان چنانچه میگریزد گوسفند از گرگ مبتلا میگرداند ایشان را خدا تعالی به سه چیز اول باز میگیرد برکت را
از مالهای ایشان و دوم مسلط میسازد خدا بر ایشان پادشاه ستمکار و سیم بیرون روند از دنیا بی ایمان
از انس فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که میاید بر مردمان زمانی که صبر کننده از ایشان بر دین چون گیرنده آتش
است بر مشت خود و فرمود صلی الله علیه و آله که میاید زمانی بر امت من که امراء ایشان باشند بر جور و عالمان
ایشان بر طمع و عابدان ایشان بر ریا و تاجران ایشان بر خوردن سود و ربا و زنان ایشان بر زینت دنیا و پسران
ایشان در تزویج پس نزد این گشتن امت من چون گشتن بازارها است و نیست در میان ایشان هیچ راستی مردگان
ایشان ناامیدند در قبرهای خود از خیر خود و زندگانی نمیکنند نیکان در میان ایشان پس بدرستیکه در
این زمان گریختن بهتر است از ایستادن فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که زود باشد که بیاید زمانی است که گریختن
بهتر است از ایشان فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که زود باشد که بیاید زمانی بر امت من که نشناسند علما را
مگر بجامه نیکو و نشناسند قرآن را مگر با آواز خوش و عبادت نکنند خدا را مگر در ماه رمضان پس چون چنین شود
مسلط سازد خدا بر ایشان پادشاهی که نه علم باشد او را نه حلم و نه رحم **فصل هجدهم** در پند و موعظه
فرمود خدا تعالی وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ و پند ده و موعظه کن بدرستیکه پند و موعظه نفع میدهد
مؤمنان را و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که کافیست شما را از استغفار ترک گناهان و کافیست شما را از
فکر ذکر آخرت و کافیست شما را از عبادت پرهیزکاری و کافیست شما را از دعا نصیحت پس هر که باشد در وی
از این خصلتها یکی داخل شود در بهشت با اول گروه پیغمبران و روایت شده که مردی آمد نزد علی بن حسین بن علی

علیهم السلام و عرض کرد که من مردی عاصیم و صبر نمیتوانم کرد از معصیت و گناه پس پند ده مرا بوعظی پس فرمود
علیه السلام که پنج کار بکن و گناه کن هرچه خواهی اول آنکه مخور روزی خدا را و گناه کن هرچه خواهی و دوم طلب کن
موضعی که نه بیند ترا خدا و گناه کن آنچه خواهی و سیم بیرون رو از ملک خدا و گناه کن آنچه خواهی و چهارم چون
بیاید ملک الموت که قبض کند روح ترا پس دفع کن او را از خود و گناه کن آنچه خواهی پنجم چون داخل کند ترا
مالک در دوزخ پس داخل مشو در دوزخ و گناه کن آنچه خواهی و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که غفلت در
سه چیز است غفلتی در ذکر خدا و غفلتی بهر حال نماز صبح تا طلوع آفتاب و غفلتی از نفس خود در دین خود تا آنکه
بمیرد و گفت امیر المؤمنین علیه السلام که عجب دارم از بخیلی که گاه میدارد فقر و درویشی را پس از آن میگریزد و فوت
میشود او را توانگری که او را مطلب پس زندگی میکند در دنیا بزندگی درویشان و حساب میکند او را در آخرت
حساب مالداران و عجب دارم از متکبری که بود دیروز نطفه و میباشد فردا جیفه و عجب دارم از آنکه شک میکند
در خدا و حال آنکه می بیند خلق خدا را و عجب دارم از آنکه فراموش میکند مرگ را و حال آنکه او می بیند آنکه میمیرد
و عجب دارم از آنکه منکر است آفریدن آخرت را و حال آنکه می بیند خلق دنیا را و عجب دارم از آنکه عمارت میکند خانه
فنا را و ترک میکند خانه بقا را و عجب دارم از آنکه پرهیز میکند از طعام از ترس بیماری و پرهیز نمیکند از گناه
از ترس آتش از امام علی بن موسی الرضا باسناد او از امام ناطق جعفر بن محمد الصادق ع که یافت شد لوحی در زیر
دیوار شهری از شهرها که در آن نوشته بود لا اله الا الله محمد رسول الله ص عجب دارم از آنکه یقین دارد بمرگ
چگونه شاد میشود و عجب دارم از آنکه یقین دارد بدوزخ چگونه میخندد و عجب دارم از آنکه یقین دارد بتقدیر چگونه غمگین
میباشد و عجب دارم از آنکه آزموده دنیا را و گردش او را چگونه آرام میگیرد بان و عجب دارم از آنکه یقین دارد
بحساب چگونه گناه میکند و فرمود امیر المؤمنین ع که نیست هیچ صباح الا آنکه عرض میشود عملهای این امت بر
خدا **فصل نوزدهم** در فضل انگشتر عقیق و غیر آن گفت ابن عباس که فرود آمد جبرئیل ع به پیغمبر صلی الله
علیه و آله پس گفت یا محمد پروردگار من میخواند ترا سلام و میفرماید ترا که بپوش انگشتر خود را بدست راست خود
و بگردان نگین آن را عقیق و بگوی پسر عم خود را که بپوشد انگشتر خود را بدست راست خود و بگرداند نگین آن را از عقیق

پس عرض کرد علی علیه السلام که چیست عقیق یا رسول الله فرمود عقیق کوهی است بیمن که اقرار کرد خدا بیگانگی و مرا بپیغمبری و ترا بوصی بودن و فرزندان ترا بامامت و شیعیان ترا ببهشت و دشمنان ترا بدوزخ و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که فرا گیرید انگشتر عقیق را که آن میبرد فقر را و دست است سزاوارتر است بزینت و فرمود صلی الله علیه و اله که فرا گیرید انگشتر عقیق که بدرستیکه نمیرسد یکی از شما را غم بسیار مادام که این بروی باشد و از حضرت صادق علیه السلام که انس ور فرمود هر که میخواهد که بسیار شود مال و فرزندان او و فراخ شود بروی روزی او باید که فرا گیرد نگینی از عقیق و نقش کند بران که ماشاء الله لا قوة الا بالله ان ترن انا اقل منک مالا و ولدا و بخواند استغفر الله ربی انه کان غفارا از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام باسناد او از عم او حسن بن علی ع فرمود دیدم در خواب عیسی بن مریم علیه السلام را گفتم یا روح الله من میخواهم که نقش کنم بر انگشتر خود پس چه نقش کنم بر انگشتر خود گفت که نقش کن بران لا اله الا الله الملک الحق المبین بدرستیکه آن میبرد هم و غم را و روایت شده که دو رکعت با عقیق فاضلتر است از هزار رکعت بغیر آن از عبد الرحمن قصیر گفت فرستاد حاکم بطلب مردی از آل ابیطالب بحجام پس گذشت بحضرت امام جعفر صادق ع فرمود ببرید بعقب او انگشتر عقیق پس رسانیدند بوی انگشتر عقیق پس ندید بلا و آزاری از حضرت علی ع فرمود فرا گیرید انگشتر عقیق تا آنکه مبارک باشد شما را و باشید در ایمنی از بلا فرمود شکوه کرد مردی برسول خدا ص که در راه او را زدند فرمود صلی الله علیه و اله که چرا فرا نگرفتی انگشتر عقیق که آن نگاه میدارد از همه بدی از علی بن محمد رفع کرده تا امام جعفر صادق ع فرمود برداشته نمیشود کفی بجانب خدا تعالی دوست تر از کفی که در آن عقیق باشد از عبد المؤمن انصاری گفت شنیدم امام جعفر صادق ع را که میفرمود فقیر نمیشود کفی که انگشتر فیروزج فرا گرفته باشد از حضرت امام رضا فرمود بود امام جعفر صادق ع میفرمود فرا گیرید انگشتر یاقوت که آن زایل میگرداند فقر را از امیر المؤمنین علیه السلام فرمود فرا گیرید انگشتر جزع یمانی که آن باز میگرداند کید شیاطین رانده را

فصل بیستم در فضیلت کسب حلال فرمود خدا تعالی کلوا من الطیبات بخورید از پاکیزهها و فرمود که و اعملوا صالحا بکنید کردار نیکو و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله طلب کردن حلال فرض است بر هر مرد مسلمان و زن مسلمان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که عبادت هفتاد جزو

است فاضلتر این جزو او طلب حلال است و روایت کرد ابن عباس گفت بود رسول خدا صلی الله علیه و اله چون نظر میکرد بمردی پس خوش میامد آنحضرت را میفرمود آیا او را پیشه هست پس اگر میگفتند نه میفرمود آنحضرت که بیفتاد از چشم من گفتند چگونه است این یا رسول الله فرمود از برای آنکه مؤمن چون نیست او را پیشه معیشت میکند بدین خود و فرمود صلی الله علیه و اله که هر که بخورد از مشقت دست خود بگذرد از صراط چون برق جهنده و فرمود صلی الله علیه و اله که هر که بخورد از دست رنج خود نظر کند خدا بوی برحمت بعد از آن عذاب نکند او را و فرمود صلی الله علیه و اله که هر که از دست رنج خود حلال بخورد بگشاید خدا از برای او درهای بهشت را که داخل شود از هر در که خواهد و فرمود صلی الله علیه و اله که هر که بخورد از دست رنج خود باشد روز قیامت در عدد پیغمبران و فرا گیرد ثواب پیغمبران را

فصل بیست و یکم در مذمت روستاها وصیت کرد پیغمبر صلی الله علیه و اله بحضرت علی علیه السلام که یا علی ساکن مشو در روستاها که پیران ایشان جاهلانند و جوانان ایشان بدخویان و زنان ایشان روی گشادگان و عالمان ایشان چون جیفه میان سگان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که هر که بپرهیزد در دین خدا مبتلا کند او را بیکی از سه خصلت یا بمیراند او را در جوانی یا بیندازد او را در خدمت پادشاها یا ساکن کرداند او را در روستاها و روایت شده از سدید الدین محمود حمصی که او گفت در شهر دو چیز است و در روستا دو چیز اما آن دو که در شهر است علم است و ظلم و اما آن دو که در روستاست جهل است و دخل اما ظلم گاه سرایت میکند بروستا و دخل گاه میاید بشهر پس باقی میماند در روستا جهل و ظلم و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که شش کس داخل دوزخ میشوند پیش از حساب از برای شش چیز گفتند چیست آن یا رسول الله فرمود امیران بجور و عربان بتعصب و دهقانان بتکبر و تاجران بخیانت و اهل روستا بنادانی و عالمان بحسد

فصل بیست و دوم در مذمت حسد فرمود خدا تعالی در سوره نساء و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن و اسئلوا الله من فضله ان الله کان بکل شیء علیما و آرزو مبرید چیزی را که زیادتی داد خدا بعضی از شما را بر بعضی مردان را حصه ایست از ثواب آنچه کرده اند و زنان را حصه ایست از ثواب آنچه کرده اند و بخواهید

خدا برا از فضل او بدرستیکه خدا بهمه چیز داناست و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که حذر کنید از حسد بدرستی که میخورد نیکویها را چنانچه میخورد آتش هیمه را و فرمود صلی الله علیه و آله بدرستیکه بعضی نعمتهای خدا را دشمنانند گفتند کیستند دشمنان نعمتهای خدا یا رسول الله فرمود آنانکه حسد میبرند مردمانرا بآنچه داده است ایشانرا خدا از فضل خود و فرمود رسول خدا صلعم که ملازم باشید بروا کردن حاجتها بپوشیدن آن بدرستیکه هر که صاحب نعمت است حسد میبرند او را و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام بپسر خود در وصیت خود بدرستیکه از سخت ترین چیزیکه فریاد میکند مرد حسد است و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله هر که حسد برد بر علی احسد بمن برده است و هر که حسد برد مرا داخل شود در دوزخ و حسد آنستکه آرزو کند زوال نعمت دیگری را اگرچه نخواهد از برای خود پس حسد مذموم است و غبطه نیکو است و آن آنستکه خواهد از برای خود آنچه دیگری راست و نخواهد زوال آنرا از وی

فصل بیست و سیم در مذمت غضب فرمود خدا تعالی در سوره آل عمران وَالْکَاظِمِینَ الْغَیْظَ وَالْعَافِینَ عَنِ النَّاسِ و فرو خورندگان غضب اند و درگذرندگان اند از مردمان و فرمود صلی الله علیه و آله که غضب پاره ایست از آتش شیطان و فرمود صلی الله علیه و آله که غضب ضایع میگرداند ایمانرا چنانچه ضایع میکند صبر داکران دارو نیست بغایت تلخ عسل را و چنانچه ضایع میکند سرکه عسل را و گفت ابلیس علیه اللعنة که غضب کمند منست و آلت صید من و بآن باز میگیرم بهترین خلقانرا از بهشت و راه آن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که غیبت نکند او راست بهشت و هر که غضب نکند او راست بهشت و هر که حسد نبرد او راست بهشت و فرمود حضرت صادق عم که غضب کلید همه بدیهاست مذکور شد غضب نزد امام محمد باقر عم فرمود بدرستیکه مرد غضب میکند تا آنکه راضی نمیشود هرگز و داخل میشود بسبب این در دوزخ پس هر مردیکه غضبناک شود ایستاده بنشیند که میرود از وی وسواس شیطان و اگر نشسته باشد برخیزد و هر مردیکه غضب کند بر خویش خود باید که برخیزد و بوی نزدیک شود و برساند بدن خود را ببدن وی که چون خویش برسد بخویش ساکن شود

فصل بیست و چهارم در آنچه وارد شده است در چشم زخم و دوا چشم فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که چشم داخل می کرداند مرد را در گور و شتر را در دیگ و آمده است در خبر که اسماء بنت عمیس گفت که پیغمبر صلی الله علیه و آله کرد دو پسر جعفر را

رسیده است چشم آیا طلب کنم از برای ایشان تعویذی فرمود آنحضرت بلی اگر میبود چیزیکه سبقت گیرد قدر را هراینه سبقت میگرفت آنرا چشم و گفته اند که مردی از ایشان چون میخواست که برساند دیگری را چشم گرسنه میبود سه روز بعد از آن صفت میکرد او را پس میانداخت او را و باین واینچنین بود که میگفت آنرا که میخواست برساند او را چشم که نمی بینم مثل امروز شتری یا گوسفندی یا نمی بینم مثل این شتر که می بینم امروز را امروز پس گفتند به پیغمبر صلی الله علیه و آله چنانچه میگفتند چون اراده کردند که برسانند او را بچشم از قرآن و زجاج گفت حسن که دوای رسیدن چشم اینستکه بخواند آدمی این آیه را وَاِنْ یَکَادُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَیُزْلِقُونَکَ بِاَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّکْرَ وَیَقُولُونَ اِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ اِلَّا ذِکْرٌ لِلْعَالَمِینَ

فصل بیست و پنجم در مدح صلهٔ رحم یعنی با خویشان نیکی کردن گفت خدا تعالی در سوره محمد صلعم فَهَلْ عَسَیْتُمْ اِنْ تَوَلَّیْتُمْ اَنْ تُفْسِدُوا فِی الْاَرْضِ وَتُقَطِّعُوا اَرْحَامَکُمْ اُولٰئِکَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللهُ فَاَصَمَّهُمْ وَاَعْمٰی اَبْصَارَهُمْ پس آیا شاید که اگر بگردید که بد امور مردمانرا آنکه فساد کنید در زمین و ببرید رحمهای خود را آن گروه لعنت کرده است ایشانرا خدا پس ایشانرا کر گردانیده است و کور ساخته است دیدهای ایشانرا فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که رحم متصل است بعرش و نیست صله کننده آنکه جزاء صله کند لیکن صله کننده آنستکه ببرد از وی خویش او و او بوی بپیوندد و فرمود حضرت صادق جعفر بن محمد علیهما السلام که هر که روزی شود او را یکی از چهار خصلت داخل بهشت شود نیکی کردن با پدر و مادر یا نیکی کردن با خویشان یا نیکی با همسایگان یا خوش خلقی و فرمود پیغمبر صلعم آگاه باشید که دلالت میکنم شما را بر بهترین خلقهای اهل دنیا و آخرت کسیکه درگذرد از آنکه ظلم کند او را و بپیوندد آنکه ببرد او را و ببخشد آنکه محروم کند او را و از امیر المؤمنین ع فرمود صله رحم کنید و اگرچه بسلام باشد چنانچه فرمود خدا تعالی وَاتَّقُوا اللهَ الَّذِی تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْاَرْحَامَ بپرهیزید از خداوندیکه شما از یکدیگر سؤال میکنید بوی و بپرهیزید از قطع رحم و از امیر المؤمنین ع از پیغمبر ص فرمود بدرستیکه مرد صله رحم میکند و باقی مانده است از عمر وی سه سال پس میکند خدا آنرا سی سال و بدرستیکه او قطع رحم میکند و باقیست از عمر وی سی سال و میگرداند آنرا خدا بسه سال بعد از آن خواند این آیه را که یَمْحُوا اللهُ مَا یَشَاءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْکِتَابِ محو و پاک میگرداند خدا آنچه میخواهد و ثابت میکند

انچه میخواهد و نزد او است اصل کتاب و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام کیست که ضامن شود از برای من یک خصلت تا ضامن شوم از برای او چهار خصلت هر که ضامن شود از برای من صلهٔ رحم را ضامن شوم از برای او بدوستی اهل او و بسیاری مال او و بدرازی عمر او و بداخل شدن بهشت پروردگار او و فرمود پیغمبر صلعم که تعجیل ترین ثواب خیر ثواب صلهٔ رحمست و سرعت ترین عقوبت شری عقوبت ظلم است **فصل بیست و ششم** در مدح خلق نیکو فرمود خدا تعالی در سورهٔ ن وَاِنَّکَ لَعَلٰی خُلُقٍ عَظِیمٍ بدرستیکه تو صاحب خلق بزرگی و پرسیدند پیغمبر صلعم را که کدام از عملها فاضلتر است فرمود نیکی خلق فرمود حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام باسناد خود از پیغمبر صلعم که انحضرت فرمود ملازم باشید بخلق نیکو بدرستیکه نیکو خلق در بهشت است البته و حذر کنید از خلق بد بدرستیکه بدخلق در دوزخست البته و از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود حدیث کرد مرا پدرم از پدران خود از امیر المؤمنین علیه السلام از حضرت رسول صلوات الله علیهم که انجناب فرمود کاملترین مؤمنان از ایمان نیکوترین ایشانست از خلق و نیست مسلمان مگر انکه سلامت باشند مسلمانان از دست و زبان او و باسناد انحضرت از علی علیه السلام از پیغمبر صلعم که اگر بدانند مردم که چیست از برای ایشان در خلق نیکو البته دانند که او محتاجست بخلق نیکو بدرستیکه خلق نیکو میکدازد گناهانرا چنانچه اب میکدازد نمک را و فرمود پیغمبر صلعم که خلق نیکو مهاریست از رحمت خدا در بینی صاحب او و این مهار بدست فرشته ایست و این فرشته میکشد او را بخیر و ان خیر میکشد او را ببهشت و خلق بد مهاریست از عذاب خداوند در بینی صاحب او و این مهار بدست شیطانست و شیطان میکشد او را بشر و شر میکشد او را بدوزخ و فرمود پیغمبر صلعم که خلق بد تبا میکند عمل را چنانچه تبا میکند سرکه عسل را و پرسیدند امیر المؤمنین علیه السلام از بدترین مردمان از عمل فرمود بدترین از خلق اند **فصل بیست و هفتم** در انکه روزی مقدر است فرمود خدا تعالی در سورهٔ هود وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْاَرْضِ اِلَّا عَلَی اللّٰهِ رِزْقُهَا وَیَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا یعنی نیست هیچ جنبندهٔ در زمین الا بر خداست روزی ان و میداند قرارگاه انرا و ارامگاه انرا و فرمود رسول الله صلعم که بدرستیکه روزی طلب میکند بنده را چنانچه طلب میکند اجل او را و فرمود پیغمبر صلعم اگر یکی از شما بگریزد از روزی خود البته پیروی کند چنانچه پیروی میکند او را مرگ و فرمود صلعم ابوذر را که ای ابوذر اگر فرزند ادم

بگریزد از روزی خود چنانچه میگریزد از مرگ البته دریابد او را روزی چنانچه دریابد او را مرگ **فصل بیست و هشتم** در فضل علم و عالم از جابر گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و اله ساعتی از عالم که تکیه کرده بر فراش خود فکر کند بعلم خود بهتر است از عبادت عابد هفتاد سال از امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که من نشسته بودم در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و اله داخل شد ابوذر پس گفت یا رسول الله جنازهٔ عابد بهتر است بنزد تو یا مجلس عالم پس فرمود رسول خدا صلعم ای اباذر نشستن ساعتی نزد مذاکرهٔ علم دوستتر است بخدا تعالی از هزار جنازه از جنازهای شهیدان و نشستن ساعتی نزد مذاکرهٔ علم دوستتر است بخدا از قیام هزار شب که نماز کند در هر شب هزار رکعت و نشستن ساعتی نزد مذاکرهٔ علم دوستتر است بخدا از هزار جهاد و خواندن کل قران یا رسول الله مذاکرهٔ علم بهتر است از خواندن قران هم فرمود رسول خدا صلعم ای ابوذر نشستن ساعتی نزد مذاکرهٔ علم دوستتر است بخدا از خواندن کل قران دوازده هزار بار لازم باشید بمذاکرهٔ علم از برای انکه بعلم میدانید حلال را از حرام و هر که بیرون اید از خانهٔ خود که طلب کند بابی از علم بنویسد خدای تعالی از برای او بهر قدمی ثواب پیغمبری از پیغمبران و بدهد او را بهر حرفی که میشنود یا مینویسد شهری در بهشت و طالب علم دوست دارد او را خدا تعالی و دوست دارند او را پیغمبران و دوست ندارد علم را مگر نیکبخت و طوبی از برای طالب علم است در روز قیامت ای اباذر نشستن ساعتی نزد مذاکرهٔ علم بهتر است از عبادت یکسال که روزه باشی روزان و قیام نمائی شب انرا و نظر کردن بروی عالم بهتر است ترا از ازاد کردن هزار بنده و هر که بیرون رود از خانهٔ خود تا طلب کند بابی از علم بنویسد خدا از برای او بهر قدمی ثواب شهیدی از شهدای بدر و طالب علم حبیب خدا است و هر که دوست دارد علم را واجب شود از برای او بهشت و صباح کند و شب کند در رضای خدا و بیرون نرود از دنیا تا انکه بیاشامد از اب کوثر و بخورد از میوهٔ بهشت و نخورد کرم بدن او را و باشد در بهشت رفیق خضر علیه السلام و جمیع این در تحت این ایه است یَرْفَعِ اللّٰهُ الَّذِینَ اٰمَنُوا مِنْکُمْ وَالَّذِینَ اُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ رفع میکرداند انانرا که ایمان اورده اند از شما و انانرا که داده شده اند علم را درجه ها **فصل بیست و نهم** در فضیلت قران و قراءت ان فرمود رسول خدا صلعم که ای سلمان ملازم باش بخواندن قران که خواندن ان کفارهٔ گناهانست و مانع از

آتش و امان از عذاب و نوشته میشود از برای آنکه میخواند بهر آیه ثواب شهید و داده میشود بهر سوره ثواب پیغمبری
و فرود میاید بر صاحبان رحمت و استغفار میکنند از برای او فرشتگان و مشتاق میشود بسوی بهشت و راضی
میشود از وی خدا و بدرستیکه مؤمن چون بخواند قرآنرا نظر کند خدا بوی برحمت و بدهد او را بهر آیه قرآن حوری
و بدهد او را بهر حرفی نوری بر صراط پس چون ختم کند قرآنرا بدهد او را خدا ثواب سیصد و سیزده پیغمبر که رسانیده
باشند رسالتهای پروردگار خود را و چنان باشد که خوانده است هر کتابی را که فرو فرستاده است خدا از برای
پیغمبران خود و حرام گرداند خدا بدن او را بر دوزخ و برنخیزد از جای خود تا آنکه بیامرزد خدا او را و پدر و مادر
او را و بدهد او را بهر سوره قرآن شهری در بهشت فردوس هر شهری از یکدانه مروارید سبز در هر شهری هزار
سرا باشد و در هر سرائی هزار حجره باشد در هر حجره صد گنبد از نور بر هر گنبد صد هزار در از رحمت بر هر
دری صد هزار دربان بدست هر دربان هدیه از رنگ دیگر و بر هر سر دربان مندیلی از استبرق که بهتر از دنیا و هر
چه در او است و در هر گنبدی هزار دکان از عنبر فراخی هر دکان از مشرق تا مغرب و بالای هر دکان هزار تخت و بر هر
تختی هزار فرش و از فراشی تا فراشی هزار ذرع باشد و بر او است صد حله و دیده میشود مغز ساق او از زیر حلهها
او و بر سر او تاجیست از عنبر آراسته بمروارید و یاقوت و بر سر او شصت هزار گیسو است از مشک و غالیه
و در دو گوش او دو گوشواره است و در گردن او هزار گردن بند است از جواهر ما بین هر گردن بندی هزار
ذرع و پیش هر حوری هزار خدمتکار بدست هر خدمتکاری هزار جام از طلا در هر جامی هزار رنگ شربت
که نماند بعضی از آن ببعضی و در هر گنبدی هزار خوان باشد و در هر خوانی صد هزار کاسه و در هر کاسه صد هزار
رنگ طعام که نماند بعضی از آن ببعضی می یابد دوست خدا از هر رنگی صد هزار لذت ای سلمان مؤمن چون بخواند
قرآن بر گشاید خدا بر او درهای رحمت و خلق کند خدا از هر حرفی که بیرون آید از دهان او فرشته که تسبیح گوید از
برای او تا روز قیامت از برای آنکه نیست چیزی بعد از یاد گرفتن علم دوستتر بخدا تعالی از خواندن قرآن و بدرستیکه
بزرگوارترین بندگان بخدا تعالی بعد از پیغمبران عالمانند بعد از حاملان قرآن بیرون میروند از دنیا چنانچه
بیرون میروند پیغمبران و سر بر میخیزند از قبرها با پیغمبران و میگذرند بر صراط با پیغمبران و میگیرند ثواب پیغمبران از پس

طوبی

طوبی طالب علم را و حامل قرآن را از آنچه ایشانرا است نزد خدا تعالی از بزرگواری و شرف و فرمود پیغمبر
که فضل قرآن بر باقی سخنان چون فضل خدا است بر خلق او و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که قرآن مائده
خدا است پس یاد گیرید ادب او را تا میتوانید بدرستیکه این قرآن عهد خدا است و آن نوریست روشن
و شفائیست نفع دهنده پس بخوانید آنرا که خدای عز و جل اجر میدهد شما را بر خواندن آن بهر حرفی ده
حسنه آگاه باش که نمیگویم که الم یک حرفست و لیکن الف و لام و میم سی حسنه است در خواندن این و فرمود
صلی الله علیه و آله که قرآن فاضلتر از همه چیز است غیر از خدای عز و جل پس هر که بزرگ دارد قرآنرا بزرگ
داشته خدای عز و جل را و هر که بزرگ ندارد قرآنرا سبک داشته حرمت خدا را و حرمت قرآن بر خدا چون
حرمت پدر است بر فرزند و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که حاملان قرآن ایشانرا احاطه کرده رحمت
خدا پوشیده اند نور خدا را یا حاملان قرآن دوست شوید بخدا بر بزرگ داشتن کتاب او که زیاده دوست
دارد شما را و دوست گرداند شما را بخلق خود دفع میشود از شنونده قرآن شر دنیا و دفع میشود از
خواننده آن بلاء آخرت و البته که از برای شنونده یک آیه از کتاب خدا بهتر است از زر عرش تا منتهای زمین
زیرین و گفت صلی الله علیه و آله اگر میخواهید زندگی نیک بختان و مرگ شهیدان و رستگاری در روز
حسرت و سایه در روز گرمی و راه راست در روز گمراهی پس درس خوانید قرآن را که آن کلام رحمن است
و حفظ از شیطان و زیادتی در ترازو و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که بخوانید قرآنرا و حفظ کنید آنرا
که بدرستیکه خدای تعالی عذاب نمیکند دلی را که ظرف قرآن است و فرمود صلی الله علیه و آله که هر که
حفظ کند قرآنرا و یاد گیرد و نگاه دارد و حلال داند حلال او را و حرام داند حرام او را فرود آورد او را خدا
تعالی باین در بهشت و قبول کند شفاعت او را در ده نفر از اهل بیت او که هر یک از ایشان واجب باشد از
برای او دوزخ و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که باید که باشد بزرگتر کلام شما ذکر خدا و خواندن قرآن
از برای آنکه پرسیدند از رسول خدا صلی الله علیه و آله که کدام از عملها فاضلتر است نزد خدا تعالی
فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله که خواندن قرآن و تو در وقت مردن تر باشد زبان تو از ذکر خدا تعالی

و فرمود

وفرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که قران خواندن در مصحف فاضلتر است از خواندن بر دل وفرمود صلی الله
علیه و آله که هر که بخواند هر روز صد آیه از مصحف بترتیل و ترس و آرام بنویسد خدا از برای او از ثواب بقدر
آنچه عمل کرده اند آنرا اهل زمین و هر که بخواند دویست آیه از کتاب خدا بنویسد خدا از برای او از ثواب بقدر
آنچه عمل کرده اند آنرا جمیع اهل آسمان و اهل زمین وفرمود ابو عبدالله حسین بن علی علیهما السلام که بناء کتاب
خدا چهار چیز است بر عبادت و اشارت و لطائف و حقایق پس عبادت از برای عوامست و اشارت
از خواص و لطائف از اولیاء و حقایق از پیغمبران **فصل سی ام** در فضایل بسم الله الرحمن الرحیم روایت
شده از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام که آنحضرت فرمود بسم الله الرحمن الرحیم نزدیکتر است باسم
اعظم از سیاهی چشم بسفیدی آن و از پیغمبر صلی الله علیه و آله چون بگوید معلم صبی را که بگوی بسم الله الرحمن
الرحیم پس بگوید صبی که بسم الله الرحمن الرحیم بنویسد خدا برائت از برای معلم او از دوزخ و از ابن مسعود از پیغمبر
صلی الله علیه و آله که آنحضرت فرمود هر که میخواهد که برهاند او را خدا از نوزده زبانیه باید که بخواند بسم الله
الرحمن الرحیم که این نوزده حرفست تا آنکه بگرداند خدا هر حرفی را از آن سپری از هر یک از ایشان و روایت کرد
عبدالله بن مسعود از پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنحضرت فرمود هر که بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بنویسد از
برای او خدا بهر حرفی چهار هزار حسنه و محو کند از وی چهار هزار گناه و رفیع کرداند از برای او چهار هزار درجه
و روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بنا کند خدا از برای او در بهشت
هفتاد هزار قصر از یاقوت در هر قصری هفتاد هزار خانه از مروارید سفید در هر خانه هفتاد هزار تخت
از زبرجد سبز بر هر تختی هفتاد هزار فراش از سندس و استبرق و بر آن زنیست از حور العین و او راست هفتاد
گیسو آراسته بمروارید و یاقوت نوشته بر رخسار راست او محمد رسول الله و بر رخسار چپ او علی ولی الله و بر جبین
او حسن و بر زنخدان او حسین و بر دو لب او بسم الله الرحمن الرحیم گفتم یا رسول الله از کیست این کرامت فرمود
از آنکه بگوید بحرمت و تعظیم که بسم الله الرحمن الرحیم فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله چون بنده نزد خواب خود بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم که میگوید خدا بتعالی که ای فرشتگان من بنویسید نفس او را تا صباح وفرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله

که چون بگذرد مؤمن بر صراط بگوید بسم الله الرحمن الرحیم فرو نشیند زبانه آتش و گوید که بگذر ای مؤمن که نور
تو فرونشاند زبانه مرا و پرسیدند پیغمبر صلی الله علیه و آله را که آیا میخورد شیطان با آدمی فرمود بلی هر خوانی
که ذکر نشود اسم خدا بآن میخورد شیطان با ایشان و برمیدارد خدا برکت از آن و نهی کرد از خوردن آنچه
ذکر نشود بر آن اسم خدا بتعالی چنانچه فرمود خدا بتعالی در سورهٔ انعام که وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ
و مخورید از آنچه ذکر نشده است اسم خدا بر آن **فصل سی و یکم** در مدح قران خوان از برای خدا و مذمت
قران از برای غیر خدا و در ثواب تعلیم کردن فرزند قران را از امام محمد باقر علیه السلام فرمود خوانندگان
قران سه اند مردی که بخواند قران را پس فرا گیرد آنرا سرمایه و بکشد بآن بجود پادشاهان را و بزرگی کند بر مردمان
و مردی که بخواند قران را پس حفظ کند حروف آنرا و ضایع کرداند حکمهای آنرا و مردیکه بخواند قران را پس بگذارد
دواء قران را بر درد دل خود پس بیدار کرداند بآن شب خود را و تشنه دارد بآن روز خود را و ایستاده بآن در
مسجدهای خود و خالی سازد بآن پهلوی خود را از فراش خود پس بسبب اینها دفع میکند خدا بلا را و باینها
فرو میفرستد خدا از آسمان باران و باینها غالب میکرداند خدا بر دشمنان و بخدا سوگند که اینها در خواندن قران
عزیزترند از کبریت احمر وفرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که بسا قران خوان که قران لعنت کند او را وفرمود پیغمبر
صلی الله علیه و آله که هر که تعلیم کند فرزند خود را قران چنان باشد که حج خانهٔ خدا کرده ده هزار حج و عمره کرده است ده
هزار عمره و آزاد کرده است ده هزار بنده از فرزندان اسمعیل علیه السلام و جهاد کرده است ده هزار جهاد و طعام
داده ده هزار درویش مسلمان که سیر او چنان باشد که پوشیده است ده هزار برهنه مسلمانرا و نوشته شود از
برای او بهر حرفی ده ثواب و محو شود از وی ده گناه و باشد با وی در قبر وی تا آنکه برخیزد و سنگین باشد ترازوی
عمل او و بگذرد بر صراط چون برق جهنده و مفارقت نکند از وی قران تا فرود آورد او را بمنزل کرامت
فاضلترین آنچه او را در دارد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود هر که تفسیر کند قران را برای خود
پس راست تفسیر کند اجر داده نشود و اگر خطا کند هست گناه آن بر وی **فصل سی و دوم** در فضیلت
نیکی با پدر و مادر فرمود خدا بتعالی در سورهٔ بقره که وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ

وَبِالْوَالِدَیْنِ اِحْسَانًا و یاد کنید چون فرا گرفتیم عهد فرزندان یعقوب را که نپرستید شما مگر خدا را و نیکی کنید با پدر
و مادر نیکی کردنی و در سورهٔ نساء وَاعْبُدُوا اللّٰهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَیْنِ اِحْسَانًا بندگی کنید خدا را
و شریک مسازید بوی چیزی را و نیکی کنید با پدر و مادر نیکی کردنی و فرمود در سورهٔ بنی اسرائیل و
قَضٰى رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوا اِلَّا اِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَیْنِ اِحْسَانًا اِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ اَحَدُهُمَا اَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ
لَهُمَا اُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي
صَغِيرًا و حکم کرد پروردگار تو بآنکه نپرستید مگر او را و دیگر بآنکه نیکوئی کنید با پدر و مادر نیکوئی کردنی اگر
برسد نزد تو پیری یکی از ایشان یا هر دو از ایشان پس مگو مر ایشان را اف و مزن بانگ بر ایشان و بگوی مر ایشان را
سخنی نیکو و فرا گیر بر ایشان بال خواری از رحمت و بگوی ای پروردگار من رحم کن بر ایشان چنانچه پروردند
مرا در کودکی که خورد بودم و در سورهٔ لقمان وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ اُمُّهُ وَهْنًا عَلٰى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ
فِي عَامَيْنِ اَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ اِلَيَّ الْمَصِيرُ و وصیت کردیم آدمی را بنیکی با پدر و مادر برداشت و را مادر
او در حال ضعف و باز کردن او را از شیر در گذشتن دو سال و وصیت کردیم بآنکه شکر کن مرا و پدر و مادر
خود را و بسوی حکم منست باز گشت همه و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که خواب کردن تو ای تخت پهلوی
پدر و مادر خود در نیکی ایشان فاضلتر از جهاد کردن تو است بشمشیر در راه خدا یتعالی و فرمود رسول خدا
صلی الله علیه و آله که یا علی خوشنودی خدا جمیعا در خشنودی پدر و مادر است و ناخشنودی خدا در ناخشنودی
ایشان و گفت بگوئید نافرمان بردار پدر و مادر را که بکن هر چه خواهی که نمیآمرزم ترا و بگوئید نیکوکار با ایشان
را که بکن هر چه خواهی که بدرستیکه من خود میآمرزم ترا و فرمود صلی الله علیه و آله که لازم میآید پدر و مادر را
آزردن فرزند چون فرزند صالح باشد آنچه لازم است فرزند را از برای ایشان و فرمود صلی الله علیه و آله
که پنج چیز از گناهان کبیره است شرک آوردن بخدا و آزردن پدر و مادر و گریختن از جنگ کافران و کشتن شخصی
ناحق و سوگند دروغ میگرداند خانها را خراب و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که بزند پدر و مادر خود را
پس او ولد الزنا است و هر که آزار کند همسایهٔ خود را پس او ملعونست و هر که دشمن دارد اهل بیت مرا پس

او ملعونست و منافق و زبان کار یا علی بزرگ دار همسایه را و اگر چه کافر باشد و بزرگ دار مهمان را و اگر چه
کافر باشد و فرمان بردار باش پدر و مادر را و اگر چه کافر باشند و رد مکن خواهنده را و اگر چه کافر باشد
و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که یا علی دیدم بر در بهشت نوشته است که تو حرامی بر هر که بخیل است و ریا
کننده و آزار دهندهٔ پدر و مادر و آنکه بدگوئی مردمان کند

فصل سی و سیم در خبرهای متفرقه

از علی بن موسی الرضا علیهما السلام باسناد خود از پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود چون بردند مرا باسمان گرفت جبرئیل
دست مرا و نشاند مرا بر بساطی از بساطهای بهشت پس داد بمن بهی پس من میگردانیدم آنرا ناگاه شکافت
و بیرون آمد از آن دختری حوری که ندیدم بهتر از آن در بهشت پس گفت السلام علیک یا رسول الله پس گفتم
تو کیستی گفت من راضیهٔ مرضیه آفرید مرا خداوند جبار از سه چیز پائین مرا از مشک و میان مرا از کافور و بالای
مرا از عنبر و سرشت مرا از آب حیوة پس فرمود مرا خداوند جبار بباش پس موجود شدم آفرید مرا خداوند
از برای برادر تو و پسر عم تو علی بن ابی طالب علیه السلام و گفت پرسیدند پیغمبر صلی الله علیه و آله را که چیست
بنای بهشت گفت خشتی از طلا و خشتی از نقره و گل آن از مشک خوش بوی و فرمود رسول خدا صلی الله علیه
و آله که چون روز قیامت شود بحساب بدارد خدا بندهٔ مؤمن را پس واقف کرداند او را بر گناهان او یک یک
پس بیامرزد او را و مطلع نگرداند خدای عز و جل بر این فرشتهٔ مقرب را و نه پیغمبر مرسل را و بپوشد چیزی که
نخواهد که واقف شود بر آن احدی بعد از آن فرماید گناهان او را که ثواب شو و روایت شده از پیغمبر صلی الله
علیه و آله که چون ببینی توانگری را که روی دارد بتو بگو گناهیست که تعجیل شده است عقوبت آن و چون ببینی
درویشی را که روی دارد بتو بگو که خوش آمدی ای شعار صالحان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که چون
ظاهر شود در امت من ده خصلت عقوبت میکند ایشانرا خدا یتعالی بده خصلت عرض کردند چیست آن یا
رسول الله فرمود چون کم کنند دعا را فرود آید بلا و چون ترک کنند صدقه را بسیار شود بیماریها و چون ترک
کنند زکوة را هلاک شوند چهارپایان و چون ظلم کند پادشاه منع شود باران از آسمان و چون بسیار شود در
ایشان زنا بسیار شود مرگ مفاجات چون بسیار شود ربا در ایشان بسیار شود زلزله و چون حکم کنند بخلاف

فرو فرستاده است خدا مسلط شاید خدا بر ایشان دشمن ایشانرا و چون بشکنند عهد خدا را مبتلا کند ایشان
را خدا بکشتن و چون [illegible] کیل را بکیرد خدا ایشانرا بقحطی بعد از ان خواند رسول خدا صلی الله علیه و آله
ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِی النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ظاهر شد
تباهی در صحرا و دریا بانچه کرده است دستهای ادمیان تا انکه بچشاند ایشانرا بعضی از جزای انچه کرده اند
شاید که ایشان باز کردند و پیغمبر فرمود صلی الله علیه و آله که شیطان در میاید در فرزند ادم از راه خون
و از امام جعفر صادق علیه السلام فرمود طلب مکن از دنیا چهار چیز که نمییابی تو انرا و تو ناچاری از ان عالمی
که عمل کند بعلم خود پس باقی ماندی تو بی علم و عمل بی ریا که باقی ماندی تو بی عمل و طعام بی شبهه که باقی ماندی بی
طعام و دوست بی عیب که باقی ماندی تو بی دوست امد نزد و اعرابی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله پس
کفت یکی که یا رسول الله کدام از ادمیان بهترند فرمود انکه دراز باشد عمر او و نیکو باشد عمل او و عرض کرد
دیکری که یا رسول الله کدام از عملها فاضلتر است فرمود انکه در وقت مردن زبان تو تر باشد بذکر خدا و روایت
شده باسناد صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از پدران او علیهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه
و آله وصیت کرد با امیر المؤمنین علیه السلام بود در انچه وصیت کرد بان انکه فرمود او را که یا علی هر که حفظ کند
چهل حدیث طلب کند در این رضای خدای عز و جل و سرای اخرت را برانکیزاند او را خدا روز قیامت با پیغمبران
و صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو ایشانند رفیقان و از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود اللهم ارحم
خلفائی یا رخدایا رحم کن خلیفهای مرا کفتند یا رسول الله کیستند خلیفهای تو فرمود انان که میایند بعد از من روایت
روایت میکنند حدیثهای مرا و سنتهای مرا وصیت طلب کرد مردی از امیر المؤمنین علیه السلام در وقتیکه بیرون
میرفت از پی سفر پس فرمود امام علیه السلام که اگر میخواهی مصاحب پس خدا کافیست ترا و اگر میخواهی رفیق
پس کرام الکاتبین کافیست ترا و اگر میخواهی مونس پس قران کافیست ترا و اگر میخواهی کاری پس عبادت
کافیست ترا و اگر میخواهی وعظ پس مرگ کافیست تو را و اگر کافی نیست انچه ترا ذکر کردم من از این پس اتش روز
قیامت کافیست ترا نوشته مردی عالم از اهل تصوف چهل حدیث و حکایت پس اختیار کرد از ان چهار کلمه

که فرموده است امیر المؤمنین علیه السلام و انداخت یا قرار در دریا و ان چهار کلمه اینست فرمان بری کن خدا را
بقدر حاجت خود بوی و نافرمانی خدا [illegible] بقدر طاقت خود بر عقوبت وی و عمل کن برای دنیای خود بقدر
مقام خود در ان و عمل کن برای اخرت خود بقدر بقاء خود در ان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که زود
باشد که بیاید بعد از من حدیثها پس انچه موافق باشد با کتاب خدا اخذ کنید انرا و انچه مخالف باشد انرا
پس ترک کنید انرا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که چون خلوت کنی پس بسیار یاد کن خدا را و چون زیارت کنی
پس زیارت کن در راه خدا که بدرستیکه هر که زیارت کند در راه خدا پیروی کنند او را هفتاد هزار فرشته
از امیر المؤمنین علیه السلام فرموده بود رسول خدا صلی الله علیه و آله چون میدید چیزی که مکروه میداشت
میفرمود الحمد لله بنعمة الله تتم الصالحات از ابن عباس کفت شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که میفرمود
بدرستیکه خدای تبارک و تعالی خلق کرده از نور روی علی بن ابی طالب علیه السلام فرشتکانرا که تسبیح و تقدیس میکویند
و مینویسند ثواب این را از برای دوستان او و دوست فرزندان او و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر تازه
بدعت است و هر بدعت کمراهی و هر کمراهی در دوزخست و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که چون ببینید
بر منبر من یکی را از شما که خطبه میکوید در مقام من پس بکشید او را و روایت کرده جابر بن عبد الله انصاری که
فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی طویل که یا علی بدرستیکه دوستان تو میباشند بر منبرها از
نور سفید است رویهای ایشان قبول میشود شفاعت ایشان و میباشند در بهشت همسایکان من میکویم
که صاحبان منبرها بزرکی میکنند بمنبرها در دار الغرور که دنیا است پس چکونه باشد بزرکی دوست علی علیه السلام
بمنبرهای نور در دار السرور که اخرت است و فرمود صلی الله علیه و آله که هر که دوست دارد علی را پاکیزه است اصل
او و هر که دشمن دارد علی را پشیمانست در روز قیامت و فرمود صلی الله علیه و آله که هر که دوست دارد علی را
البته که از حد درکذشته است و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که یا علی هر که دوست دارد ترا پس بدرستیکه
دوست دارد مرا و هر که دوست دارد مرا بتحقیق که دوست داشته است خدای تعالی را و هر که دشمن دارد مرا دشمن
داشته است خدا را و هر که دشمن دارد خدا را پس بروی باد لعنت خدا و فرشتکان و ادمیان همه و کفت پیغمبر ص

که دوستی اهل بیت من نفع میدهد در هفت موضع از هولهای عظیم ان نزد مرك و نزد قبر و نزد بر انگیختن
و نزد کتاب و نزد حساب و نزد ترازوی اعمال و نزد صراط و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که نیست حساب بر
هفتاد هزار شیعه و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که مثل اهل بیت من چون مثل کشتی نوح است هر که سوار
شد دران نجات یافت و هر که تخلف کرد از ان غرق گردید و فرمود صلی الله علیه و اله که مثل امت من مثل باران
است که معلوم نیست که اول ان بهتر است یا اخر ان و فرمود صلی الله علیه و اله که مثل مؤمن قوی چون درخت خرما
است و مثل مؤمن ضعیف چون زرع تازه است و فرمود صلی الله علیه و اله که مثل مؤمن چون سنبله است حرکت
میدهد او را باد پس می ایستد یکبار و می افتد یکبار و مثل کافر چون درخت کاجست که دایم ایستاده است
تا انکه از بیخ بر اید و فرمود صلی الله علیه و اله که ای مردمان بدرستیکه پروردگار شما یکیست جمیع شما از ادم است
و اوا از خاکست و بدرستیکه بزرگوارترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شما است و نیست عرب را بر عجم فضلی مگر
پرهیزکاری فرمود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که خواندم توریة و انجیل و زبور و فرقانرا پس برگزیدم از هر
کتاب کلمه از توریة هر که خاموش شد رستگار شد و از انجیل هر که قانع شد سیر شد و از زبور هر که ترك کرد شهوتها
را سلامت یافت از بلاها و از فرقان هر که توکل کرد بر خدا و گذاشت کار خود را بوی پس خدا کافیست او را فرمود
پیغمبر صلی الله علیه و اله ثواب صدقه ده برابر است و ثواب قرض هجده از ابی هریره گفت پرسیدند رسول خدا صلی
الله علیه و اله را که کدام از عملها فاضلتر است فرمود انکه داخل کردانی بر برادر خود شادی و قضا کنی از وی قرض
او را یا طعام دهی او را نان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که هر که گرسنه شود یا محتاج شود پس بپوشد انرا از مردمان
حقست بر خدا که روزی کند او را روزی یکساله از حلال از پیغمبر صلی الله علیه و اله انکه فرمود هر که بگوید وقتی که
جای میگیرد در جامه خواب که اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ سه بار بیامرزد خدا
گناهان او را و اگرچه باشد مثل کف دریاها و اگرچه باشد بعدد ریگ عالج و اگرچه باشد بعدد ایام روزهای دنیا
روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه و اله که او گفت فرمود خدا تعالی که من گذاشتم پنج چیز را در پنج چیز و مردمان می
طلبند در پنج چیز دیگر پس نمی یابند انرا بدرستیکه من گذاشتم عزترا در طاعت خود و مردمان طلب میکنند از در گاه

پادشاهان پس نمی یابند انرا و بدرستیکه من گذاشتم علم و حکمت را در گرسنگی و مردمان طلب میکنند در سیری
پس نمی یابند انرا و من گذاشتم راحت را در بهشت و مردمان طلب میکنند در دنیا پس نمی یابند انرا و من گذاشتم
توانگری را در قناعت و مردمان طلب میکنند در مال پس نمی یابند انرا و من گذاشتم رضاء خود را در خلاف
خواهش و مردمان طلب میکنند انرا در خواهش پس نمی یابند انرا و فرمود صلی الله علیه و اله که بار خدایا هر که
دوست دارد مرا پس روزی ده او را بقدر انکه بس باشد او را و هر که دشمن دارد مرا پس بسیار کردان مال او را و
فرزندان او را و فرمود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که سه چیز است که نقصان نفس است فقر و خوف و غم
و سه چیز است که حیوة میدهد نفس را گفتار عالمان و دیدن دوستان و گذشتن روز و شب با کمی بلا و فرمود
صلی الله علیه و اله که یا ابن مسعود دوست دار صالحان را که بدرستیکه مرد با دوست است پس اگر قادر نباشی
بر اعمال نیکو پس دوست دار عالمان و اهل انرا که خدا تعالی میفرماید وَمَنْ یُطِعِ اللهَ وَالرَّسُولَ فَاُولٰئِكَ مَعَ
الَّذِینَ اَنْعَمَ اللهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَالصِّدِّیقِینَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِینَ وَحَسُنَ اُولٰئِكَ رَفِیقًا هر که فرمان برد
خدا را و پیغمبر را پس انگروه با انکسانند که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و راستگویان و شهیدان و
صالحان و نیکو مصاحبانند اینگروه و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام هر که مالك نفس خود باشد در
وقت رغبت و در وقتیکه بترسد و چون غضب کند و چون خواهد چیزی حرام گرداند خدا بدن او را از اتش و
فرمود علیه السلام که میگوید ای فرزند ادم بر مبند دل خود را بخدا و مبند دل خود را بخلق خدا که اگر تو می بندی انرا
بیرد کار خود خدمت میکند او تو را و اگر می بندی انرا بخلق یاری نمیکنند گفته اند که داخل شد بهلول بر متوکل
ملعون پس گفت متوکل او را که چون می بینی این قصر را گفت نیکو بود اگر نبود در ان دو عیب گفت چیست ان
گفت اگر نفقه کردی در ان از مال حلال اسراف کردی وَاللهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ خدا دوست نمیدارد اسراف
کنندگانرا و اگر نفقه کردی در ان از مال حرام پس تو خیانت کردی وَاللهُ لَا یُحِبُّ الْخَائِنِینَ و خدا دوست
نمیدارد خیانت کارانرا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و اله که صلح او رده میان دو کس دوست خدا است در زمین
و بدرستیکه خدا عذاب نمیکند انرا که دوست او است و فرمود صلی الله علیه و اله که بزرگوارترین خلق بر خدا

بعد از پیغمبران عالمان نصیحت کنندگانند وطلب کنندگان علم که متواضع اند در میان مردمان در راه خدا و
فرمود صلی الله علیه واله که هر که صلح اورد میان مردمان صلح اورد خدا میان او و بندگان خود در اخرت وصلح
اوردن میان مردمان از نیکو کاریست از رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود بدرستیکه خدای تعالی وحی کرد
بموسیٰ که ایموسیٰ هر که باشد ظاهر او نیکوتر از باطن او پس او دشمن منست حقا و هر که باشد ظاهر او و باطن او
و باطن او برابر پس مؤمن منست حقا و هر که باشد باطن او نیکوتر از ظاهر او پس او ولی منست حقا پرسیدند لقمان
را از عافیت فرمود بدن بی بلا و دین بی هوا و عمل بی ریاء و فرمود پیغمبر صلی الله علیه واله که بهترین علمها صحبت
نیکانست و بدترین علمها صحبت بدانست و فرمود صلی الله علیه واله که مؤمن ولی خدا است و خدا ضایع
نمیکذارد ولی خود را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه واله که رحمت کند خدا بندهٔ را که سخن کوید پس غنیمت یابد یا
خاموش باشد پس سلامت یابد و بدرستیکه مالکترین چیزیست ادمی را اکاه باش که کفتار بند هم وبال
است او را مکر ذکر خدا یا امر بمعروف یا نهی از منکر یا صلح اوردن میان مؤمنان فرمود خدایتعالیٰ که لا خیر فی
کثیر من نجویٰهم الا من امر بصدقة او معروف او اصلاح بین الناس نیست نیکی در بسیاری از راز کفتن ایشان
مکر انکه امر کند بصدقه دادن یا نیکو کردنی یا صلح اوردنی میان مردمان کفت وهب بن منبه که دیدیم بیست و
دو کلمه در توریة و ان اینست نیست کنجی نفع دهنده تر از علم و نیست مالی سود دهنده تر از حلم و نیست نسبی
پست تر از غضب و نیست مصاحبی اراسته تر از عدل و نیست رفیقی زشت تر از جهل و نیست شرفی عزیزتر از پرهیز
کاری و نیست کرمی ارام دهنده تر از ترک هوا و نیست عملی فاضلتر از تفکر و نیست حسنه بالاتر از صبر و نیست کناهی
خوار کننده تر از کبر و نیست چیزی نرم تر از مهربانی و نیست دردی دردناک تر از ترس و نیست رسولی عادلتر
از حق و نیست غنائی بدبخت تر از جمع کردن مال و نیست فقری خوار کننده تر از طمع و نیست حیوتی خوش تر از
صحت و نیست معیشتی کوارا تر از پرهیزکاری و نیست عبادتی نیکوتر از خشوع و فروتنی و نیست زهدی بهتر از
قناعت و نیست نکاه داری نکاه دارنده تر از خاموشی و نیست غایبی نزدیکتر از مرک و نیست راهنمائی نصیحت
کننده تر از راستکوئی و فرمود رسول خدا صلی الله علیه واله که عقل سه جزو است پس هر که باشد در وی این سه

پس او غافل است و هر که نباشد این در وی پس عقل نیست او را نیکوئی شناختن خدا و نیکوئی طاعت از برای
خدا و نیکوئی ظن بخدا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه واله حکایت از قول خدا که من نزد ظن بندهٔ خویشم بمن و
فرمود پیغمبر ص که راستکوئی هدایت میکند بنیکی و نیکی هدایت میکند به بهشت و فرمود صلی الله علیه و
اله که بشارت باد مؤمنان ضعیف خوار شده را بعد از من به بهشت و فرمود بشارت باد راه روان راه خدا را
در تاریکی بنوری تمام در روز قیامت و فرمود پیغمبر صلی الله علیه واله که هر که بکذرد بکورستان و بخواند
قل هو الله احد یازده بار پس ببخشد ثواب ان بمردکان بدهند او را از ثواب بعدد امردکان

فصل سی و چهارم در خبر از واقعه های عظیمه

روایت کرد جابر بن عبد الله انصاری که حج کردم با رسول
خدا صلی الله علیه واله در حجة الوداع پس چون بجای اورد پیغمبر صلی الله علیه واله انچه فرض بود بر وی
از حج فرمود بدرستیکه من وداع میکنم کعبه را پس کرفت حلقهٔ در را و ندا کرد باواز بلند که ای مردمان پس
جمع شدند اهل مسجد و اهل بازار پس فرمود پیغمبر صلی الله علیه واله که بشنوید که من میکویم انچه بعد از من هست
باید که برسانند حاضر شما غایب شما را بعد از ان کریه کرد رسول خدا صلی الله علیه واله تا انکه کریستند از کریهٔ
او مردمان جمیعا پس خاموش شدند از کریه فرمود بدانید رحمت کند شما را خدا که مثل شما در این زمان مثل
بر کیست که نیست خاری در ان تا چهار صد سال پس میاید بعد از این خار و برک تا دویست سال پس میاید بعد
از این خاری که نیست برکی در ان تا انکه نه بینند در ان مکر پادشاه ستمکار یا مالدار بخیل یا عالم رغبت کنندهٔ
در مال یا درویش دروغکوی یا پیر نابکار یا پسر بیحیا یا زن اراسته بعد از ان دیکر کریه کرد رسول خدا صلی الله
علیه واله پس برخواست سلمان رحمه الله نزوی و عرض کرد یا رسول الله خبر ده ما را چه وقت میشود این پس
فرمود انحضرت صلی الله علیه واله ای سلمان هرکاه کم بشود علماء شما و برود قراء شما و قطع نمایند زکوة را
و ظاهر سازند منکر را و بلند سازند صداها را در مساجد و بکردانند دنیا را بالای سر خود و علم را زیر پای
خود و تکذیب نمایند احادیث خود را و غیبت را میوهٔ لذیذ خود و حرام را غنیمت خود و رحم نکند بزرک شما
کوچک شما را و بزرک ندارد کوچک شما بزرک شما را پس در ان وقت فرود میاید بر شما لعنت و میاندازد در

میان دشمنی و باقی میماند دین در میان شما سختی بزنهای شما پس چون بیاید شما را این خصلتها منتظر باشید
باد سرخ را یا سنگ باران و دلیل صدق این جمیع در کتاب خدا است عز و جل قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ
عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ
لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ بگو خدا میرهاند شما را ازان و از هر اندوهی پس شما شرک میاورید پس بگو او است توانا
میپوشاند پاره شما را سختی بسبب پاره بنگر چگونه میگردانیم اینها را تا شاید ایشان فهم کنند پس برخاستند
جماعتی از صحابه و گفتند یا رسول الله خبر ده ما را که در چه وقت باشد فرمود در وقت عقب انداختن نمازها
و پیروی کردن شهوتها و آشامیدن شرابها و دشنام دادن پدران و مادران را تا آنکه دانند حرام را غنیمت و
زکوة را تاوان و فرمان برد مرد زن خود را و جفا کند همسایه خود را و ببرد از خویش و ببرود رحم از بزرگان و
کم شود شرم کودکان و محکم کنند بناها را و ظلم کنند غلامان و کنیزان او حاضر شوند با گواهی دهند بهوای نفس
و حکم کنند بجور و حسد برد مرد برادر خود را و معامله کنند شریکان با هم بخیانت و کم شود وفا و فاش شود
زنا و زینت کنند مردان بجامهای زنان و ببرود از زنان مقنعه حیا و اثر کند کبر در دلها چون اثر زهر در بدنها
و کم شود نیکی و ظاهر شود جرمها و سهل گردد گناهان بزرگ و طلب کنند مدح را بسبب مال و نفقه
کنند مال را بغنا و خوانند کی و مشغول شوند بدنیا از آخرت و کم شود پرهیزکاری و بسیار شود طمع و هرج
و مرج یعنی فتنه و اضطراب و صباح کند مؤمن ذلیل و منافق عزیز و مساجد ایشان معمور باشد باذان و
دلهای ایشان خالی باشد از ایمان بسبب خفیف و سبک داشتن قرآن و برسد مؤمن را از ایشان هر خواری
پس نزد این ببینی روبهای ایشان را چون روبهای آدمیان و دلهای ایشان دلهای شیاطین گفتار ایشان
شیرین تر از عسل و دلهای ایشان تلخ تر از حنظل پس ایشان گرگانند و بر ایشان جامهها است نیست هیچ
روز الا آنکه میفرماید خدا تعالی که آیا پس مرا فریب میدهید یا بر من دلیری میکنید آیا پنداشتید که خلق کردم
شما را مگر بعبث و شما بما باز نمیگردید پس قسم بعزت و جلال من اگر نمیبودند آنانکه عبادت میکنند مرا بیک
چشم برهم زدن و اگر نمیبود پرهیز پرهیزکاران از بندگان من فرو نمیفرستادم از آسمان یکقطره باران

و نمیرویانید یک برگ سبز را عجبا عجب عجبست از قومیکه خدایان ایشان مالهای ایشان است و دراز است
امیدهای ایشان و کوتاه است اجلهای ایشان و حال آنکه ایشان طمع دارند نزدیکی بمولی و صاحب خود
و نمیرسند مگر بعمل و تمام نیست عمل مگر بعقل و روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه و آله که در ده بعد از
ششصد جراحتها و کشتنها است و پر کرده زمین از ظلم و جور و در بیست بعد ازان واقع شود مرگ عالمان باقی
نماند مردی بعد از مردی و در سی بعد ازان کم شود نیل و فرات تا آنکه زراعت نکنند مردمان بر کناران و
در چهل بعد ازان بیارد آسمان سنگ چون تخم مرغان پس هلاک شوند بهایم ازان و در پنجاه بعد ازان مسلط
شوند بر ایشان درندگان و در شصت بگیرد آفتاب پس بمیرند نصف جنیان و آدمیان و در هفتاد بعد ازان
متولد نشود از مؤمن مؤمن و در هشتاد بعد ازان بگردند زنان چون شجاعان و در نود بعد ازان بیرون آید
دابة الارض از زمین و با وی باشد عصای آدم علیه السلام و انگشتر سلیمان و در نهصد بیرون آید آفتاب سیاه و
تاریک ترسید از ما بعد ان و در خبر دیگر است که در سال نهصد و هشتاد ظاهر شود زنی که او را سعیده گویند
بارش و سیل چون مردان و بیاید از زمین مصر با دویست هزار سواران و سیر کند تا عراق را این قصه ایست
طویل و عظیم و در سال نهصد و هشتاد و هفت ظاهر شود از روم مردی که او را مزید گویند در میان هفتصد
قطار بیر و این علیست بر هر علی قطاری صلیبیست در زیر هر صلیب هزار هزار سوار فرنگی و نصرانی و این قصه ایست
عظیم طویل در زمان او بیرون آید از ایشان مردی از مکه که او را حنیان بن حرب گویند و در خبر دیگر وقت
خروج او تا ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله سه ماه باشد نباشد یک روز زیاده و نه کم و روایت شده
از معلی بن خنیس از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود بدرستیکه امر سفیانی از امرهای واجبست
و بیرون آمدن و خروج او در ماه رجبست و این قصه ایست طویل و امریست عظیم و از سخنهای بزرگ دعائی
است روایت شده منقول از امام ناطق جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام من الله الخالق الرازق که سزاوار است
دوستان را که بخوانند این را در زمان غیبت الامام المهدی علیه صلوات الله الرازق القوی اللّٰهُمَّ
عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ

تعرفني رسولك لم اعرف حجتك اللهم عرفني حجتك فانك ان لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني يا الله يا رحمن يا رحيم يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك بحرمة محمد رسولك وآله الطيبين الطاهرين الهادين الى دينك برحمتك

يا ارحم الراحمين

تم الكتاب بعون الله

الملك

الوهاب

وقد طبع في المطبعة المرتضوية في النجف الاشرف

لصاحبها

الحاج شيخ محمد صادق الكتبي حفظه الله تعالى

بمباشرة الاستاد محمد رضا الغروي

كتبه الجاني احمد بن

الشيخ محمد حسين

الزنجاني

١٣٥٢

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۹	۱۸	۵	۲۹	۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۸	۱۷	۴	۲۸	۳۰	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۷	۱۶	۳	۲۷	[illegible]			[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۶	۱۵	۲	۲۶	۲۸			[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۵	۱۴	۱	۲۵	۲۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۴	۱۳	۳۱	۲۴	۲۶	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۳	۱۲	۳۰	۲۳	۲۵			[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۲	۱۱	۲۹	۲۲	۲۴	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۱	۱۰	۲۸	۲۱	۲۳			[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۰	۹	۲۷	۲۰	۲۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۱۹	۸	۲۶	۱۹	۲۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۱۸	۷	۲۵	۱۸	۲۰		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۱۷	۶	۲۴	۱۷	۱۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۵	۲۳	۱۶	۱۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]